

مقدمه فی بر

تدوین غزلهای حافظ

دکتر سلیم نیاری

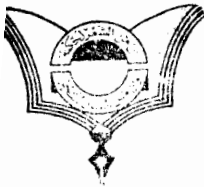
۱/۱۶

۲۷/۱۰

دکتر سلیم نیاری

مقدمه‌ی برتدوین غزلهای حافظ

۱/۱۵۴



تاسیس ۱۳۷۶
کتابخانه تخصصی ادبیات

مقدمه‌ئی بر

تدوین غزل‌های حافظ

چاپ اول: بهمن ماه ۱۳۸۵

مجموعه آثار دکتر سلیم نیساری

مجله علمی و ادبی

پیشگفتار و مقدمه

در بیان اهمیت و جایگاه حافظ

دکتر سلیم نیساری

مجموعه آثار دکتر سلیم نیساری

مقدمه‌ئی بر تدوین غزل‌های حافظ
چاپ اول: آبان ۱۳۶۷
تیراژ: ۳۲۰۰ جلد
چاپ و صحافی: چاپخانه بهمن
حق چاپ برای نویسنده محفوظ است
مرکز بخش: انتشارات علمی
خیابان انقلاب، مقابل دربزرگ دانشگاه

پیشگفتار

چاپ اول «غزل‌های حافظ» به تدوین نویسنده این سطور چهارده سال پیش انتشار یافت. با وجود استقبال از این چاپ چون از انتخاب بعضی از کلمات (چنانکه در صفحه ۱۴۳ اشاره شده) ناخشنود بودم، در تجدید چاپ درنگ کردم و به بررسی و مقابله نسخه‌های خطی قرن نهم ادامه دادم. بتدریج بر شمار این نسخه‌های خطی افزوده شد تا به رقم ۳۴ نسخه رسید.

در ضمن مقابله، دیگر سانیهای این نسخه‌ها را در دفتری تنظیم می‌کردم. و درباره بعضی نکات نیز که مورد اختلاف نظر حافظ پژوهان است نتایج مذاقه خود را یادداشت مینمودم.

کسی نمی‌تواند ادعا کند که در همه موارد اختلاف، گفته اصیل حافظ همان است که او انتخاب کرده است. با اینحال پس از چهارده سال بررسی و مقابله ضبط نسخه‌های خطی کهن متن مستندی از غزل‌های حافظ برای چاپ دوم آماده شد.

در نظر داشتم اگر وسایل و امکانات فراهم شد سه جلد (غزل‌های حافظ، دفتر دیگر سانیها، و بررسی انتقادی دیگر سانیها) همزمان منتشر گردد تا متن مستند مشهودی در اختیار خوانندگان قرار گیرد. یعنی بانگاهی به دفتر دیگر سانیها مشخص گردد که متن منتخب متکی بر کدام منبع یا منابع است و درباره قرائتهایی که نیازمند بحث و توضیح است برداشتهای نویسنده در معرض تعاطی افکار قرار گیرد.

در این اوان ابتکار و اهتمام کمیسیون ملی یونسکو همگام با تهیه برنامه‌های اجرایی کنگره بین‌المللی بزرگداشت حافظ، درحق مؤلفان و حافظ پژوهان نیز یاری و پشتیبانی مغتنمی ارزانی داشت و تسهیلاتی فراهم شد تا مؤلفان بتوانند آثار قلمی خود را همزمان با تشکیل کنگره عرضه کنند.

در فرصت کمی که تا تشکیل کنگره بزرگداشت حافظ باقی مانده بود چاپ هیچیک از کتابهایی که ذکر شد به پایان نمی‌رسید. ضمن مرور یادداشتهای مربوط به مقدمه آن کتابها تصمیم گرفتم که با استفاده از همان مطالب کتاب کوچکتری به نام «مقدمه‌ئی بر تدوین غزلهای حافظ» طرح‌ریزی کنم.

تعیین ضابطه‌هایی برای تدوین غزلهای حافظ هسته مرکزی چنین تألیفی را به خود اختصاص میداد. برای اینکه هر نظر و پیشنهادی که عرضه میشود بر زمینه تجارب مطمئنی استوار باشد، لازم بود الگوها و شیوه‌های تدوین غزلهای در چاپهای مهم مورد ارزیابی قرار گیرد. اما برای تنظیم ضابطه‌هایی که بتواند رؤس نظریات پژوهشگران را دربرگیرد مراجعه به توضیحات مندرج در مقدمه هر چاپ کافی نبود و ناگزیر میبایست چگونگی اجرای طرح و ضابطه در چاپهای مشهور مورد تفحص قرار گیرد.

چاپ علامه قزوینی با نسخه خطی خلخال (مورخ ۸۲۷) مقابله شد و چکیده اختلاف میان آن دو، برای نخستین بار پس از گذشت چهل و هفت سال از تاریخ انتشار، در کتاب حاضر ارائه میشود. از میان چاپهای دیگر، یادداشتهای تحقیقی شادروان فرزاد بسبب شیوه متفاوت و ویژگیهای آن، و چاپ دکتر خانلری، که آخرین چاپ مستندی است که بر پایه چهارده نسخه خطی کهن تدوین شده است، بررسی شد. در این بررسیها هدف اصلی ملاحظه چگونگی تطبیق عملکرد مصححان در رابطه با طرح و ضوابطی بود که پیشنهاد کرده‌اند. مسأله مقایسه انتخاب کلمات و عبارات در متن بطور کلی در مد نظر نبوده و بحثی از این دید مطرح نگردیده است.

آنچه در گفتار هفتم آمده است بیانگر احساس و اندیشه‌ئی در باب تعیین ضوابط و ملاکهای تدوین غزلهای حافظ است و متضمن توضیح روشی است که نویسنده، «غزلهای حافظ» را بر آن اساس تدوین کرده است. البته ممکن

است هر پژوهنده در این باب نظریات متفاوتی داشته باشد. اتفاق نظر در همه فروغ امر شاید باسانی حاصل نشود ولی غیرممکن نیز نمی باشد.

در حصول امکانات مربوط به بررسیهای خود از بذل لطف و معاضدت سروران و دوستانی برخوردار بوده ام. دوست گرامی آقای شمس الدین خلخالی نه تنها نسخه خطی مورخ ۸۲۷ را در اختیار اینجانب گذاشت بلکه مدت چند ماه در مقابله آن نسخه با چاپ قزوینی اشتراك مساعی نمود. استاد ارجمند آقای دکتر خانلری از بذل عنایت بمنظور تسهیل مراجعه به متن عکسی بعضی از نسخه های قرن نهم دریغ نورزید، دوست دانشمند آقای دکتر جلالی نائینی پیشنهاد مقابله عکس نسخه اساس مورخ ۸۲۴ را بامتن چاپی آن پذیرفت و جلسات متعددی وقت مغتنم خود را برای این کار اختصاص داد تا به اتفاق به این مهم پرداختیم. شاعر گرانقدر آقای عبدالعلی ادیب برومند يك دوره فتوکپی نسخه خطی مورخ ۸۷۴ را در اختیار نویسنده گذاشت. عرض سپاس و امتنان در برابر الطاف آنان را بر خود فرض میدانم.

از راهنمائیهای ارزشمند و مساعدت رؤسا و مدیران گنجینه های نسخه های خطی و دیگر بخشهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه ملی، و کتابخانه ملک که در فراهم ساختن تسهیلات لازم کمال لطف را مبذول داشتند نهایت سپاسگزار میباشم. همچنین لازم میدانم از مدیر و کارکنان چاپخانه بهمین که در آماده ساختن این کتاب در مهلت محدود توجه و سعی وافیه به کار بردند صمیمانه تشکر کنم.

آبان ۱۳۶۷ - سلیم نیساری

فهرست مندرجات

کفتار اول

آغاز تدوین دیوان حافظ

- | | |
|----|---|
| ۱ | چرا حافظ اشعار خود را تدوین نکرد ؟ |
| ۶ | دستنویس حافظ |
| ۹ | دستنویسهائی از شعر حافظ در زمان حیات او |
| ۱۳ | تدوین اشعار حافظ بوسیله محمد گلندام |

کفتار دوم

دوره رواج نسخه‌های خطی

- | | |
|----|---|
| ۲۲ | ویژگیهای نسخه‌های خطی |
| ۲۴ | - ناهماهنگی در نظم غزلها |
| ۵ | - اختلاف در ترتیب توالی ابیات در هر غزل |
| ۲۶ | - سهو در کتابت |
| ۳۰ | بررسیهای جنبی در نسخه‌های خطی |
| ۳۳ | |

کفتار سوم

دوره رواج چاپ

- | | |
|----|--------------------|
| ۳۵ | چاپهای قدیم |
| ۳۶ | چاپهای جدید |
| ۳۷ | الف - چاپهای آزاد |
| ۴۱ | ب - چاپهای مستند : |

- | | | | |
|----|----------------------|----|-----------------------------|
| ۴۴ | ۲- چاپ قزوینی- غنی | ۴۱ | ۱- چاپ خلخالی |
| ۴۸ | ۴- جامع نسخ حافظ | ۴۶ | ۳- غزلهای خواجه حافظ شهرازی |
| ۵۰ | ۶- چاپ دانشگاه پنجاب | ۴۹ | ۵- دیوان کهنه حافظ |
| ۵۴ | ۸- چاپ دکتر قریب | ۵۱ | ۷- چاپ دکتر جلالی نائینی |
| ۵۶ | ۱۰- چاپ دکتر خانلری | ۵۶ | ۹- چاپ دانشگاه تبریز |

گفتار چهارم

تاریخچه شناسائی، معرفی، و استفاده از نسخه‌های خطی قرن نهم ۵۹

- ۱۳۰۶- استفاده از نسخه مورخ ۸۲۷ تا ... ۶۰
 ۱۳۵۹- استفاده از چهارده نسخه کهن تا ۷۹
 معرفی نسخه‌های خطی دیوان حافظ در کتاب احوال و آثار خوشنویسان ۶۶
 معرفی نسخه‌های خطی دیوان حافظ در فهرست نسخه‌های خطی قارسی ۷۲
 تاریخچه شناسائی نسخه مورخ ۸۱۳ معروف به نسخه ایاصوفیه ۸۰

گفتار پنجم

- ۸۸ بررسی انتقادی سه چاپ مشهور
 ۹۵ سخنی درباره دیوان حافظ به تصحیح علامه قزوینی
 ۱۴۳ مسعود فرزاد در جستجوی حافظ صحیح
 ۱۶۷ مروری بر دیوان حافظ به تصحیح دکتر خانلری

گفتار ششم

- از سخن حافظ تا ضبط نسخه‌های خطی
 ۱۹۱ و از ضبط نسخه‌های خطی تا نمونه‌های چاپی
 ۱۹۲ دلایل ایجاد دیگرسانیه‌ها
 ۱۹۳ - اصلاحات خود شاعر
 ۱۹۷ - موارد ایجاد نسخه بدلها بوسیله کاتبان
 ۱۹۹ - اشتباههای دستنویسی در نسخه‌های خطی
 ۲۰۳ از نسخه‌های خطی تا متون چاپی

گفتار هفتم

ضوابط تدوین غزلهای حافظ

- ۲۰۴ ویژگی کاربرد غزلهای حافظ
- ۲۰۵ دیوان حافظ در دو جلد
- ۲۰۸ انتخاب منابع
- ۲۱۰ چهار اقدام اساسی در تدوین غزلهای حافظ
- ۲۱۰ ۱- انتخاب غزلهای
- ۲۱۳ ۲- تعیین ابیات متن هر غزل
- ۲۱۵ ابیات متضمن مدح بعد از بیت تخلص
- ۲۱۹ تکرار قافیه در غزلهای حافظ
- ۲۲۵ ۳- تشخیص ترتیب ابیات در هر غزل
- ۲۲۶ ۴- انتخاب کلمات و عبارات متن
- ۲۲۷ توضیحی درباره مسأله تأیید اکثریت نسخ
- ۲۲۹ سخنی درباره انواع تصحیحات
- ۲۳۰ - تصحیح ذوقی
- ۲۳۱ - تصحیح قیاسی
- ۲۳۱ - تصحیح املائی
- ۲۳۳ فرهنگ بسامدی وازگان غزلهای حافظ
- ۲۳۴ دفتر دیگر سانیها در غزلهای حافظ
- ۲۳۶ بررسی انتقادی دیگر سانیها در غزلهای حافظ

گفتار اول

آغاز تدوین دیوان حافظ

چرا حافظ اشعار خود را تدوین نکرد؟

وقتی دیوان شاعری را به دست میگیریم کمتر نگران این موضوع هستیم که آیا خود شاعر دیوانش را تدوین کرده است یا دیگری به این کار همت گماشته است.

ضمن مرور شرح زندگی شعرا تا قرن نهم هجری بطور مثال همینقدر آگاهی مییابیم که دیوان مسعود سعد را سنائی غزنوی فراهم آورد. دیوان ابن یمن در ۱۳ صفر ۷۴۳ در جریان جنگی به چنگ غارتگران افتاد و سالها طول کشید تا توانست آنچه را که در دست دیگران بود گردآوری کند. عبدالرحمان جامی سراینده بزرگ قرن نهم دیوان خود را سه بار تنظیم نمود و آخرین بار در سال ۸۹۶ آن را در سه بخش تدوین کرد و به فاتحة الشباب، واسطة العقد، و خاتمة الحیوة موسوم ساخت ...

اما طرح این پرسش درباره دیوان حافظ دو سبب دارد: یکی بخاطر اشاره صریحی ست در مقدمه جامع دیوان (منسوب به محمد گلندام). نویسنده این مقدمه از قول حافظ جواب این پرسش را با این مضمون بیان میکند که هر گاه مذاکره میشد که «این فراید

فوايد را همه در يك عقد ميبايد كشيد و اين غرر درر را در يك سلک ميبايد پيوست ...»^۱ حافظ از اين کار سرباز ميزده و «ناپروائی روزگار» و «غدر اهل عصر»^۲ را عذر می آورده است. از اين گفته چنين برمی آيد که نه تنها خود حافظ در زمان حيات به تدوين اشعارش مبادرت نورزیده بلکه با اقدامی در اين مورد از طرف شخص دیگری نیز موافق نبوده است.

سبب دوم طرح اين سوآل مربوط است به يکسان نبودن ضبط غزلهاي حافظ در ديوانها و پی آمد آن در زبان حال پويندگان حافظ صحيح در عصر ما، که در ميان اينهمه ديگرسانی سرگردانند و چه بسا که ميرسند: چرا حافظ خود به تدوين اشعارش اقدام نکرد؟ بديهی ست اگر جائي متن غزلها به دستنويس خود حافظ به دست می آمد، و يا اگر معلوم میگشت که نسخه ئی مستقيماً از دستنويس حافظ رونويسی شده است به اينهمه گفتگو درباره اختلاف کلمات و عبارات در غزلهاي حافظ نقطه پایانی رقم می خورد.

* * *

شمس الدين محمد متخلص به حافظ در سال ۷۹۲ هـ. ق. چشم از جهان فرو بست. تاريخ تولد او بدرستی معلوم نیست. اما از نوشته های تذکره نويسان چنين برمی آيد که در حدود هفتاد سال زندگي کرده است. نخستين اشارات در غزلهاي حافظ مربوط است به زمان فرمانروائی ابواسحاق اينجو در فارس (۷۴۲ تا ۷۵۵)

۱- ديوان حافظ چاپ قزوینی صفحه قز مقدمه.

۲- در صفحه قح مقدمه جامع ديوان در چاپ قزوینی «ناراستی روزگار» قيد شده ولی در دو نسخه خطی مورخ ۸۲۴ و ۸۳۶ «ناپروائی روزگار» کتابت شده است.

بدین ترتیب دوران شاعری او را میتوان در حدود پنجاه سال تخمین زد .

در بعضی از نسخه های خطی کهن ، که خواسته اند همه غزل های حافظ را درج کنند ، بتفاوت میان ۴۰۰ و حداکثر در حدود ۵۰۰ غزل به نام حافظ نوشته شده است . این رقم نشان میدهد که حافظ با وجود قدرت طبع اصراری به پر حجم ساختن دیوان اشعار خود نداشته است . گفته های حافظ در طول مدت شاعری وی حتی از متوسط آمار یک غزل در یک ماه هم کمتر میشود . و از این بابت گرد آوری و تدوین این مقدار شعر در طول مدت زندگانی کار دشواری نبوده است .

اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران زندگی حافظ ، انقلابها و تحولاتی که در زمان حکومت آل اینجو و آل مظفر در فارس رخ داد ، اختلافها و کشمکشها میان خود افراد خاندان آل مظفر ، و سپس یورش تیمور زندگی آرام و رفاه و آسایشی برای کسی باقی نگذاشته بود .

حافظ که طبع روانی در سرودن شعر داشت در این شرایط و اوضاع میبایست راه خود را انتخاب کند . اگر سودجوئی به هر بهائی مورد نظر او بود کافی بود که در مسیر حرکت و اوضاع ناخوشایند اجتماعی حال موافق و رویه هماهنگی نشان بدهد ، قصیده سرائی پیشه سازد ؛ سروده های خود را به مدح امرا و حکام ظالم اختصاص دهد ، و از آنها صله و انعام طلب کند .

امیر مبارز الدین محمد مؤسس سلسله آل مظفر شخصی بود

سفاكو ریاكار. با آنكه مدتی از عمر خود را به فسق و فجور گذرانده بود ، ولی وقتی برشاه ابواسحاق غلبه یافت خواست برخلاف سلف خود، كه مردم فارس در زمان حكومت وی به خوشی و تنعم خو گرفته بودند ، قدرت نمائی كند . بدین منظور به دستاویز اجرای احكام شرع ، خود نیز در بستن میخانه‌ها و شكستن خم مشاركت ميكرد . بعضی از تاریخ‌نویسان معاصر امیر مبارزالدین به‌روش چرب زبانی ، ستمگری چون او را به دینداری و اجرای شریعت اسلام ستوده‌اند . از جمله معین الدین یزدی در كتاب مواهب الهی در ذیل عنوان «ذكر انابت حضرت خلافت پناه» توضیح میدهد كه :

«... دواعی توفیق حلقه انابت بر درخلوتخانه دل زد ...های و هوی مستان به تكبیر خداپرستان مبدل شد و گلبانگ میخواران به دعای دینداران عوض یافت . مستوره بنت العنب اگر بی حجاب رخ مینمود آبروی حرمتش میریخت و هر كه دست در محرمات میزد، یا پای در حد منكرات مینهاد بی حد ادب مییافت ... چهره مبارك كه افروخته جام مدام بود ، سیمای متعبدان گرفت ...»^۱

حافظ نه تنها يك بیت در تمجید و تأیید اعمال عوامفربانه امیر مبارز الدین نسروده ، بلکه با ذكر محتسب (عنوانی كه مردم شیراز به وی داده بودند) یالقب خم شكن ، ریاکاری او را مورد نكوهش و سرزنش قرار داده است .^۲

معارضه و مبارزه حافظ منحصر به يك فرد معین یا دسته‌ئی خاص نبود . حكام ظالم ، و اعظان فریبگر ، زاهدان آزمند ، و

۱- مواهب الهی تألیف معین الدین یزدی . تهران : اقبال ، ۱۳۲۶ ، ص ۱۰۶ - ۱۰۳ .

۲- محتسب شیخ شد و فسق خود از یاد بیرد ... به بانك چنگ مخورمی كه محتسب تیزاست ... و موارد دیگر .

صوفیان نیرنگ ساز همه نشانه تیر طعنه و انتقاد او بودند. طبیعی است که حافظ در چنین شرایط محیط زمان خود مانند هر کسی که بخواهد برخلاف حرکت آب شنا کند با ناسازگاریها و دشواریهایی درگیر بوده است. غزلهای او بمنزله مدار کی بود که میتوانست ناگواریهایی برای او پیش بیاورد.

باستناد قرائنی در چگونگی املای بعضی از کلمات در نسخه های خطی این فرضیه بیرون از احتمال نیست که حافظ متن اشعار را بجای اینکه به خط خود در اختیار علاقه مندان قرار دهد برای آنها قرائت میکرد و خواستاران هر غزلی آن را خودشان کتابت میکردند.

در غالب موارد بودن ابیاتی در بعضی از نسخه ها با قافیه مشترك، و آنهم در باره يك مضمون واحد در يك غزل، در کنار دلایل دیگر این احتمال را نیز در ذهن ایجاد میکند که خود شاعر مجال پاکتویس نیافته و یادداشت های اصلی غزلهای وی باقید دو بیت با قافیه مشترك درباره يك مضمون به دست جامع دیوان یا کاتبان دیگر رسیده است.

برای اینگونه ابیات متضمن قافیه مکرر میتوان يك دلیل دیگر نیز فرض کرد و آن اینکه حافظ، که خود همواره در تنقیح و تهذیب گفته های خویش اقدام نمیکرده است، امکان داشت متن غزلی را همراه با بیتی معین در اختیار طالبی بگذارد. پس از مدتی بجای آن بیت معین بیت دیگری با همان قافیه بسازد و این بار متن همان غزل همراه با بیت متفاوتی در دسترس افراد دیگر قرار بگیرد.

دستنویس حافظ

در کتاب خاطرات و خطرات به قلم حاج مخبر السلطنه هدایت که چاپ اول آن در سال ۱۳۲۹ منتشر شد در صفحه ۱۲۹ عکس قطعه‌ئی گراور شده است که آن را دستنویس خواجه حافظ شیرازی دانسته‌اند. طبق توضیح مندرج در ذیل عکس این قطعه را میرزا علی کازرونی به فرهاد میرزا معتمدالدوله (فرزند عباس میرزا ولیعهد) اهدا کرده است.

نویسنده قطعه نام خود را «شمس الحافظ شیرازی» و تاریخ کتابت را با حروف ۷۷۴ تصریح کرده است.

در شماره نهم سال چهارم مجله یغما (آذر ۱۳۳۰) در صفحه ۴۲۷ عکس قطعه دیگری به چاپ رسیده است که آن هم به خط همین کاتب است. تصویری از هر دو قطعه در پایان کتاب افزوده شده است.

در آخرین قسمت شرح زندگي «حافظ شیرازی» مندرج در لغت‌نامه دهخدا به نقل از روزنامه دوست ایران^۱ شماره ۴۶ به قلم سمینوف مطلبی نوشته شده است که چنین آغاز میشود:

«در شعبه کتابهای خطی شرقی کتابخانه دولتی شهر تاشکند (ازبکستان) نسخه خطی خمسة امیر خسرو دهلوی موجود است که نه تنها از لحاظ قدمت بلکه از نقطه نظر اینکه سه منظومه خمسة یعنی هشت بهشت، خسرو و شیرین، و اسکندرنامه را خود حافظ بزرگترین شاعر ایرانی استنساخ کرده فوق العاده جالب توجه است...»

در این مقاله ضمناً اشاره شده است که منظومه «مطلع الانوار» در این مجموعه به خط احمد بن ولی بن عبدالله شیرازی است و نام کاتب

۱- در لغت نامه شرح بیشترى در معرفى این روزنامه قید نشده است.

«لیلی و مجنون». در پایان این منظومه قید نشده است. دو نمونه از خط این خمسه در لغت نامه کلیشه شده است و پس از ذکر منبع که روزنامه دوست ایران باشد این جمله نیز در لغت نامه افزوده شده است: «با اینهمه نمی توان یقین داشت که این کتاب به خط حافظ صاحب ترجمه باشد.»

در ضمن تصاویری که در پایان جلد دوم کتاب «تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی» تألیف سعید نفیسی (تهران: فروغی، ۱۳۴۴) افزوده شده است عکس سه صفحه از نسخه خطی خمسه امیر خسرو دهلوی متعلق به کتابخانه علوم فرهنگستان ازبکستان در تاشکند به چاپ رسیده است. مؤلف ذیل آن نمونه های خط بطور ساده قید کرده است «به خط حافظ».

در ذیل یکی از صفحات که پایان مثنوی خسرو و شیرین است کاتب نام خود را «محمد بن محمد بن محمد الملقب به شمس حافظ» رقم زده است.

در سال ۱۳۴۵ هیأتی از استادان دانشگاه تهران بنا به دعوت انجمن فرهنگی ایران و شوروی از مؤسسات فرهنگی شوروی دیدن کردند. اعضای این هیأت عبارت بودند از پرفسور شمس، دکتر غلامرضا کورس، جلال افشار، مهندس ریاضی، دکتر فرهاد، دکتر گلگلاب، جمال افشار، دکتر عمید و دکتر منوچهر وارسته. گزارش این سفر را آقای عبدالکریم طباطبائی مدیر سالنامه دنیا، که خود او نیز همراه این هیأت بود، در سالنامه دنیا (سال ۱۳۴۵) زیر عنوان «در ازبکستان شوروی» درج کرده است.

در قسمتی از این گزارش آقای طباطبائی مینویسد که در کتابخانه

انستیتوی خاور شناسی تاشکند خانم صباحت عظیم رئیس انستیتو کتاب خطی قطوری را که دیوان امیر خسرو دهلوی بود به میهمانان نشان داد و اظهار نمود که این کتاب دستنویس حافظ شیرازی است و آن را در سال ۷۵۶ ه. ق. نوشته است. نوشته کاتب در آخر کتاب را خواندیم چنین بود: «کتابه الفقیر محمد بن محمد بن محمد الملقب بشمس حافظ احسن الله احواله فی الثالث جمیدی الاول سنه ست و خمسين و سبعائه و الحمد لله عمداً کثیرا وسلم تسلیما».

دکتر گلگلاب پس از دقت در خط این کتاب میگوید این خط، دستنویس حافظ شیرازی نیست و متعلق است به کاتبی که همعصر حافظ بوده و نامش هم شباهتی به حافظ دارد. ولی «محمد الملقب به شمس حافظ» غیر از «شمس الدین محمد حافظ» است. بدنبال این توضیح دکتر گلگلاب اضافه میکند که «از دیوان حافظ فقط و فقط یک جلد به خط او از حوادث زمانه محفوظ مانده و من چند سال قبل در خانقاه صفی علیشاه در تهران دیدم».

در کتابهایی که اشاراتی به شرح احوال و زندگی حافظ دارند هیچ جامطلبی درباره خوشنویسی او ذکر نشده است. از فحوای غزلهای حافظ شاید بتوان نسبت به علاقه و آشنائی او در موسیقی سخن گفت اما هیچ اشارتی به حسن خط او در غزلهایش وجود ندارد. گویا همشهری بودن و همعصر بودن کاتبی به نام محمد بن شمس باشاعری به نام شمس الدین محمد موجب شده است که بعضی این دو شخصیت جدا گانه را یکی تصور کنند. افزودن عنوان و لقب «حافظ» همراه نام نیز در سده های گذشته مرسوم بوده است. گذشته از چند شاعر که در شعر «حافظ» تخلص میکردند، کاتبانی هم بودند که قرآن را از

برداشتند و همراه نام خود عنوان «حافظ» هم می افزودند.

دستنویسهایی از شعر حافظ در زمان حیات او

۱- کتاب ارزشمند المعجم فی معائیر اشعار العجم به تصحیح شادروان علامه محمدقزوینی با مقابله با سه نسخه خطی در سال ۱۹۰۹ میلادی در بیروت به چاپ رسید. استاد فقید مدرس رضوی با استعانت چند نسخه خطی دیگر تصحیح مجددی از این کتاب به عمل آورد که در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در تهران چاپ شد.

یکی از منابع مورد استفاده مرحوم مدرس رضوی نسخه خطی المعجم متعلق به مرحوم ذکاءالملک فروغی بود که در فاصله ۷۷۵ تا ۷۸۱ در شهر بغداد بوسیله کاتبی به نام عمادالدین عبدالرحمن بن فقیه کتابت شده است و مصحح آن را با نشانه نسخه ذکر می کند. در این کتاب آنجا که مصنف به تعریف غزل می پردازد، در حاشیه صفحه ۳۰۷ چاپی، مدرس رضوی چنین توضیح می دهد:

«کاتب نسخه ذکر چند موضع کتاب از خود تصرفاتی نموده و اشعاری افزوده است. از جمله در اینجا چند غزل از جلال الدین عضد و سلمان ساوجی و حافظ شیرازی و ابن فقیه (کاتب نسخه) از خود اضافه نموده و خود نیز تصریح کرده است که از خود افزوده است و گوید «چون مثال مصنف در سیاقه الاعداد و تکریر و تقسیم و تسمیط خالی از لطایف شعری بود چند مثال از خود آوردم.»

مدرس رضوی در این حاشیه اضافه می کند که «ما آن اشعار را که بر اصل نسخه افزوده بود در هر چهار مورد انداختیم.»

آن غزلی که ابن فقیه در دستنویس مورخ ۷۸۱ زیر عنوان «مولانا محمدحافظ گوید» نوشته است مطلعش این است:

عکس روی تو چو در آینه جام افتاد

عاشق از خنده می در طمع خام افتاد^۱

۲- در کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان يك مجموعه خطی وجود دارد که قبلاً به کتابخانه شهرداری اصفهان تعلق داشت. در این مجموعه که به نام «بیاض تاج الدین احمد وزیر» شهرت یافته است عده‌ای از معاصران و نزدیکان تاج الدین احمد به درخواست وی مطالبی بر اساس معلومات یا محفوظات خود به شعر یا نثر نوشته‌اند. تاریخ تنظیم و کتابت این بیاض ۵۷۸۲.ق. (ده سال پیش از درگذشت حافظ) می‌باشد. این مجموعه در سال ۱۳۵۳ از طرف دانشگاه اصفهان به روش افست به چاپ رسیده است.

در این بیاض ضمن تحریرات اشخاص مختلف دو غزل با تصریح نام حافظ و يك قطعه و يك بیت بدون ذکر نام او درج شده است. یکی از کاتبان با ذکر عنوان «لمولانا شمس الدین محمد الحافظ دام فضله» این غزل را نوشته است:

خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست

گشاد کار من اندر کرشمه های تو بست...

و شخص دیگر غزل به مطلع زیر را در این بیاض کتابت کرده است:

۱ - متن این غزل بر اساس ضبط این فقهه در دستنویس کتاب المعجم، در کتاب اشعار و احوال حافظ نوشته سعید نفیسی (تهران: اقبال، ۱۳۲۱) ص ۵ و ۶ درج شده است.

روضه خلد برین خلوت درویشان است
مایه محتشمی خدمت درویشان است
اما آن قطعه حافظ که بدون ذکر نام شاعر و با قید عنوان
«فی طلب الوظیفه» در این جنگ نوشته شده است نخستین بیتش این
است :

به سمع خواه رسان ای رفیق وقت شناس
به خلوتی که دران اجنبی صبا باشد
درهمین جنگ درضمن ابیات متفرق و جمله‌های پند آمیز
بدون ذکر نام شاعر این بیت حافظ نیز نوشته شده است :
زاهد دهم توبه ز روی تو زهی روی

هیچش ز خدا شرم وز روی تو حیانیست
۳- در کتابخانه سلیمانیه استانبول يك سفینه خطی شامل نظم
و نثر فارسی و عربی (مکتوب به سال ۷۶۳) وجود دارد که به شماره ۲۸۰
ثبت شده است . فیلم این نسخه خطی به شماره ۵۰۸ و نسخه عکسی
آن به شماره ۱۰۷۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مضبوط
است . روی برگ شماره ۴۰ در این جنگ با عنوان «لمولانا شمس
المله والدین محمد حافظ غزل زیر در هفت بیت نوشته شده است :
دوش در حلقه ما قصه گیسوی تو بود

تا دل شب سخن از سلسله موی تو بود
۴- پشت ورق اول يك نسخه خطی از تلویحات سهروردی
مکتوب در قرن هفتم هجری که متعلق به آقای کرامت رعنا حسینی
میباشد، غزل حافظ به مطلع «گرمی فروش حاجت رندان روا کند...»

مندرج است و از قراین در اواخر قرن هشتم نوشته شده است.^۱
 ۵- آقای محیط طباطبائی در مجله وحید شماره اول سال ۱۳۵۰
 مقاله‌ای زیر عنوان «قدیمیترین مأخذ کتبی حافظ» نگاشته، ضمن آن
 پس از اشاره به نسخه خطی مورخ ۷۸۱ کتاب المعجم و جنگ
 شهرداری اصفهان مکتوب به سال ۷۸۲ شرحی درباره معرفی يك
 نسخه خطی مجموعه اشعار اضافه میکند. آقای محیط طباطبائی
 تاریخ تقریبی تحریر این مجموعه را، که مشتمل بر غزلیات شاعران
 سده‌های ششم و هفتم و هشتم میباشد، در حدود ۷۶۰ تا ۷۶۵
 تخمین میزنند. متن اصلی سه غزل از حافظ:

دوش می‌آمد و رخسار برافروخته بود...

خوش است خلوت اگر یار یار من باشد...

حالی‌ما مصلحت وقت دران می‌بینم... ضمن این مقاله گراور
 شده است.

۶- شادروان علامه قزوینی در مقدمه‌ای که بر دیوان حافظ
 نوشته است در حاشیه صفحه کط قید نموده است که بیست و چند سال
 قبل که در پاریس اقامت داشت آقای علیقلی نبیل الدوله در ضمن
 سفر به امریکا مقداری کتاب خطی همراه داشت و در پاریس
 آنها را به ایشان نشان داد. مرحوم قزوینی مینویسد تا آنجا که
 به خاطر دارد يك جلد نسخه خطی از دیوان حافظ نیز که ظاهراً

۱- مطلب مربوط به تلویحات به نقل از مقاله «سخنی مقدماتی در باب طرح
 کتابشناسی سعدی و حافظ» نوشته ایرج افشار، حافظ‌شناسی، جلد اول، ۱۳۶۴،
 ص ۱۳۰ - ۱۱۷

در حیات خود بخواجه کتابت شده بود در میان آن کتابها بود. بعدها از بعضی شنیده شد که نسخه مزبور گویا به یکی از کتابخانه های مدارس امریکای شمالی فروخته شده است. قزوینی مینویسد اگرچه بسبب طول مدت اعتماد زیادی به حافظه خود ندارد و نمی تواند بنحو حتم و یقین صحت این مطالب را ضمانت نماید. با اینحال به وجود احتمالی چنین نسخه و انتقال آن به امریکا اشاره میکند تا شاید کسی از ایرانیان فاضل که وسایل تحقیق این مطلب برای او میسر باشد بتواند از وجود یا عدم چنین نسخه در امریکا اطلاعی به دست آورد و شك را در این خصوص زایل سازد.

از تاریخ انتشار این مطلب در حاشیه مقدمه دیوان حافظ چاپ قزوینی اکنون چهل و هفت سال میگذرد و هزاران فرد علاقه مند به پژوهش درباره حافظ آن را خوانده اند. و شمار ایرانیان فاضل که در این مدت در اقصی نقاط ایالات متحده امریکا اقامت گزیده اند کم نبوده است؛ ولی هنوز کسی در مورد وجود چنین نسخه خطی از دیوان حافظ اطلاعی منتشر نساخته است. اگر هم منتشر شده باشد نویسنده این سطور از آن آگاهی نیافته است.

تدوین اشعار حافظ بوسیله محمد گلندام

در مقدمه منتسب به محمد گلندام که در آغاز بعضی از نسخه های خطی افزوده شده است این مطلب تصریح گردیده است که مسود آن مقدمه در درسگاه قوام الدین عبدالله، به کرات و مرات و هنگامی که فرصت مذاکره حاصل میشد، در اثنای محاوره میگفت که این فرایند فواید (یعنی غزلهای حافظ) را در یک عقد میباید کشید ولی

خواجه حافظ ناپروائی روزگار را مانع انجام این کار میدانسته و غدر اهل عصر را عذر می آورده است .

از مندرجات مقدمه منتسب به گلندام معلوم میگردد که جامع دیوان بخاطر سوابق دوستی با گوینده غزلها و تشویق و تحریض دیگر دوستان به ترتیب دیوان اشعار حافظ همت گماشت .

قدیمیترین نسخه خطی که مقدمه جامع دیوان در آغاز آن نوشته شده است ، باستناد اطلاعاتی که تاکنون به دست آمده است ، نسخه مورخ ۸۲۴ هـ . ق . متعلق به کتابخانه سیدهاشم علی سبزپوش است که از فضلالی مقیم شهر گورکپور هند بوده است . این نسخه (معروف به نسخه گورکپور) به اهتمام دکتر جلالی نائینی و دکتر نذیر احمد در سال ۱۳۵۰ در تهران به چاپ رسیده است . از آغاز مقدمه جامع دیوان يك ورق افتادگی دارد و آنجا که مطلبی درباره مسود مقدمه عنوان میشود نام جامع دیوان و نویسنده آن مقدمه تصریح نشده است .

دومین نسخه تاریخدار که شامل مقدمه نثر میباشد نسخه خطی مورخ ۸۳۶ هـ . ق . متعلق به آقای دکتر اصغر مهدوی ست . از آغاز این مقدمه نیز يك برگ افتاده است و این نسخه نیز فاقد نام نویسنده مقدمه است .

در نسخه خطی مورخ ۸۹۳ هـ . ق . متعلق به کتابخانه مجلس (مضبوط به شماره ۲۳۹۳) در مقدمه جامع دیوان ، بعد از عبارت «مسود این ورق عفی الله عنه ماسبق» نوشته شده است «اقل انام محمد گلندام» . اما این مقدمه و دوازده صفحه از آغاز غزلیات که افتادگی

داشته است به خط دیگری نوشته شده است . البته نوع کاغذ و شیوه کتابت دلالت بر قدمت آن دارد . ولی همینقدر میتوان احتمال داد که از قرن دهم قدیمتر نیست .

از نسخه های خطی مربوط به قرن دهم که شامل مقدمه جامع دیوان میباشد نسخه مورخ ۹۲۱ متعلق به موزه بریتانیا و نسخه مکتوب به سال ۹۶۳ (به خط محمد بن عربشاه حسینی) مضبوط در کتابخانه مجلس به شماره ۱۴۰۴۹ شایسته ذکر است ولی نام محمد گلندام را ندارند . نسخه دیگر مکتوب به همین تاریخ ۹۶۳ در کتابخانه کاخ گلستان تهران به شماره ۱۲۲۳۴ به خط حسن کاتب وجود دارد که مقدمه جامع دیوان را نیز شامل است . نسخه دیگری در کتابخانه مجلس وجود دارد به شماره ۲۳۹۵ و مکتوب به سال ۹۸۴ که بعد از عبارت مسود این ورق... « اقل انام محمد گلندام » در این نسخه تحریر شده است .

در حاشیه صفحه ۶ دیوان حافظ چاپ جلالی و نذیر احمد نوشته شده است که « در نسخه خطی ستایشگر مکتوب به سال ۹۹۴ چنین آمده است : مسود این ورق عفی الله تعالی عنه ما سبق اقل انام محمد گلندام... » .

از مجموع یازده نسخه خطی ، که علامه فقید محمد قزوینی در تصحیح مقدمه مورد استفاده قرار داد ، چهار نسخه دارای تاریخ و هفت نسخه بدون تاریخ کتابت بوده است . شادروان قزوینی نسخه دبیر خاقان را قدیمیترین نسخه از میان یازده منبع خود معرفی میکند و مینویسد به احتمال قوی ، بنا بر تصدیقی که مرحوم علی بیان الملك

در آخر آن نوشته ، به خط باباشاه خطاط معروف اصفهانی (متوفی ۱۰۱۲ ه.ق.) باید باشد. ضمناً اضافه میکند که اگر این حدس مرحوم بیان‌الملک درست باشد این نسخه را از حیث اقدمیت نسخی که دارای مقدمه جامع دیوان حافظ میباشند باید قبل از نسخه موزه بریتانیة لندن مورخه سنه ۹۲۱ (فهرست ریوج ۲ ص ۶۲۸) محسوب داشت (ص فچ مقدمه دیوان حافظ چاپ قزوینی)^۱

این مطلب که نام جامع دیوان و نویسنده مقدمه (محمد گلندام) تنها در چهار نسخه از منابع قزوینی وجود داشته و در هفت نسخه دیگر ساقط بوده است تردیدی ایجاد کرده و در این باب چنین مینویسد :

«... این فقره یعنی اینکه در هفت نسخه از یازده نسخه از این مقدمه ابدأ اسمی از جامع دیوان حافظ ، که بنا بر مشهور در این اواخر محمد گلندام نامی بوده ، برده نشده بدون هیچ شك و شبهه تولید شك عظیمی در صحت و اصالت نام محمد گلندام مینماید و این احتمال را بسی اختیار در ذهن تقویت مینماید که شاید این نام محمد گلندام الحاقی باشد از یکی از متأخرین گننام که چون دیده این مقدمه بدون اسم مؤلف است خواسته از این فرصت استفاده نموده آن را به نام خود قلمداد کند ...» (ص قز مقدمه دیوان حافظ چاپ قزوینی)^۲

۱- نسخه دبیر خاقان تاریخ ندارد و فاقد نام کاتب است. تنها مرحوم علی بیان‌الملک حدس زده است که آن نسخه به خط باباشاه است و مرحوم قزوینی در این باره مطمئن نبوده چنانکه نوشته است «اگر این حدس درست باشد». با اینحال مرحوم قزوینی آن را مقدم بر نسخه موزه بریتانیا مکتوب به سال ۹۲۱ دانسته است. این نظر را در صورتی میتوان پذیرفت که معتقد باشیم باباشاه اصفهانی (متوفی ۱۰۱۲) دست کم نودویک سال بعد از کتابت نسخه‌ی (فرضاً در همان سال ۹۲۱) هنوز در قید حیات بوده است!

۲- در لغت نامه دهخدا زیر کلمه «گلندام» و با اشاره به نام جامع دیوان حافظ همان شرحی که علامه قزوینی در مقدمه دیوان چاپ خود توضیح داده است نقل گردیده و هیچ مطلبی بر آن افزوده نشده است.

آنچه مسلم است این است که کسی پس از درگذشت حافظ به تدوین اشعار وی همت گماشته و مقدمه‌ئی بر این دیوان نوشته است. آنچنانکه از فحوای مطالب این مقدمه برمی‌آید این شخص بخاطر سابقه دوستی با حافظ و به تشویق یاران خود به این کار دست زده است.

اگر بنا به توضیح مرحوم قزوینی فرض کنیم که کسی به نام محمد گلندام (که به استنباط ایشان یکی از متأخران گمنام بوده) به این سبب که دیده است مقدمه جامع دیوان بدون اسم مؤلف است چند قرن بعد نام خود را بصورت الحاقی در این مقدمه داخل کرده است؛ يك لحظه باید اندیشید که این فرد گمنام با این عمل آیا میخواست است نامی در عصر و زمان خود به دست بیاورد یا برای کسب شهرت در قرون آینده به چنین کاری دست زده است؟. برای تحصیل افتخاری میان همگنان خیلی بعید است که چند قرن بعد از زمان حافظ کسی خود را معاصر حافظ و از ملتزمان درسگاه استاد ابوالبشر قوام المله والدین عبدالله معرفی کند. کسب شهرتی به دروغ در ذهن مردم قرون آینده هم که محتمل ندارد.

برای بودن نام محمد گلندام در بعضی از نسخه‌های خطی و نبودن این نام در نسخه‌های دیگر میتوان از جمله چنین احتمالی را فرض کرد که محمد گلندام نام خود را در داخل متن مقدمه نیفزوده بلکه در پایان مقدمه نام خود را بصورت « اقل انام محمد گلندام » نوشته بوده است. بعضی از کاتبان نسخه‌ها وقتی به انتهای مقدمه رسیده‌اند - همچنانکه در استنساخ هر کتابی معمول بوده است - درج

نام کاتب قبلی را (که در این مورد کاتب نخستین خود مؤلف مقدمه هم بود) ضروری ندانسته‌اند. برعکس بعضی دیگر آن را مهم تلقی کرده و قید آن را در خود متن بدنبال عبارت «مسود این ورق عفا الله عنه ماسبق» لازم شمرده‌اند.

محقق ارجمند محیط طباطبائی، ضمن سخنرانی که در کنگره جهانی سعدی و حافظ در اردیبهشت ۱۳۵۰ در شهر شیراز ایراد نمود، درباره شخصیت تاریخی محمد گلندام شواهدی آورده و امکان مصاحبت وی با حافظ را تأیید کرد. متأسفانه متن این سخنرانی در گزارش کنگره به چاپ نرسیده است.^۱

در مقدمه دیوان حافظ به اهتمام دکتر خاnlری (جلد دوم صفحه ۱۱۳۶) ضمن معرفی نسخه ن نوشته شده است که جنگ یا سفینه‌ئی ست در کتابخانه مجلس که قبلاً متعلق به آقای جعفر سلطان القرائی بوده است و مصحح دیوان به راهنمایی آقای کرامت رعنا حسینی از وجود این نسخه اطلاع حاصل کرده است. در معرفی این سفینه از جمله افزوده شده است که در اول کتاب در ترجمی نام ابو الفتح ابراهیم سلطان قید شده است و در همین مجموعه است که قصیده‌ئی از محمد گلندام در مدح این پادشاه ثبت شده و این شخص همان جامع غزلهای حافظ و نویسنده مقدمه معروف دیوان آن شاعر است.

۱- بمنظور نقل شواهدی از پژوهش آقای محیط طباطبائی چند وقت پیش از ایشان تقاضا کردم متن سخنرانی خود را در اختیار اینجانب قرار دهند. متعذر بودند که متن سخنرانی را موجود ندارند. ضمناً گفتند که منبع تحقیق ایشان همان جنگ اشعار خزانه ابو الفتح ابراهیم سلطان (متعلق به مجلس شورا) میباشد.

ضمن مراجعه به کتابخانه مجلس ملاحظه شد که سفینه یادشده که شامل منتخباتی از چند مثنوی و غزلهایی از عراقی، اوحدی، سعدی، امیر خسرو، حسن دهلوی، سلمان ساوجی، عماد فقیه، خواجهوی کرمانی، کمال خجندی، حافظ، و همام میباشدر کتابخانه مجلس شورا به نام «جنگ اشعار» به شماره ۸۱۶۷ مضبوط است. اشعار حافظ در این سفینه از برگ ۷۷ تا ۸۴ کتابت شده و شامل ۴۶ غزل و یک قطعه (برسر بازار جانبازان...) میباشد.^۱

مقداری از آغاز و قسمتهای مختلف آن افتادگی دارد. در این مجلد از ترنج موشح به نام ابوالفتح ابراهیم و شعر محمد گلندام اثری دیده نشد. پس از تجسس بیشتر در میان نسخه‌های خطی معلوم گردید که این جنگ اشعار اگرچه در اصل یک کتاب بوده ولی بعدها در دو مجلد صحافی شده است، و آن قسمت که حاوی اشعار حافظ است در واقع مجلد دوم این جنگ میباشد. مجلد اول آن زیر عنوان «جنگ اشعار» به شماره ۸۲۰۲ در کتابخانه مجلس ثبت شده است. از آغاز این مجلد نیز یک یا چند برگ افتاده است و تنها صفحه آخر از مقدمه نثر آن باقی مانده است که اهدای این مجموعه را به نام ابوالفتح ابراهیم سلطان تصریح میکند.

این مجلد با قصیده‌ئی از اثیر اومانی با عنوان «فی التوحید الباری تعالی شأنه» آغاز میشود و چند شعر دیگر در همین مضمون

۱- در صفحه بیست مقدمه دیوان حافظ به تصحیح دکتر خانلری (چاپ اول)

ذکر شده که در این نسخه ۴۷ غزل ثبت شده ولی در پایان دیوان تنها نسخه بدل ۴۵ غزل (با اسقاط غزل شماره ۶۹ از آن چاپ یادداشت گردیده و علاوه شده است که یک قطعه نیز جزو غزلها در آن نسخه خطی هست. در چاپ دوم (صفحه ۱۰۷۲ جلد دوم) نسخه ن جزو منابع این قطعه (برسر بازار...) منظور نگردیده است.

از دیگر شاعران . در برگ ۴۳ شمسه یا ترنجی به خط زر رسم شده و داخل آن نوشته شده است : «برسم خزانه السلطان الاعظم الاعدل الواثق بالملك الديان مغيث الدنيا والدين ابو الفتح ابراهيم سلطان خلد الله سلطانه». ذیل برگ ۲۰۸ و همچنین در حاشیه برگ ۲۲۶ نیز که آخرین ورق این مجلد است نام ابو الفتح ابراهيم سلطان قيد شده است. اما هیچ جا تاریخی ذکر نگردیده و کاتب نام خود را نیز به قلم نیاورده است .

ابو الفتح ابراهيم سلطان در سال ۸۱۷ از جانب پدر خود شاه رخ میرزا حکومت فارس یافت . مردی با ذوق و هنر دوست و خوش خط بود و بیست سال در فارس حکومت کرد و در سال ۸۳۸ ه. ق. وفات یافت.

در برگ ۴۶ از دفتر اول «جنگ اشعار» که شرحش ذکر شد قصیده‌ئی در مدح ابراهيم سلطان نوشته شده است با این عنوان «مولانا شمس الدین محمد گلندام گوید». این قصیده دارای ۴۲ بیت است . از آنجا که قصیده گلندام اشاراتی در مورد فعالیت‌های شغلی و ادبی وی را در بردارد نقل ایبائی از آن قصیده در اینجا خالی از فایده نمی‌باشد.^۱

۱- اگر فرض کنیم محمد گلندام این قصیده را در سال اول حکومت ابراهيم سلطان سروده باشد مصادف با ۲۵ سال پس از درگشت حافظ میشود.

مولانا شمس الدین محمد گلندام گوید:

آمد و باغ گل اندام و سمن سیما کرد
 باغ آراسته چون تختگاه دارا کرد
 دیده نرگس سودا زده را بینا کرد
 نکهت باد سحر خاك زمین پیدا کرد
 اهتمام فلک پیر جهان برنا کرد
 خواهدش باد تو گوئی به دمی گویا کرد
 آنکه عدلش به جهان دولت و دین احیا کرد
 حکم بر نیک و بد نامده فردا کرد
 کوه را ضابطه حلم تو پا برجا کرد
 مدتی بارگی نظم جهان پیما کرد
 طبع من بنده به اشعار سخن پیدا کرد
 همچو بلبل به ثنای وزرا آوا کرد
 تائب از شعر شد و داعیه انشا کرد
 بر هر شاه که ره یافت همان القا کرد
 چونکه همواره به درگاه شهنشاه ملجا کرد
 شد مقیم و جهت حب وطن مأوا کرد
 ملک العرش بدین حضرت عرش آسا کرد
 لذت چاشنی مدح تو شکر خا کرد
 بعد از این هرچه به مدح تو توان املا کرد
 روشن است اینکه به خورشید جهان آرا کرد
 طاعت تو به جهان خود نه فلک تنها کرد

نازکی بین که دگر باره صبا پیدا کرد
 دشت برخواسته چون بزمگه کسری ساخت
 بوی پیراهن خونین گل از مصر چمن
 دم عیسی صبا در تن گل روح دمید
 التفات نظر ابر جهان خرم ساخت
 همه تن گشت زبان سوسن و درمدحت شاه
 شاه عادل دل و سلطان کریم ابراهیم
 آن جهاندار جهانگیر که رایش امروز
 باد را قاعده عزم تو سرعت آموخت
 کامگارا سخنم گرچه در ایام شباب
 شعر پوشان قلم را پی مشاطه گری
 همچو نرگس به جمال امرا دیده گشود
 لیک عمری ست که تا خاطر چون آتش و آب
 بهر آن شهر که شد شیوه ایشان ورزید
 حرقتش عرض رسائل بد و تاریخ ملوک
 روزگاری ست به تجدید که تا در شیراز
 بعد از آن ملک حواله چو به تقدیر ازل
 بلبل طبع گل اندام مرا چون طوطی
 سخنم حرز فلک باشد و تسبیح ملک
 تا فلک هر سحری زینت و آرایش خود
 همه عالم چو فلک تابع فرمان تو باد

گفتار دوم

دوره رواج نسخه‌های خطی

وقتی شاعری خواسته بود مضمون فلسفه آفرینش را در بیتی بیاورد پس از سرودن مصرع «ماز آغازوز انجام جهان بیخبریم» در فکر تمثیلی بود که مشهود و موثق و متداول باشد و بالاخره این مصرع را بدنبال آن افزود: «اول و آخر این کهنه کتاب افتاده».

چه بسا نسخه‌های خطی، و از آنجمله نسخه‌های خطی کهن از دیوان حافظ، که در کتابخانه‌ها نگهداری میشود، اول و آخر آنها افتاده است. در نتیجه معلوم نمی‌شود آن نسخه را چه کسی نوشته و در چه تاریخی نوشته است. پژوهشگری کنجکاو وقتی يك نسخه خطی را به دست میگیرد پرسشهای متعددی به ذهنش خطور میکند. از آنجمله می‌خواهد نام کاتب، تاریخ کتابت، محل تحریر و شاید هدف از تسوید آن کتاب را نیز بداند. اما جز در مورد اهدا به امرا و وزرا در کمتر کتاب خطی چنین اطلاعاتی درج میشود.

در نسخه‌های خطی که به دستور مستقیم شاهان و برای کتابخانه‌های خاصه آنان نوشته شده است معمولاً شرح و تفصیل بیشتری در مدح و تمجید آنان درج شده و اگر هم کاتب طبع شعری

داشته ابیاتی مبتنی بر ستایش نیز افزوده است .

اما تشخیص اصالت يك نسخه خطی به آگاهیهائی بستگی دارد مانند آنکه معلوم شود کاتب از روی کدام نسخه (باتوضیح مشخصاتی مانند نام کاتب نسخه اصلی ، تاریخ کتابت آن و ...) استنساخ کرده است. چگونه میتوان به میزان دقت و امانتی که ضمن استنساخ رعایت شده است اطمینان حاصل کرد . پژوهشگر گاهی علاقه‌مند است بداند نسخه خطی مورد بررسی تنها از روی يك متن و بدون هیچگونه تغییر و دستکاری نوشته شده است یا اینکه بیش از يك منبع مورد استفاده بوده است و آیا پس از اتمام کتاب با نسخه اصلی مقابله شده است ؟

در سنت نسخه‌نویسی فارسی همینقدر رسم بوده است که مطلبی معمولاً به عربی در باب پایان پذیرفتن کتاب ذکر میکردند، نظیر این عبارت: «تمت الكتاب بعون ملك الوهاب» . بعضی از کاتبان به قید همین مختصر اکتفا کرده‌اند ولی بعضی دیگر بدنبال آن ، نام خود و تاریخ کتابت و گاهی محل کتابت را نیز افزوده‌اند. نسخه‌های خطی دیگر و از جمله نسخه‌هایی از دیوان حافظ وجود دارد که در پایان کتاب تنها به قید نشانه «تم» (ملخص «تمت») اکتفا کرده‌اند و یادرج سه حرف م بصورت مثلثی را برای این منظور کافی دانسته‌اند: ^۴م

وقتی میخواهیم نسخه‌های خطی دیوان حافظ را که در قرن نهم، و در فاصله حداکثر صدسال از درگذشت حافظ کتابت شده‌اند مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم نکات دیگری علاوه بر تاریخ کتابت نیز درخور توجه میباشد. نسخه‌ئی را که فرضاً درسی سال

اول قرن نهم کتابت شده - ولی مملو از تحریف و دستکاری ست - در مقایسه بانسخه دیگر - که بطور مثال در دهه آخر این قرن اما بادقت و حفظ اصالت و احتمالاً از روی نسخه‌ئی کهن و معتبر استنساخ شده باشد - چگونه میتوان برتر شمرد . قدمت تاریخ کتابت تنها یکی از شرایط برتری ست . نمایش دقت و امانت در استنساخ و احتراز از اشتباههای دستنویسی به سهم خود مزیت ویژه‌ئی در ارزیابی کسب میکند.

ویژگیهای نسخه های خطی

ناهماهنگی در نظم غزلها - گذشته از برگزیده‌هائی از غزلهای حافظ، که یاجدا گانه و یا ضمن سفینه‌هائی مشتمل بر اشعار شاعران متعدد نوشته شده است، نسخه‌های کامل هم از لحاظ نظم و ترتیب درج غزلها باهم مطابقت ندارند. از چگونگی نظم غزلها در آن متنی که نخستین بار محمد گلندام تدوین کرد جائی ذکری به میان نیامده و نشانه‌ئی در دست نیست .

از آنجا که در نسخه‌های کهن شماره گذاری صفحات معمول نبوده است در اثر مراجعه زیاد و بهم خوردن دوخت کتاب مقداری از صفحات پس و پیش میشد و اتفاق می افتاد که کاتبی بدون توجه به نظم صحیح صفحات به استنساخ از چنین نسخه‌ئی بپردازد .

يك وضع خاص نیز در بعضی از نسخه‌های خطی ملاحظه میشود و آن این است که کاتب نخست تعدادی از غزلها را از روی متنی که کامل نبوده است نقل کرده و سپس تتمه غزلها را از روی متن دیگری به رشته تحریر در آورده است. یا در جریان استنساخ از روی منبعی

که شامل همه غزلها نبوده است از يك منبع ديگر نيز استفاده کرده و به سلیقه خود غزلها را دنبال هم نوشته است. این دو حالت را میتوان از جمله علت‌های این کیفیت دانست که در بعضی از نسخه‌ها يك يا چند غزل دوبار کتاب شده و متن دو تحریر با هم فرقهائی دارد. منحصرأ غزل «الایا بها الساقی...» در نسخه‌های کامل خطی سر آغاز غزلهاست. در چاپ‌های قدیم و جدید نیز کمتر مصحح و ناشری خواسته است با تغییر محل این غزل، ولو به دلیل رعایت دقیق نظم الفبائی قوافی، سنت شکنی کند.^۱

بررسی نسخه‌های خطی مربوط به قرن نهم نشان میدهد که غزلها تنها با توجه به حرف آخر قافیه یا ردیف غزل تفکیک شده ولی در داخل غزل‌های مربوط به هر حرف، نظم الفبائی برای قافیه و ردیف رعایت نگردیده است. به نظر میرسد که بعضی از کاتبان به تنظیم غزلها بر حسب ترتیب الفبائی حرف اول مطلع هر غزل (در داخل گروه معین از بابت حرف آخر قافیه و ردیف) توجه داشته‌اند. اما غالباً و بخصوص در گروه غزل‌های مربوط به ردیف حروف ت د م ی که دارای شمار بیشتری هستند همین تفکیک حرف اول مطلع غزلها نیز بطور دقیق انجام نیافته است. دلیل این بی‌نظمی آن است که کاتبان وقت اضافی صرف نمی‌کردند که قبلاً فهرستی از غزلها بر اساس ترتیب الفبائی حرف اول هر مطلع تنظیم کنند. ترتیب فرهنگنامه‌ئی

۱- در دیوان حافظ به روایت احمد شاملو نظم فرهنگنامه‌ئی در حروف

قافیه رعایت شده است.

(رعایت ترتیب الفبائی حروف دوم و سوم...) هم هیچگاه منظور نشده است. گاهی هم پاشیدگی‌هایی در استنساخ غزلها رخ داده مانند آنکه بعضی از غزلها دوبار نوشته شده و بعضی دیگر از قلم افتاده است و حاصل همه این قبیل رویدادها آن شده است که هماهنگی میان نسخه‌ها در نظم درج غزلها ایجاد نگشته است.

اختلاف در ترتیب توالی ابیات در هر غزل

فرق قرار گرفتن ابیات يك قطعه با ابیات يك غزل آن است که در قطعه رابطه منظمی میان ابیات وجود دارد که به سیاق توالی مطلب و موضوع به ترتیبی ثابت و معین بدنبال هم قرار میگیرند. در غزل، به این سبب که معمولا و در غالب موارد هر بیت حاوی مضمون مستقل میباشد، پس و پیش بودن ابیات چندان خللی به ترکیب غزل وارد نمی‌سازد. همین ویژگی موجب شده است که هر گاه کاتبی بیتی را در رونویسی از قلم می‌انداخت، اگر هم متوجه اشتباه خود میشد، مسأله را يك امر بی اهمیت تلقی کرده با درج آن بیت در سطر یا سطور پائینتر از جای اصلی، و یا با حذف آن بیت، به کتابت ابیات دیگر ادامه میداد.

تنها تعدادی از غزلها (بخصوص در میان غزلهای کوتاه ۶، ۷، یا ۸ بیتی) وجود دارد که ترتیب ابیات آنها در همه نسخه‌ها برابر است. در مورد غزلهای دیگر گاهی نسخه‌ها به دو یا سه گروه تقسیم میشوند که هر گروه ترتیب خاصی در ضبط ابیات يك غزل را ارائه میدهد. غزلهایی هم وجود دارد که ترتیب ابیات آنها در همه نسخه‌های

مورد بررسی متفاوت است.

همسانی دو یا چند نسخه در ترتیب ابیات اکثر غزلها ممکن است یکی از نشانه‌های هموندی آن دو یا چند نسخه تلقی شود. به این سبب ممکن است فرض شود که نسخه جدیدتر از روی نسخه قدیمتر استنساخ شده و یا هر دو به یک مأخذ واحد مربوط باشند. البته برای چنین استنتاجی بررسی شباهت در ضبط کلمات و عبارات و همچنین توجه به یکسان بودن اشتباههای دستنویسی دخالت دارد. تنوع در هیأت توالی ابیات هر غزل معلول چهار حالت زیر است :

۱- حذف - گاهی در بعضی از نسخه‌ها يك بیت یا بیش از يك بیت از غزلی حذف شده است. اگر چنین وضعی در مورد همه یا اکثریت غزلها مشاهده شود نمایانگر آن است که کاتب در ابیات هر غزل قصد انتخاب داشته، یا احیاناً خواسته است مجموعه خود را در مدت زمان کمتری به پایان برساند. حذف يك بیت در بعضی از غزلها ممکن است بر حسب اتفاق و عدم توجه پیش بیاید. گاهی هم کاتب به علت خاصی مانند اینکه در قرائت بیتی اشکالی داشته و یا مطلب و مفاد بیت با احساس و باورهای وی همساز نبوده چه بسا که از حذف چنین بیتی ابائی نداشته است.

۲- پس و پیش افتادن تصادفی ابیات - پس و پیش بودن بیتی در يك غزل در درجه اول معلول این اتفاق است که کاتبی در ضمن استنساخ به غیر عمد بیتی را از قلم می‌اندازد و بعد از نوشتن بیت بعدی یا بعد از کتابت چند بیت دیگر وقتی متوجه آن حذف می‌گردد

بیت محذوف را نیز اضافه میکند. در یکی دو نسخه ملاحظه شده است که بیت محذوف حتی بعد از بیت تخلص افزوده شده است. از آنجا که با گذشت زمان نسخه‌های خطی یکی از روی دیگری استنساخ شده است تکرار وقوع چنین حالتی موجب شده است که ترتیب ابیات در يك غزل معین بیش از يك بار پس و پیش بیفتد.

۳- پس و پیش افتادن مصرعها - در تعدادی از نسخه‌های خطی این حالت نیز دیده میشود که کاتبی پس از کتابت مصرع اول يك بیت اشتباها مصرع دوم بیت بعد را مینویسد. برای جبران این اشتباه، از آنجا که خط خوردگی در نسخه‌های خطی متداول نبوده است، در برابر مصرع اول بیت بعدی ناگزیر مصرع دوم بیت ماقبل را کتابت میکند. مواردی هم هست که کاتب متوجه اشتباه خود نشده با حذف مصرع دوم از يك بیت و مصرع اول از بیت بعدی به تحریر ابیات ادامه داده است.

۴- درج ابیات اضافی - تکرار قافیه در يك غزل بطور کلی مخل فصاحت و مباین توانائی طبع شاعر است. در بعضی از غزل‌های حافظ دیده میشود که از يك کلمه دوبار در قافیه استفاده شده است. ولی معمولاً در چنین مواردی شاعر آن کلمه را در دو معنای مختلف به کار برده است مانند «دم» بمعنی لحظه و بمعنی نفس. گاهی هم يك کلمه در دو ترکیب متفاوت از نظر دستوری در قافیه آمده است.

وجود دوبیت با قافیه مشترك بویژه اگر مضمون هر دو بیت مشابه باشد غالباً نمایانگر دو انشاد مختلف قریحه شاعر است که در واقع یکی از آن دو بدل بیت دیگر میباشد و در اکثر نسخه‌های خطی

یکی از دوا نشاد متفاوت کتابت شده است. کاتبان بعضی از نسخه‌ها که هنگام استنساخ غزلها به دو متن متفاوت توجه داشته‌اند؛ و احیاناً هرمتنی صورت متفاوتی از آن بیت معین را دربرداشته است؛ به تصوری که چیزی از گفتار شاعر از قلم نیفتد هر دو بیت را با قافیۀ مکرر ضبط کرده‌اند. همچنین احتمال دارد که در بعضی از نسخه‌ها بیت مکرر را کسی در حاشیه افزوده و کاتبی که از روی چنین نسخه استنساخ کرده هم بیت متن و هم بیت حاشیه را در متن غزل آورده است. در بعضی از غزلها يك بيت يابيشتر بعد از بيت تخلص کتابت شده است که متضمن مدح است و خارج از متن اصلی غزل محسوب می‌گردد ۱.

چند مورد استثنائی در بعضی از نسخه‌ها دیده شده است که کاتب هنگام کتابت غزلی به ذوق خودبیتی در همان وزن و قافیه از يك شاعر دیگر یا از اثر طبع خود اضافه کرده است. بعنوان مثال در میان غزل «معاشران گره از زلف یار باز کنید...» در نسخه خطی که این بیت نیز درج شده است:

چو عشق ما به رخ آن صنم حقیقتی است

شما چرا همگی حمل بر مجاز کنید

پیدا است که کاتب این نسخه با ملاحظه کلمات باز، دراز فراز، راز... به فکرش رسیده که در قافیۀ این غزل از کلمه «مجاز» استفاده نشده است. از اینجهت با کاربرد مضمون عشق مجازی و

۱- درباره ابیات متضمن مدح در آخر غزلها رجوع شود به گفتار هفتم در این کتاب.

۲- دیوان کهنه حافظ، چاپ اول، ص ۱۴۹.

حقیقی (یا بقول خود او : حقیقتی) بیتی سروده و با درج در ردیف دیگر ابیات این غزل آن را به حافظ تقدیم کرده است. گاهی هم به نظر رسیده است که کاتب بیتی را ناخودآگاه دوبار کتابت کرده است.

در مواردی هم که کاتبی متوجه میشد که يك بیت یا مصرعی را مغلوط نوشته است اگر علاقه‌مند بود که متن صحیح آن بیت را از قلم نیندازد ، از آنجا که قلم خوردگی در نسخه‌های خطی مرسوم نبود چاره‌ئی جز آن نداشت که صورت صحیح آن بیت را بار دیگر کتابت کند .

سهو در کتابت

هیچیک از مسائلی که دربارهٔ ویژگیهای نسخه‌های خطی ذکر شد به اندازهٔ مسألهٔ ضبط صحیح و دقیق متن کتاب اعم از نظم یا نثر دخیل و مؤثر نیست. بویژه در مورد دیوان حافظ که اینهمه اختلاف در ضبط کلمات و عبارات آن ایجاد شده است . اگر قسمتی از این اختلافها حاصل اصلاح و تنقیح خود شاعر باشد ، و اگر بعضی دیگر از تفاوتهای در اثر دستکاری و تصحیح ذوقی کاتبان به وجود آمده باشد، اختلافهای دیگر ناشی از سهو و اشتباه در کتابت است. ما اکنون در دنیائی زندگی می‌کنیم که معرف مرحله پیشرفته‌ئی از دانش و تکنولوژی است. صنعت چاپ هم بموازات انواع دیگر دانش و فن پیشرفت کرده است. با همهٔ دقتهایی که از طرف مصححان و ناشران در تصحیح متن کتابها و غلط‌گیری به عمل می‌آید باز هم وجود غلطهای چاپی در کتابهای فارسی يك امر عادی به نظر میرسد.

اگر قرار بود متنی که بوسیله بعضی از حروفچینهای چاپخانه تنظیم می‌گردد بدون امکان هر گونه اصلاح و غلط‌گیری تکثیر بشود کتابهای چاپی چه وضعی میداشت ؟ از دستنویسهای کاتبان دوران پیش از رواج چاپ آنچه به یادگار مانده است متونی است که اصلاح و غلط‌گیری روی آنها معمول نبوده است .

صرف نظر از کاتبانی که از نظر سواد و معلومات و هنر خوشنویسی در درجه دوم قرار داشتند ، در نسخه‌هایی هم که به امر پادشاهان به دست هنرمندان طراز اول خوشنویسی کتابت شده ، و به انواع هنرهای دیگر از تصویر و تزیین و تذهیب و تشعیر آراسته شده است ، باز هم معلوم نیست تا چه میزان صحت و امانت در نقل مطالب رعایت گردیده است .

نامه‌ئی که از طرف پادشاهی در قرن نهم خطاب به یکی از خوشنویسان بنام نوشته شده است از این لحاظ جالب توجه است . سلطان حسین میرزا بایقرا نزدیک به چهل سال (از ۸۷۳ تا ۹۱۲ق) در هرات حکومت داشت و پس از بایسنغر میرزا معروفترین شاهزاده تیموری است که مشوق شعر و ادب و هنر بوده و خودش نیز از ذوق شعر و نویسندگی بی بهره نبوده است . سلطان حسین میرزا وقتی از هنرمندی سلطانعلی مشهدی در کتابت نستعلیق باخبر شد او را به هرات دعوت کرد و در کتابخانه خاصه به کار کتابت گماشت . سلطانعلی مشهدی در صف اول خوشنویسان ایران شهرت یافته و بیش از هر کاتب دیگر آثاری از خود به یادگار گذاشته است .

در کتاب احوال و آثار خوشنویسان تألیف دکتر مهدی بیانی ضمن شرح حال سلطانعلی مشهدی در توضیح این مطلب ، که سلطان

حسین بایقرا توجه زیادی به خط سلطانعلی مشهدی داشته و کتابهای دستنویس او را بادقت تمام میخوانده است، متن نامه‌ئی که سلطان حسین میرزا به سلطانعلی مشهدی نوشته درج شده است. تلخیصی از آن نامه بدین شرح است:

«زبدة الكتاب مولانا نظام الدین سلطانعلی بدانند که عنایت و تربیت مربی رأی عقده گشای، که درباره او به وقوع پیوسته، اظهر من الشمس است و حسن عقیده همایون در باب هنروری او این من الامس؛ و صحیفه آمال او مرقوم کلك عاطفت ساخته، رقم نسخ برخط استادان سابق کشیده ایم و او را در آن فن از همه برتر دیده. در این فرصت از دو این خاصه که نگاشته کلك بدایع نگار اوست سهو و غلط بسیار در نظر می آید؛ و حک و اصلاح در چنان خطی دلفریب، مقدور کسی نمی نماید. چه گفته اند: «سهل باشد جامه نیمی اطلس و نیمی پلاس»... مقرر است که در معنی و ترکیب لفظ يك بيت بلکه يك مصرع ناظم را کوشش بسیار میباید نمود؛ و در تنقیح يك مضمون عرصه مشیت تمام میباید پیمود. هرگاه که از تصرف کاتب یا سهو قلم خلل به قواعد و ارکان آن راه یابد موجب توزع ضمیر خواهد گشت و نقصان آن بر ضمیر قایل گران خواهد بود... غرض از این مقدمات آنکه، چون توجه خاطر ناظم را به جانب زاده طبع و نتیجه فکر طبیعی دخل است، کاتب و راقم را در باب صحت و صواب آن واجب و متحتم. میباید که من بعد بواجبی ملاحظه نموده سعی نمایند که مرقومات خامه غرایب نگارش از آسیب خطا و خلل مصون ماند و صفحات کتاب مراد رایش از حاجت حک و اصلاح محفوظ و مامون؛ و هرچه نویسد به مقابله آن کما یتبغی مراسم سعی به تقدیم رساند که تلافی ماسبق تواند شد والسلام»^۱

۱- کتاب «احوال و آثار خوشنویسان از دکتر مهدی بیانی جلد اول، صفحه ۲۴۶ (به نقل از مجموعه منشآت ابوالقاسم ایو اوغلی).

بررسیهای جنبی در نسخه‌های خطی

نسخه‌های خطی دیوان حافظ از دیدگاههای مختلف مانند شیوه رسم الخط، هنر خوشنویسی، تذهیب و مینیاتور، کاغذ و جلد نیز شایان توجه و در خور بررسی میباشند. شناسائی نام کاتبان مشهور و خوشنویسان طراز اول و آگاهی از مشخصات چنین نسخه‌ها و محل ضبط و نگهداری آنها خود موضوع پژوهشهایی جالب و ارزنده است. اما در این کتاب بیشتر مسأله محتوای نسخه‌های قرن نهم و چگونگی ضبط غزلها مطرح می باشد.

گذشته از اختلاف در تعداد و نظم غزلها و ترتیب ابیات که بطور خلاصه به آن اشاره شد مسأله مهم دیگر اختلاف در کلمات و عبارات متن غزلهاست که در اصطلاح «نسخه بدل» گفته میشود و در این کتاب بجای آن «دیگرسانیها» به کار رفته است. درباره دلایل ایجاد دیگر سانیها در گفتار ششم بحث خواهد شد.

در گفتار چهارم پیرامون شناسائی، معرفی، و استفاده از نسخه‌های خطی دیوان حافظ که اختصاصاً مربوط به قرن نهم میباشند مروری گذرا خواهیم داشت.

گفتار سوم

دوره رواج چاپ

متنی از دیوان حافظ برای نخستین بار در سال ۱۷۹۱ میلادی (برابر با ۱۲۰۶ قمری و ۱۱۷۰ شمسی) در شهر کلکته با حروف سربی به خط نستعلیق، با مقدمه به قلم ابوطالب فرزند حاجی محمد بیک تبریزی اصفهانی به چاپ رسید. مقدمات این چاپ از سال ۱۷۸۵ آغاز شد و تکمیل آن به شش سال کوشش نیازمند بود. به دست آوردن آگاهی دقیق که در این فاصله ۱۹۷ سال (از آغاز انتشار نخستین چاپ این دیوان تاکنون) این شاهکار غزل فارسی در کسوت چند چاپ (در ایران و خارج از ایران) جلوه گر شده است کاری دشوار و وقتگیر است.^۱ کسانی که در امر کتابداری و تهیه فیش کتاب بصیرت دارند اظهار میدارند که در این مدت، تیراژ هیچ کتاب فارسی (شاید باستثنای بعضی از کتابهای درسی) به حد تیراژ چاپ دیوان حافظ نمی رسد.

۱ - آقای مهرداد نیکنام فهرستی از چاپهای دیوان حافظ فراهم کرده است که بزودی انتشار خواهد یافت. با اظهار تشکر و امتنان از آقای نیکنام که فیشهای خود را در اختیار اینجانب قرار داد، توجه حاصل شد که این دیوان از تاریخ نخستین چاپ تا سال ۱۳۰۶ رو بهم ۱۱۳ بار به چاپ رسیده است. برای فاصله شصت سال (۱۳۰۶ تا پایان ۱۳۶۶) ۱۹۲ فیش تنظیم شده است. با آنکه در سال ۱۳۵۸ هیچ جایی از دیوان حافظ منتشر نگردید، ولی در این هشت سال اخیر ۸۰ بار به کسوت چاپهای گوناگون درآمده است.

بررسی روشهای مختلف چاپ این اثر - سنگی ، سربی ،
کلیشه ، افست ... - خود مطالعه‌ی سودمند است.

همچنین معرفی متونی که بوسیله خوشنویسان معروف کتابت
شده است ، و یا چگونگی تصویرهایی که در بعضی از چاپها افزوده
شده است ، برای کسانی که به پژوهش در باره این جنبه‌ها علاقه‌مند
هستند موضوع جالبی می‌باشد.

با توجه به ویژگی چاپها میتوان آنچه را که از آغاز تاکنون
منتشر شده است در ذیل دو عنوان معجزا کرد:

الف - چاپهای قدیم ، ب - چاپهای جدید .

چاپهای قدیم

در انتشار نخستین چاپهای دیوان حافظ مطابع کشور هندوستان
(بخصوص شهرهای کلکته و بمبئی ولکهنو) نقش مؤثری داشته‌اند.
ضمناً چاپخانه‌های بولاق مصر و شهر استانبول نیز در این خدمت
به ادب فارسی سهیم بوده‌اند. پس از گذشتن ۴۷ سال از تاریخ چاپ
کلکته بود که برای نخستین بار دیوان حافظ در تهران به چاپ رسید؛
و چهار سال بعد نخستین چاپ تبریز منتشر شد. اینک فهرستی از
معروفترین چاپهایی که در پنجاه سال اول انتشار یافته است :

۱- ۱۲۰۶ ق (۱۱۷۰ خ ، ۱۷۹۱ م) ، چاپ کلکته ، حروف سربی به خط
نستعلیق.

۲- ۱۲۳۶ ق (۱۲۰۰ خ ، ۱۸۲۱ م) ، چاپ بمبئی ، سنگی.

۳- ۱۲۴۱ ق (۱۲۰۵ خ ، ۱۸۲۶ م) ، کلکته ، چاپ سنگی آسیا.

۴- ۱۲۴۳ ق (۱۲۰۶ خ، ۱۸۲۷ م)، بولاق مصر، سنگی به اهتمام محمد علی پاشا.

۵- ۱۲۴۳ ق، چاپ کلکته، به اهتمام بدرعلی عظیم آبادی.

۶- ۱۲۴۴ ق (۱۲۰۷ خ، ۱۸۲۸ م)، بمبئی: انتشارات ر. جرویس.

۷- ۱۲۴۷ ق (۱۲۱۰ خ، ۱۸۳۱ م)، بمبئی، چاپ حکیم فرزند وصال شیرازی.

۸- ۱۲۴۷ ق، کانپور، سنگی

۹- ۱۲۴۸ ق (۱۲۱۱ خ، ۱۸۳۲ م)، بمبئی: چاپ اولیا سمیع.

۱۰- ۱۲۵۰ ق (۱۲۱۳ خ، ۱۸۳۴ م)، بولاق مصر، سربی در سه جلد.

۱۱- ۱۲۵۴ ق (۱۲۱۷ خ، ۱۸۳۸ م)، چاپ تهران، سنگی.

۱۲- ۱۲۵۵ ق (۱۲۱۸ خ، ۱۸۳۹ م)، استانبول: مطبعه باب حضرت سرعسکریه، سربی.

۱۳- ۱۲۵۶ ق (۱۲۱۹ خ، ۱۸۴۰ م)، بولاق مصر، چاپ سربی باحروف نستعلیق.

۱۴- ۱۲۵۸ ق (۱۲۲۱ خ، ۱۸۴۲ م)، چاپ تبریز، سنگی.

بعضی از چاپهای قدیم شهرت بیشتری پیدا کردند از آنجمله

چاپ محمود حکیم فرزند وصال شیرازی، چاپ اولیا سمیع، و چاپ

قدسی میباشد که در سال ۱۳۲۴ ق (۱۲۸۳ خ، ۱۹۰۴ م) به خط محمد

شیرازی متخلص به قدسی در بمبئی به چاپ رسید.

چاپهای جدید

سال ۱۳۰۶ خورشیدی، با انتشار دیوان حافظ مستندی به اهتمام

شادروان سید عبدالرحیم خلخالی، مبدأ نشر چاپهای جدید محسوب

میگردد.

از آنجا که در کتاب حاضر اختصاصاً مسأله محتوای دیوان حافظ (وبویژه غزلهای حافظ) مطرح است ، از این نظر چاپهای جدید به دودسته مشخص تقسیم میشود :

الف - چاپهای آزاد ، ب - چاپهای مستند.

الف - چاپهای آزاد

آن دسته از چاپهای دیوان حافظ که در آنها مشخص نمی شود که کلمات و عبارات متن غزلها مستند به کدام منبع است «چاپ آزاد» شمرده میشود.

بعضی از مصححان در توضیحات مقدمه دیوان ، منابع مورد استفاده خود را (که گاهی از نسخه های خطی سده نهم هم نامی برده شده) معرفی میکنند ؛ ولی در صورتیکه پشتوانه گزینش هر کلمه معلوم و مشخص نباشد آن را باید يك چاپ آزاد قلمداد کرد.

متون متعلق به گروه چاپهای آزاد را که در این مدت شصت سال اخیر منتشر گردیده است از نظر کیفیت و روش تدوین میتوان به سه نوع تقسیم کرد :

۱- چاپهای تجاری ،

۲- چاپهای آموزنده ،

۳- چاپهای هنری و آراسته .

۱- چاپهای تجاری - برای راهجویی بسوی متن صحیح

غزلهای حافظ در این مدت شصت سال اخیر کوششهای ارزنده ای به کار رفته است. چندین نسخه کهن و معتبر شناسائی شده ، چاپهای

متعددی از دیوان حافظ براساس نسخه‌های خطی انتشار یافته ، کتابهای متعددی در تفسیر گفتار و اندیشه حافظ به چاپ رسیده ، و مقالات زیادی از دیدگاههای مختلف درباره غزلهای حافظ نوشته شده است. با اینوصف وقتی ناشری متنی از دیوان حافظ را که شصت - هفتاد، یا نود سال پیش به چاپ رسیده است، و مشحون از دستکاری یا غلطهای چاپی است، بدون هیچگونه اصلاح و رفع نقائص و اغلاط عکسبرداری میکند و منتشر میسازد؛ در واقع نتایج اینهمه بررسی و پژوهش را نادیده میگیرد .

در میان کم و بیش دوست چاپ از دیوان حافظ که از سال ۱۳۰۶ تاکنون انتشار یافته است خوانندگان دقیق و علاقه‌مند چاپهای تجاری را تشخیص میدهند و به توضیح بیشتری در این باب نیازی نیست .

۲- چاپهای آموزنده - در بعضی از دیوانها که به اهتمام اهل ادب و تحقیق منتشر گردیده است آگاهیهای سودمندی درباره زندگی و تاریخ عصر حافظ ، تفسیر و توضیح مشکلات اشعار ، مقایسه سبک حافظ بادیکر غزلسرایان ، و همچنین اندیشه و پیام حافظ درج گردیده است^۱. برای جدا ساختن این قبیل چاپها از

۱- کتابهای زیادی در نیم قرن اخیر درباره شرح زندگی ، تفسیر گفتار، و فرهنگ لغات و اصطلاحات شعر حافظ نوشته شده است. برای آگاهی از فهرست این آثار باید به کتابنامه‌های حافظ مراجعه کرد . در کتاب حاضر که تنها به مباحثی پیرامون تدوین غزلهای حافظ اختصاص دارد طبعاً از توضیح و بحث درباره مطالب دیگر خودداری میشود .

انواع دیگر، به نظر میرسد اصطلاح «چاپهای آموزنده» عنوان مناسبی باشد.

چند دیوان که اینجانب نیز از هنگام انتشار از توضیحات و حواشی مندرج در آنها استفاده کرده‌ام بترتیب تاریخ نخستین چاپ آنها عبارتند از:

- دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، به انضمام کشف الغزل و شرح حال و فرهنگ و ترجمه و تفسیر اشعار... به اهتمام حسین پڑمان بختیاری. تهران: بروخیم، ۱۳۱۵.

- حافظ، از محمود هومن، متضمن ۲۴۸ غزل و سخنی چند دربارهٔ روش تصحیح دیوان او. تهران، ۱۳۲۵.

- حافظ، به اهتمام مجید یکتائسی (با ۲۲۰ صفحه مقدمه) تهران: علی‌اکبر علمی، ۱۳۲۸.

- دیوان حافظ، با مقدمه‌ئی جامع دربارهٔ زمان و احوال و نقد گفتار تذکره نویسان و بحثی انتقادی و کامل دربارهٔ اشعار و سروده‌های حافظ و پیوستی از سی فهرست، ویراستهٔ هاشم رضی. تهران: انتشارات کاوه، ۱۳۴۱.

- دیوان خواجه حافظ شیرازی، با تصحیح و سه مقدمه و حواشی و تکمله و کشف‌الابیات به اهتمام سید ابوالقاسم انجوی شیرازی. تهران: انتشارات جاویدان علمی، ۱۳۴۵.

- حافظ شیراز، به روایت احمد شاملو، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۵۴.

- دیوان غزلیات مولانا شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی،

با معنی واژه‌ها و شرح ابیات و ذکر وزن و بحر غزلها و برخی نکته‌های دستوری و ادبی و امثال و حکم. شامل ۴۹۵ غزل از روی نسخه تصحیح شده قزوینی و مقابله با جامع نسخ حافظ فرزاد، به کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۶۳.

چاپهای هنری و آراسته - گذشته از چاپهای سنگی که همه بوسیله خطاطان خوشنویس کتابت میشد، از میان چاپهایی که حاوی نمونه خط استادان طراز اول هنرخوشنویسی میباشند، و باظرافت کامل. اصالت خط و تذهیب نسخه‌های نفیس خطی را در چاپ جلوه‌گر ساخته‌اند به دو کتاب زیر اشاره میشود:

- چند غزل از دیوان حافظ به خط محمد حسین شیرازی (کاتب السلطان) با ترجمه گرتروود لوئیان بل. تهران: کلاله زر وابسته به انجمن دوستداران کتاب، ۱۳۴۰.

- غزلیات حافظ و کلک خوشنویسان، تهران: سروش،

۱۳۵۵.

در فاصله پنجاه سال اخیر نیز متن بعضی از چاپهای دیوان حافظ به زیب حسن خط استادان هنرمندی چون جواد شریفی، ابراهیم بوذری، حسن زرین خط، محمد صانعی خوانساری، علی شاهمیری، ابراهیم زرین قلم، محمد سلحشور، عباس منظوری، سیف‌الله یزدانی، کیخسرو خروش، حسین خسروی، کاظم لاهیجی، عباس مستوفی الممالکی، کریمی، فاتح عزت پور آراسته شده است.

در چند چاپ هنری از مینیاتورهای محمد تجویدی و تابلوهای محمد علی زاویه استفاده شده و محمد باقری و صادق صندوقی با هنر تذهیب اوراق چاپی را زینت داده‌اند.

ب - چاپهای مستند

بطوریکه در تعریف چاپ آزاد ذکر شد فرق اساسی يك چاپ مستند با چاپ آزاد این است که در چاپ مستند میتوان تشخیص داد که کلمات و عبارات متن متکی به کدام منبع یا منابع میباشد . چاپهای مستند دیوان حافظ را میتوان در سه گروه درجه بندی کرد :

گروه اول : چاپ مستند تك نسخه‌ئی - منظور چاپی ست که متن آن نمایانگر يك نسخه خطی معین باشد .

گروه دوم : چاپ مستند مشهود - در چنین چاپی از چند منبع استفاده میشود و در عین حال معلوم میگردد که هر کلمه یا عبارت در متن اشعار مستند به کدام منبع یا منابع است.

گروه سوم : چاپ مستند مشهود انتقادی - به چاپی اطلاق میشود که علاوه بر مشخص بودن استناد هر کلمه یا عبارت در متن اشعار، اگر قرائت منتخب متکی به ضبط اکثریت نسخ نباشد دلایل ترجیح و انتخاب آن در بخش ویژه‌ئی توضیح داده شود.

در این قسمت اقدامهای مهمی که در انتشار چاپهای مستند دیوان حافظ به عمل آمده است بطور خلاصه درج میگردد.

۱- چاپ خلخالی (چاپ تك نسخه‌ئی)

در سال ۱۳۰۶ خورشیدی شادروان سید عبدالرحیم خلخالی

از روی نسخه خطی که به سال ۸۲۷ ه. ق. کتابت شده است دیوان حافظ را به روش حروفچینی به چاپ رساند. روی جلد این کتاب نوشته شده بود :

«دیوان خواجه حافظ شیرازی که از روی نسخه خطی مورخ به سال ۸۲۷ هجری قمری نقل شده است، به اهتمام این بنده سید عبدالرحیم خلخالی، به سرمایه کتابخانه کاوه، آبانماه ۱۳۰۶ شمسی».

این اقدام نخستین گامی بود که در راه انتشار چاپی مستند برداشته شد. خلخالی نسخه مورخ ۸۲۷ را در چاپ خود متن قرار داد و اختلافهای سه نسخه خطی دیگر و چاپ هرمان بروکهایس (۱۸۷۳م) را بامتن نسخه اساس خود در زیر صفحات درج کرد. سه نسخه خطی مورد مقابله بامتن عبارتند از :

- ۱- نسخه خطی مورخ ۸۹۸ متعلق به کتابخانه ملک.
 - ۲- نسخه خطی مورخ ۹۰۱ متعلق به کتابخانه مجلس^۱.
 - ۳- نسخه خطی مورخ ۹۸۴ متعلق به خان ملک ساسانی.
- شادروان خلخالی در مقدمه این کتاب ضمناً اشاره میکند که آقای رشید یاسمی از مدتی پیش به تصحیح دیوان حافظ مشغول بود و آن را با چند نسخه مقابله و اختلافات را در حواشی قید کرده بود. بعد از ملاحظه و مطالعه نسخه خطی مورخ ۸۲۷ از خیال تکمیل کار خود منصرف شده یادداشتهای خود را در اختیار او قرار داد. در

۱- نسخه خطی مورخ ۹۰۱ طبق توضیح مندرج در فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس (جلد دوم صفحه ۲۱۴)، نسخه بسیار نفیس به خط سلطانعلی مشهدی، دو صفحه تذهیب اعلی با دو ترنج زمینه لاجوردی ... مجدول و منذه با حاشیه کاغذ کبود زرافشان که به شماره ۳۶۱ ثبت شده بود، بعدها به دستور دولت وقت در تهران به ولیمهد سوند هدیه شده است.

پایان مقدمه ، نویسنده از آقای مجتبی مینوی هم که درمقابله این نسخه همکاری کرده سپاسگزاری نموده است.

در سال ۱۳۲۰ خلخال کتابی منتشر ساخت به نام «حافظ نامه». در آغاز این کتاب ذکر میکند که سالها به گرد آوردن نسخه های دیوان حافظ چه از چاپی و چه از خطی علاقه زیادی داشت و از حسن اتفاق نسخه خطی به دستشان رسید که بسیار نفیس بود و در صدد برآمد که آن را به چاپ برساند . نویسنده در دنباله این مطلب می افزاید که :

«... بعد از پایان چاپ و انتشار معلوم گردید که بواسطه بی اعتنائی رونویس نسخه و بی مبالائی غلط گیر و حروفچین وعدم اهتمام کامل اینجانب در تصحیح، اغلاط و اشتباهاتی در نسخه چاپی روی داده است. در آن مقام بر آمدم که نسخه چاپی را با نسخه خطی مجدداً مقابله و در تصحیح غلطهای آن اقدام ... نمایم.»

سید عبدالرحیم خلخالی پیش از آنکه این نیت خود را عملی سازد بنا به درخواست علامه قزوینی نسخه خطی ۸۲۷ را بطور امانت در اختیار وی گذاشت . دیوان حافظ به تصحیح قزوینی - غنی در سال ۱۳۲۰ انتشار یافت . يك سال بعد (در خرداد ۱۳۲۱) خلخالی درگذشت و به اجرای نیت خود در تجدید چاپ متن تك نسخه ئی توفیق نیافت .

قزوینی در مقدمه چاپ خود شرح مفصلی درباره اختلافات بین چاپ خلخالی و نسخه خطی ۸۲۷ نوشته و نمونه هایی از غلطهای چاپی آن را در ده صفحه نقل کرده است .

در فاصله ده پانزده سال اخیر بعضی از ناشران بدون توجه

به اصلاح غلطهای چاپی عین متن چاپ ۱۳۰۶ خلخالی را به روش افست تجدید چاپ کرده‌اند. اخیراً نیز همان متن چاپ ۱۳۰۶ (بدون اصلاح غلطهای چاپی آن) از نو حروفچینی شده و از طرف یکی از کتابفروشیها منتشر گردیده است.

۲- چاپ قزوینی - غنی

در سال ۱۳۱۸ که وزارت فرهنگ برنامه چاپ و انتشار آثار مهم نظم و نثر زبان فارسی را مطمح نظر قرار داده بود، از شادروان علامه قزوینی درخواست کرد که نسبت به تصحیح دیوان حافظ اقدام نماید و متن منقحی برای انتشار در اختیار وزارت فرهنگ بگذارد.

علامه قزوینی در فاصله بین ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۰ با اتفاق مرحوم دکتر قاسم غنی (که مصحح بخصوص بمنظور فراهم ساختن منابع و از جمله نسخه‌های خطی و نسخه‌های چاپی مهم از دیوان حافظ همکاری ایشان را خواستار شده بود) به تصحیح و تنقیح متن دیوان حافظ اشتغال داشتند.

بطوریکه در مقدمه مشروح در آغاز این چاپ تصریح شده است، بسبب آنکه پس از فحص بلیغ نسخه خ (نسخه خلخالی مکتوب به سال ۸۲۷) قدیمترین نسخه تاریخدار شناخته شده بود، قزوینی آن نسخه را امانت گرفته همراه سه نسخه دیگر (نسخه‌های نخ رق، که گرچه فاقد تاریخ کتابت بودند ولی خود ایشان آن سه نسخه را نیز فوق‌العاده قدیمی و نزدیک به عصر حافظ ارزیابی کردند) اساس طبع خود قرار دادند. از پنج نسخه خطی دیگر (چهار

نسخه بدون تاریخ مربوط به قرن یازدهم و يك نسخه مورخ ۱۲۳۶ قمری) طبق توضیح مقدمه، در موارد بسیار شاذ و نادر برای تأیید و ترجیح جانی بر جانی در اختلافات بین نسخ اساس استفاده کرده‌اند. نه نسخه خطی دیگر (مربوط به سده‌های ۱۱، ۱۲، ۱۳)، که دیرتر به دستشان رسید و در تصحیح متن استفاده از آنها ممکن نشد، فقط در تصحیح مقدمه جامع دیوان و قصاید به کار رفته است.

مصحح در مقدمه چاپ خود ذکر میکند که علاوه بر این هیجده نسخه خطی از شرح نفیس سودی به ترکی بر دیوان حافظ نیز در تصحیح متن بسیار استفاده شده است. و از میان عده کثیری از نسخ چاپی فقط از دوسه چاپ که نسبتاً از سایر چاپها مصحح و مضبوطتر است گاهگاه استفاده شده است.

اگرچه مصحح توضیح داده است که چهار نسخه خطی (خ نخ ر ق) را بعنوان نسخه‌های اساس برای طبع خود اختیار کرده است؛ اما با توجه به موارد بسیار قلیلی که به اختلاف سه نسخه نخ ر ق با نسخه خ در زیر صفحات این چاپ اشاره شده است چنین بر می‌آید که مصحح، همچنانکه در خصوص کمیت اشعار مصمم بود منحصر آن نسخه خ را ملاک قرار دهد، در مورد متن کلمات نیز همان نسخه، اساس طبع ایشان قرار داشته است.

مصحح دیوان اشاره به ضبط نسخه خطی خ را در مورد همه تغییراتی که در آن متن نسخه به عمل آورده است ضروری ندانسته مگر بر حسب اتفاق که بعضی از تغییرات را (آنها بیشتر از نیمه کتاب به بعد) در زیر صفحات منعکس ساخته است.

با توجه به این ویژگی که چاپ قزوینی از بدو انتشار تا کنون در بین خاص و عام رایجترین و معروفترین متن دیوان حافظ بوده است در گفتار پنجم شرحی از دید بررسی انتقادی در مورد این چاپ درج میشود.

۳- غزلهای خواجه حافظ شیرازی (چاپ مستندتک نسخه‌ئی)

متنی بر اساس نسخه متعلق به موزه بریتانیا (که جزو مجموعه‌ئی در سال ۱۴ - ۸۱۳ قمری کتابت شده و لسی تنها دارای ۱۵۲ غزل میباشد) بوسیله آقای دکتر خاnlری به نام « غزلهای خواجه حافظ شیرازی» تدوین گردید و از طرف مجله سخن در سال ۱۳۳۷ به روش افست به چاپ رسید.

در مقدمه این کتاب دکتر خاnlری مینویسد که تنها کلماتی را که صریحاً غلط پنداشته است یا در درستی آنها شك داشته است از روی سه منبع (نسخه خطی مورخ ۸۵۵ مجلس^۱، نسخه خطی مورخ ۸۶۲ متعلق به آقای دکتر گوهرین، و چاپ قزوینی) اصلاح کرده است. مصحح می‌افزاید:

«چون این نسخه بسیار معتبر و قدیم است و شاید مورد مراجعه محققان نیز واقع شود ... هر جا تصرفی در متن شد اصل آن را در کتاب یادداشت کردم تا بآسانی بتوان دانست که در اصل چگونه بوده است.»

با مقایسه متن چاپی و ضبط نسخه خطی معلوم میشود که مصحح تنها به اصلاح کلماتی که صریحاً غلط می‌پنداشته اکتفا نکرده است. چنین برمی‌آید که علاوه بر معرفی يك نسخه کهن برای استفاده

۱ - تاریخ کتابت این نسخه که سابقاً متعلق به تیمور تاش بود ۸۵۸ قمری میباشد.

اهل تحقیق و ضرورت ارائه ضبط نسخه خطی (آنچنانکه هست) ، مصحح هدف دیگری نیز در نظر داشته و آن تدوین متن منقحی بوده است از ۱۵۲ غزل مضبوط در نسخه خطی موزه بریتانیا، بنحوی که در مقایسه با چاپ قزوینی برتری آن متن (که براساس نسخه‌ئی قدیمتر از نسخه خلخالی تدوین شده است) نمایان گردد^۱.

ضبط نسخه خطی در برابر بعضی از تغییراتی که در متن چاپی وارد شده است بتمامی و بطور کامل در پایان کتاب درج نگردیده است .

در این چاپ که به خط زیبای ابراهیم زرین قلم مزین است، با آنکه در هر صفحه کتاب میسر بوده است که همه ابیات يك غزل با حاشیه کافی در بالا و پائین صفحه کتابت شود، تحریر يك بیت با دو بیت از غزل متوسط هشت یا نه بیتی به يك صفحه دیگر منتقل شده است. در این میان از غزل نه بیتی به مطلع «شاهدان گر دلبری زینسان کنند ...» در صفحه ۱۰۹ تنها هفت بیت اول آن نوشته شده و دو بیت آخر این غزل حذف گردیده است. ظاهراً چون قرار بوده است آن دو بیت ۹ و ۸ روی صفحه بعد چاپ شود هنگام تهیه فیلم وزینک اشتهاً به کناری افتاده است.^۲

۱- در مقایسه ضبط نسخه خطی موزه بریتانیا با چاپ قزوینی، دکتر خا نلری سلسله مقالاتی در مجله یغما نوشت و مجموع آنها در سال ۱۳۳۷ با عنوان « چند نکته در تصحیح دیوان حافظ» از طرف مجله سخن منتشر گردید .

۲ - در ذکر ترتیب ابیات این غزل در نسخه ج در صفحه ۴۰۱ جلد اول دیوان حافظ چاپ دکتر خا نلری، نه بیت مضبوط در این نسخه خطی منظور گردیده است .

۴- جامع نسخ حافظ (چاپ مستند تك نسخه‌ئی همراه با غزل‌های الحاقی)

در سال ۱۳۴۷ کتاب اول از پنج کتاب «در جستجوی حافظ صحیح» تنظیم شادروان مسعود فرزاد زیر عنوان «جامع نسخ حافظ» از طرف کانون جهانی حافظ‌شناسی وابسته به دانشگاه شیراز منتشر شد.

متن غزل‌های حافظ در این کتاب براساس نسخه خطی مورخ ۸۹۳ قمری (متعلق به خود مؤلف) میباشد و اختلاف یازده نسخه دیگر (هفت نسخه خطی،^۱ و چهار نسخه چاپی) با این متن به روشی متفاوت با روش ناشران دیگر (که معمولاً نسخه بدل‌ها را در زیر صفحه می‌آورند) در ذیل هر مصرع قید شده است.

نسخه خطی مورخ ۸۹۳ شامل ۵۰۱ غزل، ۴ تکه مثنوی (رویهم ۲۴ بیت)، ۲۱ قطعه و ۳۵ رباعی میباشد. دو قصیده از قصاید حافظ در این نسخه خطی ضمن غزل‌ها درج شده است.

در کتاب جامع نسخ حافظ ۷۱۹ غزل^۲، ۹ قصیده، ۹۲ قطعه، ۲۳۲ رباعی، ۷ ترجیع بند، ۷ ترکیب بند، ۲ مخمس، ۲ مسدس، و مثنویها در چهار قسمت (رویهم ۳۴۸ بیت) گردآمده است. آنچه زاید بر ضبط نسخه خطی م میباشد از منابع دیگر در

۱- غیر از نسخه اساس تنها دو نسخه دیگر از منابع جامع نسخ حافظ مربوط به قرن نهم است که ضمن معرفی نسخه‌های خطی در گفتار پنجم ذکر خواهد شد.
۲- پس از افزوده شدن غزل‌هایی که در قسمت ضمایم جامع نسخ حافظ (از صفحه ۷۸۳ تا ۷۹۱) و همچنین در مقدمه جلد دوم کتاب حافظ، صحت کلمات... درج شده است، این رقم به ۷۴۴ بالغ میگردد.

جامع نسخ حافظ فراهم شده است.

اقدام فرزاد در جستجوی حافظ صحیح براین روش استوار بود که نخست همه اشعار مسلم و مشکوک و مردود منتسب به حافظ را در یک کتاب به نام «جامع نسخ حافظ» بگنجانند. سپس همه این مواد اولیه را، از چهارصفای دیگر که رو بهم بنا به اظهار مؤلف مراحل پنجگانه دقیق انتقادی را شامل میگردد، بگذرانند.

متن اصلی کتاب جامع نسخ حافظ که براساس ضبط نسخه خطی م (مکتوب به سال ۸۹۳) تنظیم شده است، با چشم پوشی از ملحقات آن، در حکم یک چاپ تک نسخه‌ای قلمداد میشود. کتابهای دوم و سوم فرزاد در سال ۱۳۴۹ منتشر شد و چون هدف غائی در این کتابها ارائه یک متن مستند انتقادی از اشعار حافظ بود، در گفتار پنجم بطور جداگانه درباره تحقیقات وی بحث خواهد شد.

۵- دیوان کهنه حافظ (چاپ تک نسخه‌ای)

در سال ۱۳۴۸ متنی از دیوان حافظ به نام «دیوان کهنه حافظ» براساس یک نسخه خطی مضبوط در کتابخانه مجلس به اهتمام آقای ایرج افشار منتشر شد.

این نسخه، که در آن اشعار حافظ در حاشیه دیوان سلمان ساوجی نوشته شده است و شامل ۳۵۷ غزل است، تاریخ کتابت ندارد. اما ناشر آن را مربوط به قرن نهم میدانند.

ایرج افشار این نسخه را متن قرار داده و اختلافهای چاپ قزوینی - غنی را با آن در حاشیه هربیت افزوده است. ناشر در مقدمه ضمناً ذکر نموده است که در موارد بسیار نادر که غلط بودن متن

نسخه بسیار واضح و مسلم بود صحیح را از نسخه قزوینی گرفته و ضبط نسخه را در حاشیه با علامت «م» نقل کرده است .

ع- چاپ دانشگاه پنجاب (تك نسخه‌ئی)

در سال ۱۹۷۱ میلادی (۱۳۵۰ خورشیدی) دیوان حافظ بر اساس نسخه خطی متعلق به کتابخانه دانشگاه پنجاب با مقدمه به قلم ممتاز حسن در کراچی چاپ شد . این نسخه خطی در تاریخ ۸۹۴ کتابت شده و به خط محمود بن حسن نیشابوری می باشد . این کتاب بصورت چاپ عکسی انتشار یافته است . حاشیه طلائئ صفحات در نسخه خطی ، که در چاپ بصورت نامنظم به رنگ سیاه باقی مانده است ، در بعضی از صفحات به متن اشعار نیز سرایت کرده و در آغاز بعضی ابیات یکی دو اول را نامشخص ساخته است . در متن بعضی ابیات هم کلماتی هست که در چاپ خوب نمایان نشده است . اگر از این اشکال جزئی بگذریم این چاپ عکسی واجد این برتریست که میتوان با خاطری فارغ از نگرانی غلطهای چاپی انتشارات عادی ، به آن متن بعنوان معرف نسخه خطی استناد کرد .

در صحافی اصل نسخه خطی چند برگ در جای صحیح خود نبوده و هنگام شماره گذاری صفحات برای چاپ هم این نقیصه بر طرف نشده است . کسانی که از این چاپ استفاده می کنند باید شماره صفحات ۵۳ تا ۵۸ را بترتیب به ۵۱ تا ۵۶ تغییر بدهند و شماره دو صفحه ۵۱ و ۵۲ نیز باید به ۵۷ و ۵۸ تبدیل یابد .

همچنین برگی که ۲۵۵ و ۲۵۶ شماره گذاری شده در صحافی

اشتباهاً پشت و رو گذاشته شده و شماره آن دو صفحه باید به ۲۵۶- ۲۵۵ تغییر پیدا کند تا ابیات مربوط به هر غزل در جای صحیح خود بدنبال هم قرار گیرد. باز يك برگ دیگر (۲۸۵ و ۲۸۶) هنگام شماره گذاری صفحات در جای صحیح خود نبوده است و باید بعد از شماره ۳۰۲ گذاشته میشد.

ضمناً در غزلهای ردیف حرفش میان شماره گذاری صفحات ۱۹۰ و ۱۹۱ افتادگی دارد که احتمالاً مربوط به نسخه خطی میباشد. در صفحه ۳۰۶ هم غزلی در ردیف حرف ی ناتمام مانده و در صفحه ۳۰۷ غزل دیگری از نیمه نوشته شده و چنین برمی آید که اینجا نیز افتادگی دارد. در مقدمه کتاب تذکری در باب این افتادگیها داده نشده است.

۷- چاپ جلالی نائینی و نذیر احمد (چاپ مستند تك نسخه‌ئی)

در بهمن ماه ۱۳۵۰ چاپی از دیوان حافظ با این عنوان از طرف آستان قدس انتشار یافت:

«دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی بر اساس نسخه مورخ ۸۲۴ هجری به اهتمام دکتر سید محمد رضا جلالی نائینی... و دکتر نذیر احمد...»

مقدمه‌ئی که به امضای دو مصحح این کتاب بر این چاپ نوشته شده است با این کلمات آغاز میشود:

«دیوان خواجه حافظ شیرازی که اینك در دسترس صاحب‌دلان و سخن شناسان دانشمند قرار میگیرد بر اساس قلدیه‌یترین، اصیلترین، و شاید صحیح‌ترین نسخه‌ئیست که تا کنون به دست آمده است.»

درباره معرفی این نسخه خطی در این مقدمه یادآوری گردیده است که « دیوان حاضر بخشی ست از مجموعه‌ئی که به سال ۸۲۴ هجری قمری یعنی سه سال قبل از نسخه خلخال کتابت شده و متعلق است به کتابخانه سیدهاشم علی سبزپوش از فضلا و عرفای بلندنظر هند متوطن در شهر گورکهور... »

درباره روش تصحیح توضیحاتی در مقدمه داده شده است که حاوی سه نکته است:

نکته اول مربوط به کلمات افتاده متن است که در درجه اول از چاپ قزوینی انتخاب و تکمیل گردیده است؛ و گاهی هم که بیت یا غزل مربوط در آن نسخه موجود نبود یا ضبط سایر نسخه‌ها مناسبتر به نظر میرسید از نسخ دیگر استفاده شده است.

نکته دوم مربوط به مواردی ست که ضبط نسخه اصل نارسا یا اشتباه بوده است که با توجه به سایر نسخه‌ها متن اصلاح و ضبط نسخه اصل در زیر صفحه قید گردیده است.

نکته سوم مربوط به این اقدام است که نسخه اصل با نسخه خطی موزه ملی دهلی و چاپ قزوینی و ۱۵۲ غزل چاپ دکتر خانلری مقابله شده و اختلاف آنها بایکدیگر در زیر صفحه قید گردیده است. ضمناً درباره‌ئی از موارد هم از نسخه‌های چاپی ایرج افشار، انجوی شیرازی، پژمان بختیاری و از نسخه‌های خطی ستایشگر، عبدالعلی ادیب برومند، فتح‌الله فرود، پرتو علوی، جلالی‌نائینی، و گاهی هم از نسخه خطی فرهاد معتمد و چهار نسخه خطی احسانی استفاده شده است.

درباره دلیل استفاده از این نسخه‌های خطی و چاپی مصححان چنین متذکر شده‌اند که خواسته‌اند «نموداری از تغییرات نسخ مختلف در زمانهای متفاوت پس از حافظ به دست داده شود.»

از آنجا که مصححان خود را مقید میدانستند که افتادگیها و همچنین ضبطهای نارسا و اشتباه نسخه اساس را در متن اصلاح کنند طبعاً مشکل بوده است برای توجیه نارسائی ضبط، مرز قاطعی تعیین نمود.

چاپ دوم این کتاب در سال ۱۳۵۲ منتشر گردید. شرح صفحه داخل جلد در این چاپ از این قرار است:

«دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی براساس نسخه مورخ ۸۱۲ - ۸۱۷ هجری و نسخه مورخ ذی‌الحجه سال ۸۲۴ هجری قمری به اهتمام سید محمدرضا جلالی نائینی... و نذیر احمد...»

نسخه مورخ ۸۱۲ - ۸۱۷ هجری منظور همان نسخه معروف ایاصوفیه است و نسخه مورخ ذی‌الحجه سال ۸۲۴ هجری قمری همان نسخه گورکهور هند میباشد که در چاپ اول بعنوان نسخه اساس به کار رفته بود.

در چاپ دوم در واقع دو هدف در نظر گرفته شده است یکی انتشار يك متن تك نسخه‌ئی از نسخه مورخ ۸۲۴ که اهل تحقیق بمنظور مقایسه با دیگر نسخه‌ها از آن استفاده کنند. هدف دیگر این بوده که چاپ منقحی براساس دو نسخه برای استفاده عموم فراهم شود.

۸- چاپ قریب (چاپ تك نسخه‌ئی)

در سال ۱۳۵۴ چاپی از دیوان حافظ با عنوان «دیوان مولانا شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی» به اهتمام دکتر یحیی قریب منتشر شد. در این چاپ نسخه‌ئی از دیوان حافظ که مکتوب به سال ۸۶۲ ق. و متعلق به مصحح می‌باشد اساس متن قرار گرفته و نسخه بدل‌های چاپ قزوینی، نسخه‌ی ایاصوفیه، دیوان کهنه حافظ چاپ ایرج افشار، غزل‌های خواجه حافظ شیرازی چاپ ۱۳۳۷ دکتر خاثلری، چاپ جلالی نائینی و نذیر احمد، و همچنین نسخه خطی دیگری متعلق به مصحح که مربوط به قرن دهم هجری است در زیر صفحات درج شده است.

۹- چاپ دانشگاه تبریز (چاپ مستند مشهود)

در سال ۱۳۵۶ متنی از دیوان حافظ در ردیف انتشارات دانشگاه تبریز منتشر شد که روی جلد آن نوشته شده بود: «دیوان حافظ بر اساس سه نسخه کامل کهن مورخ به سال‌های ۸۱۳ و ۸۲۲ و ۸۲۵ هجری قمری به تصحیح دکتر رشید عیوضی و دکتر اکبر بهروز».

مصححان در مقدمه خود برای دیوان پس از اشاره به این مطلب که پانزده نسخه خطی از دیوان حافظ اعم از کامل و منتخب، با تاریخ کتابت در فاصله بین سال‌های ۸۰۵ و ۸۲۷ تاکنون شناخته شده است، درباره تصحیح دیوان حافظ چنین مینویسند:

«با وجود اینهمه نسخه‌های گوناگون چنانکه گفتیم دیوان حاضر را براساس سه نسخه مورخ به سالهای ۸۱۳، ۸۲۲، و ۸۲۵ ه. ق. پرداخته‌ایم زیرا به دیگر نسخ خطی معلوم دسترسی نداشتیم و نسخ چاپی را نیز در دسترس همگان میدیدیم. اما یقین داریم که با در دست داشتن آن سه نسخه و با به کار بستن شیوه‌ها و رعایت روشهایی دقیق مراحل توفیق آمیز در تکمیل دیوان حافظ پیش رفته‌ایم...»
(ص دو و سه مقدمه)

نسخه مورخ ۸۱۳ همان نسخه مشهور ایباصوفیه است. نسخه مورخ ۸۲۲ به خط جعفر الحافظ متعلق به کتابخانه موزه توپقاپوسرای استانبول میباشد. نسخه مورخ ۸۲۵ ق (مربوط به کتابخانه نور عثمانیه استانبول) برای نخستین بار در این نشریه مورد استفاده قرار گرفته است.

مصححان این چاپ بطوریکه در مقدمه توضیح داده‌اند در انتخاب متن خود در درجه اول از ضبط نسخه مورخ ۸۱۳ پیروی کرده‌اند. اگر درجائی غلط بودن ضبط نسخه مزبور محرز بوده برای تصحیح آن از نسخه مورخ ۸۲۲ یاری گرفته‌اند. هرگاه بعلم فقدان بیت مورد اشکال یا غلط بودن ضبط آن در این نسخه باز تصحیح مقدور نگردیده از ضبط نسخه مورخ ۸۲۵ استعانت جسته‌اند. طبق توضیحاتی که در صفحه بیست و دو مقدمه داده شده است از شش نسخه چاپی نیز با رعایت قدمت کتابت نسخه‌های اساس آنها کمک گرفته شده است. حدود استفاده از این نسخه‌های چاپی بدین شرح است:

- ۱- از چاپ دکتر خانلری (براساس نسخه موزه بریتانیا) درسه غزل .
- ۲- از متن چاپی نسخه مورخ ۸۲۴ (نسخه گورکهور) در ۱۰ غزل و ۲ شعر دیگر .
- ۳- از چاپ ۱۳۰۶ خلیفای (براساس نسخه مکتوب به سال ۸۲۷) در ۳۵ غزل و ۷ شعر دیگر .
- ۴- از دیوان کهنه حافظ (چاپ ایرج افشار) در ۵ غزل و ۲ شعر دیگر .
- ۵- از چاپ قزوینی - غنی در ۱۰ غزل و ۵ شعر دیگر .
- ۶- از جامع نسخ حافظ تألیف فرزاد در ۹ غزل و ۲ شعر دیگر .

ضمناً بطوریکه در صفحه بیست و چهار مقدمه ذکر شده است مصححان این چاپ در سه مورد بقول خود «بارعایت موازین مرسوم» به تصحیح قیاسی اقدام کرده اند؛ و بالاخره در پنج مورد هم که توفیق تصحیح برخی از واژه ها از هیچیک از راههای یاد شده حاصل نگردیده است ناچار عین ضبط نسخه خطی را در متن آورده و در حاشیه باناشانه (؟) خواننده را از محل تردید بودن ضبط آنها آگاه ساخته اند.

۱۰- چاپ دکتر خانلری (چاپ مستند)

همانطور که در ردیف سوم از چاپهای مستند ذکر شد دکتر خانلری در سال ۱۳۳۷ کتابی مشتمل بر ۱۵۲ غزل حافظ بر اساس مجموعه‌ئی متعلق به موزه بریتانیا ، که تاریخ کتابت آن ۱۴ - ۸۱۳ می باشد، منتشر ساخت. اگرچه در صفحه داخل جلد آن کتاب عنوان «غزلهای خواجه حافظ شیرازی» نوشته شده است، ولی چون روی

عطف جلد تنها کلمه «حافظ» قید شده بود ، این کتاب سالها به نام «حافظ خانلری» شهرت داشت .

در مقدمه همان کتاب ، دکتر خانلری اظهار امیدواری کرده بود که با استعانت از نسخه های کهن ، دیوان کامل حافظ تهیه و منتشر گردد . این فکر ایشان پس از بیست و دو سال تحقق پذیرفت و کتابی قطور زیر عنوان «دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ» در سال ۱۳۵۹ از طرف بنیاد فرهنگ ایران انتشار یافت .

دکتر خانلری در تنظیم دیوان حافظ متن ۴۸۶ غزل حافظ را پس از بررسی و مقایسه ضبط ۱۴ نسخه اساس خود بترتیب حروف تهجی قوافی غزلها در صفحات دست راست کتاب قرار داده است . در صفحات دست چپ برای هر غزل نخست نشانه های معرف نسخه هایی که آن غزل را درج کرده اند در بالای صفحه ، بدنبال آن ترتیب ابیات آن غزل در نسخ مأخذ ، و سپس اختلاف نسخه ها در ضبط کلمات و عبارات درمورد هر بیت نقل گردیده است .

چاپ دوم دیوان حافظ به تصحیح و توضیح دکتر خانلری از طرف انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۲ در دو جلد پخش گردید . بعلت کم کردن حجم کتاب ، جلد اول به درج متن و نسخه بدلهای ۴۸۶ غزل اختصاص یافت . در جلد دوم ملحقات غزلها ، قصاید و دیگر انواع شعر حافظ و بدنبال آن مقدمه مصحح زیر عنوان گزارش کار ، منابع و روش تصحیح و توضیحی درباره مقدمه جامع دیوان

(محمد گلندام) درج شده است. پس از آن بعضی از لغات و تعبيرات
بترتيب حروف تهجی نقل گردیده و بالاخره اين مجلد با درج فهرستی
از نام معاصران حافظ و ذکر منابع يادداشتها و تعليقات پايان
• ميپذيرد.

گفتار چهارم

تاریخچه شناسائی، معرفی، و استفاده از نسخه‌های خطی قرن نهم

اصطلاح شناسائی، معرفی، و استفاده از يك نسخه خطی مراتب و مراحل متفاوت برخورد با آن نسخه را بیان میکند. منظور از «شناسائی» آن است که نشانی‌هایی از وجود يك نسخه خطی در فهرست کتابخانه‌ها یا در هر گونه کتاب یا نشریه دیگری انتشار یابد. و یا بر حسب آگاهی و مراجعه مستقیم مشخص گردد که آن نسخه در کجا نگهداری میشود.

«معرفی» يك نسخه خطی به رؤیت و بررسی و کسب آگاهی‌های بیشتری درباره ویژگی‌های فنی آن نسخه نیازمند است. اعتماد از اصالت رقم و تاریخ مندرج در آخر نسخه و استخراج مطالب لازم مانند تاریخ کتابت و نام کاتب در درجه اول اهمیت است.

شرح قرائن و نشانه‌ها برای تعیین حدود تقریبی تاریخ کتابت، در مورد نسخه‌های بدون تاریخ، و همچنین توجه به نوع خط و چگونگی نقل و استنساخ مطالب و تشخیص میزان دقت کاتب نیز از جمله آگاهی‌های سودمند در معرفی يك نسخه خطی میباشد.

«استفاده از نسخه‌ها» شامل کیفیاتی متفاوت است. گاهی يك نسخه تنها در ردیف منابع معرفی میشود و استفاده از آن نسخه

بصورت آزاد انجام میگیرد. در چاپهای تك نسخه‌ئی، يك دستنویس خطی نقش نسخه اساس طبع را ایفا میکند. گاهی هم اختلافات ضبط يك یا چند نسخه معین با نسخه اساس در حاشیه قید میشود. در این گفتار هدف آن است که سه امر شناسائی، معرفی، و استفاده از نسخه‌های خطی دیوان حافظ (و منحصرأ نسخه‌های قرن نهم) بر حسب اطلاعاتی که از تاریخ نخستین چاپ مستند (۱۳۰۶) تا حال حاضر به دست آمده است بازگو شود.

۱۳۰۶ ☆ استفاده از نسخه مورخ ۸۲۷ برای متن ۸۹۸ در حاشیه

با اقدام شادروان خلخالی در انتشار متنی از دیوان حافظ بر اساس نسخه خطی مکتوب به سال ۸۲۷ هجری قمری مسأله توجه به نسخه‌های خطی کهن مطرح گردید. با ادامه کوششهای تحقیقی و انتشار متونی که استناد به نسخه‌های خطی را امتیازی منظور میکردند موضوع قدمت تاریخ کتابت نسخه‌های خطی نیز اهمیت خاصی کسب کرد.

نسخه خطی دیوان حافظ مورخ ۸۲۷ که به نام «نسخه خلخالی» شهرت دارد تا اسفند ۱۳۴۹، که فیلم نسخه معروف ایبا صوفیه (مکتوب به سال ۸۱۳ ق) در اختیار کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران قرار گرفت، قدیمیترین نسخه تاریخداری از دیوان کامل حافظ شناخته میشد.

یکی از سه نسخه خطی که اختلافهای آنها با متن در حاشیه چاپ خلخالی قید شده است مربوط به قرن نهم است. این نسخه که

مورخ ۸۹۸ و به خط محمودبن حسن نیشابوری می‌باشد به شماره ۵۹۳۳ در کتابخانه ملک ثبت شده است.

۱۳۱۵ ☆ استفاده از نسخه‌های مورخ ۸۳۶، ۸۶۷، ۸۹۳ بطور آزاد

ضمن منابعی که در دیوان حافظ به تصحیح مرحوم حسین پژمان چاپ ۱۳۱۵ مورد استفاده قرار گرفت سه نسخه خطی مربوط به قرن نهم است:

۱- مجموعه خطی مورخ ۸۳۶ متعلق به استاد فقید سعید نفیسی شامل هفتاد غزل. سعید نفیسی در کتاب « اشعار و احوال حافظ » که در سال ۱۳۲۱ آن را منتشر کرد مینویسد: این مجموعه خطی منتخباتی از اشعار یازده شاعر می‌باشد و از جمله ۶۳ غزل از حافظ نیز ضمن آن درج شده است. در دو صفحه دیگر از این مجموعه که سفید مانده بود به خط نسخ (که به رسم الخط قرن دهم هجری شبیه است) دو غزل دیگر نیز از حافظ نوشته شده است.

۲- نسخه خطی مورخ ۸۶۷ متعلق به مجلس شورا.^۱

۳- نسخه خطی مکتوب به سال ۸۹۳ متعلق به شیخ الرئيس محمد هاشم افسر.

۱۳۲۰ ☆ استفاده از نسخه ۸۲۷- شناسائی هفت نسخه خطی مربوط به قرن نهم.

شادروان علامه قزوینی در مقدمه مبسوطی که بر دیوان حافظ

۱- با بررسی فهرست کتابهای خطی کتابخانه مجلس و مراجعه به مدیریت کتابخانه مزبور از وجود نسخه خطی دیوان حافظ با تاریخ کتابت ۸۶۷ ق در آن کتابخانه اطلاعی به دست نیامد.

نوشت الگوئی برای تدوین متن منقحی از دیوان حافظ پیشنهاد کرد و ضمن آن اهمیت توجه به نسخه‌های خطی مکتوب در قرن نهم را مورد تأکید قرار داد.

علامه قزوینی ضمناً صورتی از قدیمیترین نسخه‌های خطی دیوان حافظ را که از روی فهرست کتابخانه‌های مشهور ایران و اروپا استخراج شده بود در مقدمه قید نمود. در این صورت که شامل ۱۷ نسخه (با تاریخهای کتابت از سال ۸۲۷ قمری تا ۱۰۰۴ قمری میباشد) تنها هشت نسخه متعلق به قرن نهم است.^۱

۱- نسخه مورخ ۸۲۷ - متعلق به سید عبدالرحیم خلخالی.

۲- نسخه » ۸۴۳- کتابخانه بادلیان در اکسفورد انگلستان.

۳- نسخه » ۸۵۳- کتابخانه مستر چستر بیٹی در لندن.

۴- نسخه » ۸۵۴- کتابخانه مجلس شورا در تهران.

۵- نسخه » ۸۵۵- کتابخانه موزه بریتانیا در لندن.

۶- نسخه » ۸۵۷- کتابخانه ملی پاریس.

۷- نسخه » ۸۵۸- کتابخانه مجلس شورا در تهران.

۸- نسخه » ۸۹۴- کتابخانه جامعه لیدن (هلند).

البته بعلمت دشواریهای دسترسی به نسخه‌های خطی مضبوط در کتابخانه‌های خارج از ایران هیچیک از این نسخه‌های تاریخدان

۱- قزوینی در ردیف ۱۶ این فهرست از يك نسخه خطی مکتوب به سال ۹۸۳ متعلق به کتابخانه حاج حسین آقا ملک نام میبرد. اما نسخه مکتوب به سال ۸۹۸ مضبوط در همین کتابخانه که مورد استفاده سید عبدالرحیم خلخالی نیز قرار داشت در این فهرست منظور نشده است.

مربوط به قرن نهم (بجز ردیف اول که نسخه اساس چاپ علامه قزوینی بود) مورد استفاده ایشان قرار نگرفته است.

۱۳۳۷-۱۳۳۷ ☆ شناسائی و استفاده از نسخه ۱۴-۸۱۳

در سال ۱۳۲۷ شادروان مجتبی مینوی در کتابخانه موزه بریتانیا در داخل مجموعه‌ئی که به شماره Add 27, 261^۱ در آن کتابخانه مضبوط است، و تاریخ کتابت آن ۸۱۳-۱۴ ق. می‌باشد، از وجود تعدادی از غزل‌های حافظ آگاهی یافت. مینوی مخمسی از یکی از شاعران معاصر حافظ به نام جمال لبنانی را، که بر اساس غزل «عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت» ساخته است، به نقل از آن مجموعه در مجله روزگارانو چاپ لندن منتشر کرد.^۲

چندی بعد آقای احمد مهران رفاهی از غزل‌های حافظ مندرج در این مجموعه عکسبرداری کرد و آن را در اختیار چند تن از علاقه‌مندان شعر حافظ (آقایان دکتر خانلری، دکتر محمود هومن، و مسعود فرزاد) قرار داد.

دکتر خانلری متن این غزل‌ها را که شامل ۱۵۲ غزل است در سال ۱۳۳۷ به نام «غزل‌های خواجه حافظ شیرازی» به چاپ رساند. در تصحیح متن این غزل‌ها دو نسخه خطی دیگر (مربوط به قرن نهم) نیز مورد استفاده قرار گرفته است:

۱ - در ضمن معرفی منابع در صفحه ۱۱۲۹ جلد دوم دیوان حافظ چاپ دکتر خانلری شماره این مجموعه با اشتباه 17/261 add. چاپ شده است.
۲ - مجتبی مینوی، «تخمین غزلی از حافظ از یکی از معاصرین او» مجله روزگارانو، ج ۳، ش ۱، ص ۴۴ - ۴۳.

۱ - نسخه کتابخانه مجلس که سابقاً متعلق به تیمورتاش بوده با تاریخ کتابت ۱۸۵۸.

۲ - نسخه خطی مورخ ۸۶۲ متعلق به دکتر صادق گوهرین.

۱۳۳۱-۱۳۳۷ ☆ شناسائی و مقابله نسخه مورخ ۸۱۸

نسخه خطی مورخ ۸۱۸ ق متعلق به کتابخانه حیدرآباد هندوستان بعنوان امانت در موزه ملی دهلی نگهداری میشود. غزلهای حافظ در این نسخه در حاشیه کلیله و دمنه نوشته شده است.^۲ استاد سعید نفیسی در سال ۱۳۳۱ از آن نسخه عکسبرداری کرده است. در جلد ششم مجله فرهنگ ایران زمین، ۱۳۳۷ زیر عنوان «نسخه بدلهای دیوان حافظ» آقای مهدی کمالیان توضیح میدهد که این نسخه را با چاپ قزوینی مقابله نموده است. در آن مجله تنها اختلافاتی که نسبت به متن چاپ قزوینی واجد مزیت و رجحان تشخیص داده شده است درج گردیده است.

۱۳۴۴ ☆ چند غزل اصیل از حافظ

در سال ۱۳۴۴ خانم بدری آتابای عکسی از چهارده صفحه از يك نسخه خطی را ضمن جزوه‌ئی به نام «چند غزل اصیل از دیوان حافظ» به چاپ رساند. این چهارده صفحه شامل ۲۳ غزل است و فاقد تاریخ کتابت میباشد. این صفحات که اول و آخر آن افتادگی

۱ - این نسخه همان است که در فهرست مندرج در مقدمه علامه قزوینی (ص ۷۰) در ردیف ۷ معرفی گردیده است.

۲ - توضیح مربوط به این نسخه در کاتالک کتابهای خطی موزه ملی دهلی چاپ ۱۹۶۴ صفحه ۹۱ - ۹۰ درج شده است.

دارد جزو مجموعه‌ئی است شامل منتخب اشعار انوری، اثیراخیسکتی سوزنی، و حافظ که در کتابخانه موزه گلستان (کتابخانه سلطنتی سابق) مضبوط است.

۱۳۴۶ ✧ شناسائی نسخه مورخ ۸۰۸

در شماره ششم سال دهم مجله راهنمای کتاب (اسفند ۱۳۴۶) آقای کرامت رعنا حسینی مقاله‌ئی نوشته است زیر عنوان «نسخه قدیمی از دیوان حافظ». در آغاز این مقاله نویسنده توضیح میدهد که چندبرگ، از جمله دوبرگ مذهب اول و آخر، يك نسخه از دیوان حافظ را، به خط میرعلی الکاتب و مورخ ۸۰۸، در دست کهنه فروشی دیده و از او خواسته بود که تمام دیوان را به دست بیاورد. يك سال در تعقیب این مسأله بود ولی توفیق حاصل نشده بود.

نویسنده مقاله اضافه میکند که این مطلب را روزی در حضور افرادی علاقه‌مند به نسخه‌های خطی اظهار داشت. دنباله مطلب با این جمله آغاز میشود که «... سختم دریکی از حاضران شوری افکند و... فغان ازو برخاست که من آن نسخه را خریدم اما باکسر این چند برگ...»

مقایسه چند بیت از این نسخه با چاپ قزوینی و عکس دو صفحه از این نسخه مقاله را تکمیل میکند. اما يك اطلاع مهم و اساسی مکتوم مانده است و آن این است که «یکی از حاضران» که این نسخه را خریده کی بود و حالا این نسخه کجاست و در اختیار کیست؟

۱۳۴۷ ☆ استفاده از نسخه ۸۹۳ و نسخه ۸۴۹

در میان منابعی که شادروان مسعود فرزاد در تهیه جامع نسخ حافظ به کار برده نسخه مربوط به قرن نهم است. نخستین و قدیمیترین آنها همان مجموعه شامل ۱۵۲ غزل متعلق به موزه بریتانیاست (مکتوب به سال ۱۴ - ۸۱۳). دو نسخه دیگر که متعلق به خود فرزاد بود عبارتند از:

۱- نسخه مکتوب به سال ۸۹۳ به خط محمد بن ابراهیم منعم که در جامع نسخ حافظ بعنوان نسخه اساس به کار رفته است. فیلم آن به شماره ۳۲۸۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مضبوط است.

۲- نسخه مورخ ۸۴۹ که در حدود ربع آن افتادگی دارد و بعداً به خط جدیدی نوشته شده است. فیلم این نسخه به شماره ۳۲۸۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ثبت شده است.

۱۳۴۵-۱۳۴۸ ☆ معرفی نسخه‌های خطی دیوان حافظ در کتاب احوال و آثار خوشنویسان

کتاب احوال و آثار خوشنویسان، نستعلیق نویسان، تألیف شادروان دکتر مهدی بیانی در سه جلد از طرف دانشگاه تهران انتشار یافت. جلد اول در سال ۱۳۴۵، جلد دوم در سال ۱۳۴۶ و جلد سوم در سال ۱۳۴۸.

در فهرست اسامی کتب در این سه جلد نام ۳۴ کاتب مشخص می‌گردد که ضمن آثاری که از خود به یادگار گذاشته‌اند به کتاب دیوان حافظ نیز پرداخته‌اند. چون از چهار کاتب بیش از یک نسخه

معرفی شده است رویهم از ۳۹ نسخه دیوان حافظ در این سه جلد کتاب‌ذکری به میان آمده است. از این تعداد تنها شش نسخه مربوط به قرن نهم است. ضمناً در ردیف مجموعه‌های اشعار مکتوب در قرن نهم یکی از آنها شامل غزل‌های حافظ نیز هست. این هفت نسخه خطی قرن نهم به قرار زیر می‌باشد:

۱- نسخه مورخ (فاصله ۸۲۵ تا ۸۵۶) - رقم مندرج در پایان

يك نسخه خطی دیوان حافظ، که در موزه آثار اسلامی و ترك استانبول مضبوط است، چنین تصریح شده است: «تم الديوان بعون الملك المنان على يد العبد الفقير المحتاج الى رحمة الله وغفرانه جعفر البایسنغری احسن الله احواله في الدارين ببلده هراة حماها الله تعالى عن البليات».

باملاحظه دستنویسهای جعفر بایسنغری چون در میان کتابهایی که بوسیله این کاتب در شهر هرات کتابت شده است تاریخ کتابت دیوان اشعار حسن دهلوی (مورخ ۸۲۵، مضبوط در کتابخانه مجلس) از دیگر مکتوبات او در این شهر قدیمتر است، میتوان تاریخ تحریر این نسخه از دیوان حافظ را بین ۸۲۵ تا ۸۵۶ تخمین زد. دکتر بیانی مینویسد که از آثار موجود از خطوط جعفر بایسنغری چنین برمی آید که وی میان سالهای ۸۱۶ تا ۸۵۶ در قید حیات بوده است.^۱

۱ - يك نسخه دیگر از دیوان حافظ به خط جعفر بایسنغری در کتابخانه تویقاپوسرای استانبول وجود دارد که کاتب آن نسخه را پیش از عزیمت به هرات، و اشتها به لقب بایسنغری، در سال ۸۲۲ نوشته و خود را «جعفر الحافظ» معرفی کرده است. در کتاب احوال و آثار خوشنویسان به وجود این دستنویس اشاره‌ئی نشده است. در يك دستنویس دیگر (دیوان همام، مضبوط در کتابخانه ملی پاریس) که در سال ۸۱۶ نوشته است نام خود را جعفر بن علی تبریزی قید نموده است.

۲- نسخهٔ مکتوب به تاریخ ۸۶۴ قمری به خط عبدالرحیم انیسی خوارزمی . این نسخه به عبدالحمید ملک الکلامی ملقب به امیر-الکتاب تعلق داشت. امیرالکتاب (متوفی ۱۳۲۸) خوشنویس و شاعر بود. شرح حال او در جلد دوم احوال و آثار خوشنویسان در ردیف ۵۲۵ درج گردیده است. این نسخه پس از امیرالکتاب در اختیار دکتر مهدی بیانی بود .

۳- نسخهٔ مورخ ۸۷۴ . در جلد اول کتاب احوال و آثار خوشنویسان و ذیل شرح حال پیرحسین کاتب (ردیف ۱۶۸) تحریر يك نسخه از دیوان حافظ بوسیلهٔ این کاتب ذکر شده که رقم و تاریخ آن چنین نقل گردیده است: تم الديو ان افصح الفصحاء... شمس المله والطريقه والحقيقه والدين محمد الشيرازي^۱ رحمه الله عليه فی تاریخ ثانی عشرین شهر شوال ۸۷۴ ختم بالخیر والاقبال علی ید العبد المذنب پیر حسین الکاتب غفر ذنوبه»

دکتر مهدی بیانی تصریح نکرده که این نسخه را کجا دیده است. ولی با توجه به مشخصات مذکور در پایان کتاب معلوم میگردد که

— باتشکر از همکاری دوست گرامی آقای عبدالعلی ادیب پرومند که فتوکپی این نسخهٔ خطی را در اختیار اینجانب گذاشتند این توضیح علاوه میشود که نام شاعر در پایان این نسخه «... محمد حافظ الشیرازی ...» ست و قسمتی از کلمهٔ حافظ که پاک شده است دیده میشود و «محمد الشیرازی» کتابت نشده است. تاریخ عددی ۸۷۴ نیز در میان دوسطر علاوه شده و بدنبال عبارت « شهر شوال » نیست.

این نسخه خطی همان است که به آقای احمد سهیلی خوانساری تعلق داشته و بعداً در اختیار آقای عبدالعلی ادیب برومند قرار گرفته و از طرف ایشان هم به یکی از کتابخانه‌های عمومی تهران واگذار شده است.

در چاپ دیوان حافظ به تصحیح آقای سهیلی خوانساری (تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۴) این نسخه خطی یکی از چهار نسخه اساس طبع می‌باشد.

۴- نسخه مورخ ۸۹۴ به خط محمود نیشابوری. در صفحه ۸۹۱ جلد سوم قید شده است که این نسخه در موزه پنجاب لاهور است. ظاهراً این نسخه همان است که متعلق به کتابخانه دانشگاه پنجاب پاکستان می‌باشد و در سال ۱۹۷۱ چاپ عکسی از روی آن در کراچی انتشار یافت.

۵- نسخه مورخ ۸۹۶ به خط سلطانعلی مشهدی. در صفحه ۲۵۹ جلد اول کتاب احوال و آثار خوشنویسان ذکر شده است که مشخصات این نسخه از جزوه مجموعه دولتی افغانستان در کابل نقل گردیده است.

۶- نسخه دیگری منسوب به سلطانعلی مشهدی در کتابخانه موزه گلستان وجود دارد که فاقد رقم و تاریخ است، ولی طبق شرحی که در صفحه ۲۵۷ کتاب احوال و آثار خوشنویسان درج گردیده است، جهانگیر پادشاه هند چند سطر به خط خود در این نسخه افزوده و اظهار نظر کرده است که این نسخه خط ملاسلطانعلی

مشهدی است.^۱

۷- نسخه مجموعه اشعار مورخ ۸۷۸ به خط حسین مشهدی
در کتابخانه فاتح استانبول.

۱۳۴۸ ☆ استفاده از يك نسخه منسوب به قرن نهم

نسخه اساس کتابی که بوسیله آقای ایرج افشار زیر عنوان
«دیوان کهنه حافظ» در سال ۱۳۴۸ انتشار یافت به شماره ۷۴۳۰ در
کتابخانه مجلس ثبت شده است.

متن این نسخه خطی دیوان سلمان ساوجی ست و در حاشیه آن
غزلهای حافظ کتابت شده است. این نسخه فاقد تاریخ کتابت است،
اما ناشر با توجه به کهنگی کاغذ، اسلوب جدول بندی و تزیینات
دیگر آن را مربوط به اوایل قرن نهم میدانند.

۱۳۵۰ ☆ استفاده از نسخه ۸۹۴

نسخه اساس متنی از دیوان حافظ که به روش عکسی در سال
۱۹۷۱ میلادی در کراچی چاپ و منتشر گردید متعلق است به کتابخانه
دانشگاه پنجاب.

نام کاتب و تاریخ کتابت در پایان این نسخه چنین تصریح شده

۱- در کتابخانه مجلس يك نسخه منتخب غزلهای حافظ به شماره ۹۶۹
مضبوط است که مشخصات پایان آن چنین است: «فی شهر ربیع الاول سنه خمس و
تسعين وثمانه پبلده استرآباد نوشته شد، الفقیر سلطان علی مشهدی». مرحوم
دکتر مهدی بیانی در صفحه ۲۵۸ اضافه کرده است که «بیشک به خط سلطان علی
مشهدی نیست و ظاهراً کسی در استرآباد از روی خط سلطان علی آن رامش کرده
است». این نسخه را نویسنده این سطور نیز رؤیت کرده، اگرچه از نظر تذهیب
و جلد نسخه ممتازی ست ولی خط آن به اسلوب نستعلیق هندی شباهت دارد و
صلاحیت قلم هنرمندی نظیر سلطانعلی مشهدی را فاقد است.

است : «تمت الكتاب بعون الملك الوهاب بتاريخ سنه اربع وتسعين و ثمانمائه بخط العبد الضعيف محمود بن حسن نیشابوری»
 يك نسخه دیگر از دیوان حافظ به خط محمود بن حسن نیشابوری
 و مکتوب به سال ۸۹۸ به کتابخانه ملک تعلق دارد و در ردیف منابع
 چاپ خلخال (۱۳۰۶) معرفی شد.

این محمود نیشابوری را نباید با شاه محمود نیشابوری (متوفی
 ۹۸۹ ق) اشتباه کرد. شاه محمود نیشابوری از کاتبان دربار شاه
 اسماعیل اول و شاه طهماسب صفوی بود، و بیش از همنام خود شهرت
 داشته و از نظر هنرمندی در تحریر خط نستعلیق نیز والاتر بوده است.^۱
 يك نسخه نفیس از دیوان حافظ به خط شاه محمود نیشابوری
 که در سال ۹۳۸ در تبریز کتابت شده است مزین به تذهیب و مینیاتور،
 چندجا مهر «وقف آستانه متبرکه صفیه صفویه» دارد و اکنون در
 کتابخانه آکادمی علوم شوروی در لنینگراد محفوظ است. نسخه
 عکسی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۸ - ۳۸۰۷
 موجود میباشد.

۱۳۵۰ ☆ معرفی نسخه مورخ ۸۲۲ به خط جعفر بایسنغری

در سال ۱۳۴۹ مؤسسه فرهنگی منطقه‌ئی اجرای طرح چاپ
 ممتاز برگزیده‌ئی از اشعار سخنوران بزرگ فارسی گوی را آغاز
 کرد. از این سری سه جزوه به قطع جیبی و هر کدام به خط یکی از

۱- دکتر پیانی مینویسد: يك نسخه خمسه نظامی مصور، مزین، و
 مذهب به خط شاه محمود نیشابوری که در مدت چهار سال برای کتابخانه شاه طهماسب
 کتابت شده است از شاهکارهای هنرهای زیبای ایران است. این نسخه اکنون در
 موزه بریتانیا نگهداری میشود.

استادان هنرمند معاصر انتشار یافت: برگزیده‌ئی از غزله‌ها و ترانه‌های امیر خسرو به خط آقای غلامحسین امیرخانی در سال ۱۳۴۹، برگزیده‌ئی از غزله‌های سعدی به خط آقای ابراهیم زرین قلم، و برگزیده‌ئی از غزله‌های حافظ به خط آقای محمد سلحشور در سال ۱۳۵۰. در مقدمه و ضمن منابع کتاب اخیر يك نسخه خطی از دیوان حافظ مکتوب به سال ۸۲۲ معرفی گردیده است. این نسخه متعلق است به کتابخانه موزه توفیق‌پوسرای استانبول. عبارت مرقوم در آخر این نسخه خطی چنین است: «کتبه العبد المذنب الراجی الی عفو الله تعالی و غفرانه جعفر الحافظ احسن الله آماله فی شهر سنه اثنی و عشرين و ثمانمئة هجریه نبویه م»

فیلمی از این نسخه خطی بوسیله شادروان مجتبی مینوی تهیه شده و در اختیار کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران گذاشته شده است. این فیلم به شماره ۲۳۵۹ و نسخه عکسی آن به شماره ۵۰۹۳ در این کتابخانه مضبوط است.

پس از مطالعه شرح حال جعفر بایسنغری و مقایسه خط دیوان حافظ مورخ ۸۲۲ با خط شاهنامه بایسنغری مکتوب به سال ۸۳۳ مسلم میشود که نام جعفر الحافظ، جعفر تبریزی، و جعفر بایسنغری، که در پایان بعضی از نسخه‌های خطی وجود دارد، هر سه معرف يك فرد است. در کتابخانه مرکزی دانشگاه عکس يك نسخه خطی از دیوان همام تبریزی به خط همین کاتب هست که در پایان آن چنین نوشته شده است: «تمت الديو ان بعون الله و حسن توفيقه علی يد العبد الفقير المحتاج الی رحمة الله تعالی جعفر بن علی التبریزی انجح الله آماله

فی ثالث صفر ختم بالخیر والظفر لسنه ست عشر وثمانمائه »
 جعفر اهل تبریز و از هنرمندان پیش کسوت خط نستعلیق بود.
 در حدود سال ۸۲۵ یا چند سالی پیش از آن تاریخ به کتابخانه بایسنغر
 میرزا درهرات پیوست و مورد توجه او قرار گرفت و از آن به بعد
 در دستنویسها خود را جعفر بایسنغری معرفی کرده است.
 از این نسخه مورخ ۸۲۲ بعنوان یکی از منابع در چاپ «غزلهای
 حافظ» به تدوین نویسنده این سطور (۱۳۵۳) استفاده شد. همین نسخه
 با نشانه و یکی از سه نسخه اساس دیوان حافظ چاپ دانشگاه تبریز
 (۱۳۵۶) میباشد. در دیوان حافظ چاپ دکتر خانلری (۱۳۵۹) نیز با
 نشانه ط یکی از منابع چهارده گانه ایشان است.

۱۳۵۰ ☆ معرفی نسخه ۸۰۷

در سال ۱۹۷۱ میلادی (برابر با ۱۳۵۰ خورشیدی) جزوه‌ئی
 زیر عنوان «حافظ، چهل و سه غزل» در ردیف نشریات عرفان انستیتوی
 شرق شناسی آکادمی فنهای جمهوری تاجیکستان به کوشش بانو
 کلثوم گلیموا با مقدمه‌ئی به زبان تاجیکی چاپ شد. این جزوه که
 شامل ۴۱ غزل و ۲ قطعه میباشد بر اساس مجموعه‌ئی خطی، که متن
 آن دارای تاریخ کتابت ۸۰۷ هجری قمری میباشد و در کتابخانه
 دستخطهای شرقی آکادمی علوم تاجیکستان مضبوط است، به چاپ
 رسیده است.

اشعار حافظ در این مجموعه در حاشیه بعضی از صفحات
 نوشته شده است.

۱۳۵۰ ☆ معرفی نسخه‌های خطی دیوان حافظ در فهرست
نسخه‌های خطی فارسی

از سالها پیش اقداماتی در خصوص انتشار فهرست کتابهای خطی بوسیله بعضی از کتابخانه‌های معتبر و سازمانهای فرهنگی کشور به عمل آمده بود. هفت مجلد کتابی که زیر عنوان «فهرست نسخه‌های خطی فارسی» بوسیله آقای احمد متزوی تدوین گردیده و انتشار آن از سال ۱۳۴۸ آغاز شد در واقع بمنزله جامع این فهرستها محسوب میگردد.

بخش بیست و پنجم در جلد سوم این نشریه، که در مهر ۱۳۵۰ بخش گردید، به دیوانهای شعرا اختصاص دارد. در این بخش از صفحه ۲۲۷۶ تا ۲۲۹۱ تعداد ۳۳۲ نسخه خطی از دیوان حافظ - که مشخصات آنها از فهرستهای اختصاصی کتابخانه‌های ایران و خارج از ایران استخراج شده است - معرفی گردیده است. از آنجمله ۲۱ نسخه تاریخدان مربوط به قرن نهم می باشد و همچنین هفت نسخه دیگر، اگرچه بدون تاریخ کتابت است، اما کارشناسان نسخه‌های خطی تاریخ کتابت آنها را مربوط به سده نهم هجری میدانند.

بعد از نسخه‌های مربوط به کتابخانه رضا در رامپور هندوستان (که کسب اطلاع موثقی از آنها میسر نگردید) در ردیف نسخه‌های تاریخدان نسخه مورخ ۸۲۱ متعلق به آقای دکتر اصغر مهدوی، بدنبال آن نسخه مورخ ۸۲۲ کتابخانه توفیق‌پوسرای استانبول و بعد نسخه مورخ ۸۳۴ کتابخانه مجلس در این فهرست قید شده است.

۱۳۵۰ - ۱۳۵۲ ☆ استفاده از نسخه مورخ ۸۲۴ و

نسخه مورخ ۸۱۷ - ۸۱۲

دکتر نذیر احمد استاد و رئیس بخش فارسی دانشگاه اسلامی علیگر هند در شماره اول جلد دوم مجله ایرانشناسی (ص ۳۴ تا ۵۳) مقاله‌ای نوشت و ضمن آن یک نسخه خطی از دیوان حافظ مکتوب به سال ۸۲۴ و متعلق به کتابخانه سید هاشم علی سبزویش متوطن در شهر گورکهور هند را معرفی کرد.

متنی از دیوان حافظ براساس این نسخه و به اهتمام دکتر سید محمدرضا جلالی نائینی و دکتر نذیر احمد در سال ۱۳۵۰ انتشار یافت.

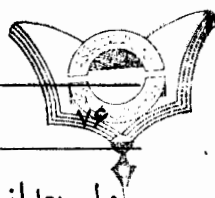
در چاپ دوم این دیوان (در سال ۱۳۵۲) متن اشعار براساس دو نسخه تنظیم شد: یکی نسخه مورخ ۸۲۴ (معروف به نسخه گورکهور) و دیگری نسخه ایاصوفیه که تاریخ آن ۸۱۷ - ۸۱۲ تخمین زده شده است.

۱۳۵۳ ☆ استفاده از نسخه مورخ ۸۲۲ و نسخه مورخ ۸۱۷ - ۸۱۲ و

نسخه مورخ ۸۲۴ دانشگاه

در تدوین کتاب «غزلهای حافظ» بوسیله نویسنده این سطور، که در سال ۱۳۵۳ منتشر گردید، از سه نسخه خطی مربوط به قرن نهم در ردیف دیگر منابع استفاده شد:

۱- نسخه معروف به ایاصوفیه که به استناد اهدا به جلال الدین اسکندر فرمانروای فارس تاریخ کتابت آن ۱۷ - ۸۱۲ فرض شده بود،



ولی بعد از تحقیق بیشتر مشخص گردید که این نسخه در سال ۸۱۳ قمری ۱۳۷۶ قمری کتابخانه شخصی پیدایشده است.

۲- نسخه مورخ ۸۲۲ به خط جعفر تبریزی (بایسنغری) مضبوط در کتابخانه موزه توقاپوسرای استانبول.

۳- نسخه خطی مورخ ۸۷۴ متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (به شماره ۴۴۷۷). دوسه برگ از آغاز این نسخه افتادگی دارد و رقم مندرج در آخر نسخه چنین است: «تم الدیوان المولی الاعظمی شمس الدین محمد حافظ الشیرازی طاب ثراه وجعل الجنة مثواه فی يوم الخميس عشرين [شعبان] المعظم سنة اربع وسبعين و ثمانمائة الهجرية وسلم تسليما»

۱۳۵۴ ☆ استفاده از نسخه ۸۹۴ و پنج نسخه دیگر

در جلد اول ، بخش یکم کتاب حافظ خراباتی ، پژوهنده : رکن الدین همایون فرخ که در سال ۱۳۵۴ انتشار یافت مؤلف منابع خود را در ارتباط باغزل‌های حافظ به شرح زیر معرفی میکند:

۱- نسخه آ : تاریخ کتابت آن دستکاری شده ولی پژوهنده مینویسد بر اساس خط و کاغذ و تذهیب نمی‌توان تاریخ آن را از ۸۳۰ تازه‌تر دانست .

۲- نسخه ب : با تاریخ ۸۹۴ به خط علاء الدین محمد بن برهان الدین حاجی تاج الدین فتاوی.

۱ - حافظ خراباتی ، جلد اول ، بخش یکم از صفحه دوپست و سی و هفت تا صفحه دوپست و چهل دو.

۳- نسخه ج: به خط پیرحسین کاتب از مشاهیر خوشنویسان
اواسط قرن نهم.

۴- نسخه ت: هدیه حاج باقر ترقی.

۵- نسخه د: از شیوه تحریر و کاغذ میتوان گمان برد که باید
متعلق به سالهای ۸۵۰ - ۸۳۰ باشد.

۶- نسخه آقای فخرالدین نصیری امینی، تاریخ تحریر آن
از لحاظ شیوه رسم الخط و کاغذ و مرکب نباید از ۸۵۰ تجاوز کند.

۱۳۵۴ ☆ استفاده از نسخه ۸۶۲

دیوان مولانا شمس‌الدین محمدحافظ شیرازی به اهتمام دکتر
یحیی قریب براساس نسخه خطی مورخ ۸۶۲ ق متعلق به وی تنظیم
شده است.

۱۳۵۶ ☆ استفاده از سه نسخه ۸۱۳، ۸۲۲، و ۸۲۵

در دیوان حافظ نشریه دانشگاه تبریز به تصحیح آقایان دکتر
رشید عیوضی و دکتر اکبر بهروز سه نسخه خطی زیر بعنوان نسخه‌های
اساس مورد استفاده قرار گرفته است:

۱- نسخه مورخ ۸۱۳ معروف به نسخه ایاصوفیه.

۲- نسخه مورخ ۸۲۲ به خط جعفرالحافظ^۱.

۱- ضمن معرفی منابع در صفحه نوزده مقدمه دیوان حافظ چاپ دانشگاه
تبریز ذکر شده است که نسخه مورخ ۸۲۲ اکنون در کتابخانه سلیمانیه نگهداری
میشود. ولی این نسخه خطی به نشانه Revan R947 در کتابخانه توپکا پوسرای
استانبول مضبوط است و نویسنده این سطور آن را در همان کتابخانه بررسی
کرده است.

۳- نسخه مورخ ۸۲۵ مضبوط در کتابخانه نور عثمانیه استانبول که برای نخستین بار در این نشریه از آن استفاده شده است.
در مقدمه چاپ دانشگاه تبریز باستناد مقاله «نشریات ترکیه، چند کتاب خطی مهم فارسی در قونیه» از احمد آتش، ترجمه دکتر خیام پور، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال هفتم، شماره ۲، به وجود يك نسخه خطی کهن از دیوان حافظ (مکتوب به سال ۸۱۹) اشاره شده است که در کتابخانه موزه قونیه به شماره ۱۰۷/۴ نگهداری میشود.^۲

۱- در مقاله «این رباعیها از حافظ نیست» به قلم دکتر محمد امین ریاحی، حافظ شناسی، جلد هشتم، بهار ۱۳۶۷ ص ۲۴-۱۳ در زیر صفحه ۱۴ اشاره شده است که نسخه مورخ ۸۱۹ مضبوط در کتابخانه موزه مولانا در قونیه به شماره ۱۳۷ در فهرست نسخ منتخب آن کتابخانه به قلم محمد اندر معرفی شده است.

۲- اینجانب متن عکسی يك نسخه خطی متعلق به کتابخانه موزه قونیه را (که در آن کتابخانه به شماره ۸۷-۱۳۷/۲ ثبت شده است) در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مورد بررسی قرار داده‌ام. شماره نسخه عکسی در این کتابخانه ۶۲-۳۰۶۰ است. در صفحه توضیحات که از طرف مدیریت موزه آثار عتیقه قونیه تنظیم شده است تاریخ تحریر این نسخه ۸۱۹ تعیین گردیده است. تاریخ کتابت در پایان نسخه خطی به عدد قید شده و عدد وسط به روش خاصی نوشته شده است که میتوان آن را ۵ خواند (۸d۹).

اشعار حافظ در این نسخه در حاشیه دیوان قاسم الانوار کتابت شده است. در صفحه اول کتاب ترنج دایره‌ئی شکل رسم گردیده که در وسط آن عبارت «دیوان میرسید قاسم نور قهره» خوانده میشود. میرسید قاسم (قاسم الانوار) در سال ۸۳۷ وفات یافته است. اگر ترسیم این ترنج با تاریخ کتابت نسخه همزمان باشد باید عدد ۸۵۹ را (پجای ۸۱۹) معتبر دانست.

۱۳۵۹ ✱ استفاده از چهارده نسخه کهن در دیوان حافظ چاپ
دکتر خانلری

در تنظیم دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ که به تصحیح دکتر پرویز ناتل خانلری در ۱۳۵۹ انتشار یافت از چهارده نسخه کهن استفاده شده است. هشت نسخه از مجموع چهارده نسخه پیش از این چاپ معرفی شده بود و شش نسخه زیر (سه نسخه کامل و سه نسخه منتخب) برای اولین بار مورد استفاده قرار گرفت:

- ۱- نسخه خطی مکتوب به سال ۸۲۱ متعلق به آقای دکتر اصغر مهدوی (با نشانه ح)
- ۲- نسخه خطی مکتوب به سال ۸۳۶ متعلق به آقای دکتر اصغر مهدوی (با نشانه م)
- ۳- نسخه خطی مکتوب در نیمه قرن نهم مضبوط در کتابخانه عزت قویون اوغلو ترکیه که نسخه عکسی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و شامل ۳۵۷ غزل است. (نسخه ز)
- ۴- مجموعه خطی مکتوب به سال ۸۱۱ قمری متعلق به کتابخانه کوپرولو در ترکیه که ضمن آن ۴ غزل از حافظ نیز مندرج می‌باشد. (نسخه الف)
- ۵- نسخه خطی متعلق به کتابخانه ایاصوفیه در استانبول با تاریخ کتابت ۸۱۶، شامل ۱۵۳ غزل. (نسخه د)
- ۶- جنگ یاسفینه مضبوط در کتابخانه مجلس در تهران که در زمان سلطان ابوالفتح ابراهیم (۸۱۷-۸۳۸) قمری کتابت شده و شامل ۴ غزل و یک قطعه است. (نسخه ن)

آن هشت نسخه که قبلاً شناسائی و مورد استفاده قرار گرفته بودند عبارتند از:

- ۱- نسخه خطی مورخ ۸۱۳ ایاصوفیه. (ب)
- ۲- مجموعه خطی مورخ ۸۱۳-۱۴ موزه بریتانیا حاوی ۱۵۲ غزل. (ج)

- ۳- نسخه خطی مکتوب به سال ۸۱۸ حیدرآباد هندوستان. (ه)
- ۴- نسخه مکتوب به سال ۸۰۷ تاجیکستان شامل ۴۱ غزل. (و)
- ۵- نسخه خطی مکتوب به سال ۸۲۲ موزه توپقاپوسرای استانبول. (ط)
- ۶- نسخه خطی مکتوب به سال ۸۲۵ کتابخانه نور عثمانیه استانبول. (ک)
- ۷- چاپ جلالی نائینی و نذیر احمد، براساس نسخه خطی ۸۲۴. (ی)
- ۸- چاپ قزوینی، براساس نسخه خطی مکتوب به سال ۸۲۷، (ل)

تاریخچه شناسایی نسخه مورخ ۸۱۳ معروف به نسخه ایاصوفیه

نخستین محقق که درباره نسخه خطی ایاصوفیه اطلاعی منتشر کرد پرفسور ریتر بود که در سال ۱۹۴۲ ضمن مقاله‌ای نوشت که این نسخه درموطن شاعر و ۲۲ سال پس از درگذشت او برای فرمانروای آن خطه کتابت شده است.^۱

درمقاله دیگری که درمجله ایران مجلد سوم سال ۱۹۶۵ بوسیله رابرت ریتر زیر عنوان «منابع جدید برای دیوان حافظ» منتشر گردید نویسنده از نسخه ایاصوفیه با ارجاع به مقاله پرفسور ریتر نشانی داده است.^۲

مایکل هیلمن دانشجوی امریکائی که در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مشغول تحصیل در دوره دکترای ادبیات فارسی بود در سال ۱۳۴۹ درمجله راهنمای کتاب مقاله‌ای نوشت و ضمن آن

1- H. Ritter, «Philologica XI. Der Islam» V.26, 1942,

2- R.M.Rehder, «New Materials for the Text of Hafiz», IRAN (Journal of the British Institute of Persian Studies), Vol. III, 1965, PP. 109-121.

درباره نسخه ایا صوفیه از مقاله رابرت ریدر نقل قول نمود.^۱

میکروفیلم اشعار حافظ که از ۳۸ برگ نسخه ایا صوفیه تهیه شده بود در اسفند ۱۳۴۹ در اختیار کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران قرار گرفت و به شماره ۳۷۸۲ در فهرست فیلمها ثبت شد.

در اواخر سال ۱۳۴۹ که برای استفاده از نسخه‌های خطی، بمنظور تدوین غزلهای حافظ، به کتابخانه‌های مهم تهران مراجعه می‌کردم در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران آقای محمد شیروانی مدیر بخش نسخه‌های خطی از وجود این فیلم آگاهی داد. چون استفاده از فیلم آسان نبود در بخش عکاسی کتابخانه مرکزی از آن ۳۸ برگ عکس تهیه شد.

این ۳۸ برگ رقم ۴۰۲ تا ۴۳۹ اصل نسخه خطی را شامل می‌گشت و روشن بود که آن اوراق جزئی ست از يك مجموعه. ولی توضیحات لازم درباره آن مجموعه مشخص نشده بود. در پایان صفحه دست راست برگ ۴۲۱، که تحریر قسمت اول غزلیات حافظ در این نسخه تمام میشود، این عبارت قید شده است: «به ایام سلطنت پادشاه اسلام فرمانفرمای هفت اقلیم سلطان جلال الدنیا والدین اسکندر خلدالله ملکه و سلطانه». در ذیل برگ ۴۳۹ نیز که تحریر اشعار حافظ پایان می‌پذیرد این عبارت نوشته شده است:

۲ - مایکل هیلمن، «کوششهایی جدید در شناخت دیوان صحیح حافظ».

راهنمای کتاب، سال سیزدهم، ش ۱۰-۱۲ (دی - اسفند ۱۳۴۹)، ص ۷۲۶-۷۱۲.

«تم دیوان الحافظ بعون الله و توفيقه و صلى الله على خير خلقه محمد و آله .م»

با در دست داشتن این مقدار آگاهی جز استفاده از فاصله زمانی حکومت جلال الدین اسکندر در فارس (۸۱۲ تا ۸۱۷ ق) برای تخمین تاریخ کتابت این نسخه چاره‌ئی نبود.

در تیرماه ۱۳۵۶ که برای مشاهده نمایشگاهها و برنامه‌های هنری فستیوال بین المللی به شهر استانبول رفته بودم از موقعیت استفاده کرده برای ملاحظه اصل نسخه خطی ایاصوفیه به موزه مسجد ایاصوفیه در استانبول مراجعه نمودم. آقای آلتای مدیر موزه اظهار داشت که همه کتابهای خطی موزه ایاصوفیه به کتابخانه سلیمانیه تحویل داده شده است.

ضمن بازدید از کتابخانه سلیمانیه استانبول در تیرماه ۱۳۵۶ مطالبی در باره نسخه خطی مورخ ۸۱۳ یادداشت کرده‌ام. قسمتی از آن را که برای تکمیل اطلاعاتی درباره این نسخه کمک میکند نقل میکنم:^۱

روی کارت که شماره آن ۲۳۹۴۵ میباشد نام مجموعه «جنگ

۱- دلیل اینکه معرفی نسخه مورخ ۸۱۳ (معروف به نسخه ایاصوفیه) با تفصیلی بیشتر ذکر شده است این است که تا این تاریخ قدیمیترین متن خطی است که از دیوان کامل حافظ شناخته شده است.

۲- در صفحه پانزده مقدمه دیوان حافظ چاپ دانشگاه تبریز و همچنین در جلد دوم دیوان حافظ چاپ دکتر خانلری (ص ۱۱۲۸) شماره کارت این نسخه خطی در کتابخانه سلیمانیه ۹۹۴۵ قید شده است که امکان دارد يك اشتباه چاپی باشد.

دواوین» نوشته شده با این مشخصات: قطع بیرون ۱۸۶×۲۸۵ میلیمتر و قطع درون ۱۱۶×۱۹۰ میلیمتر. سرلوحه تذهیب نفیس و جدولها خط کشی زر، کاغذ آهاری، ۶۴۸ برگ، هر صفحه ۳۳ سطر چهار ستونی. نسخه خطی را از اول تا آخر ورق زدم در بالای صفحه عنوان، در داخل ترنج عبارت «هذا فهرست مافی الکتاب» و پائین صفحه در داخل قرینه همان ترنج عبارت «المنسوب به عشرين دواوین» نوشته شده است.

عنوان هر دیوان به خط ثلث مزین با تذهیب تحریر شده است. کاتب نسخه با ختم کتابت اکثر دیوانها چند سطر مشعر بر پایان تحریر دیوان و حمد باری تعالی و درود بر پیامبر اکرم ص و آله الطیبین الطاهرین نوشته و در شش مورد (پایان منتخبات قصاید خاقانی، منتخب دیوان انوری، منتخب دیوان کمال اسماعیل، انتخاب غزلیات عطار، انتخاب غزلیات مولانا روم، منتخب دیوان امیر خسرو دهلوی که آخرین قسمت این مجموعه است) چند بیت نیز مشعر بر ختم کتابت آن قسمت و مدح سلطان جلال الدین اسکندر از طبع خود مزید کرده است.

نام کاتب دوبار ذکر شده است، يك بار در برگ ۱۵۵ در پایان غزلیات مولانا جلال الدین با این عبارت: «حرره تراب اقدام الفقرا حسن بن نصر الله الحافظ» و بار دیگر روی برگ ۵۱۱ در پایان منتخب دیوان سعد الدین نزاری که کاتب نام خود را حسن الحافظ الشیرازی

نوشته است.^۱

عنوان هریک از بیست دیوان وعین مطالب و اشعار خود کاتب را که در پایان قسمتهای مختلف نوشته شده است ضمن مرور این مجموعه یادداشت کرده ام. برای خودداری از طول کلام از نقل آنها در اینجا خودداری میشود.

تاریخ کتابت در برگ ۱۹۶ در پایان قصاید فارسی سعدی چنین قید شده است: تمت القصاید الفارسیه بعون الله و حسن توفیقه و الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله الطیبین الطاهرین اجمعین و سلم تسلیماً ابداً دائماً کثیرافی شهر ذی قعدة مبارک لسنه اربع و عشرو ثمان مائة الهجریه»

در آخرین برگ این مجموعه که پایان منتخب دیوان امیر خسرو میباشد کاتب یک قطعه پنج بیتی نوشته که آغازش چنین است:

کتاب خسرو عالم به خسرو ختم ازان کردم
که ختم خسروان او شد به عز و نام اسکندر
و تاریخ کتابت به حساب جمل در این قطعه چنین آمده است:
به سال ضاد و یا وجیم نصفی از رجب رفته
نوشته شد خداوند ابد به تو کام اسکندر
در باره اینکه چگونه تاریخ کتابت این نسخه خطی در وسط کتاب ۸۱۴ قید شده ولی در پایان کتاب از ذکر ضاد و یا وجیم عدد ۸۱۳

۱- در صفحه یازده مقدمه چاپ اول دیوان حافظ به تصحیح دکتر خالری و همچنین در صفحه ۱۱۲۸ جلد دوم، چاپ دوم نام کاتب این نسخه «حافظ حسن» قید شده است.

استخراج میشود، میتوان چنین حدس زد که شاید در جریان کتابت دیوانها، ردیف ۹ تنها به عنوان «من دیوان شیخ العارف سعدی» اختصاص داشته ولی پس از ختم بیست دیوان، اشعار دیگری از آثار سعدی با عنوانهای مستقل مانند غزلیات قدیم، ترجیعات، مرثیات، و قصاید فارسی به این نسخه افزوده شده است و تاریخ ختم کتابت این قسمتهای الحاقی در پایان قصاید فارسی سعدی ۸۱۴ قمری بوده است.

یادآوری میشود که در نسخه‌های خطی کهن قید شماره صفحه معمول نبود و شماره‌ها بر روی برگهای این نسخه پس از تجلید کتاب نوشته شده است. بر اساس این احتمال چون قسمت مربوط به غزلیات حافظ در این مجموعه جزو بخشی است که تحریر آن در سال ۸۱۳ انجام پذیرفته؛ ازینرو این نسخه از دیوان حافظ با تصریح تاریخ کتابت ۸۱۳ معرفی میشود.

تکمیل فهرست نسخه‌های خطی دیوان حافظ مربوط به قرن نهم هجری

در ضمن اشاره به فهرست نسخه‌های خطی فارسی گردآوری آقای متزوی ذکر شد که در جلد سوم آن کتاب، که در سال ۱۳۵۰ منتشر شد، ۲۱ نسخه دیوان تساریخدار مربوط به قرن نهم و ۷ نسخه بدون تساریخ و احتمالاً متعلق به قرن نهم معرفی شده است. از آن تاریخ تاکنون با استفاده از امکانات مراجعه مستقیم به کتابخانه‌ها در ایران و خارج از ایران و شناخته شدن بعضی نسخه‌ها در کتابخانه‌های خصوصی و بررسی فهرستها و مقاله‌هایی که در سالهای اخیر منتشر گردیده است، این تعداد در حدود سه برابر افزایش یافته است.

در کتابخانه دانشگاه استانبول ۲۱ نسخه خطی از دیوان حافظ وجود دارد و ضمن بازدید از آن کتابخانه در سال ۱۳۵۶ چهار نسخه خطی به تاریخهای ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۸۴، و ۸۹۶ را رؤیت کردم. پرفسور تحسین یازیجی استاد زبان فارسی دانشگاه استانبول نیز مرا از وجود مجموعه‌ئی مربوط به دهه اول قرن نهم در کتابخانه کوپرولو که شامل ۳۶ غزل حافظ میباشد آگاه نمود. در این مجموعه در پایان منتخب اشعار کمال الدین کاشانی تاریخ ۸۱۱ قید شده است. ضمن بازدید از کتابخانه سلیمانیه استانبول غیر از مجموعه به نام بیست دیوان مکتوب به سال ۸۱۳ که قسمتی از آن اشعار حافظ است (همان نسخه معروف به ایا صوفیه)، هیچ‌ده نسخه خطی دیگر از دیوان حافظ رؤیت شد که میان نسخه‌های تاریخدار چهار نسخه مربوط به قرن نهم بود.

در کتابخانه ملی پاریس ۷۵ نسخه از دیوان حافظ موجود است. از آن میان چهار نسخه را که مربوط به قرن نهم میباشد با تاریخ کتابت ۸۵۷، ۸۷۵، ۸۸۹، و ۸۹۶ نگارنده رؤیت نموده است.

هنوز امکان دارد که نسخه‌هائی کهن و معتبر در کتابخانه‌های شخصی و خصوصی در شهرهای ایران موجود باشد.^۱ اطلاعات ما

۱- در حاشیه مقاله «این رباعیها از حافظ نیست» در صفحه ۱۴ جلد هشتم، حافظ‌شناسی (بهار ۱۳۶۷) نوشته شده است که يك نسخه شاهانه نفیس ممتاز از دیوان حافظ، که در تاریخ ۸۸۴ در شیراز به خط احمد بن علی بن احمد شیرازی کتابت شده و ۲۸ مینها تور دارد، سالها پیش برای فروش به یکی از کتابخانه‌های دولتی عرضه شده بود ولی گویا اینک در اختیار آن کتابخانه نیست.

درباره بعضی از کتابخانه‌های مهم کشورهای همجوار هنوز ناقص است. بطور مثال در فهرستی که فراهم شده اطلاع کافی درباره نسخه‌های خطی موجود در افغانستان منعکس نشده است. تحقیق بیشتر درباره نسخه‌های مضبوط در هند و پاکستان و اتحاد جماهیر شوروی بخصوص جمهوریهای ازبکستان و تاجیکستان به احتمال قوی ارقامی به این فهرست خواهد افزود. همین وضع در باره کشور ترکیه نیز، با آنکه بیشتر تجسس شده است، هنوز صادق است. بطور مثال ضمن مراجعه نگارنده به کتابخانه عمومی آنکارا در سال ۱۳۵۶ مدیر کتابخانه اظهار داشت که چندین نسخه خطی دیوان حافظ در آن کتابخانه موجود است اما چون فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی در دست اقدام بود، امکان بازدید و بررسی حاصل نشد.

گفتار پنجم

بررسی انتقادی سه چاپ مشهور

سالها بود که مردم با ذوق ایران و فارسی دانان خارج از ایران ، که شیفته اشعار حافظ شیرین سخن بودند ، هنگام مقابله و مقایسه متن غزلهای حافظ ، بقول علامه قزوینی ، هیچ دو نسخه‌ئی را نمی یافتند که در سوق عبارات و در عده غزلیات یا ابیات هر غزلی با هم مطابقت داشته باشد ؛ و در میان اینهمه اختلاف نسخه بدلهای سرگردان بودند .

اکثر چاپهای دیوان حافظ اشعار مشکوک منتسب به حافظ را هم ، بخاطر تعبیر ناموجهی از اصطلاح « جامع و کامل » با اشعار اصیل حافظ بهم آمیخته درو خرمهره را در یک رشته به مشتاقان سخن درفشان حافظ تحویل میدادند. در چنین شرایطی انتشار دیوان حافظ در سال ۱۳۲۰ به اهتمام ادیبی فاضل و محقق آگاه، که شهرتی به موشکافی و دقت در کار تحقیق نیز داشت، مزده‌ئی بسیار با ارزش برای هر فرد علاقه‌مند به شعر فارسی و بخصوص غزل حافظ بود .

برای مدتی متجاوز از سی سال ، و به عقیده گروه کثیری حتی تا حال حاضر ، دیوان حافظ در کسوت چاپ قزوینی بدون رقیب و معارض راه نفوذ خود را در ذهن مردم با سواد کشور گسترش داد.

هرکسی که غزلی از حافظ به ذهن میسپرد، هرکسی که در نوشته خود میخواست بیتی از حافظ نقل کند، و در سرتاسر کتاب لغتی به وسعت لغت نامه دهخدا، هر جاکه شاهد مثالی از شعر حافظ درج شد، همه در قالب متن چاپ قزوینی بود.

علامه قزوینی در سال ۱۳۲۸ درگذشت ولی شهرت و اعتبار دیوان حافظ معروف به چاپ قزوینی همچنان راسخ و استوار بر جای ماند.

هفت سال پس از انتشار چاپ قزوینی بود که برای نخستین بار موجی پیش آمد که در برابر قاطعیت و صحت ضبط بعضی از کلمات در متن چاپ قزوینی تردیدهایی اظهار شد و انتقادهایی به عمل آمد و ادعا شد که در بعضی از موارد ضبط نسخه دیگری (که اگر چه نسخه ناقصی بود، ولی در آن هنگام بعنوان متنی قدیمتر از نسخه اساس چاپ قزوینی معرفی گردیده بود) برتر و بهتر است:

دکتر پرویز خانلری در سال ۱۳۲۷ چند مقاله در مجله یغما منتشر کرد که ضمن آن میان ضبط بعضی از کلمات و عبارات در چاپ قزوینی و ضبط نسخه بریتانیا (مورخ ۸۱۴ - ۸۱۳) مقایسه‌هایی به عمل آمده و همه جاکفه برتری به سود نسخه قدیمتر نشان داده شده بود. این مقالات در سال ۱۳۳۷ بصورت کتابی زیر عنوان «چند نکته در تصحیح حافظ» انتشار یافت. در همان سال دکتر خانلری متن ۱۵۲ غزل را بر اساس نسخه خطی موزه بریتانیا به نام «غزلهای خواجه حافظ شیرازی» منتشر ساخت. در مقدمه این کتاب تأکید فراوانی در مورد اهمیت قدمت تاریخ کتابت شده است.

توجه ویژه‌ئی برای معرفی نسخه‌های خطی کهن از آن زمان به کار رفت. در سال ۱۳۴۴ خانم بدری آتابای جزوه‌ئی مشتمل بر ۲۳ غزل بر اساس يك مجموعه خطی کهن به چاپ رساند. در سال ۱۳۴۸ آقای ایرج افشار متنی بر اساس يك نسخه خطی، که گرچه فاقد تاریخ کتابت است ولی با توجه به مشخصات آن، به نام دیوان کهنه حافظ انتشار داد. در سال ۱۳۵۰ متنی از دیوان حافظ بر اساس نسخه مورخ ۸۲۴ هجری قمری به اهتمام دکتر سید محمدرضا جلالی نائینی و دکتر نذیر احمد منتشر شد. در مقدمه این کتاب چنین اظهار نظر شده است که این چاپ «بر اساس قدیمیترین، اصیلترین، و شاید صحیحترین نسخه‌ئی است که تا کنون به دست آمده است». در سال ۱۳۵۶ دیوان حافظ بر اساس سه نسخه کهن مورخ به سالهای ۸۱۳، ۸۲۲، و ۸۲۵ از طرف دانشگاه تبریز به چاپ رسید. در مقدمه این کتاب اشاره شده است که «... محققان ادب فارسی سالها از دست بردن به تصحیح مجدد این دیوان تن میزدند و کسی را یارای آن نبود که بدون اتکا به نسخه‌ئی کهنتر و معتبرتر از نسخه خلخال، بر نسخه پرداخته شادروان قزوینی خرده‌ئی بگیرد...»

اما شادروان مسعود فرزند که يك سال پس از انتشار دیوان حافظ چاپ قزوینی (در سال ۱۳۲۱) جزوه‌ئی زیر عنوان «دلشیدای حافظ» منتشر ساخت، بجای بحث درباره قدمت تاریخ کتابت نسخه اساس، از راه دیگری به مقابله با اسلوب کار قزوینی پرداخت. در این جزوه فرزند کوشیده است يك بحث انتقادی در مورد نسخه بدله‌ها و توالی ابیات غزلی از حافظ عرضه کند و پیام حافظ

را در این غزل مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

بیست و شش سال بعد (در سال ۱۳۴۷) فرزاد توفیق حاصل کرد که همه یادداشتهای تحقیقی وی درباره اشعار حافظ، در ده جلد یکی پس از دیگری، بوسیله دانشگاه شیراز منتشر شود. اگر چه بعضی از علاقه‌مندان به شعر حافظ تحت تأثیر یادداشتهای تحقیقی مرحوم فرزاد قرار گرفته، بعضی از نظرهای اصلاحی او را در جستجوی حافظ صحیح باحسن‌نیت پذیرفتند؛ ولی از همان ابتدای انتشار کتاب جامع نسخ حافظ ناقدان شعر و پژوهشگران زبان و ادبیات فارسی بر روش کار فرزاد، و قضاوتهای او درباره انتخاب کلمات و عبارات غزلها، خرده‌هایی گرفتند و مقاله‌های انتقادی در روزنامه‌ها و مجلات نگاشتند. خود فرزاد بعضی از این مقاله‌ها را با جواب آنها در پیوست کتاب «گزارشی از نیمه راه» درج کرده است.

سالها بود که دوستداران شعر جاودانی حافظ آگاهی داشتند که دوتن از استادان دانشمند ادبیات فارسی (شادروان مجتبی مینوی و دکتر پرویز ناتل خانلری) با گردآوری قدیمیترین و معتبرترین منابع به تصحیح دیوان حافظ اشتغال دارند.

انتظار طولانی بالاخره در سال ۱۳۵۹ به سر رسید و کتابی با عنوان «دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ - بامقابله چهارده متن از کهنترین نسخه‌های موجود در جهان - مقدمه و تصحیح و تحشیه از پرویز ناتل خانلری» منتشر شد. همه علاقه‌مندان شعر حافظ و محافل ادبی انتشار این کتاب را واقعه‌ئی بسیار ارزشمند در تاریخ

دوران رواج چاپ دیوان حافظ قلمداد کردند. به نظر میرسید که گره دشواریهای اختلافهای ضبط کلام حافظ برای همیشه گشوده گشته است و به کوششها و تقلاهای بیشتر نیازی نخواهد بود. اما جلو حس کنجکاوای مردم را، آنهم در کار تحقیق، نمیشود سد کرد. افراد علاقه‌مند به شعر حافظ و کنجکاو در امر تحقیق در اجتماع ما منحصر به یکی و دوتا یا پنج تانیستند.

چاپ اول دیوان حافظ به تصحیح دکتر خانلری در فاصله کمی نایاب شد. چاپ دوم از طرف انتشارات خوارزمی در دو جلد در سال ۱۳۶۲ بخش گردید. در فاصله میان دو چاپ و بعد از انتشار چاپ دوم مقاله‌های متعددی مبنی بر تقریظ و همچنین انتقاد از دیوان مصحح دکتر خانلری نوشته شد.^۱

با همه این کوششها چنین پیداست که مشکل دیگر سانیها در غزلهای حافظ برطرف نشده است و زمینه اتفاق نظری در متن غزلها برای صاحب نظران ایجاد نگردیده است. بجای اینکه تشنگان راه طلب بسا برخوردار از زلال این چاپ مستند سیراب گردند، عطش کنجکاوای بیشتر شده و موجب گردیده است که دامنه تردید و تفحص

۱- از جمله مقاله «حافظ، نسخه نهائی» به قلم ابوالحسن نجفی. نشر دانش،

سال ۲، ش ۱.

و مقاله «سخنی از تصحیح جدید دیوان حافظ» به قلم دکتر حسینعلی هروی.

نشر دانش، سال ۱، ش ۶۵. همچنین مقاله «نکته‌هایی در تصحیح دیوان حافظ»

نگارش دکتر حسینعلی هروی. نشر دانش، سال ۶، ش ۲.

(این مقالات در کتاب برگزیده مقاله‌های نشر دانش درباره حافظ، تهران،

مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵ نقل شده است).

و مقاله «درباره بیست بیت از دیوان حافظ خانلری» به قلم دکتر منوچهر

امیری. آینده، سال ۱۰، شماره ۱۱ و ۱۰ (دی و بهمن ۱۳۶۳) ص ۶۵۰-۶۲۳.

گسترده تر شود. نه تنها اهل ذوق و ادب به ادامه تحقیق مشتاقتر شده اند، و به این تمایل و اشتیاق در امر تحقیق نمی توان معترض شد؛ بلکه بعضی از بنگاهها و ناشران از درجات مختلف نیز بدون توجه به دستاورد های تحقیق و تتبع خواسته اند که در این میدان پر جنجال گویی به نام خود بزنند. هر ناشری برای خود متن ویژه ای از اشعار حافظ فراهم آورده و در این میان چاپهای منسوخ کلکته و بمبئی و لکهنو مملو از غزلهای مشکوک و مردود و کلمات و عباراتی دستکاری شده، کسوتهای رنگارنگ چندین چاپ نو پوشیده اند.

این مسأله که در فاصله هشت سالی که از تاریخ انتشار دیوان مصحح خانلری میگذرد بیش از سی بار متن چاپ قزوینی به روشهای متفاوت و به دستنویس استادان خط چون جواد شریفی، حسین خسروی، عباس منظوری، کیخسرو خروش، و فاتح عزت پور تجدید چاپ شده است، از نظر پژوهشگر پرسش انگیز است که چطور استفاده از چهارده نسخه خطی قرن نهم نتوانسته است متنی را که تنها از يك نسخه خطی قرن نهم سود جسته است از جریان خارج سازد. در عین حال با آنکه تنها راه دستیابی به متن صحیح و اصیل غزلهای حافظ استناد به نسخه های خطی کهن و معتبر است باید بتوان به این پرسش جواب مناسبی داد که آیا متن مصحح دکتر خانلری از عهده چنین رسالتی برآمده است؟

تاکنون درباره این سه چاپ مقاله های زیادی نوشته شده است و اکثر آنها ناظر بر بحث در مورد اختلاف نسخه بدلهای و ترجیح قرائتی بر قرائت دیگر بوده است. از جمله چندتن از صاحب نظران متن

دو چاپ قزوینی و دکترخانلری را با هم مقایسه کرده و دلایل خود را در مصاب بودن انتخاب کلمات و عبارات در هریک از این دو چاپ ذکر کرده‌اند.^۱ در بررسی که اینک مطرح میشود اصولاً چنین هدفی در مد نظر نیست. بلکه منظور آن است که طرح والگوی هر مصحح در راهجویی بسوی متن صحیح گفتار حافظ مشخص گردد، منابع و روش استفاده از آن و بطور کلی چگونگی اجرای طرح مورد بررسی قرار گیرد و نتیجه‌گیری شود که هر چاپ فی نفسه تاچه میزان اعتبار و سندیت دارد.

۱- از جمله مقاله «قزوینی- غنی یا خانلری، کدام؟» نوشته مهدی برهانی. حافظ‌شناسی، جلد اول، ۱۳۶۴، ص ۱۱۰-۶۷. همچنین دنباله آن مقاله «حافظ قزوینی- غنی یا خانلری کدام؟» حافظ‌شناسی، جلد دوم، [بی‌تا]، ص ۹۱-۲۴. و «حافظ خانلری، قزوینی- غنی». حافظ‌شناسی جلد سوم، ۱۳۶۶، ص ۱۴۸-۱۲۳.

و مقاله «ماجرای پایان ناپذیر حافظ» از دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن. نشر دانش، سال ۲، ش ۲.

سخنی درباره دیوان حافظ به تصحیح علامه قزوینی

در سالهای اخیر دامنه بحث و بررسی درباره غزلهای حافظ گسترش یافته است. به جستجو و ژرف‌نگری در راه دستیابی به متن صحیح و اصیل گفتار حافظ اهمیت زیادی داده میشود. در این رابطه شناسائی و استناد به متن نسخه‌های خطی معتبر و کهن ارزش خاصی پیدا کرده است.

نسخه مکتوب به سال ۸۲۷ قمری متعلق به خانواده شادروان سید عبدالرحیم خلخالی که اساس چاپ ۱۳۰۶ خلخالی و همچنین اساس چاپ ۱۳۲۰ علامه قزوینی بود تا سال ۱۳۴۹ قدیمیترین نسخه خطی کامل از دیوان حافظ محسوب میگردد. اگرچه با شناسائی نسخه‌های بیشتری در حال حاضر نسخه خلخالی از دید دیرینگی تاریخ کتابت در ردیف ششم از نسخه‌های خطی کامل یا نسبتاً کامل دیوان حافظ قرار میگیرد، با وجود این بخاطر انس و الفتی که اکثر مردم با سواد کشور با ضبط این نسخه پیدا کرده‌اند؛ این نسخه از ارزش و اعتبار ویژه‌ئی برخوردار است.

پس از چاپ دیوان مصحح علامه قزوینی در سال ۱۳۲۰ تا این تاریخ هیچ اثری که بیانگر استفاده مستقیم از نسخه مورخ ۸۲۷ باشد منتشر نگردیده است. از سوی دیگر اکثریت نزدیک به اتفاق چاپهای گوناگون از غزلهای حافظ، چه در ایران و چه در خارج از ایران، که خواه کامل و خواه برگزیده‌ئی محسوب میگردند، اگر خواسته‌اند ضبط متن دیگری را بمنظور مقایسه در حاشیه تذکر دهند، بیش از هر نسخه دیگر به ارائه متن نسخه خلخالی توجه داشته‌اند. منتها بسبب

عدم دسترسی به متن نسخه خطی، همگی چاپ قزوینی را بعنوان نماینده تمام عیار نسخه خطی مورخ ۸۲۷ به کار برده‌اند. اینجانب نیز تا چند ماه پیش مانند هر خواننده دیگر تردیدی را از این بابت جایز نمی‌دانستم.

اما چند سال بود که برای ارزیابی نسخه‌های خطی قرن نهم روش خاصی به کار می‌بردیم و آن استخراج اشتباه‌های دستنویسی در آن نسخه‌ها بود. چون در مورد نسخه خطی مورخ ۸۲۷ هم قزوینی نوشته بود که «... اغلاط بسیار فاحش و واضح که اغلب ناشی از سهو و غفلت کاتب یا طغیان قلم اوست در این نسخه بسیار فراوان است...» يك نیاز تحقیقی مرا ترغیب می‌کرد که از متن اصلی نسخه خطی و تفاوت‌های آن با چاپ قزوینی آگاه بشوم.

در مقدمه مبسوط شادروان قزوینی خوانده بودم که او باتفاق دکتر قاسم غنی متن چاپ ۱۳۰۶ خلخال را با نسخه خطی مقابله کرده و همه موارد اختلاف را با مرکب سرخ در حاشیه يك مجلد از همان چاپ نوشته بودند. پس از آنکه اطلاع یافتیم که کتابهای قزوینی به کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران اهدا شده است به آن کتابخانه مراجعه کردم و امیدوار بودم که اگر آن مجلد یاد شده از چاپ خلخال را در آن کتابخانه به دست بیاورم اطلاع از محتوای ضبط نسخه خطی مورخ ۸۲۷ دشوار نخواهد بود.

دربرگدان کارتهای کتابهای اهدائی قزوینی در کتابخانه دانشکده ادبیات شماره چاپهای مختلف دیوان حافظ را یادداشت کردم. رویم ده جلد بود و شماره کتاب چاپ خلخال XVA21 بود.

کتابهای اهدائی علامه فقید در کتابخانه دانشکده ادبیات در قسمتی از اتاق پشت مخزن اصلی نگهداری میشود. پس از آنکه معلوم شد کتاب در جای خود نیست برای اطمینان خاطر به داخل مخزن رفتیم. همه نسخه های چاپی مورد استفاده آن محقق ارجمند در قفسه ها موجود بود باستثنای همین کتاب مورد نیاز.

چندبار دیگر هم به آن کتابخانه مراجعه کردم و به کمک کتابداران قفسه های دیگر را هم از نظر گذرانیدیم ولی از همه این تقلاها نتیجه ئی حاصل نشد.

دوستی خبر داد که یادداشتهای مرحوم دکتر قاسم غنی در حاشیه دیوان حافظ (چاپ معرفت شیراز)، که به ضبط نسخه خطی خلخالی هم اشارتی دارد به روش افست چاپ شده است. این کتاب را دیدم. ضمن بررسی مشاهده شد که متن چاپ معرفت با چاپ قزوینی اختلافهای زیادی دارد. در بعضی از موارد دکتر غنی متن چاپ معرفت را به خط خود اصلاح کرده است. در موارد دیگر اختلافها نه در متن و نه در حاشیه منعکس نشده است. به همین سبب مشخص نبود که همه تفاوتهای ضبط نسخه خطی خلخالی نیز در حاشیه قید شده باشد.

چون به اتکای حدس و گمان نمی توان کار دقیق پژوهشی انجام داد به این دلیل ادامه بررسی این کتاب را برای منظوری که در پیش داشتم رها کردم.

چند سال پیش دوست گرامی آقای شمس الدین خلخالی اظهار کرده بود که اصل نسخه خطی مورخ ۸۲۷ را، که دردسترس نبود،

هروقت آماده شد در اختیار اینجانب میگذارند ، سرانجام ترتیب این کار داده شد و در خردادماه ۱۳۶۶ برنامه‌ئی قرار گذاشتیم و باتفاق به مقابله متن چاپ قزوینی بانسخه خطی خلخالی پرداختیم. این کار پنج ماه طول کشید و بعد از چهل و شش سال موقعیتی فراهم گردید که این بار اختلافهای چاپ قزوینی با نسخه خطی خلخالی در حاشیه يك جلد از آن چاپ نگاشته شود.

در جریان اشتغال به مقابله گاهی هم مجالی پیدا میشد که درباره تغییراتی که علامه قزوینی در ضبط نسخه خطی رواداشته بحث کنیم و دیگر سانیهای نسخه‌های خطی دیگر را باهم بسنجیم. در این کوشش مقابله، از اصل نسخه خطی خلخالی استفاده شد تا هیچگونه شائبه تردید از نظر چگونگی عکس یا فیلم مطرح نگردد. بدون آگاهی از ضبط واقعی نسخه خطی «خ» داوری نسبت به روش اقدام مرحوم قزوینی در تدوین غزلهای حافظ منحصر میشد به ذکر کلیاتی درباره انتخاب منابع. موضوع مقایسه متن چاپ قزوینی بانسخ مختلف خطی یا چاپی و اظهار نظر در مورد برتری یکی نسبت به دیگری نیز ، که گاهی از طرف نویسندگان علاقه‌مند به شعر حافظ در کتابها و نشریات دیگر مورد بحث قرار میگیرد در حکم سنجشی است که بایک چاپ آزاد برگزار شده است و نه بایک نسخه خطی. اکنون با بهره‌گیری از همکاری صمیمانه‌ئی که آقای شمس‌الدین خلخالی در این مورد مبذول داشته است میتوان با قاطعیت و اطمینان و از روی سند و مدرک درباره برنامه تدوین غزلهای حافظ در چاپ قزوینی سخن گفت .

بررسی انتقادی متن غزل‌های حافظ به تصحیح علامه قزوینی

زحمات تحقیقی شادروان علامه قزوینی در معرفی آثار کهن ادب فارسی و عربی، در باب شرح نکات دقیق تاریخی، در توضیح مفهوم لغات و تعبیرات مشکل و نادر و گشودن گره پیچیدگی‌هایی که برای محققان در تراجم احوال رجال تاریخی و علمی و ادبی پیش می‌آید هیچگاه ارزش و اعتبار خود را از دست نداد. در مورد غزل‌های حافظ هم باید سه جنبه کار او را از هم جدا کرد و در باب هر یک جداگانه بررسی نمود.

جنبه اول مربوط به روش مألوف او در توضیح معانی لغات و ترکیبات دشوار فارسی و عربی و شرح نکات ادبی و تاریخی است که در فراویز برخی از صفحات دیوان حافظ و رویهم در مورد ۷۳ واژه قید کرده است. دانشمند فقید در نظر داشته که علاوه بر این زیر نویسها توضیحات دیگری بعنوان حواشی به آخر کتاب علاوه نماید. طبع دیوان در شهریور ۱۳۲۰ به انجام رسید و در شرایط و احوال آن زمان، یا خود مصحح یا وزارت فرهنگ (که مباشرت چاپ این کتاب را عهده‌دار بود) از افزودن آن حواشی به کتابی که طبع آن پایان یافته بود منصرف شدند.

بیشتر این یادداشتهای مربوط به حواشی در سالهای بعد در مجله یادگار یا مجله‌های دیگر منتشر شد. این جنبه از پژوهشهای آن فاضل ارجمند در بررسی حاضر مطرح نمی‌باشد.

جنبه دوم : مسأله انتخاب منبع

عقیده و نظر مصحح در باب منابع لازم جهت تدوین اشعار حافظ این بود که باید چند نسخه که از همه نسخ نزدیکتر به عصر شاعر باشد به دست آورد و سپس از روی همان نسخ منحصرأ و بدون هیچ التفاتی به نسخ متأخر، اشعار حافظ را تدوین کرد. (صفحه کو مقدمه). بدنبال این نظریه علامه قزوینی نوشته است که از نسخی که بسیار نزدیک به عصر حافظ باشد، یعنی نسخی که در قرن نهم کتابت شده است، مکرر ملاحظه کرده چه در ایران و چه در خارج از ایران. در صفحه مه مقدمه صورتی از قدیمیترین نسخه‌های خطی دیوان حافظ مستخرج از فهرست کتابخانه‌های مهم ایران و خارج از ایران معرفی شده است که هشت ردیف اول آن مربوط به قرن نهم است، باقی نسخه متعلق به مرحوم خلخالی با تاریخ کتابت ۸۲۷ ق در ردیف اول، و دو نسخه مکتوب به سال ۸۵۴ و سال ۸۵۸ مضبوط در کتابخانه مجلس در ردیفهای ۷۹۴.

این بود طرح و الگویی که مصحح در مقدمه مبسوط خود در باره شرایط انتخاب منابع تعیین میکند.

طبق توضیحات بعدی، در تصحیح متن غزلها و مقدمه جامع دیوان و قصاید رویهم هیجده نسخه خطی به کار رفته است. از میان این هیجده نسخه، چهار نسخه بعنوان نسخ اساس در تصحیح غزلها، پنج نسخه دیگر بمنظور تأیید جانبی برجانبی در موارد اختلاف میان نسخه‌های اساس، و نه نسخه دیگر که دیرتر به دستشان رسیده بود - تنها در تصحیح مقدمه جامع دیوان و قصاید مورد استفاده قرار

گرفته است. اما از این هیجده نسخه خطی جز نسخه خلخال‌هیچیک بطور مشخص مربوط به قرن نهم نیست. دوازده نسخه تاریخ کتابت ندارد و در پنج نسخه دیگر بترتیب تاریخهای ۱۰۴۷، ۱۱۱۲، ۱۲۳۶، ۱۲۳۸ و ۱۲۵۱ قمری قید شده است.

در مقدمه ضمناً افزوده شده که از شرح نفیس سودی به ترکی (چاپ بولاق در سنه ۱۲۵۰) در تصحیح متن بسیار استفاده شده است^۱ و با آنکه نسخ چاپی را اغلب مشحون از تحریفات و تصرفات نساخ میدانند با اینحال مینویسند که «از دوسه چاپ آنها که نسبتاً از سایر چاپها مصححتر و مضبوطتر است گاهگاه استفاده شده است»^۲.

جنبه سوم: روش تدوین غزلها

مصحح دیوان در باب روش تدوین غزلها دومیاله را بطور جداگانه در نظر گرفته است که عبارت باشد از:

الف) کمیت اشعار، ب) صحت و سقم عبارات.

الف - چگونگی اقدام در مورد کمیت اشعار

در مقدمه تصریح شده است که مصحح خود را ملزم و مقید کرده است که در خصوص کمیت اشعار (یعنی از حیث عده غزلیات و عده ابیات هر غزل)^۳ منحصرأ همان نسخه خ را اساس طبع خود

۱ - در صفحه ۴۲ مقدمه در باب تاریخ تألیف شرح سودی به ترکی يك بيت شعر به زبان ترکی قید شده که مصرع اول آن این است، «شد مکه شرحه دل پولدی فرصت»، ولی سه کلمه اول در اصل ترکی «شادم که شرحه» است.
۲ - صفحه ۴۰ و صفحه ۴۱ مقدمه.

۳ - قزوینی ضمن بحث درباره کمیت اشعار (صفحه ۴۰ و صفحه ۴۱ مقدمه) به نحوه توالی ابیات اشاره نمی کند.

قرار دهد و هرچه در آن نسخه نیست آنها را مطلقاً کالعدم انگاشته بکلی از آنها صرف نظر کند. (صفحه‌های لط م مزمقدمه)

مصحح در صفحه م مقدمه نوشته است که هرچه در نسخه خ نیست «به احتمال بسیار قوی بلکه تقریباً بنحو قطع و یقین» الحاقی و از اشعار دیگران است و قرینه قطعی بر این مدعا آن است که ، باستثنای فقط یکی دوسه غزل ، هرچه در این نسخه موجود نیست در هیچیک از سه نسخه دیگر اساس (نخ ر ق) نیز موجود نیست .

اگر طرح مصحح این بود که متنی مستند تك نسخه‌ئی بر اساس نسخه خ چاپ کنند نیاز به هیچ توضیحی نبود و منحصرأ همان اشعاری که در نسخه اساس کتابت شده است به چاپ میرسید . اما طبق توضیحات مقدمه ، قزوینی با هدف چاپ « مکمل و مصحح و مضبوطی » دست به اقدام زده و چهار نسخه خطی را نیز بعنوان نسخه اساس معرفی نموده است . اگر فی الواقع آن سه نسخه دیگر اساس هم میبایست نقشی داشته باشند لازم بود اقلاً آن «یکی دوسه غزل» معلوم میشد کدامند .

اکنون در پرتو آگاهی‌هایی که به کمک نسخه‌های کهن و معتبر به دست آمده است میتوان گفت که غزل‌های زیر که از نسخه خ مفقود هستند نه تنها الحاقی نیستند بلکه از غزل‌های مسلم حافظ میباشند .

۱- صبح دولت میدمد کوجام همچون آفتاب ...

۲- مژده‌ای دل که مسیحا نفسی می‌آید...

۳- زدل برآمدم و کار بر نمی‌آید...

۴- جانا تو را که گفت که احوال مامپرس ...

ابیات الحاقی

دانشمند فقید در مقدمه، آنجا که صحبت از کمیت اشعار است، مینویسد آنچه در نسخه خ نیست، خواه غزلیات مستقل و خواه ابیات متفرقه، همه را مطلقاً کالعدم انگاشته و از درج آنها بکلی صرف نظر کرده است. در همان موضع در زیر صفحه علاوه شده است:

«مگر در دوسه مورد بسیار نادر بعضی ابیات متفرقه مشتمل بر نام یکی از ممدوحین حافظ در آخر بعضی غزلها ... احتیاطاً این ابیات را در جای خود بطبق سایر نسخ درج کردیم...» (صفحه م مقدمه)

لازم به توضیح است که در ۲۰ مورد رویم ۳۱ بیت در چاپ قزوینی بر ضبط غزلهای نسخه خ افزوده شده است. البته اگر در همه این موارد در زیر صفحه اشاره‌ئی به افزودن ابیات میشد، اینکه مسأله مربوط به «دوسه مورد بسیار نادر» باشد یا ۲۰ مورد اهمیتی نداشت. اما تنها در شش مورد افزوده شدن ابیات در زیر صفحه یادآوری گردیده است (غزلهای ۲۱۲-۳۲۷-۳۴۳-۴۱۱-۴۵۴-۴۷۳). از چهارده مورد دیگر که ابیاتی اضافه بر متن نسخه خطی در چاپ آمده، ولی در حاشیه صفحات مربوط اشاره‌ئی به این افزایش نشده است، پنج مورد (۱ تا ۵) متضمن نام ممدوح یا ابیات مشتمل بر مدح است؛ و در نه غزل دیگر (ردیف ۶ تا ۱۴) ابیات الحاقی شامل مضامین عادی است.

ابیات الحاقی مشتمل بر مدح:

- ۱- غزل ۱۵۳ چهاربیت آخر بعد از تخلص الحاقی است.
- ۲- غزل ۱۹۱ سطر ماقبل آخر متضمن نام فخرالدین عبدالصمد در نسخه خطی نیست.

- ۳- غزل ۳۶۱ بیت آخر (بیت بعد از تخلص) در نسخه خطی نیست.
 ۴- غزل ۳۶۲ دو بیت ۱۲ و ۱۴ را نسخه خطی ندارد.
 ۵- غزل ۴۸۱ بیت آخر (بعد از بیت تخلص) در نسخه خطی نیست.

ابیات الحاقی شامل مضامین عادی :

- ۶- غزل ۲۵۵ بیت ۶ در نسخه خطی نیست .
 ۷- غزل ۲۷۱ بیت ۴ » » »
 ۸- غزل ۳۵۹ بیت ۶ » » »
 ۹- غزل ۳۷۱ بیت ۶ » » »
 ۱۰- غزل ۳۷۳ بیت ۹ » » »
 ۱۱- غزل ۳۷۶ بیت مطلع این غزل در نسخه خطی خ ساقط است و از بیت دوم تا هفتم دنبال چهار سطر اول ضبط مکرر غزل ۳۴۰ نوشته شده است .
 ۱۲- غزل ۴۲۱ بیت ۴ که متضمن تکرار قافیه با بیت ۵ هم میشود در نسخه خطی نیست.
 ۱۳- غزل ۴۳۸ دو بیت ۶ و ۷ در نسخه خطی نیست.
 ۱۴- غزل ۴۵۴ در زیر صفحه قید شده است که نسخه خطی بیت ۵ و ۳ و سه بیت آخر را ندارد. ولی ییتی هم که در سطر ۴ چاپ شده (به صحرارو...) در نسخه خطی نیست.
 ضمناً در غزل ۲۱۹ بیت تخلص در چاپ تغییر یافته است. آنچه در نسخه خطی نوشته شده این است:
 بیار باده که حافظ مدامش استظهار به فضل و رحمت جبار بود و خواهد بود
 به این تغییر ضبط نسخه خطی در زیر صفحه چاپی اشاره‌ئی نشده است.

تغییراتی در ترتیب ابیات

علامه قزوینی در مقدمه مشروح و مفصل خود درباره ترتیب ابیات هر غزل و تغییراتی که در این باره داده است سخنی نگفته است.

از آنجا که تصریح شده است که از نظر کمیت منحصرأ و منفرد آن نسخه خ اساس طبع قرار گرفته است چنین پنداشته میشود که از نظر ترتیب ابیات در هر غزل نیز از همان نسخه خ پیروی شده است.

ضمن مقابله متن چاپی قزوینی با ضبط نسخه خطی خ در ۲۱ مورد تفاوت‌هایی در نظم غزلها دیده شد. به اصل عمل ایرادی وارد نیست، زیرا بسیار دیده میشود که ترتیب ابیات در بعضی نسخه‌ها با ربط مفهوم و پیام غزل هماهنگی ندارد. ولی با استثنای غزل ۴۸۸ در ذیل صفحات چاپی به این تغییرات اشاره نشده است. چون بعضی از پژوهشگران مقید هستند که ترتیب ابیات هر غزل در نسخه‌های مختلف خطی را نیز مورد بررسی قرار دهند، طبعاً همه‌جا این تغییرات چاپ قزوینی در ترتیب ابیات به حساب نسخه خطی خ گذاشته شده است.^۱

غزل‌های مکرر

در صفحه کط مقدمه تعداد غزل‌های مکتوب در نسخه خطی خ ۴۹۶ غزل قلمداد گردیده و علاوه شده است که با حذف يك غزل مکرر (شماره ۳۶۵) این نسخه حاوی ۴۹۵ غزل غیر مکرر میشود. اشاره به وجود يك غزل مکرر شماره ۳۶۵ در صفحه مد مقدمه بار دیگر تکرار گردیده است. واقعیت این است که در نسخه خطی خ شش غزل بطور مکرر کتابت شده است. آقای شمس‌الدین خلخالی و اینجانب

۱- چون در کتاب «دیگرسانیها در غزل‌های حافظ» ترتیب ابیات هر غزل در ۳۲ نسخه خطی و از جمله نسخه خ درج شده است. در اینجا از توضیح این ۲۱ مورد اختلاف میان چاپ قزوینی و نسخه خطی خ در ترتیب ابیات خودداری شد.

شماره‌هائی را که سابقاً برای هریک از حروف قوافی غزلها بطور مستقل و جدا روی نسخه خطی خ نوشته شده بود پاک کردیم و با مداد از اول تا آخر نسخه خطی ، غزلها را شماره گذاری نمودیم به عدد ۵۰۱ بالغ شد . شش غزل زیر در این نسخه بطور مکرر نوشته شده است :

- ۱- غزل ۱۰۲ چاهی به مطلع «دوش آگهی زیار سفر کرده داد باد» در ردیف ۱۶۹ و ۲۱۹ در نسخه خطی خ کتابت شده است.
- ۲- غزل ۱۸۵ چاهی «نقدها را بود آیا که عیاری گیرند» در ردیف ۱۲۷ و ۱۹۲ نسخه خطی .
- ۳- غزل ۱۹۳ چاهی «در نظر بازی ما بیخبران حیرانند» در ردیف ۱۳۰ و ۱۹۳
- ۴- غزل ۲۰۲ چاهی «بود آیا که در میکرده ها بکشایند» در ردیف ۱۳۷ و ۱۹۱
- ۵- غزل ۳۴۰ چاهی « من که از آتش دل چون خم می در جوشم » در ردیف ۳۳۶ و ۳۴۶ نسخه خطی.
- ۶- غزل ۳۶۵ چاهی «عمری ست تا به راه غمت رونهاده ایم» در ردیف ۳۵۳ و با مطلع «ما پیش خاک راه تو صدرو نهاده ایم...» در ردیف ۳۱۷ .

در میان این شش غزل تنها کلمات و عبارات غزل ۱۸۵ در هر دو ضبط یکسان است ، ولی پنج غزل دیگر هریک با ضبط مکرر خود اختلافاتی دارد . در چاپ قزوینی این اختلافها نمایان نشده است .

اختلاف در کلمات و عبارات

پس از مقابله متن چاپی ۴۹۵ غزل مندرج در چاپ قزوینی با ضبط نسخه خطی خلخال مشخص گردید که رویهم ۲۸۵ اختلاف در متن آن دو وجود دارد .

در مقدمه چاپ قزوینی (از صفحه مع تا نا) ۱۳ مثال بعنوان نمونه‌هایی از غلطهای فاحش نسخه خطی در قسمت غزلها توضیح داده شده است^۱ و ۵۳ مورد تغییر ضبط نسخه خطی خ هم در زیر صفحات چاپی تصریح گردیده است.

علامه قزوینی تنها این مقدار اطلاع در اختیار يك خواننده پژوهشگر میگذارد که آنچه بعنوان نسخه‌بدهای غیر مرجع و یا ضبط ضعیف در نسخه خطی خلخالی میتوان به شمار آورد منحصر به همین ۵۳ مورد است که در زیر صفحات ذکر شده و متن باستناد نسخه‌های دیگر اصلاح گردیده است. بر این اساس این باور تلقین میشود که هر تغییر دیگر مربوط بوده است به مواردی که ضبط نسخه خطی از جمله غلطهای فاحش منظور میگرد و مصحح ذکر همه این موارد را لازم ندانسته است.

بعضی از پژوهشگران عقیده دارند که اطلاع از اشتباههای دستنویسی کاتبان نسخه‌های خطی نیز ضروریست و چشم پوشی از تذکر آنها برای يك چاپ تحقیقی و مستند نقصی شمرده میشود. چه بسا اتفاق می افتد که آنچه به نظر کسی اشتباه فاحش می آید خود در واقع يك نسخه بدل یا حتی متن صحیح و اصیل باشد.

اتفاقاً از ۱۳ فقره که در مقدمه بعنوان نمونه‌هایی از «اغلاط بسیار فاحش» شناسائی شده است ردیف اول «سوز دل بین که زبس آتش اشکم چون شمع» در بعضی از نسخه‌های خطی به همین صورت

۱- در صفحه نا يك اشتباه دیگر مربوط به قطعات و يك خطای دیگر در ارتباط با رباعیات درج شده است. چون بررسی ما تنها مربوط به غزلهای حافظ است از درج اختلاف قسمت مثنویها، قطعات، و رباعیات صرف نظر میگردد.

ضبط شده است و نمی توان آن را غلط فاحشی مختص نسخه خطی خ به شمار آورد.

موارد اختلاف در کلمات و عبارات میان متن چاپ قزوینی و ضبط نسخه خطی خلخال بر حسب نوع مغایرت در جدول زیر مشخص میگردد :

جدول مبین مغایرت متن چاپی در مقایسه با ضبط نسخه خطی ۸۲۷

مصرح در مقدمه	مصرح در زیر صفحات	تصریح نشده	جمع اختلاف
اشتباه دستنویسی			
نسخه خطی (اصلاح شده) ۱۲	۳۴	۱۱۴	* ۱۶۰
نسخه بدل ۱	۱۹	۶۵	۸۵
تغییرهای پرسش برانگیز		۱۵	۱۵
املای ناجور		۱۴	۱۴
بدخوانی نسخه خطی		۳	۳
غلطهای متن چاپی		۸	۸
جمع	۵۳	۲۱۹	۲۸۵

* اشتباههای دستنویسی نسخه خطی که در چاپ اصلاح نگردیده است = ۲۷
ضبطهای نارسا که در چاپ نگهداری شده است = ۶۴

این جدول تنها مربوط به غزلهاست و اختلافهای مربوط به مثنویها، قطعات، و رباعیات در این آمار منظور نشده است.^۱

اشتباه دستنویسی در نسخه خطی خ

در ضمن مقابله ۴۹۵ غزل مکتوب در نسخه خطی خ توجه

۱- فهرست دقیق این اختلافها جداگانه تنظیم شده است. درج همه آنها در این گفتار موجب اطالة کلام میگردد. مثالهایی در زیر عنوانهای ویژه نقل میشود.

حاصل شد که روپهم ۱۸۷ اشتباه دستنویسی در این نسخه وجود دارد. از این تعداد ۱۶۰ اشتباه در چاپ قزوینی اصلاح شده ولی ۲۷ فقره از این اشتباهها عیناً در متن چاپی نیز باقی مانده است. از ۱۶۰ اشتباه دستنویسی نسخه خطی خ که در چاپ اصلاح شده است تنها ۴۶ مورد (در مقدمه و ذیل صفحات چاپی) مشخص گردیده و در ۱۱۴ مورد دیگر به ضبط نسخه خطی اشاره نشده است.

نسخه بدلها

در میان ۲۸۵ اختلاف میان نسخه خطی خ و چاپ قزوینی میتوان ۸۵ اختلاف را در ردیف دیگرسانیهائی دانست که در اصطلاح پژوهشگران «نسخه بدل» گفته میشود. ضبط نسخه خطی در این موارد غلط و بیمعنی نیست ولی در متن چاپ قزوینی قرائت دیگری اختیار شده است.

بطوریکه در جدول مبین اختلافها ملاحظه میشود در مقدمه و زیر صفحات چاپ قزوینی ضبط متفاوت نسخه خطی خ در ردیف نسخه بدلها تنها در ۲۰ مورد معرفی شده ولی در ۶۵ مورد دیگر به تغییر ضبط نسخه خطی اشاره نشده است.

در انتخاب یکی از چند نسخه بدل میان پژوهشگران در تمام موارد وحدت نظر حاصل نمیشود، ازینجهت ممکن است کسانی باشند که ضبط نسخه خطی را در بعضی از این دیگرسانیهها به متن چاپ قزوینی ترجیح بدهند و اقدام مصحح را در تغییر متن نسخه خطی و یا نظر وی را در انتخاب میان دو ضبط متفاوت در نسخه خطی تأیید نکنند. چند مثال از این قبیل برای مقایسه در جدول ذیل نمایانده میشود:

غزل و بیت	ضبط نسخه خطی خ	متن چاپ قزوینی
۵۰/۴	چورای عشوه گل باتو گفتم ای بلبل	چو رای عشق زدی باتو گفتم ای بلبل ^۱
۲۰۲/۷ (ضبط مکرر)	که چه زنار ز زیرش به جفا بگشایند	... به دغا بگشایند
۲۸۷/۵	درره عشق ز سیلاب فنا نیست گذار	درره عشق که از سیل بلا نیست گذار ^۲
۳۴۰/۱ (ضبط مکرر)	گرچه از آتش دل چون خم می میجو شم	من که از آتش دل چون خم می درجو شم

پانزده مورد هم که ضبط نسخه خطی صحیح به نظر میرسد و آنچه مصحح در متن چاپی آورده است مرجح نمی نماید ، زیر عنوان تغییرهای پرسش برانگیز در پایان این مبحث مطرح میگردد.

املاى ناچور

نیاز به توضیح ندارد که املاى نسخه های خطی با املاى معمول امروزی فرقهائی دارد و یکی از نکات دقیق در تصحیح متن غزلهای حافظ توجه به این مسائل املائی است. مورد ساده این تصحیح مشخص ساختن چهار حرف ویژه فارسی پ چ ژ گ میباشد که در قرن نهم معمولاً فرقی بین این چهار حرف با چهار حرف دیگر ب ج ز ک رعایت نمی شد. نشانه یای وحدت ، یای نسبت ... بدنبال کلمات مختوم به های بیان مصوت که در نسخه های خطی مانند نشانه اضافه ، بصورت یای کوتاه نوشته میشد ، در املاى امروزین دیگر پذیرفته نیست . نشانه جمع « ها » بدنبال کلمه های مختوم به حرف « ه » بیان مصوت که در نسخه های خطی متصل به کلمه و با حذف حرف « ه »

از آخر کلمه نوشته میشد اکنون بدون حذف حرف «ه» و جدا از کلمه نوشته میشود.

البته در پنجاه شصت سال پیش این دو نکته اخیر مورد توجه نبوده است. به همین سبب در چاپ قزوینی هم همه جا بجای نشانه یای وحدت ویای خطاب و یای نسبت بدنبال کلمه های مختوم به های بیان واکه ، نشانه همزه به کار رفته است. در بیت زیر بطور مثال میان نشانه اضافه و نشانه یای وحدت بدنبال کلمه «حلقه» در چاپ قزوینی فرقی منظور نشده است:

مقیم حلقه ذکر است دل بدان امید

که حلقه ز سر زلف یار بگشاید

کلماتی مانند گله های شب فراق ، خرقه ها ، نافه ها ، لطیفه ها مژه ها ... در چاپ قزوینی ، گلهای شب فراق ، خرقه ها ، نافه ها ، لطیفه ها ، و مژه ها ... چاپ شده است. جای دلنگی ست که بعضی از ناشران برای ساده کردن و آسانی کار در تجدید چاپ این کتاب از همان کلیشه اصلی استفاده کرده اند.

اما منظور اصلی از بحث «املای ناجور» درج کلماتی در چاپ قزوینی میباشد بصورتی که در معنا و مفاد و یاساختمان شعر ایجاد اختلال میکند :

گنج یا گنج ؟- در غزل ۲۱۸ مصرع دوم بیت چهارم چنین چاپ شده است : « زانکه گنج اهل دل باید که نورانی بود » در غلطنامه آخر کتاب املای « گنج » زیر ستون خطا قید گردیده

و زیر ستون صواب افزوده شده است : کنج(ظ).^۱

در دوغزل دیگر نیز انتخاب و تصحیح املای این کلمه مورد تردید است . در غزل ۴۹ متن چاپی بیت دوم چنین است : « گنج عزلت که طلسمات عجایب دارد » . در غزل ۵۰ در بیت ۶ میخوانیم : « که گنج عافیت در سرای خویشان است » در صورتیکه در غزل ۳۱۵ در بیت ۴ نوشته شده است : به کنج عافیت از بهر عیش ننشستم ».

«درین» یا «دراین» ؟ - میان این دو املا از نظر معنا اختلافی نیست ولی در تلفظ تفاوتی هست که بخصوص در وزن شعر دخالت میکند . مقایسه شود املای «درین خیال» در غزل ۲۳۷ : درین خیال به سرشد زمان عمر و هنوز ... با املای «دراین خیال» در غزل ۳۱۳ : دراین خیال اربدهد عمر مهلت . در غزل ۶ بیت ۵ املای اصلی نسخه خطی خ چنین است : همه شب درین امیدم که نسیم صبحگاهی ... ولی در چاپ قزوینی به « همه شب در این امیدم ... » تغییر داده شده است.

«دوستدارم» یا «دوست دارم» ؟ - در غزل ۹۰ قافیه بیت دوم «بدارم» است و املای «دوست دارم» در بیت اول با آن متضمن تکرار میشود . البته میان دو عبارت «دوستدار تو هستم» و یا «دوست دارم» در معنا فرق چندانی نیست . با اینحال املای «دوستدارم» که ضبط اصلی نسخه خطی میباشد (و از آن بهتر ضبط نسخه طو که «دوستارم» است) موجب میشود که توجیهی برای

۱ - در چاپهایی که متن سال ۱۳۲۰ عیناً کلیشه شده نسبت به اصلاح غلطنامه چاپ اول اقدامی نشده است.

احتراز از تکرار قافیه پیدا شود. معلوم نیست چرا در چاپ قزوینی املای اصلی نسخه خطی به «دوست دارمت» که متضمن تکرار قافیه میشود تغییر یافته است.

يك جای دیگر هم در غزل شماره ۳ املای «دوستر دارند» که ضبط نسخه خطی میباشد در چاپ به «دوست تر دارند» تغییر یافته است و تصور می‌رود لامحاله از بابت تلفظ «دوستر» روانتر از «دوست تر» است.

غالباً، یا غالباً؟- «غالباً» اگر هم شکل ساده یا مخفف «غالباً»

فرض شود، این دو صورت، هم از جنبه معنا و هم از بابت تلفظ فرق گونه‌ئی دارند. «غالباً» یعنی اکثر اوقات، اما «غالباً» که بیشتر در شعر فارسی به کار رفته است یعنی «به احتمال زیاد». از جنبه تلفظ هم «غالباً» آهنگش نرمتر و ملایمتر است و به بیان شعر مناسبتر.

این کلمه در لغت نامه دهخدا و فرهنگ معین تنها بصورت «غالباً» درج گردیده است با دو کاربرد: یکی بمعنی بیشتر، اغلب، اکثر اوقات: «غالباً به ما سر می‌زنند» و دیگری بمعنی به احتمال غالب باشاهد مثالی از سلمان:

محتسب گوید که بشکن ساغر و پیمانه را

«غالباً» دیوانه میداند من فرزانه را

در هر دو کتاب لغت این کلمه در این بیت بصورت «غالباً» املا شده است، ولی به نظر اینجانب در این شعر سلمان هم باید این کلمه را «غالباً» خواند در مفهومی جدا با کاربرد «غالباً» که بمعنی

بیشتر اوقات میباشد.

در مورد ابیات حافظ هم که متضمن کلمات غالباً ، دایماً ،
ظاهراً میباشد این قبیل کلمات در نسخه خطی خ همه جا بدون تنوین
کتابت شده است ؛ ولی در چاپ قزوینی روی الف آخر همه جا
تنوین گذاشته شده است :

من وانکار شراب این چه حکایت باشد

غالباً اینقدرم عقل و کفایت باشد

که در غزل ۱۵۸ چاپ قزوینی « غالباً » کتابت شده است. چنین
است در غزل ۲۵۵ « دائماً » در چاپ ، بجای « دایماً » در نسخه خطی ،
و غزل ۳۶۷ و ۴۸۴ « ظاهراً » در چاپ بجای « ظاهراً » که در نسخه
خطی کتابت شده است.

بدخوانی نسخه خطی

مسأله دندانان و نقطه در خط فارسی از جمله عواملی است که
نقش تمایز میان حروف را ایفا میکند. بعضی از کاتبان نسخه های
خطی دیوان حافظ هم ، به رعایت دقیق ضبط نقطه ها در محل خود
مقید نبودند و همین امر گاهی موجب اشتباهائی در قرائت نسخه های
خطی گردیده است .

گذشته از آن در روش کتابت خط فارسی در قرون گذشته فرقی
که میان سه حرف و (حرف همزه امروزی) وه (جرف ه) وه (حرف
میم) در آغاز يك لخت (يك واحد از حروف متصل) رعایت میشد با
روش امروز یکسان نبود.

«هر آن دل» یا «مر آن دل»؟ - برای دانشمندی چون علامه قزوینی ویژگیهای املاي نسخه‌های خطی کهن امری ناآشنا نبوده است. با وجود این معلوم نیست چگونه در غزل شماره ۱۸ در بیت چهارم که تحریر نسخه خطی «جای غم باد هر آن دل که نخواهد شادت» است، «مر آن دل» بجای «هر آن دل» چاپ شده است.

ضبط این کلمه در نسخه‌های خطی کهن و معتبر از دیوان حافظ، که مورد بررسی قرار گرفته است، در این مصرع «هر آن دل» است. تنها باستناد دیوان حافظ چاپ قزوینی و به اعتبار نام مصحح آن است که عبارت «مر آن دل» گفته اصلی حافظ شناخته شده و مصرعی که ذکر شد بعنوان شاهد مثالی برای کاربرد «مر» با حذف رابطه «را» حتی در نوشته‌های پژوهشگران از قول حافظ نقل گردیده است.^۱

«دست ببرد» یا «دست برد»؟ - در بیت دوم غزل شماره ۲۸ ضبط نسخه خطی خ چنین است: «سرشك من كه ز طوفان نوح دست ببرد» متنها در این نسخه نقطه‌های حرف «ب» در کلمه «ببرد» گذاشته نشده است. در چاپ قزوینی این عبارت «دست برد» است. در نسخه‌های خطی مورد بررسی در این بیت «دست ببرد» نوشته شده است. در نسخه خطی خ هم تفاوت شیوة کتابت «برد» با «ببرد»

۱- از جمله در مقاله «کلام و پیام حافظ» در کتاب برگزیده مقاله‌های نشر دانش درباره حافظ (ص ۵۹) چنین نوشته شده است: «مر (هرسرمفعول غیر صریح) جای غم باد مر آن دل که نخواهد شادت، که در آن «مر» بخلاف قاعده عام پرس نهاد (مسندالیه) درآمده است...»

بدون توجه به نقطه‌ها از بابت اختلاف دندان‌ها کاملاً آشکار است.

«پدید آید» یا «پدید آمد» ؟ - در بیت ۶ غزل شماره ۸۳ در چاپ قزوینی چنین می‌خوانیم: «از سخن چینان ملال‌تها پدید آمد ولی» بادقت در ضبط نسخه خطی خ معلوم می‌شود که ضبط آن نسخه «پدید آید» است. اگرچه زیر حرف «ی» در کلمه «آید» نقطه گذاشته نشده است، اما آن حرف بی نقطه حرف میم نیست. در میان نسخه‌های خطی معتبر و کهن که ضبط این کلمه بررسی شد در یازده نسخه آشکارا «آید» است، اگرچه در سه نسخه هم تصادفاً این کلمه بی نقطه نوشته شده است ولی ترکیب «مد» در ابیات دیگر این نسخه‌ها حالت شاخص تحریر حرف میم را نشان می‌دهد که با تحریر «ید» متفاوت است.

غلطهای دستنویسی متن چاپی

در چاپهای متعددی که از روی کلیشه اصلی چاپ ۱۳۲۰ تهیه شده و سالهای متمادی مورد استفاده ناشران قرار گرفته است نقصها و افتادگیهای وجود دارد که حاصل فرسودگی کلیشه‌هاست. چون این قبیل نقصها ربطی به کار مصحح اصلی این دیوان ندارد آنچه درباره غلطهای چاپی در اینجا ذکر میشود مربوط به چاپ اول این کتاب (چاپ مجلس، ۱۳۲۰) میباشد.

ردیف	غزل و بیت	ضبط نسخه خطی	غلط چاپی
۱	۱۰۰/۲	گفتم به باد می‌دهم	... می‌دهم هم
۲	۱۱۹/۹	که ما صمد طلبیدیم	که ما صمد طلبیدم

۳	۱۲۰/۱۲	به تلخی کشت حافظ را	به تلخی گشت
۴	۲۰۹/۴	سرزحسرت به درمیکنده‌ها بر کردم	... برگردم
۵	۳۰۱/۴	وعده از حد بشدو	وعده از حد ۱
۶	۳۳۸/۷	شهریست پر کرشمه حوران	... پر کرشمه
۷	۴۲۲/۲	چون به پرسیدن ارباب	چون پرسیدن

علاوه بر این هفت غلط که در متن غزلها دیده شد چهار سهو در رونویسی نیز (یکی در متن غزل ۴۶۵ و سه اشتباه در زیر صفحات) به نظر رسید:

۱- در غزل ۴۶۵ مصرع دوم بیت چهارم «آن را تفضلی نه و این را تبدلی» چاپ شده و در زیر صفحه قید گردیده است «چنین است در خ» ولی در نسخه خطی خ «این را تفضلی نه و آن را تبدلی» نوشته شده است.

۲- در زیر صفحه ۲۵۱ مطلع غزلی مندرج در نسخه خطی «ماپیش خاک پای تو صد رونهادیم» معرفی شده است در صورتیکه در آن نسخه خطی «ماپیش خاک راه تو...» کتابت شده است.

۳- در زیر صفحه ۳۰۰ نسخه بدلی از غزل شماره ۴۳۲ به نقل از نسخه خطی به این صورت چاپ شده است: «هر دم ز در نراند ما را به هیچ بابی» ولی ضبط این مصرع در نسخه خطی چنین است: «هر دم ز در نراند دیگر به هیچ بابی».

۴- در غزل شماره ۴۳۸ برای بیت ۷ نسخه بدلی منسوب به خ

در زیر صفحه درج شده است: «وابنی»، در صورتیکه این غزل در نسخه خطی خ بیت ۶ و ۷ را ندارد.

اشتباههای دستنویسی نسخه خطی که در چاپ اصلاح نشده است

نیاز به توضیح نیست که نخستین اقدام در تصحیح و تنقیح يك نسخه خطی اصلاح اشتباههای دستنویسی آن نسخه است. قزوینی نیز در مقدمه مبسوط خود اهمیت اصلاح اغلاط نسخه خطی را مورد تأکید قرار داده است.

همانطور که در جدول مقایسه متن چاپ قزوینی با نسخه خطی اساس چاپ (نسخه مورخ ۸۲۷) ملاحظه میشود در ۴۹۵ غزل رویهم ۱۶۰ اشتباه دستنویسی کاتب نسخه خطی در چاپ قزوینی اصلاح گردیده است^۱ با وجود این دست کم ۲۷ اشتباه دیگر نسخه خطی در چاپ قزوینی عینانگاهداری شده است. ضبط نسخه خطی خ در این ۲۷ مورد در نسخه های کهن و معتبر قرن نهم، که مورد بررسی قرار گرفته، تأیید نمی شود. این موارد استثنائی ضبط نسخه خ از نظر چگونگی اختلاف با نسخ دیگر به چهار دسته تقسیم میشود: (درستونی که بالای آن «قرائت برتر» قید شده ضبط اکثریت نسخ قرن نهم درج گردیده است).

۱- از این ۱۶۰ اشتباه نسخه خطی که در چاپ اصلاح شده است تنها ۴۶ مورد در مقدمه وزیر صفحات به ضبط نسخه خطی اشاره شده و در ۱۱۴ مورد دیگر ضبط نسخه خطی در زیر صفحات تصریح نگردیده است.

الف - تکرار اشتباهی يك كلمه

ردیف	غزل	ضبط نسخه خطی و چاپ قزوینی	قرائت برتر
۱	۱۲	تابوسم همچو اختر خاك ايوان شما ^۱	همچو گردون...
۲	۳۲	تو خود وصال دگر بودی ای نسیم	تو خود حیات دگر بودی ای زمان وصال
۳	۶۹	تیمار غریبان اثر ذکر جمیل است ^۲	سیمب ذکر جمیل است
۴	۹۵	که جان را نسخه باشد ز لوح خال هندویت ^۳	ز نقش خال هندویت
۵	۱۰۷	هر روز که باد در فزون باد	هر روز که هست...
۶	۱۵۶	دلا ز رنج حسودان مرنج و	دلا ز طعن حسودان...
۷	۱۷۴	مردمی کرد و کرم لطف خداداد	بخت خدا داد
۸	۱۷۴	لطف او بین که به لطف از درما	که به صلح از درما
۹	۲۸۸	بود کز دست ایامم به دست افتد	بود کز نقش ایامم
۱۰	۳۷۵	غلمان ز روضه حور ز جنت بدر کشیم ^۴	غلمان ز غرقه...
۱۱	۴۷۰	کاندرین دریا نماید هفت دریا شبنمی	کاندرین طوفان...

ب - تکرار اشتباهی يك كلمه در قافیه

۱۲	۱۴	خسته و مسکین غریب	خسته و غمگین غریب
۱۳	۵۶	ز یمن همت اوست	ز یمن دولت اوست
۱۴	۱۵۸	عین عنایت باشد	عین ولایت باشد
۱۵	۱۸۹	بود آیا که فلک زین دوسه کاری بکند	بازی چرخ یکی زین همه باری بکند

- ۱ - کلمه «اختر» در مصرع اول هم هست، ای شهنشاه بلند اختر خدا را همتی.
- ۲ - تأثیر ذهنی کلمه «اثر» در مصرع قبلی، درهزم حریفان اثر نور و صفا نیست.
- ۳ - مصرع اول، سواد لوح پیشش را عزیز از بهر آن دارم.
- ۴ - مصرع اول، فردا اگر نه روضه رضوان به ما دهند.

گفتار پنجم		۱۲۰	
کان چشم مست شنگ	کان طره شبرنگ اوبسیار طراری	۱۹۱	۱۶
اوبسیار مکاری کند	کند ۱		
رندان آشنا میباش	ولی معاشر رندان پارسا میباش	۲۷۴	۱۷
به مخزن چشم	ز گنج خانه دل میکشم به روزن	۳۳۹	۱۸
در جهان نمی بینم	چشم		
	بین که اهل دلی در میان نمی بینم	۳۵۸	۱۹
ع - جابجائی کلمه یا مصرع			
عشوه میداد که از	عشوه دادند که بر ما گذری خواهی	۸۵	۲۰
کوی ارادت نروم	کرد ۲		
چه بیقرارانند	که از یمین و یسارت چه سو کوارانند	۱۹۵	۲۱
چه سو کوارانند	که از تطاول زلفت چه بیقرارانند	۱۹۵	۲۲
		۲۰۲	۲۳
نه امروز میکشیم	ما باده زیر خرقه نه امروز میخوریم	۲۴۳	۲۴
نه امروز میخوریم	ما می به بانگ چنگ نه امروز	۲۴۳	۲۵
	میکشیم		
د - اشتباههای نوشتاری			
زانچ آستین	زانچه آستین کوتاه و دست دراز	۱۳۳	۲۶
	کرد		
شراب آلود است	گفت حافظ دگرت خرقه شراب	۴۲۲	۲۷
	آلوده است		

۱- مضمون «طراری طره» در بیت ۴ نیز هست؛

گفتم گره نکشود ام زان طره تا من بوده ام

گفتا منش فرموده ام تا با تو طراری کند

۲- اشتباه ذهنی از بیت ۶/۶۸،

مژده دادند که بر ما گذری خواهی کرد نیت خیر مکردان که مبارک فالیست

۳- مصرع دوم در بیت ۴ و ۵ در ضبط اول نسخه خطی جابجا و در ضبط مکرر صحیح کتایت شده است. ولی در متن چاپی ضبط صحیح اختیار نگردیده است.

ضبطهای نارسا که در چاپ نگاهداری شده است:

ضبطهای نارسا به دیگر سانیهای اطلاق میشود که از نظر لفظ و معنا در مقایسه با ضبطهای دیگر مقبول به نظر نمی رسد. در يك چاپ تك نسخه‌ئی مصحح مجاز است که تنها به اصلاح اشتباههای دستنویسی اکتفا کند و نسخه بدلهای و ضبطهای نارسا را بخاطر نگاهداری اصالت ضبط نسخه اساس تغییر ندهد. اما هدف شادروان قزوینی انتشار يك متن تك نسخه‌ئی نبوده بلکه در نظر داشته است که چاپ منقح و مصححی فراهم سازد.

در ذیل عنوان ضبطهای نارسا منظور این نیست که همه دیگر سانیهای نسخه خطی ۸۲۷، که ضبط نسخه‌های خطی دیگر در مقایسه با آن مرجع به نظر میرسد، ارائه شود. اگر چنین کاری بایسته بود فهرستی فراهم میشد که شاید نزدیک به چند صد دیگر سانی را شامل میگشت. اما اینجا در درجه اول اختلافهایی که منحصرأ در نسخه خطی ۸۲۷ کتابت شده و از نظر لفظ و معنا نیز نا هماهنگی به نظر میرسد مطرح است. شاید بیشتر این ضبطهای نارسا که در هیچ نسخه دیگر چنین نیست در واقع يك اشتباه دستنویسی باشد. ولی اصولاً تا آنجا که بتوان ضبطی را معنی کرد از احتساب آن در ردیف يك اشتباه کتابت پرهیز شده است. فهرست این ضبطهای نارسا بعنوان پیوست ۱ در پایان کتاب درج خواهد شد.

تغییرهای پرسش بر انگیز در چاپ قزوینی

با آنکه بعضی از اشتباهات دستنویسی نسخه خطی خ همچنان بدون تغییر در چاپ قزوینی باقی مانده و در موارد متعدد ضبطهای

نارسا و ضعیف هم در چاپ نگاهداری شده است؛ از سوی دیگر دست کم در ۱۵ مورد قرائت‌های رضایت بخش نسخه خطی خ در چاپ به ضبط‌هایی تغییر یافته است که در صحت آنها تردید است. به هیچکدام از این تغییرات در حاشیه صفحات چاپی اشاره‌ئی نشده است.

۱ - غزل ۲۵۲ بیت سوم:

معرفت نیست درین قوم خدا را سببی

تا برم گوهر خود را به خریدار دگر

در نسخه خطی خ «خدایا» نوشته شده است و ضبط نسخه‌های کهن و معتبر قرن نهم که مورد بررسی قرار گرفته است «خدایا سببی» میباشد. تمنای ایجاد سبب تنهامیتواند خطاب به خدای تعالی باشد و اوست که مسبب الاسباب است.^۱ در صفحه ۱۷۱ چاپ قزوینی که «خدارا» بجای «خدایا» چاپ شده است در زیر صفحه به ضبط اصلی نسخه خ اشاره نشده و معلوم نگردیده است که متن چاپی از کدام نسخه گرفته شده است.

۲ - غزل ۱۱۶ بیت هفتم:

کسی که از ره تقوی قدم برون نهاد

به عزم می‌کده اکنون ره سفر دارد

در نسخه خطی خ «سر سفر دارد» کتابت شده است و در نسخه‌های خطی قرن نهم که بررسی گردید «ره سفر» دیده نشد. در زیر صفحه نیز تصریح نشده که این تغییر با استناد کدام نسخه در چاپ قزوینی راه

۱ - در مطلع غزلی، یارب سببی ساز که یارم به سلامت ...، در غزل دیگر، سببی ساز خدایا که پشیمان نشود.

یافته است. به نظر می‌رسد کلمه «ره» تکرار اشتباهی این کلمه در عبارت «ره تقوی» در مصرع اول باشد که در کتابت متن چاپ قزوینی رخ داده است.

۳ - غزل ۶۵ بیت هفتم :

سهو و خطای بنده گرش اعتبار نیست

معنی عفو و رحمت آمرزگار چیست

در نسخه خطی خ «گرش نیست اعتبار» نوشته شده است و ضبط نسخه‌های کهن که بررسی شد چنین است. معلوم نیست این تغییر در چاپ قزوینی از کجا راه یافته است.

۴ - غزل ۷۰ بیت چهارم :

عاشق مفلس اگر قلب دلش کرد نثار

مکنش عیب که بر نقد روان قادر نیست

در نسخه خطی خ و اکثر نسخه‌های خطی قرن نهم «قلب دلت» است. البته «قلب دلش» هم غلط نیست، ولی در این قرائت معلوم نیست عاشق قلبش را به چه کسی نثار کرده است. در صورتیکه در قرائت «قلب دلت» مخاطب در هر دو مصرع مشخص است و معنی مصرع اول این است که اگر عاشق مفلس همین «سکه قلب» دل خود را به تو نثار کرد...

۵ - غزل ۲۰۶ بیت هشتم :

رشته نسبیح اگر بگسست معذورم بدار

دستم اندر دامن ساقی سیمین ساق بود

در نسخه خطی خ «دستم اندر ساعد» نوشته شده است و تا آنجا

که نویسنده این سطور تفحص کرده است در هیچ نسخه خطی معتبر کلمه «دامن» بجای «ساعد» در این مصرع نیامده است. در زیر صفحه هم تصریح نشده است که «دستم اندر دامن ساقی» از کدام نسخه انتخاب شده است.

۶ - مطلع غزل ۲۰۲ در چاپ چنین است:
بود آبا که در میکده ها بگشایند

گره از کار فرو بسته ما بگشایند
این غزل یکی از آن شش غزل است که دوبار در نسخه خطی خلخال کتابت شده است. مطلع ضبط مکرر نیز فرق دارد و چنین است:

باشد ای دل که در میکده ها بگشایند

گره از کار فرو بسته ما بگشایند
يك تفاوت دیگر در ضبط مکرر این غزل آن است که مصرع دوم در دوبیت چهارم و پنجم، که در ضبط اول و همچنین در چاپ قزوینی پس و پیش است، در ضبط مکرر در جای صحیح خود قرار گرفته است. ضمناً در بیت آخر هم «به جفا بگشایند» است بجای به «دغا بگشایند».

در چاپ قزوینی به مکرر بودن این غزل در نسخه خطی اساس اشاره‌ئی نشده و آن سه اختلاف میان دو ضبط در نسخه خطی هم در زیر صفحات تصریح نگردیده است.

در غالب نسخه‌های کهن و معتبر این غزل با مطلع «باشد ای دل...» ضبط گردیده است. در مقام بررسی انتقادی هم این قرائت

از نسخه بدل «بوه آیا...» بهتر و در معنا قویتر است و برای تأیید قرینه «دل قوی دار» در بیت بعدی مناسبتر. ولی کم نیستند کسانی که «بود آیا...» را میپسندند. هنگام بحث دربارهٔ اختلاف ضبطها، بعضی از اهل ذوق و ادب بعلت انس و آشنائی بیشتری که بامتن چاپ قزوینی پیدا کرده‌اند، کمتر آمادگی نشان میدهند که متنی متفاوت با این چاپ را بپذیرند. شاید اگر مطلع ضبط مکرر این غزل (باشد ای دل...) در چاپ ۱۳۲۰ اختیار شده بود، اکنون برای خوانندگان نیز همین مطلع برتر مینمود.

بمنظور کوتاه گردانیدن دامنهٔ این بحث به قید ضبط متفاوت نسخهٔ خطی خ بامتن چاپ قزوینی در هشت مورد دیگر (ردیف ۷ تا ۱۴) اکتفا میشود و تنها دربارهٔ ردیف ۱۵ که میان صاحب نظران سابقه بحث دیرینی دارد تأمل بیشتری بایسته است.

ردیف	غزل و بیت	ضبط نسخهٔ خلخال	متن چاپ قزوینی
۷	۷/۵	پیرانه سربکن	پیرانه سرمکن
۸	۱۴۵/۴	رسیدن گل ونسرين	رسیدن گل نسرین
۹	۲۲۱/۱	در سر زلفش	بر سر زلفش
۱۰	۳۲۵/۷	نقد روان در رهش	نقد روان دردمش
۱۱	۳۴۷/۶	دل و دین را	دین و دل را
۱۲	۴۲۷/۱	مرا ز خال تو	مرا ز حال تو
۱۳	۴۶۵/۷	مدار امید فرج	مدار امید فرج
۱۴	۴۷۴/۸	طریق کاروانی	طریق کاردانی

۱۵- دیو مسلمان نشود یا دیو سلیمان نشود؟

در غزل ۲۲۷ چاپ قزوینی بیت چهارم را چنین میخوانیم:

اسم اعظم بکند کار خود ای دل خوش باش

که به تلبیس و حیل دیو مسلمان نشود

در تفسیرهای قرآن کریم داستان انگشتی حضرت سلیمان چنین نقل شده است که اسم اعظم بر آن نقش بود و حشمت سلیمان وابسته به خاتم آن انگشتی بود. تا اینکه دیوی با حیل آن انگشتی را بر بود و چهل روز بر تخت سلیمان بنشست. به شرحی که در کتابهای تفسیر مندرج است به مشیت الاهی انگشتی بار دیگر به دست سلیمان رسید و به مقام خویش باز آمد. به قرینه کلمات « اسم اعظم » و « تلبیس و حیل دیو » در این بیت کلمه قافیه باید قاعدتاً « سلیمان » باشد. در چند بیت دیگر، ارتباط کلمه های خاتم یا نگین، اسم اعظم، سلیمان یا جم، و دیو یا اهرمن، که همگی ناظر بر داستان گم شدن انگشتی سلیمان میباشند، تأیید میشود:

سزد کز خاتم لعلش زنم لاف سلیمانی

چو اسم اعظم باشد چه باك از اهرمن دارم

خاتم جم را بشارت ده به حسن خاتمت

کاسم اعظم کرد ازو کوتاه دست اهرمن

به صبر کوش تو ای دل که حق رها نکند

چنین عزیز نگینی به دست اهرمنی

براین اساس بعضی از محققان بر قرائت « دیو مسلمان نشود »

در چاپ قزوینی خرده گرفته اند^۱. در برابر آنان کسان دیگری

۱- از جمله رجوع شونده کتاب «نقش ازحافظ» به قلم علی دشتی چاپ هفتم

تهران، اساطیر، ۱۳۶۴، ص ۱۱.

و کتاب «مجموعه مقالات نقد و نظر درباره حافظ» نوشته دکتر حسینعلی

هروی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۲۰۴

کوشیده‌اند تا دلیلی بر انتخاب «دیو مسلمان نشود» در این بیت پیدا کنند. با این نیت آن را مرتبط دانسته‌اند بر این حدیث نبوی «انی اسلمت شیطان نفسی» یعنی من دیو نفس خود را مسلمان کردم، یا «اسلم شیطان علی یدی» یعنی شیطان من بردست من اسلام آورد، و اشعاری از گویندگان دیگر را که متضمن دو کلمه «دیو» و «مسلمان» می‌باشد بعنوان شاهد نقل کرده‌اند:

آن دیو را که در تن و جان من است

باری به تیغ عقل مسلمان کنم
(ناصر خسرو)

دیوی که بر آن کفر همی داشت مرا

آن دیو مسلمان شد تا باد چنین باد
(سنائی)

* * *

تا اینجا دوداده جدا از هم در اختیار ماست: داده اول داستان گم شدن انگشتی حضرت سلیمان است که دیوی به حيله گری آن را بر بود و چهل روز بر تخت سلیمان نشست. در این داستان بحثی در باره مسلمان شدن دیو در میان نیست. داده دوم حدیث نبوی است که در آن، دو کلمه «اسلم» و «شیطان» وجود دارد و اشعاری که از ناصر خسرو و سنائی نقل شد ناظر بر این حدیث می‌باشد. از ملاحظه این دو مطلب که جدا از هم است می‌بینیم همانطور که ذکر کلمه دیو ایجاب نمی‌کند که موضوع همه جابه داستان حيله گری دیو در ربودن

۱- اردشیر بهمنی، «دیو مسلمان نشود»، ارمغان دوره ۴۶، ش ۵۴ (تیر و مرداد ۱۳۵۶)، ص ۲۷۹ - ۲۷۶.

دکتر عباس زریاب خوئی، «دیو مسلمان نشود - دیو سلیمان نشود»، آینده سال ۱۰، ش ۱۰ و ۱۱ (دی و بهمن ۱۳۶۳) ص ۶۵۴ - ۶۵۱.

انگشتی سلیمان مربوط باشد، به همین قرار وجود اشعاری از چند شاعر دیگر که اشارتی به حدیث نبوی دارد دلیل نمی‌شود که ذکر کلمه دیو، در این بیت حافظ الزاماً با بیان مسلمان گردانیدن دیو همراه شود.

اتفاقاً در چکامه ناصر خسرو، که بیتی برای مثال التزام دو کلمه «دیو» و «مسلمان» نقل کرده‌اند، در بیت ماقبل آن، دو کلمه «دیو» و «سلیمان» با هم آمده است:

گر نیست طاقتم که تن خویش را بر کاروان دیو سلیمان کنم
آن دیورا که در تن و جان من است باری به تیغ عقل مسلمان کنم

همچنین در اشعار سنائی هم همیشه دیو با مسلمان ذکر نشده است بلکه دیو همراه سلیمان هم دیده می‌شود:

راه مخلوقان گیری و نیندیشی هیچ
دیو بر تخت سلیمان چو سلیمان نشود

پس از این تفصیل باید دید قرینه‌های موجود در بیت حافظ (اسم اعظم، تلبیس دیو) به کدامیک از این دو کلمه (مسلمان یا سلیمان) ارتباط بیشتری دارند. در تطبیق مفهوم بیت حافظ به حدیث نبوی دواشکال پیش می‌آید: یکی این است که در حدیث نبوی خود دیو نیست که تصمیم به مسلمان شدن گرفته باشد. اشکال دوم آن است که تنها با تفسیر و تأویلاتی به روش شارحان میتوان آن حدیث نبوی را به عبارت «اسم اعظم» مرتبط ساخت، در صورتیکه در بیت حافظ تأکید اصلی بر نقش امداد اسم اعظم استوار است و کلمات کلید در مفهوم غلبه سلیمان به یاری اسم اعظم بر حیل و تزویر دیو مانند حلقه‌های زنجیر بهم پیوسته است.

بسبب شباهت ظاهری و هموزن بودن این دو کلمه (مسلمان- سلیمان) تحریر یکی بجای دیگری به دست کاتبان حتی ناخودآگاه امکان پذیر بوده است. از آنجا که در اکثر نسخ «دیو مسلمان نشود» ضبط شده است؛ بعضی همین عبارت را به تبع ضبط اکثریت نسخ گفته اصلی شاعر میدانند. ولی اتکا به ملاك ضبط اکثریت نسخ، بعنوان تنها معیار ترجیح این قرائت، دلیل استواری به نظر نمی رسد. موارد زیادی در غزلهای حافظ هست که مصححان چاپهای انتقادی ضبط اکثریت نسخ را مناسب نیافته و در متن منتخب خود نیاورده اند.

این واقعیت را نباید نادیده گرفت که چون بسیار اتفاق می افتاد کاتبان مصرعها را با مروری سریع بر نسخه سرمشق، به اتکای ذهن خود کتابت میکردند؛ طبعاً پس از آنکه کاتبی در مطلع غزل نوشته بود «تاریا ورزد و سالوس مسلمان نشود»، عبارت «مسلمان نشود» را در ذهن خود آماده داشت. در بیت چهارم نیز بانگاهی سطحی و سریع به مصرع «که به تلبیس و حیل دیو سلیمان نشود»، بجای کلمه «سلیمان» در این مصرع همان کلمه آشنا و آماده در ذهن خود (مسلمان) را نوشته است. بعید نیست که این اشتباه در نسخه های اولیه بیش از يك بار، اتفاق افتاده و کاتبان بعدی طبق معمول آنچه را که در نسخه سرمشق خود دیده اند عیناً نقل کرده اند.

وجود قرائتی این احتمال را نیز مطرح میسازد که نوشتن «مسلمان نشود» بجای «سلیمان نشود» در این بیت مورد بحث از کجا که يك سهو القلم از جانب کاتب متن چاپ قزوینی نباشد؟

گمان میکنم همه بحثها بر سر اختلاف ضبط در این مصرع به این نکته وابسته است که اگر در چاپ قزوینی در این بیت عبارت «سلیمان نشود» مندرج بود. هیچکس درباره صحت ضبط این بیت تردیدی به ذهن خود راه نمی داد. وجه بسا مصححان دیگر نیز همین قرائت را، اگر هم باستناد ضبط منحصر در یک نسخه خطی میبود، به پیروی از رأی وی میپذیرفتند و نسخه بدل «دیو مسلمان نشود» را که موجب تکرار قافیه هم میشود داخل متن نمی کردند.

بطوریکه پیشتر ذکر شد قزوینی بسیاری از اشتباههای دستنویسی کاتب نسخه خ را تصحیح کرده ولی ذکر این اشتباهها را در زیر نویس صفحات ضروری ندانسته است. در مقابل برای بعضی از لغات و تعبیّرات در پانویسها توضیحاتی قید کرده است. در ۶۷ مورد نیز با قید عبارت «چنین است در خ» در زیر صفحات خواسته است هر گونه تردید خواننده را از بابت مستند بودن متن چاپ خود بر طرف سازد. به همین سبب درج نشدن توضیحی درباره قرائت سلیمان یا مسلمان در این بیت، و نبودن تصریحی در مورد ضبط نسخه خ، موجب شده است که صاحب نظران از همان سالهای اول پس از انتشار چاپ قزوینی در این باره به بحث پردازند.

کسانی که خواسته اند علت درج «دیو مسلمان نشود» در چاپ قزوینی را توجیه کنند، و همچنین کسان دیگری که بر این انتخاب خرده گرفته اند، همگی معتقد بودند که چون نسخه خطی خلخال اساس طبع قزوینی بود، او نخواسته است باستناد ذوق و نظر شخصی دخالتی

در متن آن نسخه اعمال کند. ازینجهت ناگزیر ضبطی را، با آنکه از نظر مفهوم و ارتباط کلمات نارسا بود و موجب تکرار قافیه هم میشد، بخاطر وسواس در حفظ امانت در متن چاپی خود نگه داشته است.^۱ در مقدمه دیوان حافظ چاپ دانشگاه تبریز در ارتباط با این مطلب چنین نوشته شده است:

«... همه صاحب نظرانی که پس از انتشار نسخه مصحح مرحوم قزوینی در زمینه تصحیح و تنقیح دیوان حافظ سخنی گفته یا نوشته اند بسبب آنکه شادروان قزوینی در بیت «اسم اعظم بکند کار خود...» بجای «سلیمان»، که تناسب کامل با دیگر اجزای بیت دارد، «مسلمان» ضبط کرده آن مرحوم را به بیذوقی و عدم جسارت منسوب کرده اند. و حال آنکه واقعیت نه بیذوقی بوده و نه عدم جسارت بلکه اصول و روش تصحیح انتقادی مانع از تغییر «مسلمان» به «سلیمان» بوده است...» (ص نه مقدمه).

* * *

پس از گذشتن چهل و شش سال از تاریخ انتشار دیوان حافظ چاپ قزوینی - غنی که امکانی پیش آمد متن چاپ مزبور با نسخه خطی خلخالی مقابله شود معلوم گردید که ضبط نسخه خطی خلخالی مکتوب به سال ۸۲۷، که اساس طبع علامه قزوینی بود، در این بیت «دیو سلیمان نشود» است و کلمه «سلیمان» در این نسخه خطی

۱- «سماجت و اصرار در قبول متن يك نسخه كهته بر این آقایان فاضل و محقق حتی مجال این را نداده است كه صورت متن را حمل بر سهو القلم كاتب كنند، چه دو كلمه سلیمان و مسلمان تقریباً مثل هم نوشته میشود و كاتب هم معصوم از خطا و اشتباه نیست.» نقل از كتاب «نقشی از حافظ» چاپ هفتم، ص ۱۱.

«مرحوم قزوینی و ناشران چاپ دانشگاه تبریز و آقای دکتر خالری همین شرط امانت را بجای آورده اند و «مسلمان نشود» ضبط کرده اند...» نقل از مقاله دکتر زریاب خوئی در مجله آینده سال ۱۰، ش ۱۰ و ۱۱ (دی و بهمن ۱۳۶۳).

طوری آشکار و روشن نوشته شده است که غیر ممکن است «مسلمان» خوانده شود^۱

در بررسی دیوان حافظ چاپ قزوینی در هر روایتی که پرسش برانگیز بود به آن مقدار از منابع مورد استفاده آن مرحوم که در کتابخانه مجلس و کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران موجود است مراجعه کرده ام.

البته از نسخه های خطی که در دسترس علامه قزوینی بوده است اکنون بجز نسخه خطی خلخالی اطلاعی در دست نیست ولی در میان ده نسخه چاپی که در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نگهداری میشود در حاشیه يك جلد دیوان حافظ (چاپ اولیاسمیع مورخ ۱۲۶۸ ق) یادداشت هایی ، گاهی همراه با قید تاریخ ، به خط آن علامه فقید وجود دارد . چنین پیدا است که این کتاب از آذرماه ۱۳۱۸ به بعد بمنزله نسخه مرجع و یا باصطلاح «حافظ دم دستی» آن شادروان به کار رفته است.

از میان ده متن چاپی متعلق به قزوینی تنها در دو نسخه (چاپ ضیاء الادبا - ۱۳۲۵ ق و چاپ اولیا سمیع - ۱۲۶۸ ق) «مسلمان نشود» قید شده و مابقی همگی «سلیمان نشود» چاپ کرده اند. اما نکته مهم و جالبی که دیده شد این است که در همین کتاب حافظ مرجع قزوینی (چاپ اولیا سمیع) در این بیت که در صفحه ۱۵۸ چاپ شده است ، علامه قزوینی کلمه «مسلمان» را با مداد سرخ خط کشیده و بالای آن کلمه «سلیمان» را نوشته است. در همین غزل در مصرع

۱- برای ملاحظه خوانندگان پژوهشگر عکس صفحه مربوط به این غزل از روی نسخه خطی ۸۲۷ در پایان کتاب افزوده میشود.

«حسن خلقی ز خدا میطلبم روی تو را، بالای کلمه «روی» نیز با همان مداد سرخ «خوی» نوشته شده است. از آنجا که قزوینی هیچ جا بالای کلمه صحیح در متن این کتاب کلمه مردودی را یادداشت نکرده است بدلیل نیست اگر حدس بزنیم که کلمه «سلیمان» در این بیت مورد تأیید قزوینی بوده است. ولی به علتی نامعلوم عبارت «دیو مسلمان نشود» در متن چاپ ۱۳۲۰ جایگزین گردیده است.

چون علامه قزوینی در مقدمه چاپ خود متذکر شده است که از شرح سودی در تصحیح متن بسیار استفاده شده است در این رابطه خواستم از ضبط متن شرح سودی نیز آگاه شوم. نسخه شرح سودی بر حافظ طبع بولاق (متعلق به مرحوم امیر خیزی) که در اختیار علامه قزوینی قرار داشت در دسترس نبود.

بامراجعه به جلد دوم ترجمه فارسی شرح سودی ملاحظه شد که در این مصرع «دیو مسلمان نشود» چاپ شده است. ولی وقتی در ترجمه فارسی این بیت این عبارت را خواندم که «از مکر و حيله و ریا و زرق اجتناب کن که بامکر و حيله دیو نمی تواند سلیمان شود...»^۱ متعجب شدم که چطور سودی کلمه «مسلمان» را در متن شعر حافظ می آورد و در شرح و معنی آن را به «سلیمان» تبدیل میکنند. برای اطمینان خاطر به چاپ نخستین شرح سودی (چاپ بولاق) مراجعه کردم و در جلد دوم (صفحه ۸۵) متن شعر را «دیو سلیمان نشود» یافتیم. برای پیدا کردن علت تغییر متن شعر در ترجمه فارسی شرح سودی فکرم به جایی نرسید.

سبب مقابله چاپ خلخالی

هروقت مقدمه دقیق و مبسوط شادروان قزوینی را از نظر میگذراندم این پرسش به ذهنم می آمد که باوجود اشاره نویسنده مقدمه به این مطلب که ، خلخالی درحافظ نامه باکمال صداقت و درستکاری نوشته است که متن چاپ ۱۳۰۶ بااصل نسخه خطی اختلاف فاحش پیدا کرده است ، دیگر چه لزومی داشت که علامه قزوینی و دکتر غنی « باکمال دقت چهارمرتبه متوالی »^۱ به مقابله متن چاپ ۱۳۰۶ و نسخه خطی خلخالی وقت صرف کنند.

چون در مقدمه غیر از کشف غلطهای چاپ خلخالی دلیل دیگری برای این ممارست درمقابله تصریح نشده است این امر مبهم مینمود تا اینکه برخورد بایک کلمه درغزلی موجب شد خط سیری را برای روشن شدن این ابهام دنبال کنم.

در جریان مقابله چاپ قزوینی با نسخه خطی خ که اختلاف میان آن دورا درحاشیه يك مجلد چاپی یادداشت میکردم ، گاهی در این نکته کنجکاو میشدم که علامه قزوینی درموارد اختلاف با نسخه اساس ، متن منتخب خود را از چه منبعی اخذ کرده است . درغزل شماره ۲۰۶ مصرع دوم بیت هشتم در نسخه خطی خ چنین کتابت شده است : « دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود ». اما این مصرع بصورت « دستم اندر دامن ساقی ... » چاپ شده است . درهیچیک از نسخ خطی معتبر قرن نهم که بررسی کرده ام کلمه « دامن » بجای « ساعد » در این بیت کتابت نشده است . به نسخه های چاپی که جزو

۱- صفحه ند مقدمه قزوینی بر دیوان حافظ .

منابع آن شادروان بود، و اکنون در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و کتابخانه مجلس نگاهداری میشود، و همچنین به شرح سودی که مورد توجه قزوینی بود مراجعه کردم. در هیچکدام کلمه «دامن» نبود. ولی برحسب تصادف این کلمه را در این مصرع در چاپ خلخالی یافتیم و برگمانی که داشتم استوارتر شدم.

گمانم این است که پس از آنکه علامه قزوینی و دکتر غنی تصمیم گرفتند که نسخه خطی خ را اساس طبع خود قرار دهند از چاپ خلخالی بمنزله رونویسی که لازم بود از نسخه خطی تهیه شود استفاده کردند^۱. برای اطمینان از اینکه متنی کامل و برابر با اصل نسخه خطی در اختیار داشته باشند دو متن چاپی و خطی خلخالی را مقابله کردند.

این حدس که مرحوم زرین خط دستنویس متن چاپ قزوینی را از روی چاپ خلخالی (البته پس از اصلاحاتی که به عمل آمده بود) فراهم ساخته است با ملاحظه قرائنی مانند املاي «دوست تر، دوست دارم، مران دل» و نظایر آن، که با چاپ خلخالی مطابق و با املاي نسخه خطی مغایر است، تقویت میگردد. ذیلا نمونه هایی از شباهتهای چاپ خلخالی و چاپ قزوینی با توجه به چگونگی املا یا قرائتهایی که نفوذ متن چاپ خلخالی را در چاپ قزوینی ثابت میکند درج میشود:

۱- در سال ۱۳۱۸ هنوز امکانات فتوکپی و زیراکس برای تهیه رونوشت وجود نداشت.

الف - شایسته‌های املائی

ردیف	غزل و بیت	ضبط نسخه خطی	چاپ خلخال	چاپ قزوینی
۱	۳/۷	دوستر دارند	دوست‌تر دارند	→
۲	۶/۵	درین امیدم	در این امیدم ^۱	→
۳	۱۸/۴	هران دل	مران دل	→
۴	۵۰/۶	کنج عافیت	کنج عافیت	→
۵	۸۳/۶	پدید آمد	پدید آمد	→
۶	۹۱/۱	دوستدارم	دوست دارم ^۲	→
۷	۱۵۸/۱	غالباً	غالباً	→
۸	۲۰۹/۴	به‌در می‌کندها بر کردم	... بر کردم	→
۹	۳۶۵/۲	ساقی مهر و کردم	ساقی مه رو کردم	→
۱۰	۴۸۲/۲	گویی نمیزی	گوئی نمیزی	→

ب - تغییر متن نسخه خطی

۱۱	۷/۵	پیرانه سربکن	پیرانه سرمکن	→
۱۲	۷۰/۴	قلب دلت	قلب دلش	→
۱۳	۹۰/۷	خداکن	خدای کن	→
۱۴	۲۰۶/۸	ساعد ساقی	دامن ساقی	→
۱۵	۲۲۱/۱	در سر زلفش	بر سر زلفش	→
۱۶	۳۲۵/۷	در رهش	در دمش ^۳	→
۱۷	۳۴۷/۶	دل و دین	دین و دل	→
۱۸	۴۷۴/۸	طریق کاروانی	طریق کاردانی ^۴	→

۱- این املا در وزن شعر اخلال می‌کند.

۲- این املا تکرار قافیه در این غزل را موجب می‌شود.

۳- ضبط اصلی نسخه خطی خ «در رهش» بوده و به خط دیگری دستکاری

شده است.

۴- توضیحاً علاوه می‌شود که همه مقایسه‌ها منحصرأ مربوط به متن ۴۹۵ غزل است. ملاحظه این نمونه‌ها و وجود غلطهای دستنویسی در متن چاپ قزوینی ضمناً روشن می‌سازد که متن دستنویس پیش از ارسال به چاپخانه مورد بررسی و مقابله قرار نگرفته است.

قرینه دیگری هست که نشان می‌دهد در تنظیم متن چاپ قزوینی از چاپ خلخالی بعنوان رونویس نسخه خطی استفاده شده است: شش غزل ۱۰۲، ۱۸۵، ۱۹۳، ۲۰۲، ۳۴۰، و ۳۶۵ در نسخه خطی خ هریک دوبار کتابت شده است. ولی در چاپ خلخالی (جز توضیحی در حاشیه در مورد غزل ۳۴۰) اشاره‌ئی به مکرر بودن غزل‌های دیگر به عمل نیامده است. در چاپ قزوینی نیز، پیروی از روش اقدام در چاپ خلخالی، متن نخستین ضبط نسخه خطی در هر غزل مکرر نقل شده و به اختلاف متن در ضبط ثانی توجه نشده است. بطور مثال در ضبط مکرر غزل شماره ۲۰۲ در نسخه خطی، که مطلع آن «باشد ای دل که در می‌کده‌ها بکشایند...» کتابت شده است، مصرع‌های دوم دوبیت ۵۴ در جای صحیح خود قرار دارد:

نامه تعزیت دختر رز بنویسید

تا حریفان همه خون از مژه‌ها بکشایند

کیسوی چنگ بپرید به مرگ می‌ناب

تا همه مغیچگان زلف دوتا بکشایند

ولی در ردیف ۱۳۷ چاپ خلخالی به نقل از ضبط نخستین این غزل در نسخه خطی مصرع‌های دوم در دوبیت فوق جابجا به چاپ رسیده است. در چاپ قزوینی هم از همان متن چاپ خلخالی متابعت شده و ترتیب صحیح کتابت دوبیت فوق در ضبط مکرر نسخه خطی مورد توجه قرار نگرفته است.

اما این نکته که در مقدمه چاپ قزوینی دوبار (در صفحه ۱ و در صفحه ۴۰) به وجود تنها یک غزل مکرر در نسخه خطی اشاره شده است، به نظر می‌رسد به این دلیل است که از شش غزل

مکرر تنها این يك غزل (غزل شماره ۳۶۵) در چاپ خلخالى با دو مطلع متفاوت ولى با اشتراك شش بیت دیگر بصورت دو غزل به چاپ رسیده است و مکرر بودن آن از این مسیر جلب نظر کرده است.

* * *

یادداشت - در کتابخانه مجلس همه چاپهای مختلف دیوان حافظ را که تعدادی از آنها دارای مهر کتابخانه دکتر قاسم غنى میباشد از نظر گذرانده بودم اما هنگامی که این فرم زیر چاپ بود در جریان بازدید بعضی از نسخه های خطی در کتابخانه مجلس يك مجلد از دیوان حافظ چاپ خلخالى متعلق به دکتر قاسم غنى را دیدم.

در این مجلد نیز به دستور دکتر غنى كنار هر برگ چاپی يك برگ كاغذ سفید گذاشته صحافی کرده اند. در حاشیه این نسخه چاپی دکتر غنى همه اختلافها با ضبط نسخه خطی خلخالى را، احتمالاً در جریان یکی از چهار بار مقابله، یادداشت کرده است. به این یادداشتها در ارتباط با مواردی که چاپ قزوینی با چاپ خلخالى موافق و با نسخه خطی مغایر است مراجعه کردم. در هیچيك از این ۱۸ مورد (که یکی از آنها دامن ساقی مت) دکتر غنى اختلاف چاپ خلخالى با نسخه خطی را در حاشیه این کتاب متذکر نشده است.

این واقعیت شاهدهی بر این حدس است که در آن مجلد دیگر از چاپ خلخالى نیز که برای تحریر متن چاپ قزوینی در اختیار مرحوم زرین خط قرار داشت این ۱۸ اختلاف تصحیح نشده بود.

نگاهی به غلطنامه چاپ قزوینی

در صفحه ۴۰۱ زیر عنوان «غلطنامه» ده ردیف هست که در ردیف آن بحثی است از دید ترجیح قرائتی بر قرائت دیگر و مربوط به اشتباه در رونویسی و چاپ نمی باشد. يك ردیف، تذکری درباره رعایت نظم شماره گذاری غزل شماره ۱۴۴ است. در مورد دوردیف (صفحه ۵ - العذارا، صفحه ۲۲۹ - بده) متن چاپی نیز مانند ستون صواب است و آن تحریر مذکور در ستون خطا در متن دیده نشد. دو ردیف مربوط به نقصهای جزئی در حاشیه است. بدیترتیب میماند سه ردیف غلط دستنویسی در متن اشعار که یکی از آنها تنها نشانه همزه است (۳۵۷ - بتأیید) و دو خطای دیگر عبارتند از «کنج» بجای «کنج» و «بادوی» بجای «باددی».

اگرچه از سبک انشا و لحن عبارات مربوط به مقایسه نسخه بدلها در این صفحه پیدا است که این عبارات نوشته علامه قزوینی است. اما با توجه به نشانه های زیر، این گمان تقویت میشود که علامه قزوینی شخصاً متن چاپی را مقابله نکرده و آن غلطنامه در صفحه آخر کتاب هم بوسیله او تنظیم نشده است:

۱- محققى به دقت و نکته بینی علامه قزوینی که در حاشیه صفحه ۳۷۰ حتی نقص يك نقطه را در نام «قدسی» غلط میگیرد چطور ممکن است از ۸ اشتباه در متن غزلها و ۳ اشتباه در حاشیه، که زیر عنوان «غلطهای دستنویسی در متن چاپی» در صفحه ۱۱۷ کتاب حاضر ذکر شد نادیده بگذرد.

۲- در ضمن بحث «املای ناهماهنگ» بخاطر اختصار از

ذکر بعضی نکات املائی مانند تحریر «داغ دل» بجای «داغدل» در مصرع «داغدل بود به امید دوا باز آمد» و نظایر آن صرف نظر شد. اما ضمن مرور دیوان حافظ چاپ اولیا سمیع (حافظ مرجع قزوینی) ملاحظه شد که قزوینی با توجه به املای «داغ دل»، در حاشیه صفحه ۴۶ این کتاب چنین یادداشت کرده است: «داغدل، مرکباً یعنی کسی که داغی به دل دارد و عاشق است». پس با وجود چنین اصلاح و تذکری در حاشیه یک چاپ قدیم، مصحح چطور راضی میشده است که در متن چاپ خود (غزل ۱۷۴) «داغ دل بود» باقی بماند.

۳- در متن چاپی غزل ۴۶۵/۷ آمده است: «حافظمدار امید فرج...». ضبط نسخه خطی خلخالی «امیدفرح» است. علامه قزوینی به این مطلب توجه داشته چنانکه در حاشیه صفحه ۳۵۷ چاپ اولیا سمیع در مورد کلمه «فرج» یا «فرح» قید کرده است: «خلخالی: با حاء مهمله». پس مصححی که این حاشیه را برای یک چاپ دیگر مینویسد چطور شده است که در حاشیه چاپ خود از تذکر آن خودداری کرده است.

۴- در صفحه ۱۵۸ چاپ اولیا سمیع که آن مصرع مشهور «که به تلبیس و حیل دیو مسلمان نشود» چاپ شده است، علامه قزوینی روی کلمه «مسلمان» بامداد سرخ خط کشیده و بجای آن «سلیمان» نوشته است. طبق توضیحی که در صفحات پیش درباره همین مصرع داده شد احتمال میرود که قزوینی برای مقابله و تصحیح متن دستنویس چاپ خود فرصت نیافته است. و گرنه همان اصلاح بامداد سرخ را در حق متن دستنویس چاپ خود نیز اعمال میکرد.

نتیجه‌گیری

دیوان حافظ به تصحیح قزوینی - غنی در این مدت چهل و هفت سال که از تاریخ انتشار آن می‌گذرد بیش از هر متن دیگر از دیوان حافظ تجدید چاپ شده، بیش از هر چاپ دیگر خواننده داشته، و بیش از هر متن دیگر در مقایسه نسخه بدلها بر آن چاپ استناد شده است. علاقه‌مندان به پژوهش در دیوان حافظ نیز از چاپ قزوینی در دو ویژگی بهره‌جسته‌اند: یکی در نقش معرفی نسخه خطی مکتوب به سال ۸۲۷، و دیگری در چهره يك متن منقح و معتمد و مستند از شعر حافظ.

از مجموع آنچه در این بررسی بیان شد دو نتیجه زیر به دست می‌آید:

۱- چاپ قزوینی با همه محسنات خود، چون در ضبط غزلها با متن نسخه خطی در ۲۸۵ مورد مغایرت دارد، و از آن مقدار در ۲۱۱ مورد (غیر از غلطهای چاپی) به ضبط اصلی نسخه خطی اشاره نشده است، و ضمناً ۳۱ بیت از منابع دیگر بر محتوای غزلها افزوده شده است، طبعاً معرف تمام عبار نسخه مورخ ۸۲۷ نیست و در حکم يك چاپ مستند تك نسخه‌ئی تلقی نمی‌شود.

۲- علامه قزوینی در شرایط و امکانات چهل و چند سال پیش به تصحیح دیوان حافظ همت گماشته است. کسانی که متن غزلهای حافظ را تنها در قالبی می‌پذیرند که با آن انس و الفت یافته‌اند ممکن است به استفاده از چاپ قزوینی با همین شرایط و کیفیت ادامه بدهند. ولی حداقل توقع و انتظار پژوهشگران از يك چاپ مستند

آن است که مطمئن شوند که هر کلمه و عبارتی در غزلها مستند به منابعی کهن و معتبر است.

ازینرو با توجه به پیشرفتهائی که از جهت شناسائی و امکان بررسی انتقادی اختلاف ضبطها در دهها نسخه معتبر قرن نهم فراهم گردیده است، چاپ ۱۳۲۰ را نمی توان يك متن مستند بامقیاسها و معیارهای امروز به شمار آورد.

مسعود فرزاد در جستجوی حافظ صحیح

در سال ۱۳۲۲ جزوه «دل شیدای حافظ» نگاشته مسعود فرزاد به دستم رسید. در این جزوه فرزاد غزل معروف «سالها دل طلب جام جم از ما میگرد...» را از دید کلمات، توالی ابیات و مفهوم مورد تجزیه و تحلیل قرار داده بود. مطالب این جزوه و روش تحقیق نویسنده به نظرم خیلی جالب آمد، و همواره مترصد بودم که مؤلف آن برای همه غزلهای حافظ شرحی بر این سیاق انتشار دهد.

تدوین کتاب «غزلهای حافظ» نیمه تمام بود که دو جلد کتاب «حافظ، صحت کلمات و اصالت غزلها» را، که تازه منتشر شده بود، دیدم. عبارت روی جلد: «در جستجوی حافظ صحیح، تحقیق از مسعود فرزاد، از انتشارات دانشگاه پهلوی شیراز- کانون جهانی حافظ شناسی» آن خاطره و احساس سی سال پیش را تجدید کرد. با اشتیاق فراوان به مطالعه این کتاب پرداختم.

گوشه‌هایی از یادداشت‌های تحقیقی به نظرم مستدل آمد. برپایه حس خوشبینی که نسبت به نوشته‌های فرزاد داشتم بعضی از اظهار نظرهای مندرج در کتاب «حافظ، صحت کلمات...» را پسندیدم و براساس آن در چند غزل که آماده چاپ بود تغییراتی دادم.

کتاب «غزلهای حافظ» در سال ۱۳۵۳ منتشر گردید. از همان سال به بعد با بررسی بیشتر و مقایسه متن غزلها با نسخه‌های خطی کهن، انتخاب بعضی از کلمه‌ها و عبارتها سبب دلنگسی شد. این احساس موجب گردید که بجای شتاب در تجدید چاپ کتاب «غزلهای حافظ» بررسی خود را بقول شادروان فرزاد «در جستجوی حافظ

صحیح» پیگیری کنم. همین بررسی آرام آرام چهارده سال قسمتی از ساعات فعال زندگی مرا به خود مشغول ساخت.

بمنظور ذکر نمونه‌ئی از این اثر بخشی مثالی می‌آورم: در جریان تدوین غزلها در فاصله ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲ وقتی به بررسی غزل «دلم ربوده لولی وشی ست شور انگیز...» رسیدم، بیت چهارم آن را در نسخه ایاصوفیه چنین خواندم:

مباش غره به بازی خود که در خبر است

هزار تعبیه حکم پادشاه انگیز
نسخه مورخ ۸۲۲ توپقاپو سرای این غزل را ندارد و در چاپ
قزوینی این بیت نوشته نشده است. در نسخه خطی مورخ ۸۷۴ دانشگاه
تهران این بیت چنین است:

مباش غره به بازوی خود که در خبر است

هزار تعبیه با حکم پادشاه انگیز
معنی بیت در هر دو ضبط درست روشن نبود. به کتاب حافظ،
صحت کلمات... فرزاد رجوع کردم و در صفحه ۶۶۴ خواندم:

مباش غره به بازوی خود که هر ساعت

هزار شعبده باز د سپهر مکر انگیز
و در توضیح این بیت نوشته شده است:

«ی یگانه منبع خطی من است که سرتاسر این بیت را صحیح ضبط کرده
و بیتی فصیح و قوی بر مجموعه ایات اصیل حافظ افزوده است. از
این حیث ی خدمت شایانی به حافظ کرده است...»

چون این بیت بصورت مندرج در کتاب فرزاد مفهوم روشنتری
داشت از یزرو این قرائت را در چاپ اول غزلهای حافظ اختیار

کردم.^۱

در سالهای اخیر ضمن مراجعه به چاپهای گوناگون دیوان حافظ ملاحظه شد که در چند چاپ دیگر نیز بعضی از انتخابهای فرزاد مانند این بیت تسری پیدا کرده است ، ازینرو لازم دیدم چکیده بررسی خود را درباره روش فرزاد در تصحیح غزلهای حافظ در این مبحث بیاورم .

انگیزه آغاز تالیف

شادروان مسعود فرزاد ضمن مصاحبه‌ئی که در مجله هفتگی فردوسی شماره ۱۰۷۸ مورخ ۶ شهریور ۱۳۵۱ چاپ شد^۲ در جواب این سوال که چطور شد به تصحیح دیوان حافظ علاقه مند شدید پس از ذکر مقدمه‌ئی میگوید :

« شنیدم که کتابفروشی خاور يك نسخه کهن از دیوان حافظ دارد ... رفتم و نسخه را دیدم . تاریخ کتابش ۸۹۳ هجری قمری بود ... در همان روز ۲ تیر ۱۳۱۳ با آن نسخه کهن حافظ از کتابفروشی خاور بیرون آمدم ... »

در دنباله این صحبت ، فرزاد درباره نسخه مورخ ۸۹۳ و روش کار خود در تصحیح دیوان حافظ چنین توضیح میدهد :

« بعد آ که دهها نسخه خطی خریدم ، و صدها نسخه خطی دیدم ، باز هم تصمیم گرفتم که همین نسخه صد ساله را ، که قدیمترین و کاملترین و رویهمرفته صحیحترین نسخه خطی من از دیوان حافظ بود ، اساس

۱- پس از بررسی ۳۲ نسخه خطی متعلق به قرن نهم ، متن منتخب مسعود فرزاد بوسیله هیچک از این نسخ معتبر و کهن تأیید نمی شود .

۲- متن این مصاحبه در پیوست کتاب « حافظ ، گزارش از نیمه راه » ، شیراز ، دانشگاه پهلوی ، ۱۳۵۴ . (ص. پ ۱۰۲ تا پ ۱۰۹) نقل گردیده است .

کار خود در جمع‌آوری و سپس در تصحیح متن منسوب به حافظ قرار
دهم.»

چاپ کتابی به نام دیوان حافظ بر اساس نسخه خطی مکتوب
به سال ۸۹۳ قمری در سال ۱۳۱۷ شمسی بتوسط شرکت مطبوعات
در تهران آغاز شد، ولی تنها ۲۴ صفحه از اول آن کتاب به چاپ
رسید.^۱ در مورد علت متوقف ماندن چاپ دیوان حافظ فرزاد چنین
مینویسد:

«... در سال ۱۳۱۷ چاپ کتاب «جامع نسخ حافظ»^۲ را که در تهران آغاز
شده بود متوقف کردند ولی دواواست ۱۳۱۸ ... وسایل برای قزوینی
فراهم کردند که کار خود را درباره حافظ شروع کند. کتاب او که در اواسط
۱۳۲۰ از چاپ خارج شد مانع از آن شد که کتاب من به چاپ برسد و
مقامات فرهنگی وقت حتی پس از چاپ کتاب او نیز برای چاپ کتاب
من هیچ کاری نکردند. بر اثر این جریانها زندگانی داخلی من بکلی از
هم پاشیده بود و حتی به بهانه استغراق در حافظ به جنون متهم شده
بودم.»^۳

بمصادق مصرعی از حافظ که «کس همیشه به گیتی دژم نخواهد
ماند» بالاخره ستاره توفیق در افق زادگاه حافظ درخشید. کانون
جهانی حافظ شناسی تأسیس شد، همه امکانات چاپ و انتشار مؤلفات

۱- عکس آن ۲۴ صفحه که شامل ۲۱ غزل قافیه حرف الف و ۳ غزل از
قافیه حرف ب میشود در آخر کتاب جامع نسخ حافظ افزوده شده است.

۲- نام کتابی که در سال ۱۳۱۷ چاپ آن آغاز شد «دیوان حافظ»
بود.

۳- کتاب «حافظ، گزارش از نیمه راه»، ص. ۵۳، به نقل از مقاله زیر
عنوان «نامه سرگشاده به سی‌چهار ساله‌های حافظ دوست»، مندرج در شماره ۱۳۷۷۵
مورخ ۳۱ فروردین ۱۳۵۱ روزنامه اطلاعات.

شادروان فرزاد در اختیار وی قرار گرفت ، و در فاصله سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۴ ده جلد کتاب او در باره حافظ چاپ و منتشر گردید.

فرزاد به شعر حافظ دلبستگی عمیقی داشت و در تنظیم ده جلد کتاب کوشش زیادی به کار برد . اگرچه بخاطر تأخیر در انتشار آثارش به گفته خود سی سال رنج کشید ؛ اما بالاخره کامروا شد و در مقدمه آخرین کتابش میگوید : «من اصولاً سخن دیگری درباره متن غزلهای حافظ پس از طی این مراحل ندارم که بگویم.»^۱

اکنون که سیزده سال از تاریخ انتشار آخرین کتاب فرزاد میگذرد ضرورت ندارد که بررسی انتقادی جامعی از مجموع نوشته های او به عمل آید . با وجود این از آنجا که کوششهای وی در انتخاب منابع و گردآوری مواد اولیه تحقیق و همچنین نظریات او در تعیین ضابطه های دآوری بمنظور تشخیص صحت کلمات ، روش نتیجه گیری ، ونحوه ارائه گزارشها همگی مبتنی بر ذوق و سلیقه خاص انفرادی او میباشد اشاره به برخی از این ویژگیها بيمورد نخواهد بود .

۱- مراحل پنجگانه تحقیق

شاید اکثر پژوهشگران این نظر را تأیید کنند که در تصحیح غزلهای حافظ باید سه ماده اصلی یا سه واحد کلام (غزل ، بیت ، کلمه) بترتیب و در همین مسیر گذر از کل به جزء مورد بررسی قرار گیرد .

۱- مقدمه کتاب «اصالت و توالی ابیات در غزلهای حافظ ، ن و ه ی ، ، شیراز ، دانشگاه پهلوی ، ۱۳۵۴ .

فرزاد برای این منظور پنج مرحله تحقیق پیشنهاد می‌کند و عقیده دارد که این مراحل را نه تنها نباید بایکدیگر آمیخت بلکه توالی صحیح آنها را نیز باید رعایت کرد.^۱ این پنج مرحله تحقیق عبارتند از: (۱) جمع آوری مجموع متن منسوب به حافظ، (۲) تشخیص اصالت غزلها، (۳) تشخیص صحت^۲ کلمات، (۴) تشخیص اصالت ابیات، و (۵) تشخیص توالی اصیل ابیات.

درباره لزوم تفکیک و رعایت دقیق توالی این مراحل مینویسد: «يك شرط مسلم کار علمی آن است که اولاً هر مرحله کار از مراحل دیگر تفکیک شود و از آن گذشته توالی مراحل کار صحیحاً تنظیم و بدقت در ضمن عمل رعایت شود، زیرا منتقد نمی‌تواند قبل از تکمیل مطالعه در هر مرحله به کار مربوط به هیچیک از مراحل بعدی بپردازد.» (مقدمه حافظ، گزارش از نیمه راه ص ۶)

البته هر محقق می‌تواند و ویژگی کارش ایجاب می‌کند که برای تحقیقات خود طرح و برنامه‌ئی مناسب تنظیم کند و براساس آن گام به گام پیش برود تا به نتیجه نهائی برسد. ولی خواننده گزارشهای تحقیقی فرزاد حق دارد پرسد که اگر پژوهنده می‌تواند نتایج تحقیقات خود را پس از طی بررسیهای لازم درباره يك غزل (از باب اصالت آن و ترتیب صحیح ابیات و صحت کلمات) بصورت قطعی و نهائی یکجا در اختیار خواننده بگذارد؛ چرا این نتیجه را در اجزای جداگانه بصورت ناقص و مشروط و موقوف به تکمیل در فرصت بعدی قرار

۱- مقدمه جلد دوم کتاب حافظ، صحت کلمات... ص ۱۱۴

۲- کتاب جامع نسخ حافظ، صفحه ۲۲ مقدمه. (در این صفحه مرحله سوم «تشخیص اصالت کلمات» چاپ شده است، ولی با توجه به عنوان کتاب «حافظ، صحت کلمات» بدیهیست که مؤلف در مرحله سوم تحقیق «تشخیص صحت کلمات» را در نظر داشته است)

میدهد ؟

گاهی مؤلف مسأله‌ئی را ، که باید در مرحله‌ئی معین فیصله یابد ، برخلاف طرح و نظر خود ناقص و مبهم رها میکند و جواب قطعی آن را به طی مرحله بعدی موکول میسازد . بطور مثال در کتاب « حافظ ، صحت کلمات و اصالت غزلها » که باید تکلیف اصالت غزلها روشن شود درمورد غزل شماره ۲۶۷ چنین مینویسد : « درباره اصالت این غزل نیز ذهن من خالی از شک نیست ولی جواب نهائی این مسأله موکول به طی مرحله تشخیص اصالت ابیات این غزل خواهد بود. » (حافظ ، صحت کلمات و اصالت غزلها ص ۳۹۸) و یا در مرحله‌ئی که به صحت کلمات رسیدگی میشود درمقایسه دونسخه بدل « منزل سلمی » و « حضرت سلمی » نوشته است :

« ... اگر در مراحل نهائی تصحیح متن این غزل ، منجمله روشن شدن هویت مخاطب مسلم شود که منظور از « سلمی » پادشاه یا شخص عالیمقام دیگریست « حضرت » شاید از « منزل » نیز مناسبتر باشد . » (حافظ ، صحت کلمات ... ص ۴۱۶)

۲- موضوع انتخاب منابع

فرزاد مسأله قدمت تاریخ کتابت را زیر عنوان « قضیه مؤلفه تاریخ کتابت » مورد تخطئه قرار میدهد و در این باب چنین قضاوت میکند :

« ... اتکای بی تعقل و بندهوار بر قدمت تاریخ کتابت از خام فکری و ناواردیست و هیچوجه برای هدایت ما به مقصود یعنی دسترس یافتن به متن کامل و صحیح حافظ وافی نیست. ... »

(ص ۱۹ مقدمه جامع نسخ حافظ)

در میان منابع دوازدهگانه وی تنها سه منبع مربوط به قرن

نهم است. نخستین آنها (نسخه خطی مورخ ۸۹۳) نقش نسخه اساس در کتاب جامع نسخ حافظ را ایفا میکند. دومین منبع نسخه خطی مکتوب به سال ۸۴۹ می باشد که در حدود يك چهارم آن به خط جدید کتابت شده است. منبع سوم عکس نسخه خطی مورخ ۱۴ - ۸۱۳ مضبوط در موزه بریتانیا است که شامل ۱۵۲ غزل است.

از پنج نسخه خطی دیگر، تنها یکی تاریخدار و مورخ ۹۹۷ می باشد و چهار نسخه تاریخ کتابت ندارند. علاوه بر این هشت نسخه خطی، چهار متن چاپی نیز بعنوان منبع تحقیقات انتخاب شده است که عبارتند از: چاپ ۱۳۰۶ خلخال، چاپ لکنهور، چاپ قدسی، و چاپ پژمان.

فرزاد مینویسد که تنظیم و تکمیل متن دیوان حافظ سه دوره مختلف را پیموده است: دوره اول مربوط است به قرن نهم یعنی تا حدود یکصد سال پس از مرگ حافظ. دوره دوم قرن دهم تا اواسط قرن یازدهم، و دوره سوم از اواسط قرن یازدهم به بعد را شامل میشود.

با توجه به این تقسیم بندی ادوار نتیجه میگیرد که منابع دوازدهگانه خطی و چاپی وی مجتمعاً نمایندۀ همه ادوار تنظیم متن دیوان حافظ می باشند.

البته اگر پژوهشی این هدف را دنبال کند که در طی این چند قرن شعر حافظ تا چه میزان از اصل خود دوره افتاده و چه مقدار دخل و تصرف و تصحیف و تحریف و اشعار الحاقی در آن راه یافته است، این تقسیم بندی ادوار، با توجه به عواملی که در هر دوره در حدوث

تغییرات در متن غزل‌های حافظ دخالت داشته است ، ممکن است سودمند به نظر برسد. اما اگر هدف ، همچنانکه شعار کتابهای فرزاد است ، «جستجوی حافظ صحیح» باشد بدیهی است که استناد به نسخه های خطی ادوار بعد از قرن نهم و استفاده از متون چاپی ، نه تنها پژوهشگر را به هدف دستیابی به حافظ صحیح نزدیک نمی کند، بلکه کار پیراستن تحریفاتی را که در طی قرون در شعر حافظ راه یافته است دشوار میسازد.

۳- گردآوری کلیه متون منسوب به حافظ

کاری که فرزاد در مرحله اول تحقیق خود انجام داده است گردآوری کلیه متون منسوب به حافظ (از اصیل و مشکوک و مردود) در کتاب جامع نسخ حافظ است . شاید این اقدام به عقیده بعضی جالب و مفید باشد ، و به نظر برسد که بدینوسیله آنچه به نام حافظ در منابع مختلف موجود است يك جا گردآوری شده از گزند حوادث مصون میماند . اما آنچه پژوهشگران درباره غزل‌های حافظ خاطر نشان ساخته اند این است که با گذشت ایام ، بخصوص در نسخ خطی متأخر ، و در چاپ‌های گوناگون تعداد زیادی غزل غیر اصیل و بیمایه به حافظ نسبت داده شده، و گاهی غزل‌های شاعران دیگر نیز با غزل‌های حافظ درهم آمیخته است. فرزاد معتقد است که نخست باید همه این اشعار از هرقبیل که هست يك جا گردآوری شود ، و در مرحله دوم تحقیق ، به مدد قضاوت انتقادی ، غزل‌های مردود و مشکوک و غیر اصیل کنار گذاشته شود.

در این رابطه این پرسش منطقاً پیش می آید که اگر از ابتدا به

مدد قضاوت انتقادی یا هر ضابطه دیگر میدانیم که غزلی در شأن حافظ نیست و مردود است، چه لزومی دارد که يك بار، رنج حمل آن بارسنگین را تا مخزن اشعار حافظ بپذیریم و پس از بررسی انتقادی به این نتیجه برسیم که باید آن را دوباره به جای اول برگردانیم؟

از میان ۷۱۹ غزل موجود در متن جامع نسخ حافظ و ۲۳ غزل مندرج در قسمت ضمایم آن بیش از ۳۰۰ غزل به گروه غزل‌های مشکوک و مردود تعلق دارد. نه تنها غزل‌های مشکوک و مردود در کتاب جامع نسخ حافظ در کنار غزل‌های ناب و اصیل جایی یافته‌اند بلکه مقداری ابیات زاید نیز بدنبال ابیات اصلی افزوده شده‌اند. از آنجا که موضوع بحث دو جلد کتاب «حافظ»، صحت کلمات و اصالت غزل‌ها، تنها ناظر بر تشخیص اصالت غزل‌ها و مقایسه و بررسی کلمات است، ابیات زاید به همان حال اصلی از کتاب جامع نسخ به این دو جلد کتاب بعدی نقل شده‌اند. حتی در مورد نسخه بدلهای آنها هم بحث میشود تا در مرحله آخر تحقیق، که تشخیص اصالت و توالی ابیات است، تکلیف آنها روشن گردد.

۴- مسأله تشخیص صحت کلمات

در مورد اصل گفته‌های حافظ و اهمیت تصحیح متن غزل‌ها فرزاد چنین اظهار نظر میکند:

«حافظ فقط اوراق متفرق و پراکنده‌ای نشده‌ای به جا گذاشت... و بر اثر مصائبی که در سالهای آخر عمرش (مخصوصاً از زمان عزیمت به یزد به بعد) بر او وارد آمد توانائی و فرصت آن را نیافت که از حیث کلمات و مخصوصاً از حیث عده و توالی ابیات، متن نهائی غزل‌های خود را آنچنانکه مطلوب او بود تنظیم کند... باید در این موارد ببینیم از آن ماده خام که او به جا گذاشت امروزه با اتکا بر اصول شعری

و هنری و انتقادی خود حافظ تا چه اندازه میتوانیم به کمال مطلوبی که خودش بعثت « ناراستی روزگار و غدر اهل عصر » هرگز بدان دست نیافت نزدیک بشویم .

(مقدمه کتاب حافظ ، گزارشی از نیمه راه، ص. م ۵).

از این بیان معلوم میگردد که مؤلف در تصحیح متن غزلهای حافظ در جستجوی کمال مطلوبی میباشد که حتی يك درجه بالاتر از مدار کیست که از حافظ به جا مانده، و او آنها را به ماده خامی تشبیه میکند .

در تعیین ضابطه تشخیص صحت کلمات نظر فرزاد این است که « رأی اقدم نسخ و همچنین رأی اغلب منابع از همه دلایل دیگر نسبتاً سست تر و غیر قابل اعتمادتر است . »^۱ به عقیده وی مقصود اصلی آن است که متن صحیح حافظ به دست بیاید و در راه وصول به این هدف باید همواره بر صحت کلمات از نظر معنی و دستور و سبك الفاظ و مفاهیم خود حافظ تکیه کرد و به ضبط اقدم یا اغلب نسخ کمتر اهمیت داد .

مانند زنبور عسلی که در يك فضای باز آزاد است که به تشخیص خود بر هر گلی خواست بنشیند و توشه‌ئی برچیند ، فرزاد نیز در جستجوی حافظ صحیح هر کلمه‌ئی را که به ذوق و سلیقه خود مناسب می‌بیند ، حتی از متن یا حاشیه يك چاپ مغلوط نیز برمیگزیند . اظهار نظر زیر مثالیست از میان موارد بسیار در باره منبع یکی از قرائتها:

۱- مقدمه کتاب حافظ ، صحت کلمات و اصالت غزلها، جلد اول، ص. م ۵.

«... متن مطابق قرائت منحصر در ق (چاپ قلسی) است و بر فرض هم تصرف جدید باشد آن را بر هر دو قرائت دیگر مرجع میدانم. ق خدمت دقیقی به حافظ کرده و این بیت را از ابهام نجات بخشیده است. به هر حال این از مواردی است که هیچیک از نسخ قدیم (و باصطلاح غلط مشهور «معتبر») صورت رضایت بخشی برای متن ضبط نکرده اند...»^۱ (حافظ ، صحت کلمات ... ص ۸۹۷)

در جریان تشخیص صحت کلمات چه بسا که بعضی از قرائتهای موافق با نسخه های کهن و معتبر و حتی ضبط نسخه منبع ۸۹۳، مورد تأیید و گزینش مؤلف قرار نمی گیرد و در مقابل ضبط منحصر در حاشیه يك چاپ مغلو ط برای متن انتخاب می گردد و خدمت دقیقی در حق حافظ شمرده میشود:

« متن مطابق ضبط منحصر در له (حاشیه چاپ لکنهور) است ... له خدمت دقیقی به حافظ کرده است و ثابت کرده است که گاهی ممکن است حاشیه يك چاپ پر غلط از اغلب منابع قدیم و باصطلاح «معتبر» متن صحیحتری ضبط کرده باشد ...»

(حافظ ، صحت کلمات ... ص ۹۳۴)

در جواب این سوال که مسأله انتخاب میان نسخه بدلها باید متکی بر چه ملاک و ضابطه ای باشد فرزاد اظهار میدارد:

« در کتاب حاضر در هیچ موردی متعمداً ذوق شخصی را دخالت نداده ام بلکه همواره خواسته ام نتیجه کار من مبتنی بر قضاوت بیغرضانه و منطقی درباره قرائتهای مختلف مضبوط در منابع من باشد ...»
(مقدمه جلد اول کتاب حافظ ، صحت کلمات ... ص. م - ۲)

۱- جای دیگر فرزاد مینویسد ، « ق دارای متن بسیار جدید و بسیار پر تصرفاتیست... لغات و فرازاها را بصورت جدید تر و آشناتر ولی نا حافظ وار تر یا بکلی غلطی در آورده است.» حافظ ، صحت کلمات ... ص ۲۲.

جای دیگر از مرحوم خلخالی نقل قول میشود که گفته بود
تصحیح و تنقیح غزلهای حافظ با قریحه شخصی مشکل و بلکه محال
است، و فرزاد جواب میدهد که:

«... من رفع همه این مشکلات یا لااقل اغلب آنها را بوسیله سلیقه
شخصی ممکن میدانم و جز بوسیله شخصی ناممکن...»
(کتاب حافظ، صحت کلمات... ص ۳۵)

بدنبال روا دانستن استفاده از سلیقه شخصی دو شرط لازم را
بر آن می افزاید که عبارت است از:

- اتکا بر معلومات فارسی (تسلط در لغت، قواعد دستوری،
و فنون شعر)

- نیروی استنباط و ابتکار انتقادی.

البته در راستای این نظریه میتوان با افزودن چند ممیزه دیگر
اوصاف يك محقق واجد شرایط را تکمیل نمود:

- آشنائی و تسلط در خواندن متون خطی،

- تشخیص سبك و طرز فکر و شیوه بیان شاعر،

- آشنائی با مقوله های گوناگون هنر و فرهنگ ایرانی و معارف

اسلامی،

- استواری رأی (خودداری از اظهار نظرهای ضد و نقیض)،

- دقت و تمرکز فکر و حواس در نقل و ضبط مطالب.

در حاشیه یادداشتهای تحقیقی

در دو جلد کتاب « حافظ، صحت کلمات و اصالت غزلها »
مؤلف نخست متن هر غزل را بصورتی که از منابع خود برگزیده و
تلفیق کرده است می آورد. سپس زیر عنوان یادداشت تحقیقی اگر

توضیحی در مورد اصالت غزل لازم بدانند می‌افزاید و آنگاه متن منتخب خود را با نسخه بدل‌های دیگر مقایسه میکند. از ظاهر امر چنین برمی‌آید که مؤلف قصد دارد يك متن مستند انتقادی ارائه دهد. گذشته از تأثیر نارسائی منابع و استناد به ضبط‌های نارسا و اشتباه در نقل و رونویسی، عوامل دیگری نیز در مضمون این یادداشتها مداخلت دارند که از جمله میتوان اشکال در خواندن نسخه‌های خطی، تفسیرهای مبتنی بر ذوق و استنباط شخصی، تناقض میان متن منتخب و یادداشت تحقیقی، اظهار نظرهای ضد و نقیض، و توسل به تصحیح قیاسی را ذکر کرد. شرح و توضیح همه این عوامل موجب طولانی شدن بحث میگردد.^۱ ازینرو تنها به ذکر مثالهایی در چند قسمت اکتفا میشود.

اشتباه در نقل و رونویسی

در مقدمه جلد اول کتاب حافظ، صحت کلمات ... مؤلف متذکر میشود که:

« پس از چاپ جامع نسخ حافظ چند غلط چاپی در آن دیده‌ام که بسیار معدود است و هیچکدام غلط فاحش نیست. در ضمن نگارش کتاب حاضر

۱- مقاله‌هایی در نقد یادداشت‌های تحقیقی فرزاد نگاشته شده است. بعضی از آنها در پیوست کتاب حافظ، گزارشی از نیمه راه مندرج است. علاوه بر آنها در مقاله «نقدی بر حافظ مسعود فرزاد» نوشته دکتر حسینعلی هروی در مجموعه مقالات و پرسشها، دفتر سیزدهم - شانزدهم، سال ۱۳۵۲، ص ۲۸۰ - ۲۴۱ و قسمت دوم آن در نگین، ش ۱۳۵ و ۱۳۶ (مرداد و شهریور ۱۳۵۳)، که هر دو قسمت در کتاب مجموعه مقالات نقد و نظر در باره حافظ، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ نقل شده است، دو جلد کتاب «حافظ، صحت کلمات و اصالت غزلها» بطور دقیق مورد بررسی و انتقاد قرار گرفته است.

در همه آن موارد متن صحیح را در نظر گرفته‌ام...»
 (مقدمه جلد اول حافظ، صحت کلمات... ص. م ۳)
 توجه به چند مثالی که ذیلاً یادداشت میشود نشان میدهد که
 مؤلف در متن منتخب خود در کتاب حافظ، صحت کلمات... بجای
 اینکه متن صحیح (ضبط اصلی نسخه خطی اساس) را در نظر بگیرد،
 اشتباههای رونویسی یا چاپی کتاب جامع نسخ را مورد استفاده
 قرار داده است:

در کتاب حافظ، صحت کلمات

غزل و بیت	ضبط نسخه خطی ^۱	متن چاپ جامع نسخ	غزل	متن منتخب مصحح
۲۱/۱۱	حق شناسان	ناحق شناسان	۲۱	ناحق شناسان
۷۵/۲	بگشود نافه	بگشاد نافه‌ئی	۷۵	بگشاد نافه‌ای
۹۸/۴	بخت کار ساز	بخت سازگار	۹۴	بخت سازگار
۱۱۹/۱	عهد وزغم ما	عهدو ازغم ما	۱۱۳	عهدو ازغم ما
۱۷۰/۱	دل ما	دل من	۱۷۵	دل من
۲۱۹/۹	شرح غصه او	شرح قصه او	۲۲۸	شرح قصه او
۵۲۵/۳	روی توست	روی اوست	۵۴۲	روی اوست
۶۶۴/۵	ظریف مدام	ظریف اندام	۶۸۲	ظریف اندام

در بعضی موارد هم که مصحح قرائتی را برای متن اختیار کرده
 است که با ضبط نسخه اساس م مطابق است، در ضمن مقایسه نسخه
 بدلها در یادداشت تحقیقی، بجای اینکه ضبط اصل نسخه خطی اساس
 را معرفی نماید، غلطهای چاپی کتاب جامع نسخ را به حساب ضبط
 نسخه خطی اساس منظور میکند. بطور مثال:

۱- ضبط نسخه خطی م از روی فیلم موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه
 تهران نقل میشود.

در کتاب حافظ، صحت کلمات...

غزل	ضبط نسخه خطی	متن چاپ جامع نسخ	صفحه	معرفی نسخه خطی م در یادداشت تحقیقی
۲۸	خسته و غمگین	خسته و مسکین	۴۶	م : خسته و مسکین
۳۶	خونریز را حمایت	خونریز را رعایت	۱۹۴	م : رعایت
۸۲	که رفت عمرو	که رفت و	۵۹	م : که رفت و
۶۷۶	جویبار از چیست	جویباران چیست	۱۳۰۱	غیر از ط : جویباران چیست

تناقض میان متن منتخب و یادداشت تحقیقی

بطوریکه قبلاً ذکر شد در دو جلد کتاب حافظ، صحت کلمات...
مؤلف نسخه بدلهای مأخوذ از منابع خود را در برابر متن منتخب
قرار میدهد و برای توجیه برتری انتخاب خود به بررسی انتقادی
نسخه بدلهای میپردازد. بدون اینکه بخواهیم در نحوه استدلالهای مؤلف
وارد بحث شویم، که خود دامنه وسیعی پیدا میکند، بخاطر آگاهی
کسانی که خواسته باشند به متن منتخب غزلها در این دو جلد کتاب
استناد کنند، همینقدر یادآوری میشود که موارد زیادی وجود دارد که
کلمات و عبارات در متن غزلها با آنچه ضمن یادداشتهای تحقیقی
به عنوان متن منتخب معرفی میشود مطابقت ندارد. اینک نمونه هایی
از این قبیل اختلافها :

ردیف	غزل و بیت	متن منتخب	معرفی متن در یادداشت تحقیقی
۱	۳۸/۳	هر که آید	هر که آمد
۲	۱۶۷/۷	چاه ذقن	چاه زنج
۳	۱۷۹/۸	شعنه خوبان	شعنه مجلس
۴	۱۸۶/۱	حقا که آن ندارد	حقا که جان ندارد
۵	۱۸۷/۲	منظر جانم	منزل جانم
۶	۲۱۵/۲	باغ دیده	باغ سینه

گداخت دل	گداخت جان	۲۴۹/۱	۷
بلهد عمر، هلتم	بلهد عمر فرصتم	۴۸۲/۱۱	۸
مکش سر ز وفای من	مکش سر ز کنار من	۴۹۳/۶	۹
چون تو را	چون منش	۴۹۵/۶	۱۰
آن خم کیسو	آن سر کیسو	۵۴۵/۹	۱۱
پیر پیمانه کش من	پیر پیمانه کش ما	۵۷۵/۶	۱۲
نافه مشکین	نامه مشکین	۶۱۷/۳	۱۳
می بینم	من دیدم	۶۸۹/۱۴	۱۴
وزنو آدمی	وزنو عالمی	۷۱۵/۸	۱۵
صد بار بگفتی	صدبار نگفتی	۷۱۹/۴	۱۶
بدان زبان	بهر زبان	۷۲۲/۷	۱۷

نقل غلطهای چاپی به گزارش از نیمه راه

در رونویسی نسخه خطی م آنچنانکه در چاپ منعکس می باشد، اشتباههای متعددی رخ داده است. در جریان چاپ متن این نسخه خطی در کتاب جامع نسخ اشکالهای دیگری از جمله غلطهای چاپی (دست کم ۷۸ فقره) در متن غزلها پیش آمده است. در تنظیم قرائت منتخب در کتاب «حافظ، صحت کلمات...» بسیاری از این اشتباههای کتاب جامع نسخ به حساب ضبط اصلی نسخه خطی م منظور شده و در قالب قرائتهای منتخب تلفیق گردیده است.

در همانحال سهوهای تازه‌ئی (اعم از رونویسی یا غلط چاپی) در متن منتخب غزلها در کتاب «حافظ، صحت کلمات...» پدیدار شده و به همین صورت بدون اینکه مقابله‌ئی بامتن نسخه اساس به عمل آید تقریباً همه این اشتباهها در کتاب حافظ، گزارش از نیمه راه، راه پیدا کرده است.

اشکال در خواندن نسخه‌های خطی

از میان موارد متعدد سه مثال اینجا ذکر میشود :

- در یکی از منابع مؤلف (نسخه‌ی) مصرعی ظاهر آچنین کتابت شده است : « چمن برمز [به رمز] در اردیبهشت میگوید » که به اغلب احتمال گفته‌ی اصیل حافظ همین است . ولی بسبب اینکه در ترکیب « برمز » گویا نقطه‌ی بالائی یکی دو میلیمتر اینطرف نوشته شده است ، مصحح در صفحه‌ی ۱۶۶ کتاب حافظ ، صحت کلمات ... مینویسد « ی : چمن بر فر در ... آشکارا غلط کتابتیست و بحثی ندارد. »

- در صفحه‌ی ۲۳۰ چنین میخوانیم : « ۳- تمام مصرع . لُکُل : که دست داد دهش داد ناتوانی داد . نسخه بدل سخت مغلوطیست . » ولی این نسخه بدل وقتی سخت مغلوط به نظر می‌آید که کسی هر سه کلمه « داد » را فعل ماضی تصور کند . در این مصرع « دست داد دهش » یعنی دست داد دهنده‌ی او . کلمه‌ی « داد » دوم هم بمعنی حق و عدالت است .

- در صفحه‌ی ۱۰۲۶ : « ۴- تمام مصرع . ب : کرد بخور عنبر کرد صبا بگردان » و بدنبال آن مصحح نوشته است که « ب مغلوط و بیمعنیست . » ولی باتکمیل رسم الخط و قرائت « گرد » اول به فتح گاف و « گرد » دوم به کسر گاف مصرع فوق چنین خوانده میشود : « گرد بخور عنبر گرد صبا بگردان » که غلط و بیمعنی نیست و ممکن است گفته‌ی شاعر همین باشد .

در رونویسی نسخه‌ی خطی ۸۹۳ آنچنانکه در چاپ جامع نسخ حافظ منعکس شده است دست کم ۱۲ مورد به اشکال در خواندن

نسخه خطی مربوط میشود. از آنجمله است ضبط «خواب بیداران بیستی» در نسخه خطی که در غزل ۶۴۰ کتاب جامع نسخ «خواب پنداران بیستی» چاپ شده است و ضبط «چنگ در پرده» نسخه خطی در غزل ۶۷۹ که «چنگ در پرده» به چاپ رسیده است...

اطهار نظرهای ضد و نقیض

در کتاب حافظ، صحت کلمات ... هنگام مقایسه نسخه بدلها و ضمن قضاوت درباره هماهنگی و تناسب گفتاری بایبان حافظ گاهی مصحح مینویسد که «بخاطر ندارم که هیچ جا حافظ چنین کلمه‌ئی به کار برده باشد». و سپس چند صفحه اینطرف یا آنطرف کتاب آن کلمه مطرود این بار «حافظ وار» و گفته اصیل حافظ معرفی میشود. گاهی هم قرائتی که قاطعانه صحیح قلمداد گردیده است جای دیگر غلط آشکار به شمار می آید.

- در صفحه ۸۳ مینویسد «شبخوان» مزیت قاطع بر نسخه بدل «خوشخوان» دارد. ولی در صفحه ۶۲۴ مینویسد: «شبخوان نسخه بدل غلطی ست. در حافظ «خوشخوان» داریم ولی «شبخوان» اصلا نداریم.»

- در صفحه ۴۲۵ در توصیف این مصرع «سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند» قید شده است که حافظ در کلمات «چمان، چرا، چمن» صنعت تکرار يك كنسن را رعایت کرده است. ولی در صفحه ۶۷۴ مصرع «زین چمن سایه آن سرو روان...» را در متن آورده و درباره نسخه بدل «سرو چمان» مینویسد: «سرو چمان غلط آشکار است. سرو نمی تواند بچمد.»

- در صفحه ۷۱ ضبط «شمع دل افروز» را به شمع «شب افروز» تغییر داده و ضمناً علاوه نموده است که متن تصحیح قیاسی من است. در صفحه ۱۴۲ باز در مصرع «یا رب این شمع دل افروز ز کاشانه کیست»، قرائت «شب افروز» را برای متن پذیرفته و مینویسد:

«واضح است که صفت شمع باید «شب افروز» باشد نه «دل افروز». جای تعجب است که این نسخه بدل غلط در اینهمه نسخ مختلف ضبط شده است.»

در سه صفحه بعد (ص ۱۴۵) این مصرع در متن منتخب آمده است: «باز آی که بی روی تو ای شمع دل افروز» اما این بار در برابر صفت «دل افروز» برای شمع اظهار نظر نشده است.

- ضمن غزل ۱۹۶ این مصرع آمده است: «بهای باده چون لعل چیست، گوهر عقل». در صفحه ۲۷۲ در مقایسه «گوهر» با نسخه بدل «جوهر» نوشته شده است که «متن [گوهر] را مرجح میدانم... تجارت گوهر میتوان داشت اما تجارت جوهر غیر مصطلح است». ولی درست در صفحه مقابل در متن غزل ۱۹۷ این مصرع را میخوانیم: «بهای باده چون لعل چیست، جوهر عقل».

- در صفحه ۱۰۱۱ ضمن مقایسه دو نسخه بدل «می گلگون» و «می رنگین» مینویسد: در حافظ «می» هیچوقت «رنگین» خوانده نشده است. ولی در صفحه ۹۳۵ این مصرع ضمن متن غزلی آمده است: شرمسار رخ ساقی و می رنگینم.

- در صفحه ۹۹۹ در مقایسه «سر خدا» با «سرقضا» نوشته شده است که حافظ هیچوقت به «سرقضا» اشاره نکرده است. ولی در

صفحه ۱۱۳ در متن غزلی آمده است : می بده تا دهمت آگهی از سر قضا .

- در صفحه ۶۷۸ مینویسد :

« حافظ هنگام تخلص یا « حافظ » ساده میگوید یا « حافظا » و به خاطر ندارم که در هیچ موردی « ای حافظ » به کار برده باشد. »

اگر این راه کوتاه « به خاطر نداشتن » و اتکا به حافظه اختیار نمی شد ، مصحح با يك مراجعه ساده به ابیات تخلص در متن منتخب خود میتواند این چند نمونه را بیابد : ای حافظ ارمراد میسر شدی مدام ... (ص ۷۳۴) ، تو آتش گشتی ای حافظ ولی با یار در نگرفت ... (ص ۹۸۳) ، چو عندلیب فصاحت فروشد ای حافظ ... (ص ۱۰۶۷) .

تصحیح قیاسی

در کتاب « حافظ ، صحت کلمات ... » در ارتباط با تصحیح قیاسی این توضیح قید شده است :

« هیچ اطمینان نمی توان داشت که در همه موارد قرائتهای مختلفی که در منابع واقع در دسترس شخص مصحح ضبط شده است شامل کلمه صحیح باشد. عبارت دیگر گاهی اتفاق می افتد که هیچیک از این قرائتها صحیح نیست. در این موارد مصحح حق دارد بلکه موظف است که اگر برای پر کردن این خلا متنی در منابع ، کلمه مناسبی به نظرش میرسد آن را پیشنهاد کند... »

(حافظ ، صحت کلمات ... جلد دوم ، ص ۱۰۰ مقدمه)

ضمن مرور اجمالی دو جلد کتاب « حافظ ، صحت کلمات ... »

موارد تصحیح قیاسی مصحح در متن غزلهای حافظ در این صفحات

دیده شد :

صفحه ۱۲: صوفی با صفا صفحه ۳۸ : زیور جشن طرب صفحه ۶۹: اگر بسائل
 ۷۱: شمع شب افروز ۱۸۷: اشک سیلوار ۲۲۳: از شاخ نظر
 ۳۹۳: نقشبندان قضا ۵۱۹: برود از دل من ۵۳۰: کزان هم
 ۵۹۷: ذوق دگر ۸۸۴: چونی آخر نفسی ۹۰۰: تا ندانی
 ۹۰۶: نقد وفا و مهر ۹۸۸: فراداشت ۱۳۰۲: زبور عشق
 » ۱۳۵۰: باغ و دیمبدم

نتیجه گیری

شادروان مسعود فرزاد در تنظیم ده جلد کتاب زحمات زیادی متحمل شده است. کتاب جامع نسخ حافظ شاید از این لحاظ برای بعضی از خوانندگان جالب باشد که جامع همه اشعار اصیل و مشکوک و مردود منتسب به حافظ است. فرزاد همه این اشعار را با نظمی دیگر در کتاب «حافظ، گزارش از نیمه راه» آورده ولی کوشش محسوسی در رفع اشتباهها و غلطهای چاپی به کار نرفته است.

یادداشت‌های تحقیقی که فرزاد در دو جلد کتاب «حافظ، صحت کلمات...» در مورد هر غزل به رشته تحریر در آورده و ضمن آن در مقایسه متن منتخب خود با نسخه بدلهای دیگر توضیحاتی داده است به این منظور تدوین شده است که متن مستند انتقادی از غزل‌های حافظ در اختیار خواننده قرار گیرد. اما عواملی که در تنظیم این دو جلد کتاب دخالت داشته است، و به قسمتی از آنها در صفحات پیش اشاره شد، این نتیجه را آشکار می‌سازد که مطالعه مندرجات این کتابها ممکن است در مواردی خاص موجب برخورداری مثبت باشد، ولی بطور کلی باید جانب احتیاط را از دست نداد.

در جریان تکمیل «دیگرسانیها در غزلهای حافظ» که اختلافهای ضبط نسخه‌های خطی قرن نهم را مورد بررسی قرار میدادم و مقید بودم که منحصرأ از اصل نسخه‌های خطی و یا از عکس آن نسخه‌ها استفاده کنم، متن غزلهای مکتوب در نسخه مورخ ۸۹۳ را نیز با استفاده از فیلم موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با یادداشتهای خود مقایسه کردم و امکانی پیش آمد که ضبط نسخه خطی ۸۹۳ با متن چاپ کتاب جامع نسخ حافظ نیز مقابله شود.

ماحصل این مقابله و انواع و شمار موارد اختلاف متن چاپی کتاب جامع نسخ حافظ با نسخه خطی م (مورخ ۸۹۳) به شرح زیر است :

غلطهای چاپی	۷۸ فقره ^۱
اشتباه در نقل و رونویسی از نسخه خطی	» ۵۷
بدخوانی نسخه خطی	» ۱۲
تغییر املاي نسخه خطی ^۲	» ۶۸
جمع	» ۲۱۵

این اشتباهها عیناً به دو جلد کتاب حافظ، صحت کلمات ... منتقل شده و پس از افزوده شدن مقداری سهوها و اشتباههای جدید دستی و چاپی در دو جلد کتاب مزبور، بدون اصلاح به کتاب حافظ، گزارشی از نیمه راه، راه یافته‌اند.

۱- از این مقدار تنها ۸ فقره در غلطنامه آخر کتاب جامع نسخ حافظ ذکر شده است.

۲- مانند جدا نوشتن ضمایر ملکی و مفعولی، کزین بهام (پجای کزین بهم) ... متصل نوشتن پیشوند افعالی که پایك واکه آغاز میشوند، میامد (پجای می آمد) ...، دوستر = نسخه خطی (دوست‌تر = چاپ جامع نسخ)، خداوندا نکه‌دار = نسخه خطی (خداوندا نکه‌دار = چاپ جامع نسخ) ...

فرزاد در مقدمه جلد اول کتاب حافظ، صحت کلمات در مورد اغلاط جامع نسخ حافظ چنین مینویسد:

«... لازم است کسی در آینده زحمت مقابله مجدد «جامع نسخ حافظ» را با همه منابع دوازدهگانه خطی و چاپی من بکشد و مقابله نامه کامل را که شامل موارد اختلاف هریک از آن منابع با متن چاپ شده جامع نسخ حافظ باشد تنظیم و منتشر کند تا در چاپ دوم کتاب مزبور مورد استفاده قرار بگیرد...»

در میان منابع فرزاد نسخه خطی مورخ ۸۹۳ به خط محمدمنعم که نسخه اساس کتاب جامع نسخ حافظ میباشد، اگرچه در دهه آخر قرن نهم کتابت شده است، در ردیف دیگر دستنویسهای مربوط به سده نهم شایسته توجه و استفاده میباشد. در چاپهای مختلف دیوان حافظ که نسخه بدل‌های بعضی از نسخه‌های خطی یا چاپهای مهم در حاشیه قید گردیده است، در مواردی از متن چاپی کتاب جامع نسخ حافظ هم بعنوان معرف ضبط نسخه خطی م (نسخه مورخ ۸۹۳) استفاده شده است.

تصور میرود اگر صلاح باشد اقدامی در ارتباط با تألیفات شادروان فرزاد صورت گیرد معرفی متن صحیح نسخه خطی مورخ ۸۹۳ بسنده خواهد بود.

مروری بر دیوان حافظ به تصحیح دکتر خانلری

چاپ اول دیوان حافظ در يك جلد با ذکر عبارت «مقدمه و تصحیح و تحشیه از پرویز ناتل خانلری» در سال ۱۳۵۹ بوسیله بنیاد فرهنگ ایران انتشار یافت. چاپ دوم که در سال ۱۳۶۲ از طرف انتشارات خوارزمی پخش گردید شامل دو جلد میباشد. جلد اول به درج غزلیات اختصاص یافته است، و در جلد دوم ملحقات غزلیات، قصاید، مثنویات، قطعات، و رباعیات حافظ آورده شده است.

منابع مورد استفاده

این دیوان بر اساس چهارده نسخه (۹ نسخه کامل و ۵ نسخه منتخب) که تا این تاریخ قدیمیترین نسخه‌ها شناخته میشوند تنظیم شده است.^۱ در میان ۹ نسخه کامل یا نسبتاً کامل کهنترین آنها نسخه مورخ ۸۱۳ معروف به نسخه ایاصوفیه است.

نظر به اینکه حتی در نسخه‌های کامل همه غزلها کتابت نشده است ازینرو شمار معینی از غزلها خصوصیت ضبط در اکثر منابع را دارا میباشند. همچنین بعضی از ابیات مربوط به يك غزل در همه منابعی که محتوی آن غزل هستند درج نشده است. در نتیجه غزلهای مندرج در این دیوان اگرچه در مجموع مستند بر چهارده منبع است، باوجود این استبعاد ندارد که بعضی از غزلها و ابیات تنها در يك یا دو منبع نوشته شده باشد.

۱ - این نسخه‌های چهاردهگانه در گفتار چهارم ص ۷۹ و ۸۰ معرفی شده است.

باتوجه به تعداد نشانه‌های معرف منابع هریک از ۴۸۶ غزل که در بسالای صفحات دست چپ قید شده است آمار زیر به دست می‌آید:^۱

تعداد غزلهایی که در هر ۱۴ نسخه درج شده است :	۲	غزل
» » در ۱۳ » » :	۴	»
» » » ۱۲ » » :	۱۰	»
» » » ۱۱ » » :	۴۰	»
» » » ۱۰ » » :	۸۵	»
» » » ۹ » » :	۹۹	»
» » » ۸ » » :	۱۰۵	»
» » » ۷ » » :	۶۰	»
» » » ۶ » » :	۴۲	»
» » » ۵ » » :	۱۶	»
» » » ۴ » » :	۱۳	»
» » » ۳ » » :	۸	»
» » » ۲ » » :	۲	»
جمع : ۴۸۶ غزل		

شمار غزلهایی که در بیش از نصف تعداد منابع (۸ تا ۱۴ نسخه) کتابت شده است رویهم ۳۴۵ غزل است و ۱۴۱ غزل در ۲ تا ۷ منبع مندرج می‌باشد.

دو غزل زیر در هر چهارده منبع کتابت شده است :

غزل شماره ۱۱ : ساقی به نور باده برافروز جام ما ...

غزل شماره ۶۰ : دل سراپرده محبت اوست ...

چهار غزل زیر در ۱۳ منبع درج گردیده است :

۱ - این آمار پس از اصلاح اشتباههای مربوط به قید نشانه‌ها استخراج شده است. ضمناً ضبط مکرر يك غزل در يك نسخه بمنزله دو نسخه به‌شمار نیامده است.

غزل شماره ۳ : اگر آن ترك شیرازی به دست آرد دل مارا ...
 غزل شماره ۳۷ : بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است ...
 غزل شماره ۴۰ : باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبر است ...
 غزل شماره ۵۷ : سر ارادت ما و آستان حضرت دوست ...
 و این است آن دو غزل که تنها در دو منبع از منابع چهاردهگانه ضبط شده است :

غزل شماره ۲۴۹ : دیگر ز شاخ سروسهی بلبل صبور ...
 غزل شماره ۴۷۰ : صبح است و ژاله میچکد از ابر بهمنی ...
 يك مسأله را نیز در ارتباط با منابع ناگزیر باید متذکر شد و آن استفاده از متن چاپ قزوینی است با نشانه ل (بجای نسخه خطی مورخ ۸۲۷)، و چاپ جلالی نائینی و نذیر احمد (برای نسخه خطی ۸۲۴ = ی). اگرچه مصحح در مورد نسخه ی توضیح داده است که هر جا کلمه ئی در متن چاپی تغییر یافته کتابت اصلی نسخه را از حاشیه نقل نموده است ؛ ولی چنین برمی آید که در مورد چاپ قزوینی به باور قیهای این چاپ ، که گاهی ضمن آن ضبط اصلی نسخه خطی یادداشت گردیده ، رجوع نشده است ؛ یا عامداً متن چاپ قزوینی همتر از بایک نسخه خطی به کار رفته است .

گاهی که متن منتخب بر ضبط منحصر در منبع ل یا ی متکی میشود ، اتفاق می افتد که متن چاپی با ضبط واقعی نسخه های خطی ل یا ی مطابقت ندارد . يك مثال در رابطه با هريك از این دو نسخه در اینجا ذکر میشود :

- در غزل شماره ۳۷۸ مصراع اول بیت ۵ در متن منتخب (برو ای طایر میمون همایون آثار) به ضبط منحصر در نسخه ل (چاپ قزوینی) مستند میباشد . ولی از یادداشت باورقی صفحه ۲۶۵ چاپ

قزوینی چنین برمی آید که متن این مصرع از شرح سودی و چاپ سنگی تبریز اخذ شده است.

- در غزل شماره ۲۸۵ بیت نهم چنین است: بدان گهر نرسد دست هر گدا حافظ ... این غزل در ۱۱ نسخه نوشته شده است. چهار نسخه بیت ۹ را ندارند و در صفحه مقابل برای هفت نسخه باقیمانده نسخه بدل‌های متفاوتی (بدان کمر، به آن کمر) قید گردیده است. با این حساب نزدیکترین ضبط به قرائت متن، نسخه بدل مربوط به نسخه ی (به آن گهر) است. ولی این نسخه بدل هم از روی متن چاپی نقل شده است و ضبط اصلی نسخه خطی «به آن کمر» میباشد.^۱

انتخاب غزلها

بطوریکه در گزارش کار منعکس است مصحح در انتخاب غزلها سه نکته را در نظر داشته است:

الف - از آنجا که هیچ نسخه‌ای از دیوان حافظ نیست که از اشعار الحاقی یا منسوب و متعلق به دیگران خالی باشد بنای کار بر این بوده است که آنچه را که مسلماً از حافظ می‌شمرده ثبت کند. ب - از درج اشعار سست و ضعیف که انتساب آنها به حافظ دشوار است صرف نظر شود.

ج - در مورد تفکیک غزل از قصیده مصحح چنین مینویسد:

۱- در تاهستان ۱۳۶۶ به آقای دکتر جلالی فائومی پیشنهاد کردم که اگر صلاح میدانند متن دیوان حافظ (چاپ اول دکتر جلالی - نذیر احمد) با عکس نسخه خطی گورکهور که در اختیار ایشان است مقابله شود. این پیشنهاد را با حسن نیت پذیرفتند و با اتفاق به مقابله متن چاپی با نسخه عکسی پرداختیم و چند مورد اختلاف که به نظر رسید یادداشت شد.

« . . . اکثر کاتبان میان قصیده و غزل جز از نظر شماره ایات فرق نگذاشته‌اند و این تفاوت برای تشخیص این دو نوع شعر کافی نیست. اما اگر مضمون شعرا ملاک تمایز قصیده و غزل قرار دهیم، غزل‌های متعددی در دیوان خواجه هست که باید، با قطع نظر از شماره ایات، قصیده شمرده شوند...»^۱

چنین برمی آید که نکته اول و دوم را مصحح تنها در مورد غزل‌هایی که منحصرأ در یک یا دو نسخه مضبوط بودند رعایت کرده است. ولی همه غزل‌هایی را که در سه نسخه یا بیشتر درج شده بودند، قطع نظر از هر خصوصیتی که داشتند، در متن آورده است.^۲ درباره نکته سوم، با آنکه خود مصحح نظر داده است که غزل‌های متعددی در دیوان خواجه هست که باید بدون توجه به شمار ایات قصیده شمرده شوند، عملاً تنها چکامه «جوزا سحر نهاد حمایل برابرم...» که مشتمل بر ۲۶ بیت می‌باشد، به قسمت قصاید انتقال یافته و بقیه قصیده‌های کوتاه در ردیف غزل‌ها در متن حفظ شده است.

انتخاب کلمات و عبارات

روشی را که مصحح در انتخاب کلمات و عبارات متن غزل‌ها توضیح می‌دهد می‌توان در قالب سه ضابطه خلاصه کرد:

۱ - جلد دوم دیوان حافظ گزارش کار، ص ۱۱۴۳.

۲ - بطور مثال با آنکه در جلد دوم دیوان، ص ۱۱۷۵ زیر عنوان «حافظ - سلمان، انتساب شعری به سلمان ساوجی محرز شناخته شده است، با اینحال به دلیل اینکه در ۷ نسخه ضمن غزل‌های حافظ کتابت شده است، در این دیوان نیز به شماره ۳۶ در متن آمده است، پرو به کار خود ای واعظ این چه فریاد است. اشعارست و ضعیف مانند «عشق تو نهال حیرت آمد» نیز به پیروی از ضبط اکثریت نسخ در متن اصلی غزل‌ها باقی مانده است.

ضابطه اول : مصحح در نظر داشته است که در سرتاسر آثار
خواجه شیراز ابداء يك كلمه نیاورد که مبتنی و متکی بر یکی از نسخه‌های
اساس نباشد.^۱

ضابطه دوم : اتکا به قدیمیترین نسخه تنها میان دو نسخه با
فاصله زمانی ممتد (مثلاً یکی دو قرن) میتواند موجه باشد؛ زیرا در
طی زمان ممتد ممکن است اصطلاحات و الفاظ متداول و اوضاع
اجتماعی دستخوش تغییرهای مختلف قرار گیرد. ازینرو به نظر مصحح
در میان نسخه‌های اساس (که هر يك با دیگری از يك سال تا ده بیست
سال قدمت زمانی دارند) رجحان یکی بردیگری تنها به اعتبار تاریخ
کتابت وجهی ندارد و هیچ چاره نیست جز اینکه قراین یا موجبات
دیگر برای انتخاب و اختیار يك وجه به کار برود.

ضابطه سوم : در بعضی موارد که در نسخه‌های اساس دو وجه
مختلف وجود دارد و دلیل قاطعی برای رجحان هیچیک نمی توان
اقامه کرد ، در اینگونه موارد به نسخه‌های قدیمتر اعتماد شده است.^۲
برای اینکه روشن شود منظور از «قراین و موجبات» چیست
مصحح مثالهایی در مقدمه ذکر کرده و توضیح داده است که فی المثل
وقوع سکنه در يك مصرع مضبوط در يك نسخه کهن موجب میشود
که از انتخاب آن چشم پوشیم و ضبط نسخه‌های دیگر را، ولو در
سنوات بعدی کتابت شده باشد، بپذیریم.

بحث درباره چگونگی تصمیم و داوری مصحح در انتخاب

۱- جلد دوم ، گزارش کار . ص ۱۱۳۷

۲- جلد دوم ، گزارش کار ، ص ۱۱۳۸

۳- ایضا ص ۱۱۳۹

متن از میان نسخه بدلهای متفاوت خارج از موضوع و گنجایش کتاب حاضر است. در آغاز گفتار پنجم اشاره شد که پس از انتشار چاپ اول و چاپ دوم این دیوان مقاله‌هایی در تقریظ و همچنین انتقاد از پاره‌ئی کلمات و عبارات متن منتخب آن منتشر گردید. آنچه در این بررسی مطمح نظر است تنها چگونگی تطابق طرح و اجرای ضوابط است.

از آنجا که متن منتخب غزلها در چاپ دکترخانلری يك چاپ مستندشمرده میشود و نه يك چاپ آزاد، ازینرو نحوه اجرای ضوابطی که ذکر شد بطور اجمال مورد بررسی قرار میگیرد.

موارد تصحیح قیاسی

بطوریکه در ضمن شرح ضوابط انتخاب کلمات و عبارات اشاره شد مصحح در گزارش کار خود مینویسد که:

« در سراسر آثار خواجه شیراز ابدآ يك کلمه نیاورده‌ایم که مبتنی و متکی بر یکی از نسخه‌های اساس کار ما نباشد. یعنی هیچگاه کلمه‌ئی از خود نیفزوده و نکاسته‌ایم و کلمه‌ئی یا عبارتی را به حکم ذوق و سلیقه شخصی تغییر نداده یا در آن تصرفی روا نداشته‌ایم. و اگر در چند مورد اظهار نظری کرده‌ایم در حاشیه متن اشعار بوده و بدان تصریح شده است. » (ص ۱۱۳۷)

منظور از این چند مورد اظهار نظر همان تصحیح قیاسی است. با آنکه مصحح در نظر داشته است این موارد تصحیح قیاسی در حاشیه (صفحه مربوط به نسخه بدلهای و یا ضمن توضیحاتی زیر عنوان بعضی از لغات و تعبیرات) درج شود و وارد متن نگردد، مع هذا

چند پیشنهاد تصحیح قیاسی وارد متن گردیده است :

۱- غزل ۲۰/۱ - « گل خمري » - در متن غزل « گل خمري » چاپ شده است با قيد نسخه بدل از پنج نسخه (از مجموع ۸ منبع این غزل) بصورت « گل حمرا ». این اطلاع که ضبط سه نسخه دیگر (ج ه ط) « گل خمري » است و « گل خمري » يك تصحيح قیاسی میباشد، که وارد متن شده است؛ در قسمت اختلاف نسخه‌ها تصریح نشده است.

۲- در غزل ۲۵ متن مصرع دوم بیت دوم چنین است: وقت رندی و طرب کردن رندان برجاست ». در بخش ویژه اختلاف نسخه‌ها قيد شده است که متن تصحیح قیاسی است.

۳- در چاپ اول بیت ۵ از غزل ۶۸ چنین درج شده است : میدهد هر کسش افسونی و معلوم نشد ... ضمن تصحیحات جلد اول قيد شده است که « همه نسخه‌ها « میدهد » دارد اما ظاهراً « میدمد » درست است ... ». این تصحیح قیاسی در چاپ دوم در متن غزل وارد شده است.^۱

۴- در غزل ۳۷۲/۲ « عبوس زهد به وجه خمار بنشیند » در متن قيد شده است و در صفحه نسخه بدلها این توضیح آمده است که همه نسخه‌ها « بنشیند » است و « بنشیند » در این بیت تصحیح قیاسی است. این تصحیح هم وارد متن غزل شده است.

۱- یادآوری میشود که ضبط نسخه خطی بادلیان (مکتوب به سال ۱۴۳) و نسخه مورخ ۸۹۳ (م ، فرزاد) در این بیت « میدمد » است.

بررسی صفحه ویژه نسخه بدلها

در صفحه ویژه نسخه بدلها (صفحات دست چاپ دیوان) سه آگاهی در اختیار پژوهندگان قرار میگیرد:

(الف) نشانه‌ها - منظور حروفی است که هر کدام نماینده یکی از چهارده نسخه میباشد (الف ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن). قید این نشانه‌ها در بالای هر صفحه نمایانگر آن است که هر غزل در کدام منابع کتابت شده است.

(ب) ترتیب ابیات - که مشخص میگردد ابیات متن مطابق با کدام نسخه یا نسخه‌هاست و ابیات در دیگر نسخه‌ها در مقایسه با ترتیب متن چه وضعی دارند. همچنین ابیاتی که در بعضی از نسخه‌ها اضافه بر متن نوشته شده است در این قسمت درج میشود.

(ج) اختلاف نسخه‌ها - در این بخش معلوم میشود که دیگرسانها (نسخه بدلها) از چه قرار است.

نقائصی در قید نشانه‌ها

در فهرست نشانه‌هایی که برای غزلها قید شده بعضی از نشانه‌ها از قلم افتاده است. در چاپ دوم این نقائص اصلاح نگردیده و چند نقص و اشتباه دیگر افزوده شده است. این اشتباهها (اگرچه در ردیف غلطهای چاپی تلقی میشود) عملاً موجب نارسائی نتایج بررسیهای مربوط به کشف پشتوانه متن میگردد.

نقائصی در ترتیب ابیات

بدون بحث در باره لزوم کارآئی روشی که باید برای ارائه

ترتیب ابیات غزل‌های مندرج در نسخه‌های مختلف به کار رود، همینقدر اشاره میشود که در تعدادی از صفحات اشتباهاتی در این قسمت رخ داده است: برای خودداری از اطالة کلام تنها به ذکر یک مورد اکتفا میشود:

- در غزل ۱۱۹ نوشته شده است که با ترتیب متن نسخه ۵ بیت ۴ را ندارد. بدنبال آن مجدداً قید شده است که « ترتیب نسخه ۵ چنین است: ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ (بیت‌های ۴، ۷، ۸ را ندارد) » با این توضیح بیت ۷، هم جزو ابیات موجود در آن نسخه قلمداد شده و هم جزو ابیاتی که ندارد.

این قبیل اشتباه‌ها که تعداد آنها کم نیست در چاپ دوم اصلاح نشده است.

تکالی مربوط به قسمت اختلاف نسخه‌ها

همچنانکه خود مصحح نیز در گزارش کار تصریح کرده است متن غزل‌ها، سوای صفحه مقابل، برای استفاده آن دسته از خوانندگان شعر حافظ کافی میباشد که تنها میخواهند از سخن ژرف و شیرین شاعر بهره‌ور شوند و در بند آن نیستند که ذهن خود را در پیچ و خم اختلاف نسخه بدل‌ها درگیر سازند. ولی برای کسانی که با دید انتقادی و ذهن کنج‌کاو در راه جستجوی گفتار اصیل و صحیح حافظ به پژوهش میپردازند صفحه ویژه نسخه بدل‌ها ارزش و اهمیت زیادی دارد. توضیحات مندرج در قسمت اختلاف نسخه‌ها برای همه حافظ‌پژوهانی

که عکس نسخه‌های خطی را در اختیار ندارند هنگامی با ارزش است که بتوانند با اعتماد به دقت و صحت به آن استناد کنند. ازینرو به تذکر بعضی از نکاتی که میتواند در رفع نقائص مؤثر باشد مبادرت میشود:

پاره‌لی اشتباهها در نقل نسخه بدلها

- ۱- معرفی نسخه بدلی که وجود ندارد - بطورمثال در غزل ۹ ضمن توضیح ترتیب ابیات ذکر شده است که دو نسخه ط ک بیت ۹ را ندارند. ولی در اختلاف نسخه‌ها در بیت ۹ نوشته شده است: « ط ک ل : وقت آنست ». در غزل ۵۱/۶ برای منبع ه نسخه بدلی درج شده اما این نسخه بیت ۶ را ندارد و از این قبیل...
- ۲- معرفی دو نسخه بدل متفاوت برای يك نسخه - مانند غزل ۲۴ بیت ۵ که برای نسخه و، هم نسخه بدل « گشت ازان » و هم نسخه بدل « کشت و روان » منسوب گشته است. در غزل ۲۶/۱۰ دو نسخه بدل « سینه حافظ هنوز » و « سینه حافظ ز ذوق » به نسخه ک نسبت داده شده است و موارد متعدد دیگر از این قبیل...
- ۳- از قلم افتادن بعضی از نسخه بدلها (غیر از موارد اختلاف املا یا سهواً القلمهای ساده) - بطورمثال در غزل شماره ۱ بیت ۴ در برابر قرائت متن « منزل جانان » ضبط نسخه خطی ک « مجلس جانان » است، ولی در قسمت اختلاف نسخه‌ها نشانه ک همراه ح م قید نشده است. در بیت ۵ همین غزل نسخه بدل « چنین هالک » و در بیت ۷ نسخه بدل « امهالها » در مورد همین نسخه ک از قلم افتاده است. در غزل ۵ بیت ۱۰ ضبط نسخه ب « در عشق کوش و مستی »

میباشد ولی قید نشانه ب در کنار نشانه الف برای این نسخه بدل فراموش شده است. و بسیاری دیگر از این قبیل تا آخر دیوان...
 ۴- ذکر نسخه بدلی مغایر با ضبط واقعی - بطور مثال در غزل ۳۷/۸ ضبط اصلی نسخه خطی ه «پند من مبر از یاد» است ولی در قسمت اختلاف نسخه ها «ه: ببر از یاد» چاپ شده است. در غزل ۱۶۴/۳ نشانه د و نسخه ب ی برای نسخه بدل «چه کار افتاد» قید شده است، ولی ضبط اصلی این دو نسخه خطی «چه حال افتاده» است. و بسیاری دیگر...

۵- تکرار عین قرائت متن بعنوان نسخه بدل - مثلا در غزل ۱۲۶/۵ متن «باد آن نسیم» است و در صفحه مقابل در قسمت اختلاف نسخه ها نیز چنین چاپ شده است: «ز ح ی ل: باد آن نسیم». و موارد بسیاری از این قبیل...

۶- از قلم افتادن نشانه نسخه - که در نتیجه معلوم نمی شود نسخه بدل مربوط به کدام نسخه یا نسخه هاست. بطور مثال در غزل ۱۴/۲: «* روز ساغر» و در غزل ۶۳/۲: «* بلبل طبعم ز عشق»، و از این قبیل...

درج مصرعی بعنوان نسخه بدل مصرع دیگر

مصحح در گزارش کار مینویسد:

«در بعضی از نسخه ها يك مصراع با مصراهای ابیات دیگر پس و پیش شده است. بنابراین هرگاه در نسخه بدلی مصراع مکرری دیده شود علت آن همین است، چنانکه خواننده دقیق خود پی خواهد برد.» (ص ۱۱۴۳ جلد دوم)

با این توضیح هر مصرعی که کاتبی آن را در نسخه خود در جای

صحیح ننوشته، در این چاپ نسخه بدلی برای مصرع دیگر منظور گردیده است، و عبارات آن در غیر موضع خود، و بصورتی بیگانه در کنار کلمات و عبارات مصرع دیگر، قرار گرفته است.

بدیهی ست منظور از قید نسخه بدلها در کنار هم این است که معلوم شود در برابر قرائتی که برای متن انتخاب شده است ضبطهای متفاوت نسخه های دیگر از چه قرار است. و تعداد نسخه بدلها و شمار پشتوانه متن قابل کنترل باشد. مصرعها هم حکم ابیات را دارند. هر بیتی از متن امکان دارد در نسخه های مختلف در سطور متفاوتی نوشته شده باشد، اما در هر حال کلمات و عبارات محتوای هر بیت متن با کلمات و عبارات همان بیت در نسخه های دیگر سنجیده میشود.

البته مواردی در غزلهای حافظ هست که يك مصرع کامل نسخه بدل يك مصرع دیگر است مانند «محتسب شیخ شد و فسق خود از یاد برد» و «خرقه پوشان دگر مست گذشتند و گذشت». اما همچنانکه پس و پیش شدن دو مصرع فرضاً در بیت:

سخن شناس نئی جان من خطا اینجاست

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست

مصرعی را نسخه بدل مصرع دیگر نمی سازد، جابجائی دو مصرع «بین تفاوت ره کز کجاست تا به کجا» و «سماع و عظم کجا نغمه ریاب کجا» در دو بیت نیز همین حال را دارد.

بیتی نسخه بدل بیت دیگر

گاهی يك بیت کامل و مستقل که آزمایشی مکرر از يك مضمون

و یا انشاد متفاوتی در يك قافیه مشترك است، بجای آنکه در ردیف ابیات اضافی در قسمت ترتیب ابیات منظور شود، بصورت يك نسخه بدل برای يك بیت کامل عرضه شده است. ممکن است چنین فرض شود که در معنای وسیع این اصطلاح، يك بیت کامل هم میتواند نسخه بدل بیت دیگری تلقی گردد. ولی روش اقدام در همه موارد یکسان نمی باشد. بطور مثال در غزل شماره ۹۲ علاوه بر بیت ۶ متن که چنین است:

صد جوی آب بسته ام از دیده در کنار

بر بوی تخم مهر که در دل بکارمت

بیت دیگری نیز با همین قافیه به نقل از نسخه ل در قسمت ترتیب ابیات منظور گردیده است. در همان حال در قسمت اختلاف نسخه ها همان بیت مندرج در ل، به نقل از نسخه ز بعنوان نسخه بدل بیت متن قلمداد شده است. این بیت که در دو نقش متفاوت و در دو مکان در صفحه ۲۰۱ (چاپ دوم) به نقل از دو نسخه ز ل عرضه شده چنین است:

میگیریم و مرادم ازین اشک سیل بار تخم محبت است که در دل بکارمت

دشواری کشف پشتوانه متن

خواننده ای که ذوق پژوهشی هم داشته باشد، با توجه به اختلافهایی که بین منابع در ضبط کلمات و عبارات وجود دارد، مایل است بداند که آنچه در متن مصحح آمده است مستند به ضبط کدام نسخه یا نسخه ها است. جواب این پرسش با يك نگاه ساده به صفحه ویژه اختلاف نسخه ها معلوم نمی شود، و کشف پشتوانه کلمات متن مستلزم مقداری کوشش و جمع و تفریق میان داده های مندرج در این

صفحه میباشد.

امکان دارد بعضی از خوانندگان چنین تصور کنند که در مورد هر قرائتی در یک غزل اگر تعداد منابعی را که برای آنها نسخه بدلی در قسمت اختلاف نسخه‌ها قید شده است از جمع شمار منابع آن غزل (که نشانه‌های آنها بالای صفحه دیده میشود) کسر کنیم باقیمانده شمار منابع پشتوانه قرائت متن را به دست میدهد. این فرمول همیشه صادق نیست. زیرا در بیشتر غزلها بعضی از ابیات در همه منابع آن غزل نوشته نشده است. در بررسی مربوط به هر بیت قبلا باید تعداد نسخه‌هایی که آن بیت معین را ندارند از نشانه‌های مجموع منابع آن غزل کسر شود.

بطور مثال غزل شماره ۵ در چاپ اول از ده منبع نقل شده است. در بیت نهم برای شش نسخه عبارت «آن تلخوش» در قسمت اختلاف نسخه‌ها دیده میشود. از یادداشت مصحح در صفحه ۹۹۹ چاپ اول چنین برمی آید که تصور شده است که ضبط (۶ منهای ۱۰) یعنی چهار منبع دیگر «بنت العنب» است. پس از آنکه در چاپ دوم يك منبع دیگر (نسخه ن) بر منابع دهگانه این غزل افزوده شده است، ممکن است چنین استنتاج گردد که در پنج نسخه «بنت العنب» کتابت شده است. ولی قبلا باید ملاحظه کنیم که در برابر نسخه ح نوشته شده است که این نسخه بیت ۹ را ندارد. ضمناً به این نکته هم باید توجه شود که در چاپ دوم توضیح مربوط به ترتیب ابیات نسخه ن از قلم افتاده است، و باید در صفحه ۹۷۵ چاپ اول (مقابله نسخه ن) پیدا کنیم که نسخه ن بیت‌های ۵ و ۶ و ۹ را ندارند. با این مقدمات باید

قبلا عدد ۲ را (از بابت نبودن بیت ۹ در دو نسخه ح ن) از تعداد نشانه‌های مندرج در بالای صفحه کسر کنیم.

- در غزل ۲۲۷/۷ متن «تاوقت آن برآید» چاپ شده است. این غزل در ۱۱ منبع وجود دارد. بامراجعه به قسمت اختلاف نسخه‌ها، که برای ۵ منبع نسخه بدل «تاوقت آن درآید» قید گردیده، نباید فوری نتیجه گرفت که متن، مستند به ۶ منبع دیگر است. بلکه نخست لازم است نشانه شش منبع (ب ج ح ط ی ن)، که بیت ۷ را ندارند، از جمع نشانه‌های یازدهگانه کسر شود؛ نامعلوم گردد که این بیت تنها در پنج منبع کتابت شده است. و هر پنج منبع «تاوقت آن در آید» ضبط کرده‌اند. در نتیجه قرائت متن (تاوقت آن برآید)، که اتفاقاً متضمن تکرار قافیه با بیت اول نیز هست، متکی بر هیچیک از منابع مصحح نمی‌باشد.

- در غزل ۲۵۷/۵ متن «اگرچه مست خرابی» چاپ شده است. از چهار منبع این غزل يك منبع بیت ۵ را ندارد و برای سه منبع دیگر در قسمت اختلاف نسخه‌ها قرائت‌های متفاوتی قید گردیده است. بدین ترتیب متن منتخب بدون پشتوانه میماند.

- در غزل ۱۷۴ مصرع دوم بیت ۸ در متن منتخب چنین است: «که قدر گوهر یکدانه گوهری داند». این غزل در ۱۲ نسخه کتابت شده است. اینکه در ترتیب ابیات ذکر گردیده است که متن مطابق است با نسخه‌های (الف ب د) درست نیست. زیرا این سه نسخه بیت‌های ۸ و ۹ را ندارند. ضمناً بیت ۸ در دو نسخه ج ی نیز کتابت نشده است. باقی میماند هفت نسخه که بیت ۸ را دارند و در هر هفت

نسخه «جوهری داند» نوشته شده است. بدینترتیب معلوم نیست «جوهری داند» باستناد کدام منبع در متن آمده است.

- در متن غزل ۴۰۳/۹ عبارت «از سرفخر و افتخار» چاپ شده است. از هشت منبع مورد استفاده شش نسخه بیت نهم را ندارند و برای نسخه ه ضبط متفاوتی در صفحه نسخه بدلهای درج شده است. در نتیجه تنها میماند نسخه ل که باید قرائت متن را تأیید کند. ولی چاپ قزوینی (نسخه ل) در این بیت «از سرفخر و افتخار» است.

- در غزل ۲۲۴ مصرع دوم بیت ۱۱ چنین است: «مگر نسیم مروت درین چمن نوزید». برای اینکه مشخص شود عبارت «درین چمن نوزید» مستند به کدام نسخه یا نسخ است، این عملیات باید انجام گیرد: نخست نشانه‌های منابع را که در بالای صفحه نوشته شده است می‌شماریم و عدد ۹ را کنار آن قید میکنیم. سپس با توجه به اطلاعاتی که در مورد ترتیب ابیات مندرج است معلوم میشود که پنج نسخه بیت ۱۱ را ندارند. نشانه‌های این ۵ نسخه را از ردیف ۹ منبع حذف میکنیم باقی میماند ۴ نسخه (ب ز ح ی). حالا ضبطهای متفاوت را نگاه میکنیم: ح= دران هوا نوزید. ز ی= درین هوا نوزید. در نتیجه تنها میماند نسخه ب که انتظار میرود ضبط متن را تأیید کند. برای اطمینان خاطر به عکس نسخه ب (نسخه معروف ایاصوفیه) مراجعه میشود. این غزل در ردیف ۱۵۵ در آن نسخه کتابت شده است و آنجا هم «درین هوا نوزید» است. برآیند همه این عملیات این است که ضبط متن «درین چمن نوزید» به هیچیک از منابع مورد استفاده

مصحح متکی نمی باشد^۱

این مثالها در عین حال که ناظر بردشواری کشف پشتوانه متن بود به این نکته نیز دلالت میکند که دستنویس اولیه مربوط به مقابله ضبط منابع کامل و دقیق تنظیم نشده است.

اجرای يك برنامه بررسی دقیق بر اساس عملیات فوق در مورد متن منتخب همه غزلها وقت و دقت و صبر و حوصله فراوان لازم دارد. و در هر حال کاری ست بایسته و سودمند. شاید هم صلاح و آسانتر آن باشد که تمام اقدامات مربوط به درج اختلاف ضبط نسخه ها و انتخاب متن از نو انجام یابد.

موارد استناد به ضبط اقدم نسخ

در ضابطه دوم روش تصحیح که پیشتر ذکر گردید بیان شده است که در میان گونه های مختلف کلمات و عبارات رجحان یکی بر دیگری تنها به اعتبار تاریخ کتابت وجهی ندارد. اما ضابطه سوم ، که باید آن را بمنزله تبصره ئی بر ضابطه دوم تلقی کرد، مشعر بر آن است که در انتخاب میان دو وجه مختلف در نسخه های اساس و قتیکه دلیل قاطعی برای رجحان هیچیک نتوان اقامه کرد به نسخه های قدیمتر اعتماد میشود .

در گزارش کار مصحح در این باب مثالی ذکر شده است و آن انتخاب میان دو کلمه «زلف» یا «جعد» در بیت زیر است که هر دو

۱- در بررسیهایی از این قبیل شانزده مورد مشاهده شد که قرائتهای منتخب در این چاپ به هیچیک از منابع چهاردهگانه مستند نمی باشد . ذکر همه آن موارد در اینجا ضرورتی ندارد.

کلمه درست و مطابق شیوه شاعر است :

به بوی نافه‌ئی کاخر صبا زان طره بگشاید

زتاب زلف مشکینش چه خون افتاد در دلها

در بررسی اجمالی متن غزلها موارد دیگری که از این ضابطه

یا از این تبصره استفاده شده باشد خیلی شاخص نبود مگر در یک مورد خاص :

غزل ۴۰۷ در پنج منبع نوشته شده است. سه منبع بیت ششم را

ندارند. باقی میماند تنها دو منبع ط (مورخ ۸۲۲) و ل (مورخ

۸۲۷) که مصرع اول بیت ششم در آن دو نسخه به این ترتیب درج گردیده است : ط : هان برد راست قصه ارباب معرفت .

ل : جان پرور است قصه ارباب معرفت .

در یادداشتهای مصحح در جلد دوم زیر عنوان «بعضی از لغات و

تعبیرات» توضیحی درباره عبارت «هان برد» که برای متن انتخاب

گردیده است دیده نشد. در آن مقدار از نسخه‌های خطی قرن نهم نیز

که بررسی شد در هر نسخه‌ئی که این بیت را دارد (بجز نسخه ط) «جان پرور» کتابت شده است.

روش برخورد با ضبط اکثریت نسخ

مصحح در توضیحات مربوط به روش کار، حکم اکثریت نسخ

را در مورد ترتیب ابیات معتبر شمرده است. اما این مطلب تصریح

نشده است که در انتخاب کلمات و عبارات در چه موارد وجه شریابی

ممکن است از رأی اکثریت نسخ عدول کرد.

مروری در مستندات متن ۴۸۶ غزل نشان میدهد که مصحح

در انتخاب کلمات ذهن خود را در تنگنای پیروی محض و یکنواخت از ضبط اکثریت نسخ قرار نداده و با اتکا به بررسی انتقادی و تشخیص و داوری خود وجهی را (ولو متکی بر ضبط منحصر در یک نسخه هم باشد) برای متن اختیار کرده است.

اما چند مورد استثنائی هم هست که مصحح با وجود تذکر برتری و یا معروفیت قرائتی معین، از انتخاب آن صرف نظر کرده و خود را مقید دانسته است که گونه‌ئی دیگر را بخاطر پیروی از ملاک ضبط اکثریت نسخه‌ها برگزیند:

- در غزل شماره ۵ در برابر دو قرائت «ترکان پارسی گو» و «خوبان پارسی گو» مصحح قرائت «خوبان پارسی گو» را انتخاب کرده و در صفحه ۱۱۶۷ یادداشتها مینویسد:

«در این بیت عبارت معروف در بعضی از نسخه‌های خطی «ترکان پارسی گوی» است اما در ده نسخه معتبر که منبع کار ما بوده است عبارت «خوبان پارسی گو» آمده...»^۱

- در غزل ۲۰۰/۷ در مورد دو قرائت «کله بر بستی» و «کمر بر بستی» در صفحه ۱۲۱۷ یادداشتها نوشته شده است:

۱- مصحح در این غزل (شماره ۵) در انتخاب عبارت «خوبان پارسی گو» برای متن ملاک ضبط اکثریت نسخ را در نظر گرفته ولی در برابر قرائت «آن تلخوش که صوفی» بر اساس داوری ذوق خود نسخه بدل «بنت العنب که زاهد» را، که ظاهراً تنها در سه نسخه نوشته شده است، برای متن برگزیده است. به عنوان مثالی در یک غزل که قرائتی موافق ملاک خواجه (ضبط اکثریت نسخ) و قرائت دیگر ناگزیر بر اساس ملاک ذهنی و انتقادی انتخاب میشود، شاید قرائت «آن تلخوش که صوفی» بر اساس ضبط اکثریت نسخ، و عبارت «ترکان پارسی گو» بر اساس شیوه بهان و اندیشه شاعر مناسبتر باشد.

«همه نسخه‌ها جز قزوینی کله برستی است... اما «کله برستی» را یقین ندارم که درست باشد...»

در این بیت هم قرائتی که در درستی آن اظهار تردید شده است بخاطر پیروی از ضبط اکثریت نسخ در متن آمده است. در حالیکه موارد متعددی در این دیوان هست که ضبط منحصر در چاپ قزوینی برای متن انتخاب شده است.

نتیجه‌گیری

دیوان حافظ به تصحیح دکتر خانلری با توجه به ملاکهای تدوین یک چاپ مستند انتقادی تهیه و تنظیم شده است. نظر و توجه نویسندگانی که از بدو انتشار این چاپ مقاله‌هایی مبنی بر تقریظ و انتقاد از آن منتشر ساخته‌اند در درجه اول معطوف به بررسی روایی انتخاب قرائت متن غزلها در مقایسه با چاپهای دیگر بوده است.^۱ همگام با اظهار نظرهای مندرج در مقالات مزبور، مبنی بر انتخاب بعضی قرائتهای برتر در متن غزلها، تجدید نظرهای خود مصحح نیز در این مسیر سهم موثری داشته است، چنانکه در پایان چاپ اول ضمن تصحیحات ۳۰ فقره تغییر و اصلاح در متن چاپ اول پیشنهاد شده بود که از این تعداد ۲۱ ردیف در چاپ دوم وارد متن گردیده است. علاوه بر آن لااقل در ۳۰ عبارت دیگر، متن چاپ دوم نسبت به چاپ اول مورد تجدید نظر قرار گرفته است.

در جلد دوم از چاپ دوم زیر عنوان «بعضی از لغات و تعبیرات» مصحح در توجیه برخی از اصلاحات و پیشنهادهای خود و از جمله

۱- عنوان بعضی از این مقاله‌ها در صفحات ۹۲ و ۹۴ ذکر شد.

تصحیح‌های قیاسی توضیحاتی افزوده است. پرسشهایی که ضمن «بعضی از لغات و تعبیرات» درمورد انتخاب قرائتی در برابر قرائت دیگر مطرح شده است نمایانگر ذهن پویای مصحح می‌باشد. ضمناً مؤید آن است که در راه وصول به متن صحیح غزل‌های حافظ هنوز باید مراحلی با تأمل و تفحص پیموده شود.

این جنبه از کوشش‌ها که مرتبط بر انتخاب کلمات و عبارات در متن غزل‌ها می‌باشد، و اصولاً بحث دربارهٔ برتر بودن یا نبودن قرائتهایی در مقایسه با چاپ‌های دیگر، از مجال بررسی در کتاب حاضر خارج است. ازینرو آنچه در صفحات پیشین مورد بررسی قرار گرفت به چگونگی تطابق طرح با اجرا و نحوهٔ اقدام در برابر ملاک‌ها و ضوابط تدوین غزل‌ها اختصاص داشت.

از آنجا که بررسی ۴۸۶ غزل مندرج در جلد اول این دیوان، بصورتی مجزا و مستقل و گسیخته از یادداشت‌های صفحهٔ مقابل، در حکم مطالعهٔ یک چاپ آزاد درمی‌آید؛ و تحقق شرایط چاپ مستند به چگونگی پیوند متن با معلومات مندرج در صفحهٔ ویژهٔ نسخه بدل‌ها بستگی دارد؛ به همین منوال تضمین معتبر بودن متن در گرو صحت اطلاعات مستخرج از مقابلهٔ نسخه‌های خطی است که در صفحهٔ ویژهٔ نسخه بدل‌ها منعکس میشود.

به قراری که در مقدمهٔ چاپ اول یادآوری شده، امر مقابلهٔ نسخه‌های عکسی و پاک‌نویس متن بوسیلهٔ کارمندان فرهنگستان ادب و هنر انجام گرفته است، و مصحح با اعتماد به دقت و موشکافی متصدیان مزبور ظاهراً اقدام به مقابلهٔ ضبط نسخه‌های خطی را با متن منتخب

و قسمت نسخه بدلها ضروری ندانسته است. در گزارش کارمندرج در جلد دوم نوشته شده است که « متن وحاشیه مورد تجدید نظر واقع شده و تصحیحاتی که لازم به نظر آمد در آن انجام گرفت . . . » (ص ۱۱۴۳)

ضمن مروری در این صفحات ویژه معلوم گردید که در قسمت ارائه نسخه بدلها اکثر نقائص و اشتباهاتی که در چاپ اول حادث شده بود در چاپ دوم باقی مانده و در اثر تجدید نظر و تغییراتی که در متن غزلها به عمل آمده رشته هماهنگی میان متن غزلها و صفحه ویژه نسخه بدلها در بعضی از صفحات گسیخته شده است.

میزان اشتباهها، که در صفحات پیش به انواع آنها اشاره شد، در حدی است که بسیاری از بررسیهای پژوهشی را از بابت کشف پشتوانه قرائتهای متن و یا اطلاع از ضبط اصلی نسخه های خطی نااستوار میسازد. اختلالهای موجود در یادداشتهای اولیه رونویسی و مقابله نسخه های خطی ظاهراً در اظهار نظر و تصمیم گیری مربوط به انتخاب متن نیز دخالت و تأثیر داشته است. يك مثال برای توضیح این مطلب در اینجا ذکر میشود .

- بیت تخلص غزل ۱۶۶ در هر دو چاپ چنین است :

هزار حيله برانگيخت حافظ از سر مكر

در آن هوس كه شود آن نگار رام و نشد

در برابر قرائت « از سر مكر » ، که برای متن انتخاب شده است ، در صفحه مقابل در قسمت اختلاف نسخه ها در چاپ اول نوشته شده است : « ی : از سر فكر » . با توجه به نشانه های مندرج در بالای

صفحه مشخص میگردد که این غزل متکی بر ۹ منبع است و بیت تخلص در هر ۹ منبع کتابت شده است. از قید نسخه بدل تنها در يك منبع چنین برمی آید که در هشت منبع دیگر باید «از سرمکر» نوشته شده باشد. در ضمن تصحیحات چاپ اول قید گردیده است: «ی ل: از سر فکر (شاید)». با این اصلاح هنوز این تصور باقی میماند که لا بد ۷ نسخه دیگر «از سر مکر» است. بدین ترتیب در چاپ دوم نیز «از سر مکر» در متن نگهداری شده است. ولی ضمن یادداشتها مصحح تردید خود را از بابت این انتخاب چنین ابراز میدارد: «... نسخه بدل «از سر فکر» است نمی دانم کدام اصیلتر و زیباتر است.»^۱

اگر ضمن یادداشتهای اولیه مقابله نسخه ها در نقل ضبط واقعی نسخه های عکسی و خطی دقت شده بود، معلوم میگشت که حداقل در ۷ نسخه از ۹ نسخه (ب ه ز ط ی ک ل) «از سر فکر» کتابت شده است. و اگر احیاناً ضبط دو نسخه (ح م) هم «از سر فکر» باشد^۲ در این صورت با این حقیقت روبرو میشویم که در برابر یکسان بودن تحریر همه منابع، یا حداقل ضبط اکثریت قاطع آنها، که «از سر فکر» میباشد مصحح میتواند در پرتو اطلاعات دقیقتر و کاملتری، در مورد انتخاب قرائت متن تصمیم مقتضی بگیرد. و نسخه بدلها نیز ناقص معرفی نمی گردید.

باشد که در چاپهای آینده همه این اشکالها برطرف شود.

۱- جلد دوم، ص ۱۱۵۴.

۲- هنگام نوشتن این گزارش نویسنده این سطور به اصل یا عکس دو نسخه خطی ح م دسترسی نداشت.

گفتار ششم

از سخن حافظ تا ضبط نسخه‌های خطی

و از ضبط نسخه‌های خطی تا نمونه‌های چاپی

شاعری به نام حافظ يك روز مانند روزهای دیگر به مناسبتی و برپایه اندیشه و احساسی غزلی ساخت و چون اشعار خود را در دفتری نمی‌نگاشت، مسوده این غزل را هم بر روی اوراق غزل‌های دیگر نهاد. اما این غزل هم بسان غزل‌های دیگر او، بقول نویسنده مقدمه جامع دیوان (محمد گلندام)، در مجالس انس خواص و عوام راه یافت. و در ادنی مدتی به اقصای ترکستان و هندوستان رسید. شاید هر شعری که در ششصد سال پیش در مجالس انس خوانده میشد برای زمان خودش چون سخنی نو بود حلاوتی دیگر داشت. اما غزل‌های حافظ همراه کاروان نسلهائی که یکی بعد از دیگری مشعل حیات را به دست گرفتند، ششصد منزل سفر کرد ولی هیچگاه طراوت و حلاوت خود را از دست نداد و از رونق نیفتاد. غزل‌های حافظ چهار قرن از مسیر دستنویسها دست به دست گشت و در دو‌یست سال اخیر در چاپ‌های گوناگون عرضه شد.

هر غزل حافظ بر روی آن رقعۀ مسوده اصلی شامل ایاتی معین و حاوی کلمات و عباراتی مشخص بود. خود شاعر گاهی بسبب

مصلحتی و یا به قصد تهذیب در شعر خود حك و اصلاحی میکرد ، اما با گذشت زمان ، با هرروایتی از ذهن ، و با هرانتقالی ازدفتری به دفتر دیگر دیگر گونیهای در متن اصلی غزلها راه یافت .

دلایل ایجاد دیگرسانیه

میگویند هیچ کتاب فارسی نیست که به اندازه دیوان حافظ در معرض دگر گونیها و پیرایه ها قرار گرفته باشد . برای مشخصه دو علت شایان ذکر است : یکی آنکه هرایرانی با ذوق مقداری از اشعار حافظ را از بر داشته و چه بسا وقتی میخواست است متن غزلی را در اختیار دیگری بگذارد ، آن را از حفظ مینوشت . در نتیجه گاهی ابیاتی پس و پیش می افتاد و کلماتی دیگر در جای کلمات اصلی قرار میگرفت . علت دوم ، کثرت استنساخ از دیوان حافظ است . اختلاف در کلمات و عبارات که در نسخه های خطی ملاحظه میشود مشتمل بر دو حالت متمایز است ، و ازینجهت با دو عنوان متفاوت درباره آنها بحث میشود :

۱- نسخه بدلها ۲- اشتباههای دستنویسی

با قرائتی همراه با هر نسخه بدل میتوان معنی و مفاد سالمی از شعر دریافت کرد و خللی به وزن و قافیه شعر نیز وارد نمیشود . اما اشتباههای دستنویسی به آن دسته از اختلافها در ضبط متن اشعار اطلاق میشود که در آن حالت در متن شعر اختلالی در معنا ، یا در قافیه ، و یا در وزن شعر ایجاد میگردد . از قلم افتادن يك کلمه نیز ، که ممکن است بیش از يك اخلال از دید معنا و وزن و قافیه ایجاد کند در ردیف اشتباههای دستنویسی به شمار می آید .

میتوان فرض کرد که بسیاری از نسخه بدلها ناشی از غفلتهائی در کتابت بوده است. اما چون اظهار نظر قاطع درباره چگونگی وقوع غفلت و اشتباه در مورد هر يك دشوار است، برای رعایت جانب احتیاط تنها کتابتی را باید «اشتباه دستنویسی» قلمداد کرد که کاربرد آن در حکم يك نسخه بدل محتمل نباشد.

اگرچه واژه «دیگر سانی» در معنای وسیع کلمه «اشتباه دستنویسی» را هم دربرمیگیرد، اما اصطلاح «دیگر سانی» را ما اختصاصاً مترادف با «نسخه بدل» به کار میبریم. در بیان دلایل ایجاد دیگرسانیها (نسخه بدلها) نقش دو عامل که یکی خود شاعر و دیگری راویان و کاتبان نسخ میباشد، شایسته توجه است.

اصلاحات خود شاعر

مانند باغبانی که در باغچه‌ئی پراز گل در حال اصلاح بوته‌ها و شاخه‌های گل باشد حافظ نیز گاه که دلیل و موجهی پیش می‌آمده نسبت به تنقیح و تهذیب گفته‌های خود اقدام نمیکرده است. تغییرهائی که حافظ در متن غزلهای خود روا داشته تنها محدود به اصلاح کلمات و عبارات نبوده بلکه گاهی يك مصرع و یا يك بیت کامل را جایگزین مصرع و بیت دیگری ساخته است. اصلاحات حافظ را در مورد گفته‌های خود میتوان در سه جنبه متمایز ساخت:

۱- جنبه ادبی - تهذیب عبارات يك شعر با توجه به جنبه‌های ادبی و ویژگیهای شیوائی و زیبایی، کاریست که هر شاعری به آن علاقه مند است. حافظ در این باب تیزبینی خاصی داشته و هماهنگی

لفظ و معنا، کلام وی را به بالاترین حد ویژگی سبک او آراسته است. بسیار دشوار است که پژوهشگری بتواند همه این موارد تغییر کلمات و عبارات بوسیله خود شاعر را مشخص کند. در میان نسخه بدلها گاهی به دوضبط متفاوت در مصراعی برخورد می کنیم، که هر دوضبط واجد ویژگیهای بیان حافظ است، و تنها بابررسیهای دقیق انتقادی، در بعضی موارد میتوان حدس زد که کدام قرائت بدل قرائت دیگر است.

۲- دلایل اجتماعی - اوضاع نابسامان عصر زندگی حافظ، دگرگونیهای سیاسی و اجتماعی و از آنجمله رویدادهای ناگوار مانند یورش تیمور به شهرهای ایران موجب میشد که شاعر بعضی از گفتههای خود را تغییر دهد. در غزلهای حافظ موارد اینگونه دستکاریها زیاد نیست. يك مثال، تغییری است که شاعر در بیت تخلص غزل «سحر با باد میگفتم حدیث آرزو مندی...» داده است.

حافظ این غزل را هنگامی سروده که خبر خرابی خوارزم به دست لشکریان تیمور به شهر شیراز نیز رسیده بود. کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی (متوفی ۸۸۷) در کتاب مطلع السعدین در ذیل وقایع سنه ۸۷۱ مینویسد:

«... و چون بلده خوارزم موطن صناید عالم و مسکن نحابر بنی آدم بود آوازه خرابی اوچنان در اطراف جهان انتشار یافت که بلبل دستانرا مولانا حافظ در گلشن شیراز به این زمزمه آواز برآورد که بیت:

به خوابان دل مده حافظ بین آن بیوفائیها

که با خوارزمیان کردند ترکان سمرقندی...»

(مطلع السعدین و مجمع البحرین، نسخه خطی متعلق به کتابخانه مجلس، شماره ۵۸۴۸، صفحه ۲۵۵)

شاید پس از ورود امیر تیمور به فارس بود که حافظ بیت دیگری را بجای بیت تخلص قرار داد:^۱

به شعر حافظ شیراز میرقصند و مینازند

سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی

۳- تغییر موارد فردی و اختصاصی به جنبه‌های کلی - عنایت

به کلیت و شمول عبارات جزئی از ویژگی‌های جاودانی بودن غزل‌های حافظ است. طبیعی است که بعضی از غزل‌های او در اصل بر اثر احساسی خاص و برای موقعیتی معین سروده شده بود. ولی پس از آنکه تأثیر حادث آن موقعیت زایل میگشت و اجزائی از غزل رنگ اصلی خود را مییافت، خود شاعر اشاره‌های اختصاصی در بعضی از ابیات و مصرع‌ها را به جنبه‌های کلی و عمومی تغییر میداد. چند مثال از تبدیل يك گزارش خاص به بیانی کلیتر و جامعتر در اینجا ذکر میشود:

- در تعدادی از نسخه‌های خطی ضمن غزلی به ردیف «آورد»

چنین میخوانیم:

همی رویم به شیراز با عنایت بخت زهی رفیق که بختم به مهری آورد
گویا حافظ این غزل را در یکی از سفرهای خود هنگام بازگشت به شیراز سروده است. اما پس از گذشت سالها که از تأثیر احساس اولیه آن مسافرت کاسته شده بود این مصرع را به قالب مضمون کلیتری درآورده است:

نسیم زلف تو شد خضر را هم اندر عشق

زهی رفیق که بختم به مهری آورد

۱ - علامه قزوینی در حاشیه صفحه ۳۰۷ چاپ خود به دلیل این تغییر تخلص اشاره کرده است.

مشکل میتوان پنداشت که کاتبی بخواهد تغییری در این حد در گفته حافظ اعمال کند و به احتمال قریب به یقین هر دو مصرع گفته خود شاعر است. اما ازین بابت که کدام متن دیرتر سروده شده است، تبدیل يك توصیف موقعیت فردی و اتفاقی به تعبیری با شمول کلی بیشتر منطقی به نظر میرسد.

- در مقطع غزلی در بعضی از نسخه‌ها چنین نوشته شده است:
ای مه صاحبقران از بنده حافظ یاد کن
تا دعای دولت آن حسن روزافزون کنم

منظور حافظ از «مه صاحبقران» لابد شخص معینی بوده است. بجای «مه صاحبقران» در يك نسخه دیگر «مه نامهربان» نوشته شده است که با آن شیوه اندیشه حافظ که تبدیل موارد اختصاصی به جنبه‌های جامع‌تر و کلیتر باشد، هماهنگی دارد. ازینجهت میتوان فرض کرد که این تغییر نیز از جمله اصلاحات خود شاعر باشد.

- در اکثر نسخه‌های خطی میخوانیم:

بنده طالع خویشم که درین قحط وفا عشق آن لولی سرمست خریدار من است
با عبارت «آن لولی سرمست» لابد حافظ شخص معینی را در نظر داشته است. در مطلع غزل دیگری هم که میگوید:
دلم ربوده لولی وشی ست شور انگیز

دروغ وعده و قتال وضع و رنگ آمیز

احتمالا اوصاف همان فرد را بیان میکند. در یکی از نسخه‌های قرن نهم بیت مورد بحث چنین آمده است:

بنده طالع خویشم که درین قحط وفا غم دیرینه من یار وفادار من است

یا باید پذیرفت که کاتبی توانسته است گفتهٔ حافظ را در قالب اندیشه و شیوایی بیان خود شاعر دیگر گون سازد و یا خود حافظ مصرعی متضمن نکته‌ئی فردی و اختصاصی را به جنبه‌ئی کلیتر تغییر داده است.

موارد ایجاد نسخه بدلها بوسیله کاتبان

نسخه بدلها در نسخه های خطی دیوان حافظ بیش از هر علت دیگر به دو سبب زیر به وجود آمده است :

الف - اتکای کاتب به نیروی ذهنی خود-

شواهد زیادی در نسخه‌های خطی هست که حکم میکند بسیاری از کاتبان هنگام استنساخ غزلهای حافظ همهٔ کلمات و عبارات يك مصرع را در متن مورد استفادهٔ خود بدقت از زیر نظر نمی- گذرانند ، و بجای اینکه مرتباً در فواصل معین عبارات يك مصرع را در متن نگاه کنند ، معمولاً بانگاهی سریع به هیأت کلی يك مصرع یا تنها به کلمهٔ اول آن ، مطالب آن مصرع و گاهی تمام بیت را از حفظ مینوشتند.

ب - اصلاحات و تغییرات ذوقی-

۱- بعضی از کاتبان گاهی کلمه‌ئی را به ذوق خود، یا برای نزدیک ساختن به فهم عمومی یا اصطلاح معمول تغییر میدادند. بطور مثال در مصرع «خال شیرین که بران عارض گندمگون است» چون عبارت «خال مشکین» معمولتر و رایجتر است، بعضی از کاتبان در این مصرع «خال مشکین» نوشته‌اند. شاید هم بدون توجه به مفاد مصرع دوم، تصور شده است که چون حافظ به جناس و قرینه سازی

در شعر توجه داشته است لابد در کنار «گندمگون» که ذکرى از رنگى رفته است، در آغاز مصرع هم صفت «خال» معطوف به رنگ باشد بهتر و مناسبتر از صفتى معطوف به طعم است.

۲- نوع ديگر تغييرات در متن شعر در مواردى بوده است كه كاتب ميخواسته است مفاد شعر را با گرايشها و باورهاي خود هماهنگ سازد.

۳- تصحيح ذوقى در گفته حافظ همچنين هنگامي رخ ميداده است كه در نسخه اساس كلمه نى ناخوانا يا ساقط بوده و يا با سهو القلم واضحي در نسخه اساس برخورد حاصل ميشده است. در چنين حالى اگر كاتب نسخه ديگرى در دسترس نداشته تا كلمه اصلى را در آن نسخه بيايد؛ ناچار جاى آن كلمه افتاده را بر اساس حدس يا به ذوق خود تكميل ميكرده است.

۴- گاهى هم كلمه نى در متن شعر براى كاتب نا آشنا بود و او به ذوق خود آن را به كلمه نى كه مناسب ميپنداشته مبدل ميساخت. در دو نسخه خطى قرن نهم چنين ميخوانيم: «اهل نظر دو عالم در يك ندب بيازند». شايد هم گفته اصيل حافظ همين است و كاتبان نسخه هاي اوليه بعلى نا آشنائى با واژه «ندب» بجاي آن «نظر» نوشته اند.

در مصرع «به شكر خنده لب گفت مزادى طليم» در بعضى از نسخه ها «مزادى طليم» كتابت شده است و ظاهراً دليل آن مآنوس نبودن كلمه «مزاد». در ذهن كاتبان بوده است.

اشتباه‌های دستنویسی در نسخه‌های خطی

۱- اشتباه دستنویسی ناشی از کتابت ذهنی -

بعضی از اشتباهاتی که در کتابت رخ داده معلول اتکا به ذهن و حافظه بوده است. یکی دو نمونه بعنوان مثال در اینجا نقل می‌شود:

- در نسخه خطی مورخ ۸۲۷ در غزلی به ردیف «برفت» بیت چهارم چنین نوشته شده است:

عشوه دادند که بر ما گذری خواهی کرد

دیدنی آخر که چنان عشوه خریدیم و برفت
معلوم میشود کاتب این نسخه پس از تحریر کلمه «عشوه» برای تکمیل مصرع به متن مورد استفاده خود نگاه نکرده و با جا بجائی کلمه «عشوه» و «مژده» در ذهن خود، عبارتی را نوشته که مربوط به غزل دیگر است:

(مژده دادند که بر ما گذری خواهی کرد)

نیت خیر مگردان که مبارک فالی ست

و آنچه کاتب نسخه ۸۲۷ میبایست برای بیت چهارم غزل ردیف «برفت» مینوشت این است:

عشوه میداد که از کوی ارادت نروم

دیدنی آخر که چنان عشوه خریدیم و برفت^۱

- در غزل شماره ۲۶۳ و در بیت ششم چاپ اول دیوان حافظ به تصحیح دکتر جلالی نائینی و دکتر نذیر احمد در غزلی مربوط به حرف ك بجای مصرع «فریب دختر رز طرفه میزند ره عقل» چنین

۱ - شادروان قزوینی این اشتباه کاتب نسخه خ را در چاپ خود اصلاح

نکرده است.

چاپ شده است: « فریب دختر رز نور چشم ماست مگر... » کاتب بسبب اشتراك عبارت « دختر رز » یاد بیت دیگری افتاده که مربوط به غزلی در ردیف حرف ت میباشد.

موارد اشتباه کتابت ذهنی در نوشتن عبارات یا کلمات داخل يك مصرع فراوان است، و يك حالت مشخص که در بسیاری از نسخه‌های خطی مثالهای متعددی از آن وجود دارد تکرار اشتباهی يك کلمه در يك مصرع یا يك بیت است، مانند: « لطف او بین که به لطف از در ما باز آمد» بجای « لطف او بین که به صلح از در ما باز آمد ».

۲- اشتباه دستنویسی معلول خطای شنوائی-

از ملاحظه بعضی از اشتباههای دستنویسی در نسخه‌های خطی چنین معلوم میشود که گاهی کسی متن نسخه اساس را برای کاتب میخوانده و کاتب بدون رؤیت نوشته، آنچه را که میشنیده کتابت میکرد. از این راه نیز پاره‌ئی اشتباهها در نسخه‌های خطی راه یافته است. البته تعداد این قبیل اشتباهها زیاد نیست. در اینجا يك مثال که نمایانگر چنین خطای سمعی میباشد بطور نمونه نقل میشود. در يك نسخه خطی مصرعی چنین نوشته شده است: « که يك جو منت دونان به صد منظر نمی‌ارزد ». پیداست که برای کاتب نسخه عبارت « صد من زر » املا شده ولی او « صد منظر » تصور کرده است.

۳- اشتباه دستنویسی در اثر بد خوانی-

وقتی کاتبی نتواند نوشته متن مورد استفاده خود را درست

بخواند و به ضبط صحیح آن کلمه یا عبارت در نسخه دیگر دسترسی نداشته باشد، چه بسا آنچه مینویسد مبنی بر اشتباه است. نمونه‌های زیادی از چنین اشتباه‌های دستنویسی که حاصل بدخوانی یا ناخوانا بودن متن‌های مورد استنساخ است در غالب نسخه‌های خطی دیده میشود.

یکی از عواملی که برای بدخوانی راه باز میکند مسأله کاربرد نقطه در خط فارسی است. اکثر کاتبان خود را به گذاشتن نقطه‌های حروف در جای صحیح و معین، مقید نمی‌دانسته‌اند. ایجاد این شیوه دو سبب داشته است: سبب اول همان مسأله سرعت در کتابت است، سبب دوم بخاطر پیروی از یک رسم معمول بود که حتی در نوشته‌های یک قرن پیش هم نمونه‌های آن در دستنویس‌ها فراوان دیده میشود. توضیح آنکه هم خوشنویسان اعتنای خاصی به تکمیل نقطه‌ها نداشتند، و هم خواننده مهارت در قرائت چنین نوشته را در ردیف کمالات و فضایل خود به شمار می‌آورد.

۴- اشتباه‌های حاصل از بیدقتی و تعجیل در نوشتن -

کاتبان نسخه‌های خطی تا پیش از زمان معمول شدن چاپ امر تکثیر کتابها را برعهده داشتند و طبعاً راغب بودند کارشان در زمان کوتاه‌تری به پایان برسد. از انواع اشتباه‌های دستنویسی که ثابت میکنند کاتب نسخه تنها نیم نگاهی سرعت به نسخه اساس خود برگردانده، و دقت کافی در نقل مطالب به کار نبرده است؛ یکی این است که بجای کلمه صحیح در وسط يك مصرع، کلمه دیگری که در

همان محل ولی در مصرع بالا یا پائین وجود دارد نوشته شده و به همین سبب است که گاهی بجای کلمه یا عبارتی متعلق به قافیه يك بيت ، کلمه یا عبارت قافیه بيت دیگر تکرار گردیده است.

۵- معمول نبودن مقابله و دشواری اصلاح اشتباهها -

از ملاحظه نسخه های خطی پیداست که اصولاً در میان کاتبان امر مقابله معمول و مرسوم نبوده است. کمتر قرائتی وجود دارد که نشان بدهد کاتبی همه نوشته های خود را خوانده و اشتباه های خود را بنحوی اصلاح کرده است. در مواردی نادر دیده میشود کلمه افتاده بالای سطر یا در حاشیه نوشته شده و یا بعداً به خط فرد دیگری الحاق گردیده است .

ضمناً چون در يك متن دستنویسی پاك کردن یا تراشیدن اشتباهها به ظاهر تمیز و آراسته يك صفحه لطمه میزد و قلم خوردگی نیز بطور کلی معمول و جایز نبوده است ، ازینجهت کاتبان ترجیح میدادند که نه وقت اضافی برای مقابله و تصحیح مصروف کنند و نه به دست خود ظاهر نوشته را مخدوش سازند.

کاتبی که به تکمیل کار خود علاقه مند بود گاهی که يك بيت یا يك مصرع را با اشتباه از قلم می انداخت ، اگر بلافاصله متوجه این نقص میشد تنه اراه چاره این بود که آن بيت محذوف را در هر موقعیتی که میسر است اضافه کند. یا مصرع دوم محذوف از يك بيت را در برابر مصرع اول بيت دیگری (که آنهم با اشتباه حذف شده بود) کتابت نماید.

۶- کثرت استنساخ -

و بالاخره در کنار پنج عامل ایجاد اشتباههای دستنویسی به این مسأله نیز باید اشاره کرد که کثرت استنساخ از دیوان حافظ خود در افزونی اشتباهها مؤثر بوده است، زیرا در هر نوبت استنساخ از يك نسخه مقداری اشتباه جدید نیز بر سهوهای پیشین افزوده میشد. از نسخه‌های خطی تا متون چاپی

هر چاپ دیوان حافظ در حکم نسخه جدیدی است که در تاریخ انتشار بر تعداد نسخه‌های موجود افزوده میشود. منتها دوفرق اساسی میان نسخه‌های خطی و چاپهای آزاد وجود دارد: یکی آنکه هر نسخه خطی منحصر به فرد است، در صورتیکه هر چاپ در هزاران جلد تکثیر میشود. فرق دیگر آن است که در متون چاپی قدیم، متن غزلهای حافظ نسبت به متن نسخه‌های خطی کهن بیشتر در معرض دخل و تصرف و دستکاری قرار گرفته است.

اصولاً هر چاپ مستند، با این قصد و هدف انتشار می‌یابد که ضمن اصلاح نقائص و خطاهای دستنوشته‌ها، راهیابی بسوی سخن اصیل شاعر آسانتر و نزدیکتر شود. ازینرو بروز اشتباهها در متون چاپهای مستند طبعاً معارض هدف انتشار اینگونه چاپهاست. وجهی است که بخاطر پخش گسترده همین اشتباهها مآل نوس اذهان می‌گردد. پس از گذشتن چهل و هفت سال حتی در آخرین چاپی که به خطی زیبا از روی چاپ علامه قزوینی استنساخ شده است بطور مثال غلط چاپی «گفتم به باد میدهد هم باده نام و ننگ» عیناً در متن نگهداری شده و نسخه بدلای جدیدی مانند «آه کز چاله برون آمد و در دام افتاد» به انبوه عظیم نسخه بدلای افزوده شده است.

گفتار هفتم

ضوابط تدوین غزل‌های حافظ

ویژگی کاربرده غزل‌های حافظ

دیوان اشعار هریک از سخنسرایان بزرگ زبان فارسی‌سندی ارزشمند از میراث ادبی و فرهنگی ایران است. در این میان غزل‌های حافظ يك ویژگی استثنائی دارد. بی‌دلیل نیست که از همان زمان حیات شاعر تا امروز همگان از عارف و عامی، وضع و شریف به غزل‌های حافظ دل‌بستگی داشته‌اند.

هنگام خوشی و سرور غزل حافظ دل‌انگیز و روح‌افزاست. وقتی بارغمی در گوشه‌خاطر سنگینی میکند، غزل حافظ تسلی‌ده و امیدبخش است. در محفل انس و حلقه‌دوستان مجلس آراست؛ و در گوشه‌تنهایی و ناتوانی و بیقراری، غزل‌های حافظ رفیق و مونس دل‌های رمیده است.

يك جنبه‌بارز غزل‌های حافظ در مقایسه با دیوان هر شاعر دیگر ویژگی کاربرد آن است. ششصد سال است که غزل‌های حافظ بمنزله عنصری در ترکیب ادب و هنر و فرهنگ عمومی مردم ایران، و در مجامع فارسی‌زبان کشورهای دیگر، حضور و شرکت فعال داشته است. کاربرد غزل‌های حافظ و تمتع از آن مقید به گروهی

خاص و طبقه معینی از مردم نیست . مانند آب زلال یا هوای لطیف که هر فردی از آن بهره‌مند است ، غزل‌های حافظ هم به همان اندازه فراگیر بوده و هست . آنکه ذوق و قریحه کافی دارد در عمق لطایف و بدایع گفتار شاعر غوطه می‌خورد و آنکه حتی از اندک مایه سواد هم بی‌بهره است از گوش کردن به قرائت شعریا شنیدن نوای ترنم آن لذت میبرد .

دیوان حافظ در دو جلد

«دیوان» در لغت بمعنی مجموع آثار منظوم يك شاعر است . اگر از نوع مثنوی ، سروده‌های يك شاعر به میزانی برسد که خود عنوانی خاص از نوع حماسه یا داستان یا پند و عرفان را شامل گردد ، آن قسم از اشعار بیرون از دیوان به شمار می‌آید و غالباً به نامی معین خوانده میشود ؛ مانند شاهنامه فردوسی ، بوستان سعدی ، مخزن الاسرار نظامی ، منطق الطیر عطار ... همه انواع دیگر شعر از قصیده ، غزل ، قطعه ، رباعی ، ترکیب‌بند ... و مثنویهای پراکنده رویهم دیوان يك شاعر را تشکیل میدهد .

بعضی از شعرا تنها در یکی از انواع شعر طبع آزمائی کرده‌اند ، و یا شهرت و معروفیت هریک به یکی از انواع شعر اختصاص یافته است . رباعیات عمر خیام ، دوبیتی‌های باباطاهر ، قطعات ابن‌یمین و به همین منوال میتوان گفت غزل‌های حافظ ...

دیوان اکثر شعرا که به کسوت چاپ آراسته شده است معمولاً در يك مجلد است ؛ مگر آنکه حجم سروده‌های شاعر از گنجایش

يك جلد بیشتر باشد ، درینصورت به تناسب قطر كتاب ممكن است در دو جلد یا بیشتر تجلید شود.

بعضی از مصححان دیوان شعرا با قید عبارت «دیوان کامل» برای نشریه خود خصوصیتی قائل میشوند؛ با این توجیه که همه اشعار متعلق یا منتسب به شاعر در آن مجموعه گردآوری شده و مطلبی فرو گزار نگردیده است. در مورد دیوان حافظ نیز گاهی عنوان «دیوان کامل» از طرف بعضی از ناشران به کار رفته است تا این خصوصیت را در چاپ خود تبیین کنند که شعری از مجموع آنچه به حافظ منسوب است از قلم نیفتاده است. در این رابطه این نکته قابل ذکر است که احتمال بسیار کمی وجود دارد که شعری متعلق به حافظ در گوشه و کنار نسخه ها از نظرها دور افتاده و تا کنون معرفی نشده باشد. بلکه چون کمتر دیوانی (خواه خطی و خواه چاپی) از اشعار مردود و مشکوک منتسب به حافظ خالی میباشد، کوشش صاحب نظران بیشتر معطوف به آن است که دیوان حافظ را از این قبیل اشعار بپیرایند. با آنکه دیوان حافظ از لحاظ حجم متناسب تجلید در يك مجلد میباشد، اما در تنظیم دیوان حافظ چند نکته اختصاصی شایان ذکر است :

- نکته اول این است که حافظ اصالتاً يك شاعر غزل سراست. قصاید و قطعات و رباعیات و حتی مثنوی ساقی نامه و معنی نامه (با وجود کیفیت ممتاز) معرف مقام خاص سخنوری او نمی باشند. - نکته دوم این است که بعضی چکامه ها و قصاید کوتاه از غزلهای حافظ تفکیک نشده است و چون این آمیختگی در همه نسخه های

خطی کهن وجود داشته است تاکنون مصححان دیوان حافظ نگهداری این رسم و سنت را جزئی از رعایت امانت تلقی کرده‌اند. - نکته سوم این است که چون بعضی اشعار متعلق به شاعران دیگر و همچنین اشعار سست و بیمایه نیز در اکثر نسخه‌های قدیم در کنار غزل‌های اصیل و ناب^۱ حافظ نوشته شده است، اکثر مصححان دیوان حافظ بخاطر رعایت جانب احتیاط این اشعار را نیز در دیوان او نگهداری کرده‌اند تا اینکه در آینده تکلیف آنها مشخص شود.

- نکته چهارم مربوط به ویژگی کاربرد غزل‌های حافظ است و آن خصوصیت بطوریکه در آغاز این گفتار تصریح شد منحصرأ مربوط و مختص به غزل‌های اصیل و ناب حافظ میباشد و اشعار دیگر که در ضمن توضیح نکات فوق به آنها اشاره شد در این خصوصیت سهیم نیستند.

با ملاحظه نکات فوق منطقی به نظر میرسد که دیوان حافظ در دو جلد تدوین شود :

جلد اول : غزل‌های حافظ

جلد دوم : اشعار غیر غزل - غزل‌های الحاقی

بدیهی است آنچه بعنوان محتوای دیوان حافظ پذیرفته میشود از این دو جلد بیرون نمی‌ماند. اقدامی که اساسی و مهم است تفکیک غزل‌های اصیل و ناب حافظ (محتویات جلد اول دیوان) است. بقیه اشعار طبعاً محتویات جلد دوم را تشکیل میدهد.

۱ - اصطلاح «غزل‌های ناب» در این مفهوم به کار میرود که آن اشعار از چکامه‌هایی که شبیه تغزل و یا قصیده‌های کوتاه میباشند مشخص گردد.

انتخاب منابع

در انتخاب منابع برای تدوین غزل‌های حافظ رعایت سه شرط اساسی به نظر می‌رسد :

۱- قدمت تاریخ کتابت

در ارزیابی نسخه‌های خطی قدمت تاریخ کتابت تنها يك عامل در ردیف چند عامل دیگر (مانند سواد ، دقت ، و امانت کاتب) منظور می‌گردد . بدیهی است ارزش و اهمیت نسخه‌ئی که از روی نسخه صحیح و معتبری بدقت و رعایت امانت استنساخ شده است بیش از نسخه‌ئی است که سالها پیش از آن نسخه کتابت شده ولی آکنده از اشتباههای دستنویسی باشد.

برای اینکه مسئله ارزیابی بطور اصولی در داخل چهارچوب مشخصی انجام پذیرد و خط تمایزی برای تفکیک نسخه‌های خطی با اصطلاح معتبر و کهن رسم شود، در حال حاضر و باتوجه به امکانات فعلی پایان قرن نهم هجری قمری (در حدود یکصد سال از درگذشت حافظ) حداکثر فاصله زمانی است که نسخه‌های خطی مربوط به آن قرن را میتوان در این بررسی مشارکت داد.

در میان نسخه‌هایی که فاقد تاریخ کتابت میباشند، ولی باتوجه به قراین و مشخصات (مانند نوع کاغذ ، ویژگیهای املا و خط ، و سبک تذهیب ...) اگر تعلق نسخه‌هایی به قرن نهم مورد تأیید کارشناسان قرار گرفت میتوان آن نسخه‌ها را نیز در این بررسی منظور کرد.

در هر حال پیش از استفاده، هر منبعی باید مورد ارزیابی قرار

گیرد و در نتیجه احتمال دارد که نسخه‌ئی باتاریخ نیمه اول قرن نهم هم، امتیاز لازم برای استناد کسب نکند.

۲- تعداد منابع

هیچ نسخه خطی از دیوان حافظ تاکنون شناسائی نشده است که هم از اشتباه‌های دستنویسی مبرا باشد و هم بدون کم و کاست یا نقص و عیبی در ضبط کلمات و عبارات، گفتار صحیح و اصیل حافظ را ارائه بدهد. ازینرو هر گونه چاپی که مستقلاً بر اساس يك نسخه خطی به هر روشی^۱ منتشر شود، در صورتیکه نسخه اساس مربوط به قرن نهم باشد، تنها منظور معرفی يك منبع را بر آورده می‌سازد که همراه منابع دیگر برای تصحیح متن غزل‌های حافظ مورد مقایسه قرار گیرد.

در مورد اینکه استفاده از چند نسخه خطی برای تصحیح متن غزل‌های حافظ کفایت میکند، باید به این واقعیت توجه داشت که بعضی از نسخه‌ها تنها محتوی تعداد کمی از غزل‌ها میباشند و بعضی از غزل‌ها در همه نسخه‌های کامل یا نسبتاً کامل نیز ضبط نشده است.

با توجه به تجربه‌هایی که تاکنون به عمل آمده است تصور میشود مراجعه به ضبط نسخه‌های خطی معتبر قرن نهم، به حد اکثر تعدادی که در دسترس باشد، در راه جوئی بسوی متن صحیح و اصیل گفتار حافظ

۱- چاپهای تك نسخه‌ئی بعضی به روش حروفچینی، و بعضی دیگر به صورت رونویسی و یا چاپ عکسی انتشار یافته است. در برخی از چاپها عین ضبط نسخه خطی را در متن نگاهداری نموده، اشتباهها را در زیر صفحه اصلاح کرده‌اند. یا برعکس در متن چاپی نسبت به تصحیح اشتباهها اقدام شده و ضبط نسخه اساس در حاشیه، یا پاورقی، و یا پایان کتاب مشخص گردیده است.

مفید و مؤثر است.

اگر در آینده فرضاً حداقل سی نسخه کامل یا منتخب مربوط به نیمه اول قرن نهم شناسائی شد، شاید صواب آن باشد که همین مقدار بعنوان منابع درجه يك منظور گردد و از نسخه های مربوط به نیمه دوم قرن نهم برحکم ضرورت استفاده شود.

۳- لزوم مراجعه مستقیم به نسخه های خطی یا متون عکسی -

از آنجا که نسخه های خطی کهن در کتابخانه های عمومی و خصوصی ایران و خارج از ایران پراکنده است، برای پژوهشگر غزل های حافظ بسیار دشوار است که مستقیماً به اصل همه نسخه های خطی مراجعه کند. ناچار با استثنای نسخه هایی که مربوط به کتابخانه های محل زندگی پژوهشگر است، در مورد بقیه نسخه ها از متون عکسی استفاده میشود. شرط احتیاط ایجاب میکند که يك پژوهشگر دقیق کلمات و عباراتی را که احیاناً در نسخه عکسی روشن و خوانا نیست یادداشت کند و بوسایل مقتضی با آگاهی از ضبط نسخه خطی بتواند با اطمینان خاطر به آن کلمات و عبارات استناد جوید.

چهار اقدام اساسی در تدوین غزل های حافظ

در مورد سه واحد کلام (غزل، بیت، کلمه) در غزل های حافظ

چهار اقدام اساسی زیر صورت میگیرد:

- ۱- انتخاب غزلها
- ۲- تعیین ابیات متن هر غزل
- ۳- تشخیص ترتیب ابیات
- ۴- انتخاب کلمات و عبارات متن

۱- انتخاب غزلها

بطوریکه پیشتر اشاره رفت در جلد اول دیوان حافظ تنها

غزل‌های اصیل و ناب تدوین می‌گردد و با رعایت ضوابط انتخاب، دیگر سروده‌های شاعر طبعاً به جلد دوم دیوان (مشمول بر اشعار غیر غزل و غزل‌های الحاقی) انتقال می‌یابد. ضوابطی که می‌تواند راهگشای انتخاب غزل‌ها باشد ازینقرار است:

- ۱- جدا کردن اشعار غیر غزل (قصیده‌ها، تغزل‌ها یا چکامه‌ها)،
 - ۲- کنار گذاشتن غزل‌های منسوب به شعرای دیگر،
 - ۳- تفکیک غزل‌های الحاقی.
- فرق قصیده و غزل -

اگر وجه تمایز میان قصیده و غزل را تنها به يك فرق (تعداد شمار ابیات) منحصر بدانیم، درینصورت در میان سروده‌های حافظ تنها پنج شعر زیر، که دارای ۱۴ بیت یا بیشتر می‌باشند، قصیده‌شمرده می‌شوند.

- ۱: شد عرصه زمین چو بساط ارم جوان ...
- ۲: ز دلبری نتوان لافزد بآسانی ...
- ۳: جواز اسحر نهاد حمایل برابرم ...
- ۴: سپیده دم که صبا بوی لطف جان گیرد ...
- ۵: ای در رخ تو پیدا انوار پادشاهی ...

ولی اشعار دیگری نیز در دیوان حافظ وجود دارد که از نظر مضمون و معنا و سبک بیان و همچنین انتخاب وزن و چگونگی قافیه خصوصیات قصیده را آشکار می‌سازند، و تنها وجه اشتراك میان آنها و غزل‌های حافظ در شمار ابیات است که بیش از ۱۳ بیت نمی‌باشد. در نسخه‌های خطی ظاهراً بسبب همین يك وجه مشترك ظاهری این قصاید کوتاه نیز در ردیف غزلیات کتابت شده است.

برای ارائه نمونه‌هایی از دید فرقه‌ای که ذکر شد چند مثال از مطلع یا بیت‌های دیگر از این قصاید نقل میشود :

- مضمون و معنا که متناسب قصیده است :

احمدالله علی معدلة السلطان احمد شیخ اویس حسن ایلخانی
خان بن خان و شهنشاہ شهنشاہ نژاد آنکه میزید اگر جان جهان‌ش خوانی
قسم به حشمت و جاه و جلال شاه شجاع که نیست با کسم از بهر مال و جاه نزاع
- اختلاف سبک بیان قصیده در مقایسه با سبک بیان در غزل :

دارای جهان نصرت دین خسرو کامل یحیی بن مظفر ملک عالم عادل
تعظیم تو بر جان و خرد واجب و لازم انعام تو بر کون و مکان فایض و شامل
- اختلاف در وزن و قافیه : بعد از ۱۶ غزل به ردیف «بود» یا «نبود» در دیوان حافظ قصیده زیر از دید قافیه از آن غزل‌ها متمایز است :

کنون که در چمن آمد گل از عدم به وجود
بنفشه در قدم او نهاد سر به سجود

.....

بخواه جام صبوحی به یاد آصف عهد
وزیر ملک سلیمان عماد دین محمود

تغزل یا چکامه

نوع دیگری از اشعار حافظ که آن نیز با غزل آمیخته است چکامه‌هایی است شبیه تغزل یا نسیب یا تشبیب . فرق بارز این چکامه‌ها با غزل‌های حافظ این است که تغزل محدود به وصف طبیعت یا احساس درونی شاعر است ، در صورتیکه غزل‌های حافظ مقید و محدود به توصیف محض نیست ؛ بلکه همه آنها متضمن نکته‌هایی است که مشعر بر پند و عبرتی و یا طنز و انتقادی میباشد که غزل‌های حافظ را متمایز میسازد.

غزلهای الحاقی

تشخیص و تفکیک غزلهای الحاقی دیوان حافظ کار دشواری نیست. به نظر میرسد بیش از پیروی از ضبط اکثریت مآخذ، استناد به اصول نقد ادبی در شناسائی غزلهای سست و مشکوک سودمند باشد.

در حدود ۱۵ غزل در دیوان حافظ (چاپ قزوینی) وجود دارد که نشانه‌هایی از اندیشه‌های خاص عرفانی و فلسفی و اجتماعی حافظ در آنها مشهود نیست.

بطور کلی این قبیل غزلهای بصورت غریبه‌ئی در جمع خواص داخل شده‌اند. نشانه‌های دیگری نیز هست که به شناسائی غزلهای الحاقی کمک میکند. مانند استفاده از همه حروف الفبا در قافیه غزلهای نیک پیداست که شاعری که در تمام مدت زندگی خود در باره گرد آوری و تدوین غزلهایش اقدام نکرده است، چه عاملی امکان داشت او را به ساختن غزل در قافیه همه حروف الفبا موظف سازد؟

۲- تعیین ابیات معن هر غزل

در تعدادی از غزلهای شمار ابیات در همه نسخه‌های خطی یکسان است. بعضی دیگر از غزلهای در نسخه‌های مختلف بابت یا ابیاتی کمتر و گاهی هم زیاده‌تر کتابت شده است. در میان دلایل وجود بیت‌های اضافی دو حالت نیازمند مداقه بیشتر است: یکی آزمایش مکرر مضمون واحدی در دوبیت، یا استفاده مکرر از کلمه‌ئی در قافیه

۱- از جمله، درد ماران هست درمان الفها. قوئی که بر سر خویان کشوری چون تاج. اگر به مذهب تو خون عاشق است مباح. دل من در هوای روی فرخ...

دوبیت مربوط به يك غزل است، و علت ديگر افزودن ابیات متضمن مدح بعد از بیت تخلص.^۱

بعضی از مصححان انشادهای مکرر يك مضمون را در متن افزوده‌اند و این اقدام درباره‌ئی از غزلها تکرار قافیه را موجب شده است.^۲

تردیدى نیست که آنچه اثر طبع خود شاعر و حتى منتسب به اوست باید نگاهداری شود. اختلاف نظر تنها مربوط به روش تدوین است. اگر دیوان حافظ را بمنزله مخزن یا گنجینه واحدی بدانیم که نقش اصلی آن نگهداری سرمایه معنوی شاعر است؛ درینصورت آنچه متعلق به اوست در آن کتاب واحد نگهداری میشود. ولی میتوان يك لحظه اندیشید که اگر خود حافظ به تدوین دیوانش اقدام میکرد آیا لازم میدید که در هر غزلی هر دوبیت محتوی مضمون واحد، یا دوبیت متضمن قافیه مکرر را درج کند؟

با توجه به توضیحاتی که در آغاز این گفتار درباره ویژگی کاربرد غزلهای حافظ داده شد، و ضمن آن پیشنهاد گردید که اشعار غیر غزل در جلد دوم دیوان ضبط شود، طبعاً ابیات اضافی و الحاقی نیز همراه اشعار الحاقی به جلد دوم منتقل میگردد.

۱- درباره سبب کمبود بیت یا بیتهایی در بعضی از نسخه‌ها و همچنین توضیح علت‌های دیگر مربوط به کثافت ابیات اضافی در نسخه‌های خطی رجوع شود به گفتار دوم ص ۲۷ تا ۳۰.

۲- برای ملاحظه مواردی از تکرار قافیه در چاپ قزوینی مراجعه شود به صفحات ۱۰۴ و ۱۱۹.

ابیات متضمن مدح بعد از بیت تخلص

یکی از مختصات استثنائی غزلهای حافظ این است که در پایان بعضی از آنها و بعد از بیت تخلص يك بیت و گاهی دو یا سه بیت آمده است که متضمن مدح است. در نسخه های کهن در بسیاری از موارد این ابیات متضمن مدح از پایان غزلها حذف شده است.

واکنشهای متفاوتی در برخورد با این ابیات مدح از سوی پژوهشگران ابراز شده است. چندن از جمله علامه قزوینی و دکتر خائلی، به این دلیل که در اصالت این ابیات تردیدی نیست، آنها را در متن غزلها وارد کرده اند.

حقیقتی ست آشکار که حافظ در مدح بعضی از بزرگان معاصر خود شعر سروده است. گذشته از چهار پنج قصیده نسبتاً مطول چکامه های دیگری (بصورت قصاید کوتاه) نیز در دیوان حافظ وجود دارد که موضوع اصلی آنها مدح است. مسلم است که حافظ به هر تعدادی که ضرورت داشت و مصلحت میدید میتواندست قصیده یا چکامه مدح بسراید. از سوی دیگر حافظ (شاعری که والاترین غزلهای فارسی را به رشته نظم درآورده است) بخوبی از نقش و مضمون سخن پردازی در قالب غزل آگاه بوده است. با این اوصاف باید دید چرا در بعضی از غزلها بیتی بعد از تخلص متضمن مدح نیز افزوده است؟

در دو نسخه خطی مربوط به نیمه اول قرن نهم^۱ که قدیمیترین

۱- نسخه کور کهپور (چاپ جلالی فائمی) و نسخه مورخ ۸۳۶ متعلق به آقای دکتر اصغر مهدوی.

سند موجود از ضبط مقدمه جامع دیوان را دربردارند، در اشاره به اشتغالات حافظ چنین آمده است: «اما بواسطه محافظت درس قرآن و ملازمت شغل تعلیم سلطان...»^۱ از این عبارت میتوان حدس زد که حافظ به قصد تعلیم نزد اطرافیان سلطان میرفته است. موضوع عنوان مدایح ضمناً میرساند که باعده‌ئی از بزرگان شهر شیراز و ابط دوستانه داشته است. به اعتبار قرائنی در اشعار، در مجالس خاص شاه و وزیر و محافل ادبی و ضیافت‌های اعیان و خواص شیراز از حافظ درخواست میشده است که غزلی بخواند. در گفتار شاعر اشاراتی به این موقعیتها وجود دارد: غزل گفتی و در سفتی بیا و خوش بخوان حافظ...

اما آن روز که حافظ غزل معروف «ساقی به نورباده برافروز
جام ما» را سرود و ضمن آن این بیت شیوا را هم آورد:

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

برپایه احتمال فرض کنیم که شاعر میبایست در محفل ضیافت (حاج قوام) که وزیر شاه ابواسحاق بود شرکت کند. وقتی در آن مجلس از او درخواست شد که غزلی بخواند، طبعاً نمی‌توانست شعر خود را در آن مجلس با چنین تخلص خشك و خالی به پایان برساند:

حافظ ز دیده دانه اشکی همی فشان

باشد که مرغ وصل کند قصد دام ما

از این جهت لازم بود که اگر فی البداهه هم شده ستایشی از آن مرد کریم

۱- در مقدمه جامع دیوان مندرج در چاپ قزوینی «و ملازمت بر تقوی و احسان» در متن قید شده است.

دریا دل بعد از تخلص بیفزاید ، و آن بیت این است :

دریای اخضر فلك و كشتی هلال

هستند غرق نعمت حاجی قوام ما

نشانه‌هایی در تألیف عبارات ، ارتجالی بودن این بیت را می‌رساند . طبعاً پس از سپری شدن آن موقعیت ، حافظ این غزل را با حذف بیت بعد از تخلص (یعنی به همان صورتی که در بعضی از نسخ کهن هم درج شده است) در اختیار علاقه‌مندان شعر خود قرار میداد .

- برای حافظ یا هر شاعر دیگر طبیعی بوده است در جریان زندگی نیازی پیش بیاید ، و بخواهد کمکی از دوست یا آشنائی درخواست کند ، و منظور خود را در قالب شعر بیسورد . بطور مثال انوری استاد قصیده و قطعه يك روز خواست از يك آشنا یا همسایه که نامش اسفندیار بود هدیه‌ئی طلب کند . قطعه‌ئی ساخت که معروف است :

خواجه اسفندیار میدانی که به رنجم زچرخ روئین تن...

آنچه مشخص است این است که این قطعه خطاب به خواجه اسفندیار است ، و موضوعش هم معلوم و معین . و غیر از آن موقعیت خاص کاربرد دیگری نداشته است . اینکه این قطعه هم در دیوان انوری آمده و امروز نیز خواننده از قرائت آن خرسند میشود بخاطر شیوائی و لطف بیان انوری است .

حافظ هم روزی در برابر مشکلی قرار گرفت و به نظرش رسید که ممکن است آشنائی به نام « عبدالصمد » در حق وی یاری و

غمخواری بکند. به همین منظور غزلی ساخت که مطلعش این است:

آن کیست کز روی کرم با من وفاداری کند
بر جای بدکاری چو من يك دم نکوکاری کند

اما از مطلع تا پایان بیت تخلص، جلال و فخامت بیان و ویژه حافظ در این غزل هم حفظ شده است. بجز انعکاس احساس طبیعی شاعر هیچ بیتی از آن بطور صریح مقید به آن احوال و خطاب به شخص معین نیست. تنها روزی که حافظ خواست این غزل را برای عبدالصمد بفرستد، بیت زیر را بعد از تخلص اختصاصاً به سبب آن موقعیت افزود:

شد لشکر غم ییعد از بخت میخوام مدد
تا فخر دین عبدالصمد باشد که غمخواری کند

فرق اساسی قطعه انوری با این غزل حافظ این است که اگر نام خواجه اسفندیار و موضوع تمنا را از قطعه انوری حذف کنیم دیگر مطلبی برای خواندن باقی نمی ماند. اما حافظ قدر و منزلت جاودانی شعر خود را میدانست و لازم نبود نام عبدالصمد و موضوع نیاز و درخواستی معین کالبد غزل را به خود اختصاص دهد.

این نکته نیز ناگفته نماند که برای بعضی از پژوهشگران و علاقه مندان به روشن ساختن گوشه های تاریک زندگی اجتماعی پیشینیان، شاید ارزش این غزل حافظ تحت الشعاع اهمیت آگاهی از نام اصلی و لقب و مقام و منصب «فخر دین عبدالصمد» باشد. البته نمی توان منکر ارزش تحقیق شد، ولی آنچه در این مبحث و در خصوص بیت فوق مورد سوآل است این است که چون در بعضی از

از نسخه‌های خطی کهن این بیت کتابت نشده است^۱، از کجا که پس از استفاده از این بیت، که فایده و مصرف آن مقید به موقعیتی خاص بود، خود حافظ آن را حذف نکرده است؟ بالاخره عبدالصمد پادشاه یا فرمانروائی نبود که تصور شود بعد از سپری شدن دوران حکومتش فرمانروایان دیگر دستور حذف نام او را از این غزل حافظ داده باشند.

تکرار قافیه در غزل‌های حافظ

نویسنده کتاب المعجم که قولش در فنون شعر حجت است

مینویسد:

«ایطاباز گردانیدن قافیتی است دوبار و آن دونوع است جلی و خفی... و ایطاء جلی از عیوب فاحش است در شعر، الا که قصیده دراز باشد... یا قصیده را دو مطلع باشد... اما ایطاء خفی، که بعضی از حروف زواید... مکرر گرداند بروجهی که میان هر دو فرقی توان نهاد، چنانکه آب و گلاب، و سازگار و کامگار... و بیشتر شعرا در ایطآت خفی مسامحت کرده‌اند...»^۲

در چاپ‌های دیوان حافظ در بعضی از غزل‌ها ابیاتی متضمن تکرار قافیه دیده میشود. وجود قافیه مکرر در بسیاری از موارد ناشی از علل زیر است:

۱ - بسیاری از کلمات مکرر در قافیه نسخه بدل یا اشتباه دستنویسی است. بطور مثال در هر دو چاپ قزوینی و دکتر خاتلری دو بیت زیر متضمن قافیه مکرر است:

۱ - در نسخه خطی خلخال هم این بیت نیست و علامه قزوینی آن را با استناد نسخه‌های دیگر در چاپ خود افزوده است.

۲ - المعجم فی معانی اشعار المعجم - تهران، مؤسسه خاور، ۱۳۱۴، ص ۲۱۶.

پروانه راحت بده ای شمع که امشب
از آتش دل پیش تو چون شمع گدازم
چون نیست نماز من آلوده نمازی
در میکده زان کم نشود سوز و گدازم
در هفت نسخه معتبر قرن نهم قافیه بیت دوم «سوز و نیازم»
است.

— درغزلی دیگر درهر دو چاپ قزوینی و دکتر خانلری چنین
آمده است :

چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید ز باغ عارض ساقی هزار لاله برآید

.....

نسیم زلف^۱ تو گر بگذرد^۲ به تربت حافظ ز خاک کالبدش صد هزار لاله برآید
تا آنجا که بررسی شده است همه نسخه های خطی قرن نهم
(بعجز نسخه ۸۲۷ و ۸۹۴ = دانشگاه پنجاب) در قافیه بیت تخلص
«صد هزار ناله برآید» نوشته اند. از خاک کالبد به تعبیر شاعرانه غیر
از روئیدن لاله، برآمدن ناله هم سخن ناموزونی نیست. در این مورد
یا باید ضبط اکثریت قاطع نسخه ها را معتبر بشماریم یا اینکه دلیل
قاطعی باید باشد که ضبط همان دو نسخه خطی را، علیرغم تکرار
قافیه، گفته اصیل حافظ بدانیم. و مثالهای دیگر از این قبیل...

۲ — بطوریکه پیشتر اشاره شد در بعضی از غزلها حافظ در
آزمایش يك مضمون یا برای استفاده از يك کلمه در قافیه، دوبیت
(که یکی بدل دیگریست) سروده است و طبعاً تنها یکی از آن دو
متعلق به متن است. مثالی از این حالت که درهر دو چاپ قزوینی و

۱ — چاپ خانلری : نسیم وصل تو ۲ — چاپ قزوینی : چون بگذرد.

دکتر خانلری در متن آمده و موجب تکرار قافیه در غزل شده است:

نصیحتی کنت یادگیر و در عمل آر
که این حدیث ز پیر طریقتم یاد است
غم جهان مخور و بند من مبر از یاد
که این لطیفه عشقم زهر روی یاد است

۳- در بعضی ابیات بعد از تخلص که متضمن مدح می باشد ، و اکثر آنها احتمالاً در موقعیت خاصی به ارتجال سروده شده است ، تکرار قافیه با بعضی از ابیات متن اتفاق افتاده است. و چون بطوریکه پیشتر مطرح شد ظاهرأ شاعر از این ابیات در موقعیتی خاص استفاده نمیکرده، ازینرو به تکرار قافیه در ابیات مدح اهمیت نمی داده است.

بت چینی عدوی دین و دلهاست
خداوندا دل و دینم نگه دار

.....

خداوندی بجای پندگان کرد
خداوندا ز آفتاش نگه دار

که بیت فوق بعد از بیت تخلص آمده است. مثال دیگر:

می مخور با همه کس تا نخورم خون جگر
سر مکش تا نکشد سر به فلك فریادم

.....

رحم کن بر من مسکین و به فریادم رس
تا به خاک در آصف نرسد فریادم

با بررسی دقیق ۴۲۶ غزل^۱ که علل فوق در متن مصحح آن غزلها دخالت ندارد، اکثر کلماتی که بطور مکرر در قافیه بعضی

۱- با انتقال غزلهای الحاقی و قصیده های کوتاه و چکامه ها به جلد دوم دیوان، ۴۲۶ غزل در جلد اول درج میشود.

از ابیات مشاهده میشود واژه‌هایی ست در دو معنی متفاوت، و یا بصورت ترکیبی مختلف از نظر دستوری، که بقول نویسنده المعجم بروجیهی ست که میان هر دو فرقی توان نهاد. و این است فهرستی از تکرار قافیه در غزل‌های حافظ که برای همه آنها (باستثنای هشت مورد) میتوان توجیهی اندیشید:

ردیف	غزل	چاپ قزوینی	کلمه	معنی
الف - تکرار يك کلمه در قافیه به دو معنی متفاوت				
۱	۲۱	۲۲	نوا: ۱	۱- سروسامان ۲- آهنگ
۲	۷۱	۷۸	حرم:	۱- صیدحرم (صیدحرام) ۲- گرداگرد مکه
۳	۱۱۴	۱۳۰	ریا:	۱- بی‌روی و ریا = بدون تظاهر ۲- زهدریا = توأم با مکرو حیله
۴	۱۳۲	۱۴۹	در نمی‌گیرد: ۱	۱- تأثیر نمی‌کند ۲- شعله‌ور نمی‌شود
۵	۱۴۵	۱۶۲	گوهر:	۱- مروارید ۲- تبار و طبیعت
۶	۱۷۹	۲۰۰	پیر:	۱- سالخورده ۲- مرشد و مراد
۷	۱۸۵	۲۰۶	طاق:	۱- فرد ۲- رف

۸	۲۶۲	۲۸۶	گوش: ۲ ۱- عضو شنوائی ۲- گوش داشتن = توجه کردن
۹	۲۷۵	۳۱۱	خاسته : ۱- برخاسته = ایستاده ۲- نوخاسته = جوان
۱۰	۲۸۹	۳۲۵	آرم : ۱- دست بر آرم = دست بلند کنم ۲- جان را به لب آرم
۱۱	۲۹۳	۳۳۱	نگیرم : ۱- سربر نگیرم = سربر ندارم ۲- دروی نگیرم = او را نسوزانم
۱۲	۳۵۴	۴۰۱	بازمیانند: ۱- باقی میانند ۲- مضایقه میکند
۱۳	۳۲۸	۳۶۹	بگماشتیم: ۱- مصروف کردن، ورزیدن ۲- منصوب کردن
۱۴	۴۰۰	۴۵۴	روزی: ۱- میر نوروزی ۲- شبانروزی = دایم ۳- روزی = قسمت
۱۵	۴۰۹	۴۶۸	دام : ۱- مکرو حیل (در معنی مجازی) ۲- تور و تله
۱۶	۴۱۲	۴۷۱	دم : ۱- لحظه ۲- نفس
ب - تکرار کلمه بصورت ترکیبی متفاوت از نظر دستوری			
۱۷	۲۳۹	۲۶۴	انداز : ۱- انداخته شده (در خاک) ۲- فعل امر

۱ - در چاپ قزوینی در این غزل بعلت افزودن ابیات خارج از معن (علاوه بر نسخه اساس خود) کلمه «نوروزی» سه بار ، و کلمه «فیرزی» دو بار تکرار شده است .

گفتار هفتم		۲۲۴		
۱- بازآمده‌ئی	باز :	۴۲۲	۳۸۱	۱۸
۲- شعبده باز				
۱- نوش کن	نوش :	۳۹۸	۳۵۱	۱۹
۲- دردنوش				
۱- نمی پرستی	پرستی :	۴۳۵	۳۸۴	۲۰
۲- خود پرستی				
۱- می بینی	بین :	۴۸۴	۴۲۱	۲۱
۲- حقیقت بین				
ج - تکرار پسوندها در ترکیبات مختلف (ایطاء خفی بموجب نوشته المعجم)				
۱- هوا داران	داران :	۴۳	۲۹	۲۲
۲- جهانداران				
۱- آمرزگار	گار :	۶۵	۵۹	۲۳
۲- کردگار				
۱- کیمیاگری	گر :	۱۷۷	۱۵۸	۲۴
۲- ستمگری				
۱- وفاداری	داری :	۱۹۱	۱۶۸	۲۵
۲- دلداری				
۱- خونبار	بار :	۲۴۹	۲۲۶	۲۶
۲- شکر بار				
در ۴۲۶ غزل که تکرار قافیه در آنها بررسی شد تنها در هشت مورد زیر توجیهی به نظر نمی رسد، مگر آنکه در بررسیهای آینده قرائتی متفاوت برای قافیه مکرر در نسخه های دیگر پیدا شود.				
۱- سر ماست	ما :	۲۲	۱۲	۱
۲- دل ماست				

۲	۲۹۷	۳۳۶	جهان : ۱- دام جهان ۲- جان و جهان
۳	۸۴	۹۱	آرم : ۱- در کردن آرم ۲- بیارم
۴	۳۳۹	۳۷۹	جویم : ۱- میجویم ۲- از کجا جویم
۵	۳۶۸	۴۱۹	آن : ۱- آن به ۲- ازان به
۶	۳۸۰	۴۹۵	گوئی : ۱- توجه میگوئی ۲- به غزل گوئی
۷	۴۰۱	۴۵۵	نفسی : ۱- مشکین نفسی ۲- خوش نفسی
۸	۴۲۲	۴۸۴	بین : ۱- همه از خود بینی ۲- دران می بینی

۳- تشخیص ترتیب ابیات در هر غزل

منطق استفاده از نسخه های خطی کهن حکم میکند که در موارد اختلاف در ترتیب ابیات ، ضبط اکثریت نسخ و امتیاز اقدم نسخ در نظر گرفته شود . ضمناً ممکن است نسخه ای از نظر ارائه دقت و امانت در استنساخ و کم اشتباه بودن ، اعتبار و سندیت بیشتری را احراز کرده باشد، و به همین سبب توجه به ترتیب ابیات در چنین نسخه ای با اهمیت تلقی میشود .

در بعضی از غزل های حافظ این ویژگی نمودار است که گاهی دو بیت از نظر معنا طوری بهم پیوسته است که تغییر ترتیب توالی

آنها در معنا ایجاد اخلاص میکند. از رعایت توالی خاص در این قبیل حالتها نیز گزیری نیست.

در تنظیم جدول نمایش ترتیب ابیات همه نسخه‌های منبع در مقایسه با متن منتخب باید معلوم گردد که ابیات خارج از متن به ترتیب قدمت در کدام نسخه‌ها کتابت شده است، و با یک نگاه آشکار شود که غزل مورد بررسی در هر نسخه شامل چند بیت است، کدام ابیات محذوف و کدام ابیات اضافی و خارج از متن میباشند. در بعضی از نسخه‌ها اشتباهاتی در نوشتن مصرعها رخ داده است این حالت نیز باید در جدول نمایش ترتیب ابیات بنحوی نمایانده شود.

۴- انتخاب کلمات و عبارات متن

پس از بررسی نظرات دانشمندانی که به تصحیح غزل‌های حافظ همت گماشته‌اند، و توجه به عقاید صاحب‌نظرانی که مقاله‌هایی در این باب منتشر ساخته‌اند، به نظر میرسد که چکیده اتفاق نظر در مورد نحوه انتخاب کلمات و عبارات متن غزل‌های حافظ در دو ضابطه نمودار است:

- ضابطه اول: اتکا بر ضبط نسخه‌های کهن و معتبر،
- ضابطه دوم: استناد بر ضبط اکثریت منابع، مگر در مواردی خاص که شیوه اندیشه و سبک بیان حافظ (که در هر صورت باید متکی بر ضبط منابع معتبر باشد) بر انتخاب دیگری دلالت کند. دلایل ترجیح در این موارد باید در یادداشت‌های مصحح ذکر شود.
- در انتخاب منابع، رعایت سه شرط پیشتر ذکر شد.

توضیحی دربارهٔ مسأله تأیید اکثریت نسخ خطی

بعضی از صاحب نظران و حافظ پژوهان در انتخاب کلمات و عبارات متن غزلها مسأله تأیید اکثریت نسخ خطی را حکمی قاطع میدانند، و ضبط هر نسخه خطی را بمنزله يك رأى منظور میدانند. و اگر مصححی گاهی رأى اکثریت نسخ را در متن منتخب نپذیرفته است، میپرسند چگونه میشود از قاطعیت يك ضابطه سخن گفت که گاهی مقبول و گاهی غیر مقبول باشد؟

در این زمینه روشن شدن دونکته دربارهٔ نسخه های خطی

ضرورت دارد :

۱- نخست باید توجه داشت که هر ضبط در هر نسخه خطی قرن نهم بمنزله يك رأى متین و موثق نیست. اگر مسلم بود که نسخه هائی از روی دستنویس خود حافظ و با رعایت شرایط دقت و امانت استنساخ شده است، مسأله استناد به رأى چنین نسخه ها وضع دیگری میداشت. اما در شرایط موجود هیچکس نمى داند که هر نسخه خطی از روی چه متنی رونویسی شده و چه مقدار اشتباه و دستکاری در آن رخ داده است.

اگر فرض کنیم در همان اولین نسخه ئی که از مبدأ اصلی رونویسی شده است تعدادی اشتباه کتابت رخ داده باشد و سپس ده نسخه از روی همین متن بدون امکان تصحیح اشتباهها نوشته شود، هر اشتباهی با پشتوانه ده رأى جلوه گر خواهد شد. در مقابل اگر يك نسخه دیگر به دست آید که آنهم مستقیماً از مبدأ اصلی ولى بدون اشتباه استنساخ شده باشد. دربارهٔ مقایسه ضبط ده نسخه با تکرار

اشتباه‌های معین (که حائز شرط اکثریت میشوند) و يك نسخه مبرا از اشتباه (که در اقلیت میماند) چگونه باید داوری کرد؟

يك مثال واقعی از میان مثالهای فراوان برای روشن شدن بحث نقل میشود : در غزل به مطلع « شراب بیغش و ساقی خوش دو دام رهند... » مصرع دوم بیت ششم که در اصل چنین است : « هزار خرمن طاعت به نیم جو نهند » در حداقل نه نسخه خطی متعلق به قرن نهم « هزار خرمن طاعت به نیم جو نخرند » کتابت شده است. با کلمه « نخرند » معنی این مصرع درست است اما قافیه غلط میشود. حالا فرض کنیم پژوهشگری بخواهد با استفاده از این نه نسخه باضافه يك نسخه دیگر که « نهند » نوشته است متنی را تصحیح کند، در این حالت تکلیف رعایت ضابطه « تأیید اکثریت » را چگونه باید توجیه کرد ؟

بدیهی است که امر پژوهش انتقادی درباره انتخاب متن غزل‌های حافظ را نباید با يك کار ماشینی و مکانیکی مقایسه کرد. ذهن دقیق انتقادی لازم است که با استمداد از سنخ اندیشه و سبک بیان حافظ گفتار صحیح را از سقیم و بیان اصیل را از دیگر سانیهای دستکاری شده و ضبط‌های متأثر از تصحیف و تحریف تشخیص بدهد. هر کلمه و عبارتی در متن غزل‌های حافظ اگر با ضبط اکثریت نسخ خطی قرن نهم تأیید شد چه بهتر؛ و گرنه لازم می‌آید که پژوهنده دلایل خود را در انتخاب ضبط دیگر در معرض افکار منتقدان قرار دهد.

۲- نکته مهم دیگر مسأله ارزیابی نسخه‌های خطی و توجه به ملاحظات است که میزان اعتبار هر نسخه خطی را مشخص می‌سازد.

تردید نیست که هرچه تاریخ کتابت نسخه قدیمتر باشد حداقل این مزیت را دارد که دستکاریهای نسخه‌های بعدی در آن راه نیافته است.

نسخه‌هایی که علاوه بر امتیاز قدمت تاریخ کتابت احیاناً بدون اشتباه یا با سهوهای در حداقل میباشند، طبعاً مزیت و اعتبار بیشتری را حائز میگردند. در مواردی که بررسی انتقادی در متن غزل‌های حافظ منجر به پذیرفتن قرائتی میشود که تنها در یک یا چند نسخه محدود کتابت شده است، ممتاز و معتبر بودن این نسخه‌ها در کنار دلایل انتقادی دیگر تخطی از پذیرش ضبط اکثریت نسخ را جبران میکند. دو نسخه‌ای را که در ضبط کلمات و عبارات بصورتی اختصاصی و استثنائی، و در اشتباه‌های دستنویسی مطابقت دارند و دلیل هموندی آنهاست، نمی‌توان در حکم دو نسخه بادو رأی مستقل به شمار آورد. همچنین نسخه‌هایی که از بابت اشتباه‌های دستنویسی از خدمتعارف (مثلاً اشتباه در مجموع ده غزل) تجاوز میکنند فاقد صلاحیت شرط دقت در استنساخ شناخته میشوند.

سخنی درباره انواع تصحیحات

در امر تدوین غزل‌های حافظ و در رابطه با کوششهایی که تاکنون بوسیله اهل تحقیق در این باب به عمل آمده است، کلمه «تصحیح» فراوان به کار رفته است. غالباً روی جلد بعضی از چاپها قید میشود «به تصحیح...»، البته این اصطلاح در مفهوم کلی و وسیع بمعنی تشخیص کلمه صواب از خطا و تمیز صحیح از سقیم به کار میرود.

با اینحال چند مفهوم اختصاصی نیز با این کلمه ارتباط یافته است که عبارتند از: تصحیح ذوقی، تصحیح قیاسی، و تصحیح املائی. تصحیح ذوقی - منظور از تصحیح ذوقی آن است که کسی در متن، قرائتی را به تشخیص ذوق و سلیقه خود تغییر دهد بدون اینکه به مستند بودن اصلاح خود در یک منبع معتبر مقید باشد.

در بعضی از چاپهای آزاد کلماتی در متن اشعار حافظ به کلمات دیگری تغییر داده شده است. استناد بعضی از مصححان در تصحیح ذوقی آشنائی با سبک بیان حافظ، آگاهی از شیوه گفتار شاعران دیگر و از جمله معاصران حافظ، و یا قواعد دستور زبان و استناد به کتابهای لغت است.

مرحوم دکتر معین یادداشت‌هایی را که علامه دهخدا در حاشیه دو چاپ دیوان حافظ (چاپ خلخال و چاپ قزوینی) قید کرده بود استخراج و ضمن مقاله‌ای منتشر نمود^۱. از این مقاله برمی آید که علامه دهخدا در مورد بعضی از کلمات و عبارات پیشنهادهایی کرده و حدس زده است که ممکن است گفته حافظ همان قرائتی باشد که وی پیشنهاد میکند؛ و در واقع به تصحیح ذوقی دست یازیده است. البته دکتر معین در مقدمه مقاله این نکته را نیز افزوده است که علامه دهخدا خودشان اظهار داشته اند که مدعی نیستند همه پیشنهادهای ایشان ضحیح است. بلکه حدسهائی زده اند که شاید با پیدا شدن نسخه‌های قدیمی و معتبر آن حدسها مورد تأیید قرار گیرد.

۱ - «یادداشت‌هایی درباره اشعار حافظ، مجله دانش، سال دوم، شماره هشتم، آذر ۱۳۳۰ ص ۴۰۴ - ۳۹۷»

بعضی از این تصحیح‌ها را علامه دهخدا باقید کلمه «شاید» ذکر کرده و در موارد دیگری افزوده است که «بی‌شبهه» چنین است. اتفاقاً نخستین تصحیح ذوقی ایشان که بجای «خوبان پارسی گوبخشدگان عمرند» نوشته است شاید «ترکان پارسی گو» و بجای «رندان پارسا» که نوشته است شاید «پیران پارسا»، در هر دو مورد به‌اتکای ضبط چند نسخه خطی کهن تأیید میشود.

تصحیح قیاسی — منظور از تصحیح قیاسی آن است که با توجه به قرائن و نشانه‌هایی که وقوع اشتباهی را در نقل کلمه‌ئی در نسخه خطی تأیید میکند، در صورتیکه تصحیح متن باستناد ضبط نسخه‌های خطی دیگر امکان پذیر نباشد مصحح با تکیه بر استنباطهای لغوی یا دستوری، یا ایجاب وزن و قافیه اصلاح مختصری را در ظاهر کلمه پیشنهاد کند.

بررسی مواردی که بعضی از مصححان به تصحیح قیاسی توسل جسته‌اند^۱ نشان میدهد که تعدادی از آنها از نوع تصحیح ذوقی است. در غالب موارد با تجسس بیشتر در نسخه‌های خطی قرن نهم تکلیف این قبیل اشکالها آسانتر و مطمئنتر انجام میپذیرد. اصولاً تا آنجا که بتوان مشکل تصحیح متن را با تفحص در نسخه‌های خطی کهن و معتبر برطرف نمود، توسل به تصحیح قیاسی اقدامی محتاطانه نمی‌باشد.

تصحیح املایی — برخلاف تصحیح ذوقی و تصحیح قیاسی که معارض ضابطه اتکا به پشتوانه سند و مدرک است، تکمیل و تأویل

املائی نسخه‌های خطی در تدوین متن اشعار اقدامی است لازم و دقیق و با ارزش. بطوریکه پیشتر اشاره شد پاره‌ئی از اشتباه‌های متون چاپی از بدخوانی و عدم دقت در تأویل دستنویسهای گذشته به رسم الخط امروزی حاصل میشود.

اینکه بطور مثال معلوم شود که ضبط کلمه «کنج» در نسخه‌های خطی را کجا «کنج» و کجا «گنج» بنویسیم يك تصحیح املائی است. در نسخه‌های خطی کهن نشانه اضافه باناشانه یای وحدت و نسبت و خطاب و مصدری بدنبال کلمه‌های مختوم به‌های بیان و اکه یکسان نوشته میشود: «شمة از نفحات نفس یار بیار». در این مصرع به سیاق عبارت و وزن پیدا است که در رسم الخط امروزی باید آن را «شمة ئی از نفحات...» بنویسیم. اما در يك مصرع دیگر از همین غزل «نامه خوشخبر از عالم اسرار بیار»، شعر با هر دو قرائت (نامه خوشخبر و نامه ئی خوشخبر) موزون است و اینجا مسأله تأویل املا به توجه دقیقتری در امر تصحیح نیازمند میباشد.

در يك غزل دیگر به مطلع «ای همه شکل تو مطبوع و همه جای تو خوش...» در بیت دوم، نسخه‌های خطی کهن ضبط کرده‌اند: «همچو گلبرگ طری بود وجود تولطیف». بعضی از کاتبان با توجه به لحن خطاب در همه ابیات و عدم ارتباط پیام غزل به زمان گذشته، چون تصور کرده‌اند کلمه «بود» در مصرع فوق سوم شخص مفرد فعل ماضی از مصدر «بودن» است، آن را بی تناسب یافته و به «هست» تغییر داده‌اند. به بیان دیگر به يك تصحیح ذوقی یا قیاسی دست زده‌اند: همچو گلبرگ طری هست وجود تولطیف». در چاپ قزوینی

هم چنین است. در قرائت ضبط اکثریت نسخه های خطی که «بود» میباشد، شاید دقتی که لازم است این است که از مسیر تأویل املا این کلمه «پود» خوانده شود. «پود» در این مصرع قرینه و موازنه‌ئی ایجاد میکند برای کلمه «سراپا» در مصرع دوم که بمنزله «تار» است:

همچو گلبرگ طری پود وجود تو لطیف
همچو سرو چمن خلد، سرا پای تو خوش

فرهنگ بسامدی واژگان غزل‌های حافظ

از سال ۱۳۵۳ و پس از انتشار چاپ اول «غزل‌های حافظ» به تدوین نگارنده این سطور در جریان بررسی و مقابله نسخه های خطی چنین احساس شد که برای آشنائی به شیوه بیان شاعر تهیه یک فرهنگ بسامدی از واژگان غزل‌های حافظ ضرورت دارد. در فاصله سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ کوششی به کار رفت و دستنویس فرهنگ بسامدی واژگان غزل‌های حافظ آماده گردید. از آنجا که هر اصلاحی در متن غزلها مستلزم تغییراتی در نظم فرهنگ بسامدی نیز میگشت، چاپ و انتشار آن به تأخیر افتاد.

در چاپ سوم دیوان خواجه حافظ شیرازی به اهتمام سید ابوالقاسم انجوی شیرازی که در سال ۱۳۵۸ منتشر شده است، علاوه بر کشف الابیات فهرستی از لغات زیر عنوان «کشف اللغات» نیز ضمیمه این چاپ میباشد.

سال گذشته کتابی زیر عنوان «فرهنگ واژه‌نمای حافظ» به انضمام فرهنگ بسامدی فراهم آورده دکتر مهین دخت صدیقیان و

دکتر ابوطالب میر عابدینی ، تهران : امیرکبیر ، ۱۳۶۶ - منتشر گردید .

چند فرهنگ دیگر نیز در رابطه با غزل‌های حافظ تاکنون انتشار یافته است ، که هر کدام از دیدگاه خاصی به بررسی و توصیف و تفسیر کلام حافظ پرداخته‌اند . این فرهنگها عبارتند از :

- فرهنگ اشعار حافظ (شرح مصطلحات صوفیه در دیوان حافظ) ، تألیف دکتر احمد علی رجائی بخارائی . تهران : زوار ، ۱۳۴۱ .

- واژه‌نامه غزل‌های حافظ ، تألیف حسین خدیو جم . تهران :

نشر ناشر ، ۱۳۶۲ .

- کلك خیال‌انگیز یا فرهنگ جامع دیوان حافظ ، تألیف

دکتر پرویز اهور . تهران : زوار ، ۱۳۶۳ .

دفتر دیگر سانیها در غزل‌های حافظ

از سال ۱۳۰۶ که برای نخستین بار دیوان حافظ به روش تک نسخه‌ئی بر اساس نسخه خطی ۸۲۷ ق انتشار یافت ، هرگاه نسخه‌ئی مربوط به قرن نهم شناسائی شده است اهل ادب و تحقیق توصیه کرده‌اند که آن نسخه چاپ و منتشر گردد . گاهی هم از تلفیق دو یا سه نسخه‌متنی تنظیم شده و انتشار یافته است . در حال حاضر در حدود چهل نسخه خطی مربوط به قرن نهم شناخته شده است و اگر این برنامه ادامه یابد علاقه‌مندان و دوستان حافظ پس از چند سال چهل چاپ مختلف تک نسخه‌ئی ، از دیوان حافظ در اختیار خواهند داشت .

به تجربه ثابت شده است که هیچ نسخه خطی که تاکنون به دست آمده کامل و صحیح و بی عیب نیست و نمی توان گفته اصل حافظ را تمام و کمال تنها از يك نسخه خطی باز یافت.

از سوی دیگر با گسترش میدان بحث و تتبع در اشعار حافظ بر میزان کنجکاو و علاقه مندی جهت دستیابی به متن اصل و صحیح غزل های حافظ افزوده شده است. پژوهشگران، ناقدان، و دوستان اران شعر و ادب در برخورد با بحثها و اختلاف نظرها می خواهند مستقیماً به سندها (که همان نسخه های خطی مربوط به قرن نهم و یا چاپ عکسی آن نسخه ها می باشد) مراجعه کنند.

پژوهنده کنجکاو که در آینده متون چاپی تك نسخه ای حدود چهل نسخه خطی از دیوان حافظ را در اختیار می گیرد، اگر بخواهد ضبط کلمه ای در بیت خاصی را در همه نسخه ها بسنجد، ناچار باید صفحه معین از چهل جلد کتاب را در برابر دید خود بگشاید. یا اینکه در هر کتاب یکی بعد از دیگری آن بیت را بیابد و اختلاف ضبطها را روی کاغذ یادداشت کند.

تا آنجا که میتوان حدس زد در چهل نسخه خطی قرن نهم باید کم و بیش در حدود ده هزار اختلاف در ضبط غزل های حافظ موجود باشد. حال اگر اختلاف ضبط آن مقدار از نسخه های خطی قرن نهم که تا امروز شناخته شده و متن آنها در دسترس است استخراج گردد، از تکرار آنهمه صرف وقت جلوگیری به عمل می آید. کمترین ارزش چنین دفتری این است که بایک نگاه سزیه معلوم می گردد در برابر هر کلمه ای که در يك متن خطی کهن کتابت شده است ضبط

نسخه‌های دیگر از چه قرار است.

اما چنین اقدامی، باید واجد این ویژگی باشد که بتوان به درستی رونویسی ضبط هر نسخه خطی و خالی بودن از غلطهای چاپی قاطعانه اعتماد کرد.

بررسی انتقادی دیگر سانیها در غزلهای حافظ

در انتخاب متن غزلهای حافظ از میان ضبطهای مختلف نسخه‌های خطی، که با اصول نقد ادبی انجام میپذیرد، در مورد تعداد زیادی از کلمات و عبارات دشواری خاصی پیش نمی‌آید. بخصوص هر جا که قرائت منتخب با پشتوانه ضبط اکثریت نسخ نیز تأیید گردد نیازی نیست که دلایل انتخاب و ترجیح متن در برابر نسخه بدل‌های دیگر توضیح داده شود.

در مجموع غزلهای حافظ موارد خاص و معینی هست که در انتخاب متن میان صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد. این موارد شامل کلمات و عباراتی میباشد که قرائت منتخب هماهنگ با ضابطه تأیید اکثریت نسخ نیست. برای اینکه هماهنگی در انتخاب متن در چنین مواردی تسهیل شود، شایسته است که بررسی کافی درباره ترجیح قرائتی معین از میان نسخه‌بدل‌ها، که ضمن کتابها و یا مقالاتی منتشر گردیده است به عمل آید. تردیدی نیست که حاصل بحثها و انتقادها و بررسیها برای فراهم ساختن متن نهائی غزلهای حافظ مغتنم و سودمند خواهد بود.

وقتی دفتر دیگر سانیها در غزلهای حافظ ، و فرهنگ بسامدی
 واژگان حافظ در دسترس باشد ، و بررسی انتقادی دیگر سانیها
 با استفاده از نظریات ارزشمند پژوهشگران ، و سهم مغتنم ناقدان
 در بحث و تبادل نظر، مراحل از پیشرفت را پیموده باشد؛ آنگاه
 میتوان قلم به دست گرفت و به تدوین غزلهای حافظ آغاز
 کرد:

:

:

:

الا یا ایها الساقی ادر کاساً و ناولها ...

پایان مقدمه‌ی بر تدوین غزلهای حافظ

غلطهای چاپی

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۸	۱۹	محمد بن شمس	محمد بن محمد شمس
۶۳	۳	۱۲۳۷	۱۳۲۷
۱۱۰	پاورقی	۱ -	۱ - ۲۹
۱۷۸	۷	«چه حال افتاده»	«چه حال افتاد»

پیوستها :

صفحه يك :

عكس غزل شماره ۲۳۱ از نسخه خطی خلخال مورخ ۸۲۷ قمری که نسخه اساس چاپ، ۱۳۲ شادروان قزوینی بود.

صفحه دو :

عكس صفحه ۱۵۸ چاپ اولیا سمیع که علامه قزوینی در بیت چهارم غزل روی کلمه مسلمان خط کشیده و با مداد سرخ « سلیمان » نوشته است. یادداشت‌هایی با همین مداد در صفحات مختلف و از جمله صفحه ۳۸۳ این کتاب دیده میشود.

صفحه سه :

در حاشیه بسیاری از صفحات این مجلد از دیوان حافظ چاپ اولیا سمیع مطالبی با مداد یا با قلم به خط شادروان قزوینی وجود دارد. بطور نمونه عكس يك صفحه که امضای «محمد قزوینی» را دربردارد در صفحه ۳ پیوست افزوده شد.

صفحه چهار :

دو نمونه از خط يك کاتب شیرازی معاصر حافظ که در ذیل هر دو قطعه نام خود را « شمس الحافظ الشیرازی » و در پایان مثنوی شیرین و خسرو^۱ امیر خسرو دهلوی « محمد بن محمد بن محمد الملقب به شمس الحافظ » رقم زده است. در چند کتاب تصور شده است این نوشته‌ها به خط شمس الدین محمد حافظ است.

ارجاع پیوست ۱ از صفحه ۱۲۱ :

از درج فهرست ضمیمه‌های نارما که در چاپ قزوینی نگاهداری شده است بسبب تلخیص مطالب و اینکه اصولاً موضوع مقایسه اختلاف نسخه بدلها در این کتاب مطمح نظر نبود، صرف نظر شد.

۱- در عبارتی به نقل از روزنامه دوست ایران در لغت‌نامه دهخدا و همچنین در ذیل عكس صفحه‌ئی به خط شمس الحافظ که در جلد دوم کتاب تاریخ نظم و نثر تألیف شادروان سعید نفیسی قید گردیده، نام مثنوی « شیرین و خسرو » سروده امیر خسرو را « خسرو و شیرین » چاپ کرده‌اند. این تذکر که میبایست ذیل صفحه ۶ یا ۷ درج گردد از قلم افتاده است.

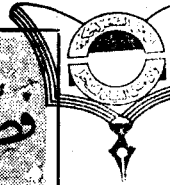
تا ربا و رز و سالوس مسلمان نشود	که چه بر داخته شرایین بنی انسان نشود
جیوانی که تنوشدی اون نشود	رندی آموز و کرم کن که پنجه ان سست نشود
وزنه هر سنگ و کلی لولو و در جان نشود	کو هر پاک بیاید که شود قابل فیض نشود
که بتلیس و جیل و پوسیمان نشود	اسم اعظم بکنه کار خود ایدین نشود
چون هنرهای که موجب جان نشود	عشق می ورزم و امید که این فن شریف نشود
سببی ساز خدا یا که پشیمان نشود	دو شش میکنند که فردا بد هم گام نشود
تا و کر خاطر ما از تو پریشان نشود	حسن خلقی ز خدا می طلبم خوشی نشود
طالب چشمه خورشید درخشان نشود	دوره را تا بنود و منت عالی حاق نشود

و همیشه

پای ازین دایره پروتق تنه تا باشد	هر که را با خط نبوت سر سودا باشد
داغ سودای تو ام پسر سودا باشد	من چو از خاک لاله صفت بر خیزم

کفتم که بسی جام طرب خوروی ازین پیش کفتم که تو ای عمر چرا زود برستی کفتم که بسی خط خطا بر تو کشیدند کفتم که ز دفت سفت بود چنین بود	کفتم که شفا در قبح باز پسین بود کفتم که فلانی چکشم عمر پسین بود کفتم که آن بود که بر لوح چنین بود کفتم که مکر مصیبت وقت چنین بود
کفتم که ز حافظ بچه خجسته شود کفتم که مراد اعیای این بود	۴۴۸
تا ریا در زود و سالوس مسلمان نشود جیوالی که تشو شد می و انسان نشود در نه بر شکست و کلی و تو بر جان نشود که بلبس و جیل و پوشش سلیمان نشود در و ادبی بسبی قابل در مان نشود چون هسرمای و کر و جوب حوان نشود بسبی ساز خدا یا که سپهان نشود تا در خاطر از تو پریشان نشود بی تکلف تن اولایتی قربان نشود	که چه بر و اعط شهر این سخن آسان نشود رندهی آموز که کم کن که نه چنین بستر کو هر پانک باید که شود قابل فغن اسم اعظم کند کار خدای ال فغن در و مندی که کند در و دنان طلب عشق میزد و امید که این فغن بستر دوش میکت که فردا به هم کالم حسن خلقی ز خدا میطلبم روی ترا هر که در پیش بان از سر جان میورند

عکس دو صفحه از يك مجلد دیوان حافظ چاپ اولیا سمیع که علامه قزوینی بعضی کلمات را تصحیح کرده و در حاشیه بسیاری از صفحات مطالبی با مداد یا با قلم نوشته است.



میس ۱۳۷۶
نه تخصصی الی

فصاحتی بجای خط ایمنی و حکمتی و حدیثی
از اجتماعت فی الموقبلین و از کار عکرایس و ایلام
نعمت میرزا محمد
محمد علی محمد
محمد علی محمد
محمد علی محمد
محمد علی محمد

فج خطباتی لشیع
حیدر علی محمد
محمد علی محمد
محمد علی محمد
محمد علی محمد
محمد علی محمد

چو بکشد فروزده راز
چو بکشد و سرآمد ز دکان
نیمه از میان باده باز
کاش غمگینانی تو دانی
کتابه انتقیر محمد بن محمد القلیب بشیر افانده ایمن انه ایوا له
فانالت عید الاولک منه مت و غیب و عید
و ایچسده عا کثیری بیلم
تبیان
۲

نمونه خط یک کاتب شیرازی به نام «محمد بن محمد ملقب به شمس الحافظ»
که معاصر «شمس الدین محمد حافظ» بود.